START

UCLA Reprographic Service

UCLA

REEL 107

UCLA Reprographic Service

UCLA

Microfilmed 1990

University of California
Reprographic Service
Los Angeles, CA 90024-151804

6 inches

Reduction Ratio 10:1

UCLA Reprographic Service

National Preservation Program for Biomedical Literature:

Preservation of Persian and Arabic Medical Manuscripts

Funded in part by the
National Library of Medicine
and the
University of California at Los Angeles

(Contract Number N01-LM-9-3534)

October 1989 - September 1990

The material on this microfilm
is of varying quality. Portions
of the material may illegible due to:

Aged paper
Foxed, stained, or insect
damaged paper
Water damaged paper
Glossy paper
Illegible script or faded ink

Red and purple within the
manuscripts may appear paler.

AIIM

Association for Information and Image Management
1100 Wayne Avenue, Suite 1100
Silver Spring, Maryland 20910
301/587-8202

MS303-1980

Centimeter

1 2 3 4 5 6 7 8 9 10 11 12 13 14 15 mm

1 2 3 4 5

Inches

1.0 1.1 1.25 1.4 1.6 1.8 2.0 2.2 2.5 2.8 3.2 3.6 4.0 4.5 5.0 5.6 6.3 7.1 8.0 9.0

MANUFACTURED TO AIIM STANDARDS
BY APPLIED IMAGE, INC.

Los Angeles,
University of California

Louise M. Darling Biomedical Library

History and Special Collections
Division

Persian Medical Manuscript Collection

(Shelved as Ms Collection 60)

For permission to publish, or obtain
copies of microfilm, write to:

History and Special Collections Division
Louise M. Darling Biomedical Library
University of California, Los Angeles
Los Angeles, CA 90024-1798
U.S.A.

*Ms.
coll.
no.60
RARE

Persian medical manuscripts. -- ca. 1100-ca. 1900.

150 v. ; 15 x 8-38 x 24 cm.

Entire collection microfilmed as part of a National Library of Medicine preservation project: the preservation master negative is at NLM; the printing master negative is at the University of California's Southern Regional Library Facility; a positive copy is housed in the UCLA Biomedical Library's History Division.

Formerly a part of: Near Eastern manuscript collection, Dept. of Special Collections, University Library, University of Califonia, Los Angeles, and assigned accession no. 1117. Transferred to the History Division of the UCLA Biomedical Library in

CLU-M ejf 891113 CLUHsl SEE NEXT CRD

*Ms.
coll.
no.60
RARE

Persian medical manuscripts. ... ca. 1100-ca. 1900. (Card 2)

March, 1986.

Finding aids: Annotated and indexed list available in library: Richter-Bernburg, Lutz, Persian medical manuscripts at the University of California, Los Angeles : a descriptive catalogue (Malibu : Undena Publications, 1978)

1. Medicine, Arabic. 2. Manuscripts, Medical. I. University of California, Los Angeles. Louise M. Darling Biomedical Library. History and Special Collections Division. II. Series: Near Eastern manuscript collection ; no. 1117.

CLU-M ejf 891113 CLUHsl

Persian Medical Manuscript Collection

Ms. 109

(Richter-Bernburg No. 92)

Author: Moẓaffar b. Moḥammad al-Ḥosainī "Shefāʾī"

Title: [Qarābāẕīn]

160 fols., 245 x 130 mm

Loose material filmed at end of manuscript

Coll. 1117
MS 109

vollständig

(1)

319

15 lines
nasta'liq
red titles
(Stichworte)

Schriftarten

p. 2: Verf.:
Mozaffar b. Moh. al-Hosayni ash-Shefâ'i:
"Ketâb-e adwiyeh." (Heilmittel)
(alphabetisch)

p. 319 (end):
dated Safar 1126 H. (in words)
= 1714 A.D.

250 x 140 mm
(180 x 80 mm)

1389
1126
263
1969
25
1714

THE LIBRARY
OF
THE UNIVERSITY
OF CALIFORNIA
LOS ANGELES

بسم الله الرحمن الرحیم وبه نستعین

الحمد لله الحکیم العلیم والصلوة علی ولی الحکمة والکتاب
الکریم وهو یشفی بلطفه السقیم وانه لعلی خلق
عظیم وآله الهادین الی صراط مستقیم وبعد پوشیده
نماند که فقیر حقیر مظفر بن محمد حسینی الشفائی [illegible] مدید
ترکیبی چند که در معالجات امراض [illegible] بود جمع
کرده بود خواست در سلک تحریر آورد و بعضی از مرکبات
مناسب هر باب از کتب موثوق و معتمد علیها حکماء
متقدمین و متاخرین منتخب و مترجم نموده بالفاظ [illegible]

2

٣

گرد و تا کتاب جامع و مستغنی از سایر قرابادینات باشد
و به ترتیب حروف تهجی مرتب ساخت مامول از کرم
کرام آنکه چون بر سهوی اطلاع یابند برقم شفقت اصلاح
فرمایند و این کمینه مع قلت بضاعت والاعتراف بالعجز
والجهل را بدعای خیر یاد فرمایند والله ولی الهدایة والخیر
من عنده وبه الاعانة باب الالف انوشدارو
اعتصاری [illegible] را قوت دهد و خفقان و تفرح نافع باشد
و فرح آورد و لون را نیکو گرداند و بوی دهن و عرق خوش
گرداند و اشتهاء طعام آورد و پس از طعام و پیش از طعام
توان خورد صفت آن گل سرخ شش درم سعد کوفی بخور مریم
قرنفل مصطکی اسارون سنبل الطیب از هر یک سه درم
قاقله کبار و صغار زرنب بسباسه جوز بوا اوقره زعفران از
هر یک ده درم آمله مقشر یک رطل قند و عسل مصفی صد و
هشتاد مثقال آمله را در شیر خیسانند یک شبانه روز
پس بشویند و در سه رطل آب بجوشانند تا مهرا شود و از [illegible]

غربال بیرون کنند و با قند و عسل صاف بقوام آورند
و ادویه کوفته و بیخته با آن بسرشند انوشداروی لولوی
تقویت قلب کند و معده و دماغ را قوت دهد صفت آن
مروارید ناسفته بسد یشب سعد کوفی اذخر از هر یک دو
مثقال عود خام سه مثقال نیم طباشیر و ساذج هندی و سنبل و
گل ارمنی ابریشم مقرض از هر یک سه مثقال زعفران ده
مثقال عنبر اشهب نیم مثقال شیر آمله سی مثقال عسل و قند
سه وزن ادویه ترکیب کنند ارسطوی صغیر نافع از
جهت سل و وجع بطن و تپهای مختلفه و ربع و قولنج و وجع رحم و
برقان و بدن صفت آن افیون مصری چهار درم انیسون فلفل
از هر یک ده درم عاقرقرحا سه درم جماماست ده درم سلیخه
چهار درم زعفران سه درم کوگرد زرد ده درم فیون
سه درم سنبل الطیب ده درم عسل صاف بقدر احتیاج
ادویه را کوفته و بیخته چنانچه رسم است بعسل معجون سازند
شربتی یکمثقال انقردیا که نافع است از جهت فالج و استرخا

و قولنج و لقوه و دماغ را از اخلاط ردیه پاک سازد و ذهن را
تیز کند و عقل را زیاد کند صفت آن سنبل سلیخه ساذج هندی
مورد زعفران درمنه ترکی افیتمون فقاح اذخر ریوند چینی
حب بلسان قرنفل از هر یک دو درم حب الیان مقشر
و زنجبیل هر یک یکدرم و مصطکی و عسل بلادر و فلفل هر یک
سه درم عاقرقرحا فربیون دو درم صبر سقوطری ده درم ابرسا
بیست درم پوست بیخ رازیانه سه رطل سرکه کهنه نه رطل
پوست بیخ رازیانه را سه شبانه روز در سرکه خیسانند و
پس بجوشانند و بعد از سه چهار جوش از آتش فرود گیرند
و آن سرکه را صاف کرده در دیگ ریزند و با سه رطل و
نیم عسل صاف کرده به آتش نرم بجوشانند تا بقوام آید و ادویه
را کوفته و بیخته با آن ممزوج سازند و بعد از شش ماه تمام
استعمال نمایند شربتی یکدرم با آب نیم گرم اثقرفیلای کبیر
فالج و لقوه و صرع و نسیان و جمیع امراض بلغمی را نافع باشد
و قاصمه را قوت دهد و باه را زیاده کند صفت آن عاقرقرحا

شونیز قسط فلفل دار فلفل وج از هر یک ده درم سه آب

جلبیا تا حلتیث زراوند مدحرج حب الغار جند بیدستر

شیطرج هندی خردل از هر یک پنج درم عسل بلادر چهار درم

ادویه و عسل صاف را بهم بسرشند و بعد از شش ماه استعمال نمایند

شربتی یک مثقال اطریفل صغیر منافع آن قریب بنافع

کبیر است صفت آن هلیله سیاه پوست بلیله آمله مقشر از

هر یک شش درم سعد کوفی سنبل الطیب کندر وج فلفل زنجبیل

عسل بلادر از هر یک پنج درم دارو ها کوفته و بیخته بروغن

گاو چرب کنند و با عسل بلادر و سه وزن عسل صاف بسرشند

و بعد از شش ماه استعمال کنند اطریفل دیگر پیران را

نافع باشد و سیاهی موی را محافظت کند صفت آن هلیله

سیاه پوست بلیله آمله مقشر از هر یک سی و شش درم

شونیز بیست درم طباشیر و سعد و عسل بلادر از هر یک شش

درم مال هفت درم فلفل دار فلفل و زنجبیل فلفلموبه افیون

از هر یک ده ده درم شش درم تا پنج ... را در آب

گرم

گرم بگدازند و ادویه کوفته و بیخته و عسل بلادر بدان مخلوط کنند

و بعد از شش ماه استعمال نمایند اطریفل دیگر مصروع را

بغایت نافع باشد صفت آن پوست هلیله کابلی پوست

بلیله آمله مقشر گشنیز خشک اسطوخودوس از هر یک پنج درم

جندبیدستر از هر یک یکدرم عود خام زنجبیل صعتر و عسل بلادر

ملکی

سه درم عسل صاف سه وزن ادویه بطریق مشهور معجون

سازند امرود سیاه جگر و سپرز را سود دارد و سده بگشاید

و بول براند و سنگ گرده و مثانه پاک کند و در ابتدای استسقا

نافع باشد صفت آن زیره کرمانی و وج و عود بلسان سلیخه

قردمانا فقاح اذخر تخم کرفس از هر یک یکدرم قسط فلفل دار

فلفل از هر یک پنج درم قند صاف سه درم حب الغار ده

عدد وج زعفران از هر یک دو درم کوفته و بیخته بعسل بسرشند

شربتی مقابل یک فندق با آب گرم نافع بود اطفال انسیاء

کبری او جاع کبد و طحال و معده و سهال بلغمی و سعال و رمد

و دق الدم و صداع و وجع کلیه و مثانه و درد و سپرز را نافع باشد

5

و بادها بشکند و درد مهاتسکین کند صفت آن فرفیون زعفران
چند بید ستر بزر البنج قسط قرو با خشخاش غافث شلخ
رات بر سوخته جگر گرگ خشک کرده مجموع مساوی باشد
آنچه کوفتنی باشد بکوبند و آنچه گداختنی باشد در شراب بگدازند
و با عسل مصفی معجون سازند و بعد از شش ماه استعمال نمایند
شربتی نیم مثقال با یکدرم آب سیب اثاناسیاء صغری
منافع آن قریب بمنافع کبری است صفت آن میعه زعفران قسط
سنبل افیون سلیخه از هر یک چهار درم عصاره غافث
هشت درم اصل السوس دوازده درم کوفته و بیخته با عسل معجون
سازند و شربتی مقدار یکفندق و در نسخه دیگر عود بلسان
و مر از هر یک چهار درم اضافه نموده اند اطریفل کبیر بواسیر را
نافع باشد و لون را نیکو کند و معده و امعاء و مثانه را قوت
دهد و طعام را هضم کند صفت آن هلیله سیاه پوست هلیله بلیله
کابلی آمله مقشر فلفل دار فلفل از هر یک سه درم زنجبیل [illegible]
بوزیدان شیطرج هندی شقاقل تودری سرخ و زرد لسان

العصافیر تخم حب الفلفل کنجد مقشر خشخاش سفید بهمن
از هر یک ده درم کوفته و بیخته بروغن بادام و روغن گاو چرب
کنند و بعسل سرشته و بعد از دو ماه استعمال نمایند
اطریفل صغیر استرخاء معده و بواسیر را نافع باشد و ذهن
را نیکو کند و لون را صافی گرداند صفت آن پوست هلیله کابلی
بلیله پوست هلیله زرد و سیاه آمله مقشر مساوی کوفته
و بیخته و بروغن بادام چرب کنند و سه چند مقدار آن عسل سرشته
شربتی دو درم اطریفل کشنیزی معده را قوت دهد و درد سر
و درد چشم و درد گوش را که بسبب آن بخار باشد نافع بود
صفت آن اسطوخودوس پوست هلیله کابلی پوست بلیله هلیله
سیاه از هر یک پنج مثقال آمله منقی کشنیز خشک مساوی
کوفته و بیخته بروغن گاو چرب کرده با سه چند مقدار عسل سرشته
و بعد از دو ماه استعمال نمایند اطریفل مقل جهت بواسیر
عظیم نافع باشد صفت آن پوست هلیله زرد آمله منقی پوست
بلیله از هر یک ده درم مقل سه درم مقل را در آب کنند تا بگدازد

وشصت مثقال عسل اضافه کنند و بجوشانند تا بقوام آید
داروها کوفته و بیخته با آن بسرشند اطریفل مقل ملین طبع را نرم
کند و بواسیر را نافع باشد صفت آن پوست هلیله کابلی و بلیله
هلیله سیاه آمله مقشر افتیمون اسطوخودوس از هر یک ده درم
مقل و فلوس خیار شنبر از هر یک سی درم مقل و فلوس را در آب
کنند تا حل شود و با عسل بقوام آورند و داروها کوفته و بیخته بروغن
بادام چرب کرده معجون سازند اطریفل دیدان کرمهای بزرگ
و خورد و حب القرع را بکشد صفت آن برنگ کابلی ده درم تربد حب
النیل قسط تلخ از هر یک پنج درم قنبیل درمنه ترکی افتیمون نمک
نفطی جوز دل شحم حنظل سعد برنجاسف از هر یک سه درم کوفته و بیخته
با دو مقدار آن عسل بسرشند شربتی از دو مثقال تا چهار
مثقال بحسب مزاج نافع باشد اطریفل نوع دیگر پوست هلیله
زرد و پوست هلیله کابلی هلیله سیاه آمله مقشر از هر یک پنج درم
تربد سفید هفت درم مصطکی سه درم مقل ازرق در روغن
بادام از هر یک هشت درم عسل نیم من آب کنند تا بقدر حاجت

مقل را در آب کنند تا حل شود و داروها را کوفته و بیخته بروغن
بادام چرب سازند و با عسل بقوام آرند و معجون سازند شربتی
هر شب دو مثقال اطریفل افتیمونی بیماریهای سوداوی را عظیم
نافع باشد و سیاهی موی را نگاه دارد تا زود سفید نشود صفت
آن پوست هلیله کابلی پوست بلیله آمله از هر یک ده درم سنا
مکی تربد سفید افتیمون از هر یک پنج درم شیطرج هندی سه درم
بسفایج فستقی یک درم انیسون و نمک از هر یک دو درم کوفته و بیخته
بعسل بسرشند شربتی یک مثقال تا چهار درم اطریفل غددی خناق
و خنازیر را سود دارد صفت آن هلیله سیاه یازده درم هلیله آمله
تربد سفید هر کدام هفت درم غدد که در گردن گوسفندی می باشد
خشک کرده از هر یک پنج درم افتیمون ده درم بسفایج فستقی اسطوخودوس
سنا مکی از هر یک هفت درم شیطرج هندی زرنباد غاریقون
نوشادر از هر یک سه درم انیسون مصطکی حیربوا قرنفل جوز بوا
سنبل قرفه از هر یک دو درم کوفته و بیخته بعسل بسرشند شربتی پنج درم
اطریفل اسطوخودوس هلیله پنج مثقال آمله پنج مثقال سنا مکی پنج مثقال

پوست هلیله زرد پنج مثقال هلیله سیاه پنج مثقال تربد سفید پنج
مثقال بسفایج فستقی پانزده مثقال مصطکی پنج مثقال کشمش بیست
و پنج مثقال بروغن بادام بیست و پنج مثقال اسطوخودوس پنج مثقال
افتیمون پنج مثقال عسل کف گرفته بقدر حاجت اطریفل ماهان
بهق سفید و برص را سود دارد و سیاهی موی را نگاه دارد و دماغ را
بلغم را نافع باشد صفة آن پوست هلیله کابلی بیست درم پوست
هلیله آمله مقشر از هر یک ده درم هلیله کابلی مقشر پانزده
درم شیطرج هندی زنجبیل از هر یک سه مثقال ساذج پنج درم بسفایج
اسطوخودوس از هر یک هفت درم غاریقون بنفشه شش درم تربد سفید
شش درم قسط سه درم مصطکی کندر افتیمون قرنفل جوزبوا
از هر یک دو درم فلفل دارفلفل [illegible] مشک از هر یک چهار درم کوفته
و بیخته بعسل سرشته شربتی از سه درم تا چهار درم اطریفل
دیگر عرق بدنی را سود دارد و اگر ده روز استعمال کنند بینائی باده
این علت را پاک کند صفة آن پوست هلیله کابلی پوست هلیله
آمله مقشر تربد سفید زنجبیل قرنفل مساوی کوفته و بیخته بروغن بادام

چرب کنند و بعسل سرشته شربتی سه درم ایارج فیقرا
اعضا و غذا را پاک کند و فضول را از دماغ فرود آورد و لقوه و
گرانی زبان و استرخاء مثانه و معده و سایر اعضا و اوجاع مفاصل
و قولنج را نافع باشد صفة آن سنبل دارچینی عود بلسان حب
بلسان سلیخه مصطکی اسارون زعفران از هر یک جزوی صبر
سقوطری دو وزن ادویه دیگر شربتی دو درم بعسل و آب گرم
ایارج لوغاذیا صرع و مالیخولیا و فالج و سکته و رعشه و لقوه
و تشنج و جذام و داء الفیل و برص و بهق و قوبا و سعفه و صداع و
شقیقه و دوار و صمم و شهوة کلبی و عسر النفس و درد گرده
و مثانه و نقرس و مفاصل و عرق النسا و درد گوش و چشم و
داء الثعلب و داء الحیه و ریشهای کهن بدن را نافع باشد و قبض
بگشاید و این مسهل مبارک است و اسهال او بی زحمت باشد
صفة آن شحم حنظل پنج درم پیاز عنصل مشوی غاریقون سقمونیا
خربق سیاه افسنتین اسقوردیون از هر یک چهار درم و نیم افتیمون
کمادریوس مقل صبر از هر یک سه درم حاشا هیوفاریقون ساذج هندی

فراسیون جعده سلیخه فلفل سفید و سیاه دارفلفل زعفران دارچینی
بسفایج جاوشیر مر سکبینج جند بیدستر فطراسالیون زراوند گرد
سنبل عصاره افسنتین فرفیون سنبل حاما مرزنجوش از هر یک دو درم
خطیانا اسطوخودوس از هر یک یکدرم و نیم کوفته و بیخته بعسل سرشته
شربتی تمام چهار مثقال با آب گرم و عسل بعد از شش ماه استعمال
نمایند ایارج لوغاذیا بنسخه نافع متعارف هر دو ترتیب یکدیگر آمده
صفت آن شحم حنظل سقمونیا صبر از هر یک پانزده درم بصل الفار مشوی
درم افتیمون غاریقون خربق سیاه از هر یک ده درم اما شا
دو درم مر افسنتین بسفایج سلیخه از هر یک هفت درم دارفلفل
دارفلفل سنبل زعفران دارچینی فطراسالیون از هر یک چهار
درم جاوشیر سکبینج عصاره افسنتین اسطوخودوس کمادریوس
اسقوردیون هر یک پنجدرم زنجبیل جند بیدستر زراوند طویل خطیانا
دو درم از هر یک ... کوفته و بیخته بعسل سرشته بعد از
شش ماه استعمال ... شربتی چهار درم تا یکدرم ...
مطبوخ افتیمون ایارج جالینوس نفع آن از لوغاذیا بیشتر است

لقوه و فالج و تشنج و استرخا و مثانه و امراض بلغمی و سهو و کوری
را نافع باشد و سلس البول را باز دارد و اخلاط غلیظه لزجه را
از بدن پاک کند صفت آن شحم حنظل غاریقون بصل الفار مشوی
سقمونیا خربق سیاه فرفیون ... غاریقون از هر یک شانزده
درم بسفایج کمادریوس افتیمون سلیخه از هر یک هفت درم جعده
سکبینج زراوند طویل و مدحرج فلفل سیاه و سفید دارفلفل
فلفل و دارچینی جاوشیر جند بیدستر فطراسالیون از هر یک چهار
درم کوفته و بیخته بعسل سرشته شربتی چهار مثقال اغبر لولوی جرب
و سبل و شرناق و ضعف بصر را نافع بود صفت آن توتیای کرمانی شسته
و شبج محرق مغسول از هر یک ده درم مروارید ناسفته سنبل درم نبات
پنجدرم صلایه کرده استعمال نمایند اکثیرین که قرحه و مواد شبج را
نافع بود صفت آن سفید آب ارزیز هشت درم اقلیمیا نقره
و صمغ عربی از هر یک چهار درم روی سوخته یکدرم نشاسته و کثیرا
از هر یک دو درم صلایه کرده استعمال نمایند و اکثیرین دیگر همین
منفعت دارد صفت آن شادنج مغسول سه درم نشاسته اقلیمیا نقره

8

افیون سنبل رومی اصفهانی از هر یک یکدرم صمغ عربی انزروت از هر یک
دو درم سفیداب ارزیز هشت درم صلایه کرده استعمال نمایند
آبکامه معده را قوت دهد و بلغم را دفع کند و اشتهای طعام آورد
صنعت آن نان تازه گرم در کوزه بگذارد تا سبز شود و بعد از آن
در سرکه خمیر کنند و در آفتاب نهند تا ده روز سرکه بر سر آن
میریزند و ده روز دیگر دوشاب خمیر آن تازه کنند بعد از آن
ادویه گرم کوفته و بیخته بر سر آن کنند و چون خواهند که آبکامه
بر طریق بکنند از این خمیر بمقدار یکمن بگیرند و ده من سرکه کهنه بر
آن کنند و کیسه پر از ادویهای گرم و نیم کوفته دران اندازند
و چهل روز در آفتاب نهند بعد از آن استعمال نمایند باب
باد مهره پرورده معده و جگر و رحم و احتباس حیض را نافع باشد
و ریاح غلیظ را دفع کند و سده جگر و سپرز بگشاید صنعت آن
زرنباد درونج عقربی افیون جندبیدستر عاقرقرحا فلفل دارفلفل
سلیخه از هر یک درمی میویزج بزرالبنج قسط البحری جاوشیر زعفران
از هر یک شش درم حلبه هشت درم بازرد از هر یک دوازده درم

[illegible] تا سرشته دو وزن عسل و دو وزن ادویه بطریق متعارف
معجون سازند برشعثا نسخه شیخ ابو علی سینا زکام و
نزله را نافع باشد و اوجاع را ساکن کرداند و قطع خون رفتن
کند صنعت آن فلفل سفید بزرالبنج از هر یک بیست مثقال افیون ده
مثقال زعفران پنج مثقال سنبل الطیب عاقرقرحا فرفیون از هر یک
مثقال کوفته و بیخته باشد وزن آن عسل سه برسرشند و بعد از شش ماه
که در میان جو نهاده باشد استعمال کنند بنادق بزور جهت حرقت بول
و قروح کلیه و مثانه و عسر بول را نافع باشد صنعت آن مغز
تخم خربزه ده درم مغز تخم خیارین پنج درم مغز تخم کدو بزرالبنج
تخم خرفه تخم خطمی مغز بادام مغز کثیرا و نشاسته رب السوس
خشخاش سفید گل ارمنی تخم کرفس از هر یک دو درم بکوبند و بنادق
سازند شربتی سه درم بشراب خشخاش بنادق کندری
و آب اسهال معده را نافع باشد صنعت آن مازوی سبز یکدرم کندر
و کزمازج از هر یک پنج درم افیون چهار درم حب الآس ده درم
کوفته و بیخته بنادق سازند هر یک دو دانگ بنادق دیگر معفص

ووجع قولنج مراری را تسکین دهد صفت آن تخم کاهو تخم خرفه افیون
مساوی کوفته بلعاب بذر قطونا سرشته بنادق سازند هر یکی دو
دانگ بنادق دیگر وجع قولنج را باز دارد و تسکین دهد صفت آن
جند بیدستر شونیز نانخواه کمون افیون مساوی کوفته و بیخته بنادق
سازند نسخه‌ای از ترکیب حکمای هند است و از جمله جدام عظیم النفع
صفت آن هلیله سیاه شیطرج هندی از هر یک ده درم دار
فلفل یکدرم پوست فلفل سفید دو درم و نیم کوفته و بیخته بروغن گاو چرب
کنند و بعسل معجون سازند شربتی یکمثقال بزرعلی ابن زکریا نیز
از هندیان است و همان خاصیت دارد صفت آن هلیله سیاه بلیله
آمله نانخواه شیطرج از هر یک چهار درم جوزبوا خیربوا اقستون کبیذر
موفو فلفل دار فلفل نار مشک کندش عصاره اصل سادج
از هر یک هشت مثقال بسباسه چهار مثقال کوفته و بیخته نمایند
معجون سازند شربتی یک مثقال کافی باشد برود دحصرم
جرب و سیاحی و دمعه و سلاق و سبل و ظفره را نافع باشد
صفت آن توتیای کرمانی مغسول ده درم پوست هلیله زرد زنجبیل زرد

چوبه از هر یک یکدرم دار فلفل مامیران چینی از هر یک سه درم
نمک هندی یکدرم کوفته و بیخته بیست روز در آب غوره بپ
پرورند و در سایه خشک کنند و دیگر باره کوفته و بیخته استعمال
نمایند برود بنفشه جرب را نافع است صفت آن بنفشه گشنیز
خشک بریان کرده صمغ عربی کتیرا از هر یک یکدرم نشاسته سه درم
کوفته و بیخته پنج نوبت در سه که برورند و خشک کنند دیگر باره
بسایند و بحریر بیخته استعمال نمایند برود دیگر قرحه و سرخی را
نافع باشد صفت آن سفید آب ارزیز پا برده ده درم اقلیمیا ده
درم صمغ عربی هفت درم و نیم شادنج مغسول روی سوخته نشاسته
افیون از هر یک دو درم صلایه کرده استعمال نمایند برود دیگر
استخوان هلیله کابلی سوخته سه درم نمک اندرانی مارو از
هر یک یکدرم و نیم کوفته و بحریر بیخته استعمال نمایند جهت قوت
باصره و غیره برود پارسی قوت باصره بیفزاید و ظلمت چشم
کم کند صفت آن توتیا مرقشیشا اقلیمیا نقره از هر یک نیم درم سنبل
ساذج زعفران از هر یک یکدرم مروارید ناسفته دو درم کافور

دو دانگ مشک دانگی صلایه کرده استعمال نمایند برود اثر جرب چشم را
خشک کرداند و سوزش را باز دارد صفت آن شادنج مغسول
ده درم روی سوخته پنجدرم مروارید ناسفته یکمثقال و دو
دانگ نبات یکدرم صلایه کرده استعمال نمایند برود سبل و دود
و دمعه باز دارد و بیاض را ببرد صفت آن سرمه و توتیا
مغسول از هر یک دوازده درم مروارید ناسفته ده درم ساذج
هندی یکدرم زعفران نیمدرم مرقشیثا هشت درم مشک و
کافور از هر یک دانگی صلایه کرده استعمال نمایند برود
باسلیقون کبیر تاریکی چشم و ابتدای آب و دمعه و جرب
و سبل و ظفره و شرناق را نافع باشد صفت آن کف دریا اقلیمیا
نقره از هر یک ده درم نمک اندرانی ساذج هندی سفیداب
ارزیز فلفل دارفلفل سنبل الطیب سرمهٔ اصفهانی از هر یک
دو درم نمک هندی قرنفل دار الم از هر یک یکدرم صبر سقوطری
عصارهٔ مامیثا مس سوخته از هر یک پنجدرم مامیران چینی
مرانوشادر زرد چوبه از هر یک سه درم پوست هلیله زرد چهار

درم کوفته و بحریر بیخته استعمال نمایند باسلیقون صغیر منافع
آن قریب بمنافع کبیرست صفت آن اقلیمیای نقره پنجدرم روی
سوخته دو درم و نیم و سفیداب ارزیز و نمک اندرانی و
نوشادر جعده فلفل دارفلفل از هر یک نیمدرم کوفته و بحریر
بیخته استعمال نمایند بنفسجی تاریکی چشم و دمعه و جرب
و حکه را نافع باشد صفت آن شادنج مغسول دو درم دم
الاخوین دانگی روی سوخته دارفلفل سنبل الطیب از هر یک
پنجدرم ساذج هندی دو دانگ قاقله و مشک از هر یک دانگی
کافور نیم دانگ کوفته و بحریر بیخته استعمال نمایند بر یوما رمد را
نافع باشد و ضربان بنشاند و ردع ماده کند و چشم را هم از
درد زود باصلاح آورد صفت آن شیاف مامیثا انزروت
از هر یک هشت درم کثیرا یکدرم زعفران دو درم افیون
نیمدرم کوفته و بحریر بیخته با آب باران سرشته و در وقت
حاجت بسفیده تخم مرغ حل کنند و استعمال نمایند بخوری که
زکام و نزله باز دارد سود دارد صفت آن کندر میعه یابسه قسط

سرشته شوند و سپس جمله را کوفته و بیخته گلولها سازند و بر آتش
نهند و سر بر بالای آن بدارند بخوری که نزله و زکام حار را
نافع باشد صفت آن سبوس گندم آرد جو آرد باقلا
صندل سفید گل سرخ بنفشه گل کدو از هر یک یکدرم کافور
دانگی کوفته و در سرکه خیسانیده و خشک کرده دیگر باره
کوفته و بیخته بگلاب سرشته حبها زنند و در وقت حاجت
بر آتش نهند و سر بر بالای آن بدارند بخوری که مقوی قلب
و دماغ است و خفقان و غشی و ضعف حواس را نافع است
صفت آن عود هندی قسط سنبل صندل سفید از هر یک یکدرم
مشک و کافور از هر یک نیم درم کوفته و بیخته بگلاب سرشته
و گلولها سازند و بخور کنند بخوری که بجهت آبستنی معین باشد
صفت آن میعه سایله بارزد حب الغار مساوی کوفته
و بیخته بعسل سرشته و بعد از طهر سه روز متوالی هر روز
یکدرم از آن بخور کنند و بعد از آن مباشرت نمایند بخور دیگر
همین خاصیت دارد صفت آن سداب خشک کوفته و با موم آمیخته

بخور آبستنی معین

بلنم

و نیم خرگوش لب سرشته و بخور کنند بخوری که مشیمه و بچه
مرده را بیرون آورد صفت آن مر بارزد جاوشیر کوکرد مساوی
کوفته و بیخته بزهره گاو سرشته گلولها سازند و در زیر
طغار سوراخ دار دود کنند و فرج را بر سر آن سوراخ نهند
بجهت جوارشی که برودت معده و جگر و وجع ظهر و مفاصل
و قولنج و لقوه و نسیان و وجع کلیه را نافع باشد و لون را
صافی گرداند و بوی دهن خوش گرداند و معده و باه را
قوت دهد و حفظ را زیاد کند و بول براند و بادها بشکند
صفت آن آب انگور رسیده صد من و گوشت تغلی فربه
پخته بیست من عود خام ده درم جوزبوا زعفران مصطکی
خولنجان از هر یک پنج درم سلیخه یکدرم جوزبوا کبابه زرنباد
قرنفل سعد بسباسه از هر یک سه درم زنجبیل دارچینی سنبل الطیب
عاقرقرحا از هر یک یکدرم عسل ده رطل گوشت را در آب
انگور بجوشانند تا مهرا شود و ادویه را نیم کوفته در کیسه کنند
و در کیسه را نرم به بندند و در آن اندازند و هر لحظه بدست میمالند

ویک رطل کلاب اضافه نمایند و صاف سازند و در خم
ریزند و بعد از شش ماه استعمال کنند و اگر خواهند مرغ و کبوتر
و بچه کبک و امثال اینها اضافه نمایند و از گوشت گوسفند
چیزی کم کنند باب التاسع تریاق فاروق آنرا
تریاق کبیر گویند و منفعت گزیدن افعی و عقرب و رتیلا
و سگ دیوانه و همه جانوران زهردار دفع کند و دافع همه
مضرت زهرهای کشنده است و جذام و فالج و صرع و سکته
و لقوه و رعشه و مالیخولیا و ضیق النفس و خفقان سوداوی و حمی
بلغمی و استسقا و یرقان و سده و دوار و صداع و قولنج بلغمی
و درد گرده و مثانه را سود دارد و سنگ گرده و مثانه را بریزاند
و سده جگر و سپرز را بتحلیل دهد و حیض را براند و [illegible]
و بادهای غلیظ که در احشا باشد دفع کند و ورم صلابت
جگر و سپرز را تحلیل دهد و [illegible] را باز دارد و حب القرع را
دفع کند و شهوت کلبی را نفع و حمیات بلغمی و سوداوی و ربع
جمیع امراض سوداوی و بلغمی را نافع باشد و حرارت غریزی را

برافروزد و روح را قوت دهد و باه را برانگیزاند اما مقدار
شربت تریاق کبیر در هر مرض آن است که در سرفه
کهنه و درد سینه و پهلو که سبب آن باد غلیظ یا بلغم
باشد مقدار یکدانک ترمس با ماء العسل دهند و از جهت
گزیدن مار و عقرب و سگ دیوانه و رتیلا یک مثقال
در شراب دهند و در زنبور گزیده در سرکه دهند و
در سرکه حل کرده بر موضع مالند و از جهت دفع مضرت ادویه
سمیه مثل افیون و شوکران و فرفیون و [illegible] و امثال اینها
در شراب دهند و در یرقان سددی یکترمس در طبیخ
اسارون دهند و در استسقا یکفندق با سرکه ممزوج دهند
و از جهت فالج و لقوه و رعشه در ماء الاصول دهند و از جهت
جذام در ماء الجبن دهند و صداع و حب القرع را در طبیخ [illegible]
دهند و در نافض حمیات بلغمی و سوداوی یکترمس با آب
گرم یا شراب دهند و در قولنج و نضج معده و ضعف ریحی و
سقوط شهوت و ربو و انقطاع صوت و برص یکترمس بماء العسل

یا شراب دهند و در ضیق النفس سکنجبین عنصلی و در صرع و صداع
شقیقه بکتر مس با آب گرم دهند و ضماد نهند هفته ای دو دانگ
بشراب سیب دهند از جهت احتباس طمث و اخراج جنین
میت در طبیخ ابهل یا سکنجبین با سداب دهند
و در جمیع امراض اندک یک طسوج و بسیار آن یک مثقال باشد
صفت آن اقراص عنصل جبلی و هشت مثقال اقراص افعی اقراص
اندروخون و فلفل سیاه و افیون دو دارچینی از هر یک بیست و
چهار مثقال ورق گل سرخ تخم شلغم بری توم بری ایرسا
غاریقون رب السوس روغن بلسان از هر یک دوازده مثقال
مر مکی زعفران زنجبیل راوند چینی فطراسالیون فو ونج فراسیون
فطراسالیون قسط فلفل سفید اسطوخودوس دار فلفل سنبل الطیب
کندر مقل اذخر صمغ البطم سلیخه سنبل جنده از هر یک شش مثقال
میعه سائله تخم کرفس سیسالیوس جعده بابلی کمادریوس کما
فیطوس نانخواه عصاره لحیة التیس ناردین ساذج موم
جنطیانا زراوند دراز بانه گل مختوم زاج محرق حماما و حب بلسان

هیوفاریقون صمغ عربی قردمانا افسنتین اقاقیا از هر یک چهار
مثقال جندبیدستر دو قوقیه مقل الیهود جاوشیر قنطوریون
دقیق زراوند مدحرج سکبینج از هر یک دو مثقال عسل کف گرفته
چاشنا باشد و دو رطل شراب ریحانی و هشت رطل پروزن
بجوشاند که هر رطل از آن بوزن مثقال بود صمغها را و عصارها و اقراص
در شراب خیسانند تا حل شود و عسل بعد از آن کف گیرند و
یکشبانه روز بگذارند بعد از آن ادویه را کوفته و بیخته بعسل
بلسان چرب کنند و در یکدیگر بسرشند و بعد از چهار ماه بلکه
شش ماه استعمال کنند و بعضی گفته اند پیش از یکسال استعمال
نباید کرد و بعضی گویند بعد از دوازده سال استعمال باید کرد و بعضی
گویند آن زمان در غایت خوبی و قوت باشد تا سی سال و چون
از سی سال گذشت تا شصت سال قوت او باقی باشد و بعد از
شصت سال حکم آن حکم معاجین کبار باشد از جمله جمیع امراض
مذکوره نافع است الا دفع سموم و گزیدن جانوران و تریاق
گل مختوم کسی را زهر داده باشند این تریاق بدهند قی آورد و

واگر مذلوه باشند صفت آن گل مختوم و حب الغار وابهل سا
مساوی کوفته و بیخته و بروغن گاو چرب کنند و بعسل بسرشند
شربتی مقابل یکفندق تریاق اربعه دفع مضرت گزیدن جانوران
زهرناک کند و بادها بشکند و قولنج بگشاید و اخراج جنین میت
کند و تسهیل ولادت کند و جمیع امراض بارده را نافع باشد صفت
آن جنطیانا حب الغار زراوند طویل مر مکی مساوی کوفته و بیخته
بعسل معجون سازند شربتی یک مثقال با آب گرم تریاق ثمانیه بعد از
تریاق اربعه ساخته اند و منافع این بیشتر است صفت آن زراوند
طویل ریوند چینی پوست بیخ کبر حب الغار مر صافی قسط تلخ
جنطیانا درونج بهم مساوی کوفته و بیخته بعسل مصفی معجون سازند
شربتی یکمثقال تریاق سرطان گزیدن کلب را نافع باشد صفت
آن سرطان محرق ده درم تخم کندر جنطیانا از هر یک پنج درم کوفته
و بیخته بعسل بسرشند شربتی یک مثقال تریاق عسکری جهت
گزیدن عقرب نظیر ندارد صفت آن پوست بیخ کبر جنطیانا زراوند
مدحرج افسنتین طرخشقوق مساوی کوفته و بیخته ده درم از آن

صفوف سازند تریاق دیگر که همین منفعت دارد صفت آن تخم
سداب زراوند طویل حب الغار جنطیانا پوست بیخ کبر افسنتین
زره جو بیخ حنظل اشری مساوی کوفته و بیخته بعسل معجون سازند
تریاق دیگر که همین خاصیت دارد صفت آن مغز گردو و سیر
از هر یک ده درم سداب حلتیت از هر یک یکدرم کوفته
و بیخته با انجیر معجون سازند شربتی سه درم با شراب العسل
تریاق دیگر که در گزیدن عقرب نفع تمام دارد صفت آن جنطیانا
زراوند حب الغار مر مکی قسط فوتنج سداب جند بیدستر عاقرقرحا
شونیز زنجبیل فلفل حلتیت مساوی کوفته و بیخته بعسل بسرشند
شربتی مقدار یک جوز با شراب تریاق دیگر که همین فایده دهد صفت
آن زراوند مدحرج پوست بیخ کبر از هر یک پنج درم کوفته و بیخته
با شراب بیامیزند و بنوشند تریاق دیگر که از جهت گزیدن رتیلا
نافع باشد صفت آن شونیز ده درم دوقو زیره کرمانی از هر یک
پنج درم ابهل جوز السرو از هر یک سه درم سنبل الطیب حب الغار
زراوند مدحرج حب بلسان دارچینی جنطیانا تخم خندقوقی تخم کرفس

از هر یک دو درم کوفته و بیخته بعسل سرشند شربتی بقدار یکجوز
بشراب کهنه تریاق دیگر که در گزیدن عقرب مساوی تریاق کبیر است
صفت آن افیون ده درم فلفل سه درم زراوند مدحرج جندبیدستر
از هر یک یکدرم و نیم کوفته و بیخته بشراب معجون سازند شربتی مقابل
جوزی تریاق دیگر گزیدن عقرب را نافع باشد صفت آن ریوند
چینی زراوند طویل پوست بیخ کبر عاقرقرحا مساوی کوفته و بیخته
شربتی یکدرم سفوف سازند تریاق که دفع مضرت افیون و
بیش کند صفت آن حلتیت جندبیدستر ابهل فلفل مساوی کوفته و
بیخته بعسل معجون سازند مقابل یکفندق در شراب کهنه نافع باشد
تریاق ذهب صفت آن مروارید ناسفته مرجان کهربا عقیق یشب
عاج طباشیر طین ابیت کشنیز خشک بریان کرده صندل سفید
بهمن سرخ و سفید قرنفل سعد زیره کرمانی مدبر مصطکی کرویا نانخواه
مازو سبز کل ارمنی نشا و بیخ عدسی صمغ عربی آرد کرسنه سنجد
حب الآس عدد به دانه عناب بریان کرده پوست بیرون پسته
تخم ربیب از هر یک سه درم ورق نقره یکدرم تخم خرفه بریان کرده

خشخاش سفید دانه انگور بزرگ از هر یک پنج درم عود خام مدبر البلخ
از هر یک دو درم رب به شیرین رب انار رب سیب رب انگور مساوی
معجون سازند باب الثاء ثناویطوسیس اوجاع کبد و معده
و طحال و کلیه و رحم و نسیان و تاریکی چشم و ربو و صداع
و جذام و صرع و برص و لقوه و رعشه و فالج و جمیع امراض
عفنه مزمنه و انواع سوء المزاج بارد و رطب را نافع باشد
و قولنج را بگشاید و استسقا که از سردی بود و ضعف جگر را زایل
کند و استعمال آن بی منفعت باشد و ادرار بول و حیض کند
و سنگ گرده و مثانه را بریزاند و حرارت غریزی را تقویت
دهد و بدن را از اخلاط فاسده پاک گرداند و بادها را دفع
کند و سده جگر و سپرز را بگشاید و رنگ را نیکو کند صفت آن
صبر سقوطری پانزده درم غاریقون بیست درم زعفران دار
چینی وج مصطکی روغن بلسان از هر یک سه درم ریوند چینی
یکدرم و نیم عود بلسان فرفیون فلفل سفید و سیاه دار فلفل حماما
فطرسالیون حب بلسان فقاح اذخر مو از هر یک دو درم کما دریوس

قسط افیثمون از هر یک چهار درم اسارون سلیخه سقمونیا از هر یک
شش مثقال سنبل سه درم و نیم ادویه کوفته و بیخته بر روغن بلسان
چرب کرده با سه چندان عسل سرشته شربتی چهار مثقال و قوت
این معجون تا چهار سال باقی باشد شناد ریوس دیگر منفعت آن
قریب بمنفعت اول است صفة آن صبر سقوطری سی درم غاریقون
[illegible] درم زعفران وج دارچینی مصطکی اسورنجان سلیخه از
هر یک سه درم کمادریوس فلفل ابیض اسارون عود بلسان و از هر یک
دو درم فلفل سیاه جند بیدستر از هر یک چهار درم ریوند چینی
و سنبل از هر یک دو درم عسل سه وزن ادویه شربتی چهار درم
با آب گرم باب الخامس جوارش شهریاران سرد کبد و معده
و قولنج و عسر البول را نافع باشد صفة آن قرنفل دارچینی
سلیخه سنبل الطیب جوزبوا هیل مصطکی قاقله حب بلسان زعفران
از هر یک چهار درم و نیم سقمونیا سه درم و نیم تربد سفید و حب
النیل از هر یک هشت درم قند سفید بوزن تمام ادویه کوفته
و بیخته بعسل سرشته شربتی چهار مثقال با آب گرم دهند جوارش

17

اترج معده را قوت دهد و اشتهای طعام آورد و بوی دهن خوش
کند صفت آن پوست ترنج خشک کرده سی درم قرنفل جوزبوا
دار فلفل قرنفه قاقله خولنجان زنجبیل از هر یک یکدرم مشک دو دانگ
کوفته و بیخته بعسل سرشته جوارش عود با دو باب کند خفقان
و دل تنگی را زایل کند صفت آن عود هندی دارنانه تخم کرفس
وج سنبل از هر یک سه درم تباشیر مشک سعد خولنجان زرنب
زرنباد از هر یک یک مثقال دارچینی زنجبیل فلفل قرنفل مصطکی از
هر یک دو درم کادزبان بهمن کافور دانگی و نیم مشک دو دانگ
کوفته و بیخته بعسل سرشته جوارش عود به از نسخه دیگر معده و دل را
قوت دهد و پیران را موافق باشد صفة آن عود خام قرنفل
بسباسه زنجبیل قاقله قرنجشک دار فلفل از هر یک دو مثقال زعفران
یک مثقال کوفته و بیخته بعسل سرشته جوارش عود بنوع دیگر معده را
قوت دهد و اشتهای طعام آورد و بلغم و رطوبت را نافع است
صفة آن قرنفل سه درم قاقله کبابه و سنبل از هر یک دو درم عود پانزده
درم زعفران یکدرم کوفته و بیخته بعسل سرشته جوارش عود بنوع دیگر معده

سرد را گرم کند و اشتهای طعام آورد و هاضمه را قوت دهد صفت
آن قرنفل دو درم سنبل یک درم عود پنج درم نبات یک من نبات را در گلاب
بگدازند و قوام گیرند پس بپزند و داروها را کوفته و بیخته بر آن پاشند
و بر روی سنگ ریزند جوارش عود بنوع دیگر معده را اصلاح آورد
و اشتهای طعام پیدا کند صفت آن عود خام پنج درم پوست ترنج
ده درم مصطکی یک مثقال نبات یک من و نیم بدان دستور ریزند
جوارش عنبر خفقان و سردی معده و بدی هضم و اوجاع
رحم را نافع باشد و از برای پیران بغایت خوبست صفت آن
قاقله صغار و کبار بسباسه دارچینی از هر یک چهار درم زنجبیل
دار فلفل از هر یک ده درم و دانه مصطکی عنبر اشهب از هر یک
دو درم قرفه قرنفل زعفران از هر یک دو درم جوزبوا پنج درم
مشک یک درم کوفته و بیخته بعسل بسرشند شربتی یک مثقال جوارش
عنبر بنوع دیگر عنبر یک مثقال قند سفید یک من قند را بقوام آورند
و فرو گیرند و عنبر را حل کنند و تیز بزنند و بر روی سنگ ریزند
جوارش مصطکی سردی معده و جگر را نافع باشد و بلغم را دفع کند

وآب دهن

18

و آب دهن را از دهان باز دارد صفت آن مصطکی سه مثقال کوفته
و بیخته با یک من قند و سی درم گلاب بر روی سنگ ریزند جوارش
جالینوس این جوارش را خاصیت بسیار است همه اعضا را قوت
دهد و بوی دهن خوش کند و بادها بشکند و بسیار بول که از سردی
مثانه بود باز دارد و باه را قوت دهد و دیوانگی را ببرد و صداع
و سعال بلغمی و بواسیر و نقرس و قوبا و بهق و حصی گرده و مثانه را
نفع کند و سیاهی موی را محافظت کند و گفته‌اند که هر که پیوسته روز
بدین جوارش مداومت کند از جمله امراض مذکوره ایمن باشد
صفت آن سنبل قاقله سلیخه دارچینی خولنجان قرنفل سعد فلفل سیاه
زنجبیل دار فلفل قسط بحری عود بلسان اسارون تخم مورد قصب
الذریره زعفران از هر یک ده درم مصطکی پنج درم قند سفید بوزن
ادویه کوفته و بیخته با دو چندان عسل بسرشند شربتی دو مثقال
تا نیم مثقال باشد پس از طعام و پیش از طعام توان خورد و اما در بعض
کتب خولنجان نیم درم اضافه می‌کرده‌اند جوارش تمری قولنج
و حبس البول بگشاید صفت آن زیره کرمانی مدبره بوره ارمنی قطر

انیسون زنجبیل فلفل سفید از هر یک دو درم و نیم سقمونیا خشوی
پنجدرم خرما دانه بیرون کرده مغز بادام مقشر بریان کرده از هر یک
ده مثقال ورق سداب ده درم خرما را در سرکه خیسانیده
یک شبانه روز بکوبند و از غربال بیرون کنند و عسل کف گرفته
سه وزن ادویه بر سر آن گرم کنند و بجوشانند تا بقوام
آید و داروها را کوفته و بیخته با آن بسرشند شربتی پنج مثقال تا هفت
مثقال با آب گرم جوارشن مشک خفقان و باد بواسیر را نافع بود
و باد معده را دفع کند صفت آن جوز بوا قاقله زنجبیل فلفل سیاه
دار فلفل از هر یک ده درم دارچینی زعفران مشک خالص نیم مثقال
قند شصت درم کوفته و بیخته بعسل بسرشند جوارشن کافور
اسهال صفراوی را باز دارد و تشنگی و حرارت بنشاند صفت
آن زرشک ده درم گل سرخ هشت درم طباشیر سفید کهربا
فوفل از هر یک چهار درم تخم حماض بریان کرده هشت درم حب
الآس پوست سیب ده درم پوست عنبر ده درم انار دانه
بریان کرده هشت درم کافور سه درم زعفران نشاسته بلوط از هر یک

پنجدرم فوفل چهار درم بشراب حماض بسرشند شربتی دو درم جوارشن
کندری اسهال بلغمی باز دارد و معده را گرم کند و قوت دهد صفت
آن کندر شصت درم فلفل دار فلفل از هر یک دوازده درم
زنجبیل خولنجان از هر یک ده درم قرنفل جوزبوا اخیربوا از هر یک پنجدرم
مشک پنجدرم قند سفید شصت درم کوفته و بیخته بعسل بسرشند
شربتی سه درم جوارشن جوزی طعام را هضم کند و اسهال را باز
دارد و سپرز را بگدازد و کسی را که ابتدای استسقا بود نافع بود و ادرار
بول کند صفت آن قسط قرفه سنبل حب بلسان سلیخه از هر یک ده درم
جوزبوا ایچ علله قاقله کبابه قرنفل انیسون اکلیل الملک شیطرج مارمشک
از هر یک چهار درم بسباسه درونج عقربی از هر یک سه درم
ریوند چینی زراوند مدحرج اشنه از هر یک پنجدرم هلیله سیاه
پوست هلیله کابلی بروغن زیت بریان کرده از هر یک بیست درم
بلیله ده علو حب الآس بوزن همه ادویه و قند دو وزن ادویه
در گلاب بگدازند و بقوام آورند و داروها کوفته و بیخته با آن بسرشند
و بعد از دو ماه استعمال نمایند جوارشن طباشیر قابض اسهال صفراوی

را نافع است صفت آن طباشیر سفید حب الآس گل سرخ از هر یک
ده درم تخم حماض صمغ عربی از هر یک هفت درم کلنار سماق عصاره
لحیة التیس از هر یک شش درم زعفران و افیون از هر یک دو درم
کوفته و بیخته بشراب سیب سرشند شربتی سه درم جوارش
سماق اسهال صفراوی باز دارد صفت آن سماق بیست درم
حب الآس ده درم خرنوب سی درم صمغ عربی کلنار انار دانه
از هر یک پنجدرم کوفته و بیخته با مویز منقّی دیگر باره بکوبند شربتی
سه درم جوارش انجدان قولنج بگشاید و بادها دفع کند و خنا
حالبعق را دفع کند صفت آن فلفل دار فلفل از هر یک پنجدرم ایرسا
زنجبیل از هر یک شش درم انیسون رازیانه مصطکی نانخواه تخم کرفس
از هر یک دو درم انجدان بار نه درم کوفته و بیخته و بعسل سرشند
شربتی دو درم جوارش نارمشک طبع را نرم سازد و قولنج بگشاید
صفت آن جوز بوا یکدرم قاقله دارچینی از هر یک دو درم نار
مشک قرنفل از هر یک سه درم دار فلفل پنجدرم زنجبیل شش درم
سقمونیا هفت درم نبات سی درم کوفته و بیخته بعسل معجون

سازند شربتی از یکدرم تا سه درم جوارش دیگر که دفع اسهال
صفرا کند بی منعت صفت آن عود خام مصطکی از هر یک یکدرم تربد
سفید چهار درم سقمونیا پنجدرم [illegible] کوفته و بیخته بعسل سرشند
شربتی پنجدرم جوارش کسباسه بواسیر و سردی معده و بدی
هضم را نافع باشد و بادهای غلیظ را دفع کند صفت آن کسباسه
قرفه قاقله صغار زنجبیل دار فلفل دارچینی اسارون از هر یک
یکدرم قاقله کبار پنجدرم فلفل یکدرم و نیم قند سفید بیست درم
کوفته و بیخته بعسل سرشند شربتی یک مثقال جوارش مغلیا نار رحم
و مغص و بواسیر را نافع بود صفت آن تخم تره تیزک بریان کرده
زیره کرمانی تدبیر از هر یک یکدرم مصطکی شش درم هلیله کابلی بریان
کرده یکجا و روغن یکدرم کوفته و بیخته بگلاب سرشند جوارش
سستی معده را قوت دهد و شهوت ردیه زنان حامله را دفع کند
و رنگ را نیکو گرداند و اشتهای طعام آورد صفت آن زرنباد
تخم کرفس زیره کرمانی نانخواه از هر یک دو درم [illegible] ده درم
کندر زنجبیل فلفل دار فلفل قاقله دارچینی از هر یک سه درم شکر طبرزد

بوزه مثقال کوفته و بیخته بگلاب بسرشند جوارشی دیگر که حفظ
زیاده کند صفت آن زنجبیل خولنجان از هر یک ده درم شونیز هلیله
کابلی از هر یک پنج درم کوفته و بیخته بعسل بسرشند شربتی یک مثقال
جوارشی مسهل تنقیه معده و دفع فضلات کند صفت آن زبد
سفید ده درم زنجبیل پنج درم قند سفید پانزده درم شربتی سه درم
جوارشی شهریاران بنسخه دیگر قولنج بگشاید و فضلات لزوجه را
دفع کند و قوت معده دهد صفت آن فلفل زنجبیل زیره کرمانی سداب
بوره ارمنی خولنجان قرفه از هر یک یکدرم و نیم سقمونیا ده درم
عسل چهار درم شربتی یکدرم و نیم تا سه درم جوارشی دارچینی
ضعف کرده و معده و مثانه را نافع باشد و بادهای غلیظ را
بشکند و اخلاط غلیظ را دفع کند صفت آن دارچینی عود هندی راسن
از هر یک شش درم قرنفل فلفل سیاه دارفلفل سنبل اسارون
از هر یک پنج درم زنجبیل ده درم نعناع هشت درم جوزبوا اذخر
از هر یک دو درم مصطکی انیسون رازیانه سلیخه از هر یک سه
درم کوفته و بیخته بعسل بسرشند جوارشی حب الآس معده و

استعمال معدی را نافع باشد و قی که از بلغم و رطوبت باشد
باز دارد صفت آن حب الآس بوزه مثقال هلیله سیاه هلیله
آمله طباشیر از هر یک بیست درم فلفل سیاه دارفلفل زنجبیل از
هر یک ده درم مصطکی قرو مانا کرو یا انیسون زیره کرمانی سنبل الطیب
قاقله قسط از هر یک شش درم جوزبوا تخم کرفس نانخواه از هر یک
پنج درم ساذج هندی حماما از هر یک چهار درم کوفته و بیخته بعسل
بسرشند جوارشی اسقف قولنج و نفخ و بواسیر و بادها که
در معده باشد سود دارد صفت آن سقمونیا تربد سفید از هر یک
پنج درم فلفل قاقله از هر یک سه درم زنجبیل دارچینی آمله قرنفل
جوزبوا از هر یک ده درم و نیم و قند سفید نه درم کوفته و بیخته بعسل
بسرشند شربتی چهار مثقال جوارشی هندی اوجاع مفاصل و نقرس
و وجع ظهر و قولنج را نافع باشد صفت آن سقمونیا ده درم جوزبوا
قاقله دارچینی زنجبیل قرفه بادرنگ قرنفل از هر یک پنج درم تربد
سفید صد درم کوفته و بیخته بعسل بسرشند جوارشی زنجبیل
ضعف معده و امعا و معده را نافع باشد و طعام را هضم کند و

باد نا باشکند و اسهال را بزآورد صفت آن زنجبیل بیست درم صمغ عربی
خیزبوا از هر یک ده درم قرنفل دارچینی از هر یک پنج درم جوز بوا یکدرم
زعفران یکدرم نانخواه نیم باشد جبلی ده درم شکر طبرزد مثقال
جوارش مقصر قولنج و نقرس را نافع باشد و اخلاط غلیظه لزجه را
دفع کند صفت آن دار فلفل زنجبیل هلیله زرد سقمونیا تربد سفید
از هر یک دوازده درم کرفس نانخواه عاقرقرحا نمک طبرزد از هر یک
شش درم قند سفید شانزده درم کوفته و بیخته بعسل سرشند
جوارش فواکه معده و دل و جگر را و احشا را قوت دهد و قی باز
دارد و صفرا دفع کند صفت آن آب انار ترش و شیرین آب سیب
آب به آب امرود آب غوره آب زرشک آب سماق آب
لیمو مجموع یکجا بجوشانند تا بربع آید فرود گیرند و با قند بقوام
آرند و نیز میفرستند و آب بباران میریزند چندانکه خواهد و بر روی
سنگ ریزند باب الحا حب ایارج دماغ و اعضا
سر را از فضول و اخلاط بلغمی پاک کند و صرع و سکته و امراض
عین را نافع باشد صفت آن ایارج فیقرا تربد سفید از هر یک یکدرم

ج

حب النیل غاریقون افتیمون از هر یک پنج درم شحم حنظل نمک هندی
دانگی و نیم کوفته و بیخته با آب رازیانه سرشند و حب سازند
حب صبر زرد اوجاع مفاصل و نقرس و فالج و لقوه و گرانی زبان را
نافع باشد صفت آن صبر سقوطری یک مثقال تربد سفید یکدرم
و نیم حب النیل غاریقون از هر یک دانگی تخم حنظل دانگی و نیم نمک
هندی قدری مقل کثیرا افتیمون از هر یک دانگی کوفته و بیخته با آب
کرفس حب سازند حب سورنجان مفاصل و نقرس و عرق النسا
را نافع باشد صفت آن صبر سقوطری و ماهی زهره از هر یک یکدرم
سورنجان پوست هلیله زرد غاریقون افتیمون از هر یک پنج درم سقمونیا
و کثیرا تخم حنظل از هر یک دانگی کوفته و بیخته با آب رازیانه حب سازند
حب سورنجان نوع دیگر صبر یکدرم پوست هلیله زرد تربد سفید
از هر یک پنج درم سورنجان سقمونیا از هر یک دانگی و نیم تخم کرفس
نمک هندی از هر یک دانگی با آب رازیانه حب سازند حب
سینائی درد معده را نافع بود و قوت باصره دهد و درد سر
و تاریکی چشم را سود دهد صفت آن صبر سقوطری سه درم پوست هلیله زرد

ورق گل سرخ مصطکی تربد سفید از هر یک یکدرم سقمونیا نیم درم کوفته
و بیخته حب سازند شربتی یکمثقال با عسل مثقال و در وقت خواب
فرو برند حب قوقایا حب جالینوس صداع و درد چشم را
نافع باشد و فضلهای غلیظ را از بدن فرود آرد صفت آن صبر
سقوطری عصاره افسنتین مصطکی از هر یک یک مثقال تخم حنظل سقمونیا
از هر یک نیم درم کوفته و بیخته با آب کرفس حب سازند شربتی یک مثقال
حب غاریقون ستوده را بگشاید و استسقا و امراض کبد را
نافع بود صفت آن افسنتین صبر سقوطری از هر یک شش درم غاریقون
چهار درم فطراسالیون تخم کرفس دوقو از هر یک دو درم سقمونیا
یکدرم کوفته و بیخته با آب خالص حب سازند شربتی دو درم حب
غاریقون نسخه دیگر همین خاصیت دارد طبیخ را بهم کنند چون
هر شب از آن بنوشند صفت آن غاریقون ده درم عصاره غافث
ریوند از هر یک دو درم قند سفید پانزده درم کوفته و بیخته
با آب حب سازند حب منتن فالج و لقوه و مفاصل و نقرس که
از سردی باشد و وجع ظهر را نافع باشد و بادهای غلیظ را

دفع کند

23

دفع کند و حیض بگشاید صفت آن سکبینج اشق جاوشیر مقل
شحم حنظل صبر سقوطری تربد سفید پوست هلیله زرد انزروت
مساوی انزروت را با آب گل کنند و داروها کوفته و بیخته با آن آب بسرشند
و حب سازند شربتی دو درم حب اصطمخیقون بدن را از سودا
و بلغم و اخلاط غلیظه پاک کند صفت آن پوست هلیله کابلی شش درم
آمله افسنتین غاریقون از هر یک سه درم اسارون ابیمون تخم
کرفس از هر یک دو درم تربد سفید هفت درم افتیمون نیم درم بارزه
صفرا نه درم سقمونیا قرنفل یکدرم فانید چهار درم فانید را در آب
بگدازند و دو درم سقمونیا در آن حل کرده و داروها را کوفته و
بیخته با آب چغندر بسرشند و حب سازند حب ذهب صداع و درد
چشم را نافع باشد صفت آن صبر سقوطری بیست درم پوست هلیله
زرد ده درم کثیرا سقمونیا مصطکی زعفران از هر یک سه درم
ورق گل سرخ نیم درم کوفته و بیخته بگلاب حب سازند شربتی دو
درم حب دیگر که داء الثعلب را نافع باشد صفرا و سودا و بلغم را
دفع کند صفت آن افتیمون چهار مثقال شحم حنظل نمک هندی سقمونیا

افسنتین از هر یک دو مثقال صبر سقوطری ده مثقال انزروت
بسفایج فستقی از هر یک سه مثقال تربد سفید دوازده مثقال کوفته
و بیخته با آب غافث حب سازند شربتی سه درم حب سکبیج
قولنج بگشاید و بادها غلیظ را دفع کند صفت آن سکبینج شحم حنظل
از هر یک ده درم سقمونیا سه درم با آب سداب حب سازند
شربتی یکدرم حب دیگر که باه را بگشاید و قتی و اورام خصیه را
نافع باشد صفت آن تخم کرفس اسنداریون مصطکی زعفران
از هر یک یکدرم پوست هلیله زرد کابلی آمله سکبینج مقل از هر یک
ده درم قطراسالیون فودنه اذخر قسط زرنباد درونج اسارون
از هر یک سه درم کوفته و بیخته با آب سداب حب سازند هر روز
یک مثقال تناول نمایند حب مازریون استسقا زقی را نافع بود
صفت آن ریوند چینی عصاره غافث تخم کرفس از هر یک سه درم
غاریقون پنجدرم مازریون مدبر نه درم کوفته و بیخته حب سازند
شربتی دو درم حب دیگر همین خاصیت دارد صفت آن
تخم مازریون مغز بادام از هر یک نیمدرم شکر یکدرم و نیم کوفته

و بیخته حب سازند

و بیخته حب سازند حب جوزان خنازیر و غدد و سلعه را
نافع باشد صفت آن ایارج فیقرا سه درم غاریقون دو درم
و نیم شحم حنظل یکدرم و نیم انزروت چهار درم تربد سفید
هفت درم جاوشیر یک مثقال نوشادر دو درم سقمونیا یک
مثقال کوفته با آب کنند تا حب سازند شربتی هر روز یکدرم
حب اصلی که همین منفعت دارد صفت آن سنبل سلیخه
حب بلسان اسارون عود بلسان مصطکی دارچینی زعفران
از هر یک یکدرم صبر سقوطری شانزده درم اسطوخودوس
شحم حنظل از هر یک پنجدرم تربد سفید هفت درم نمک
هندی دو درم سقمونیا چهار درم شربتی چهار درم
حب شبلیج عرق النسا و اوجاع مفاصل و وجع ظهر را نافع
باشد صفت آن پوست هلیله زرد ده درم صبر سقوطری
بیست درم فلفل دار فلفل از هر یک یکدرم خردل سه درم
شیطرج نمک هندی شحم حنظل زنجبیل از هر یک ده درم قاشه
شجری چهار درم با آب کرنب حب سازند شربتی سه درم حب

یرقان و دمیم جگر را سود دارد صفت آن غاریقون صبر سقوطری
پوست هلیله زرد مساوی کوفته و بیخته بآب کرفس حب سازند
شربتی دو درم حب دیگر که بهق و برص و قوبا و امراض سوداوی
را نافع باشد صفت آن ایارج فیقرا پنجدرم افتیمون ده درم
لاجورد مغسول هشت درم سقمونیا ششم حنظل خربق سیاه
از هر یک دو درم سنبل و امیون از هر یک یکدرم کوفته و بیخته
بآب کرفس حب سازند شربتی دو درم و نیم حب شاهتره
جرب را نافع باشد صفت آن پوست هلیله زرد هلیله سیاه
از هر یک پنجدرم صبر سقوطری هشت درم سقمونیا دو درم و نیم
کوفته و بیخته بآب شاهتره حب سازند شربتی دو درم حب
مقل بواسیر را نافع بود صفت آن پوست هلیله زرد هلیله سیاه
از هر یک پنجدرم صبر هلیله کابلی مقل از هر یک پانزده درم
ترنجبین ده درم سکبینج پنجدرم خردل دو درم مقل و سکبینج
را در آب کنند و حل سازند و داروهای دیگر کوفته و بیخته با آن
بسرشند حب مقل نوع دیگر شقاق را سود دارد و طبع را

نرم سازد و محرور را موافق باشد صفت آن پوست هلیله کابلی
بیست مثقال ده درم کثیرا پنجدرم انجیر سه عدد در آب
بر بندد تا مهرا شود و بپالایند و مقل و کثیرا در آن حل کنند و پوست
هلیله کوفته با آن بسرشند و حب سازند شربتی دو درم
حب مقل نسخه دیگر درد معده و امعا و بواسیر را نافع باشد
صفت آن هلیله سیاه بلیله آمله از هر یک جزوی مقل برابر
همه در آب کنند تا حل کنند و داروهای دیگر کوفته و بیخته در آن
بسرشند و حب سازند شربتی دو درم و نیم حب مقل نوع
دیگر پوست هلیله زرد پوست بلیله هلیله سیاه و آمله مقشر
از هر یک یکدرم مقل چهار درم در آب کنند تا حل کنند و ادویه
کوفته و بیخته بدان بسرشند و حب سازند شربتی دو درم حب
دیگر که چون ده شب متوالی بنوشند وجع بواسیر را بشکند و مد
صفت آن هلیله سیاه بلیله آمله مقل از هر یک چهار درم نمک
هندی سعتر مصطکی سورنجان اشق هرار اسپند شیطرج ماکوله
از هر یک یکدرم سنبل زعفران دارچینی وج ... قاقله سلیخه از هر یک

هشت درم صبر سقوطری هشت درم سکبینج دو درم مقل و سکبینج را
در آب کنند تا حل شود و باقی ادویه را کوفته و بیخته با آن آب سرشته
و حب سازند شربتی دو مثقال حب الاقاویه بادها دفع کند
و طبع را نرم سازد و قولنج بگشاید صفت آن زنجبیل قرنفل
دار چینی فلفل دار فلفل بادرنگ مصطکی از هر یک یکمثقال سقمونیا
هفت مثقال قند سفید هفت مثقال کوفته و بیخته حبها سازند
هر یک بمقدار نخودی هر حبی یک مجلس دفع کند حب بهرامی
استسقاء لحمی را نافع باشد صفت آن صبر سقوطری دوازده
درم افتیمون شش درم سقمونیا چهار درم سنبل سلیخه تربد
سفید مصطکی از هر یک دو درم زعفران یکدرم و نیم غاریقون
سه درم حماما یکدرم کوفته و بیخته حب سازند شربتی دو درم
و نیم حب دیگر که بهق و برص را نافع باشد صفت آن ایارج
فیقرا یکمثقال لاجورد و مقل سنبل افیمون شحم حنظل کثیرا اسقونیا
از هر یک دانگی کوفته و بیخته با آب کرفس حب سازند حب
صرع ایارج فیقرا نیم مثقال افیمون اسطوخودوس اسغابج نمک

هندی غاریقون از هر یک نیم دانگ تربد سفید پوست بلیله
زرد و شحم حنظل کثیرا سقمونیا از هر یک دانگی کوفته و بیخته
با آب حب سازند حب دیگر از جهة صرع صفت آن صبر
سقوطری یکدرم غاریقون نیم درم شحم حنظل دو دانگ سقمونیا
دانگی و نیم مصطکی سنبل از هر یک دانگی حب سازند و بطبیخ
اسطوخودوس بنوشند حب دیگر جهة ضعف باه صفت آن
ایارج فیقرا تربد سفید یکدرم حب النیل افیمون از هر یک نیم
درم شحم حنظل غاریقون عاقرقرحا خصیة الثعلب از هر یک
نیم دانگ محموده کثیرا از هر یک دانگی کوفته و بیخته بگلاب
حب سازند حب دیگر جهة آتشک صفت آن ایارج فیقرا
یک مثقال تربد سفید یکدرم غاریقون لاجورد و مقل پوست بلیله
زرد و سورنجان از هر یک نیم درم سقمونیا دانگی و یک طسوج افیون
و کثیرا از هر یک دانگی کوفته و بیخته بگلاب حب سازند حب
هلیله جرب و حکه را نافع باشد صفت آن پوست هلیله زرد صبر
سقوطری از هر یک یکدرم سقمونیا ورق گل سرخ از هر یک دانگی

کوفته و بیخته بآب حب سازند حب فالج ایارج فیقرا تربد سفید
غاریقون از هر یک یکدرم شحم حنظل حب النیل سکبینج از هر یک
دانگی و نیم اسطوخودوس بوزیدان از هر یک نیم درم کتیرا دانگی
کوفته و بیخته بآب حب سازند حب استرخا و صرع ایارج
فیقرا تربد سفید غاریقون از هر یک یکدرم اسطوخودوس بوزیدان
عود صلیب از هر یک نیم درم شحم حنظل مصطکی از هر یک دانگی
محموده نیم دانگ بآب رازیانه حب سازند حب استسقا
تربد سفید یکدرم ریوند چینی یکدرم غاریقون زراوند مدحرج
و زراوند طویل از هر یک یکدانگی و نیم مقل الیهود تخم الجزر از
هر یک دو دانگ فرفیون بروغن گل چرب کرده دانگی کوفته
و بیخته بآب خالص حب سازند حب دیگر جهت استسقا صفة
آن ایمون ایارج فیقرا تربد سفید از هر یک یکدرم غاریقون
اسارون ریوند چینی افسنتین تخم الجزر از هر یک نیم درم
پوست هلیله زرد تربد سفید از هر یک یکدرم نمک هندی رازیانه
تخم کرفس از هر یک نیم درم محموده دانگ و نیم بآب خالص حب سازند

حب سنبات سهری ایارج فیقرا تربد سفید صبر سقوطری از هر
یک مثقال حب النیل نیم مثقال شحم حنظل نمک هندی از هر یک
نیم درم انیسون یکدرم فلفل مصطکی کتیرا از هر یک دانگی بآب
رازیانه حب سازند حب صبر تربد یکدرم و دانگی و نیم غاریقون
ایارج فیقرا افتیمون از هر یک دو دانگ سقمونیا نخود مقل
و انیسون از هر یک دانگی بآب حب سازند حب بهق تربد
یکدرم و دانگ و نیم غاریقون ایارج فیقرا افتیمون از هر یک
چهار دانگ هلیله سیاه شیطرج عصاره افسنتین از هر یک
دو دانگ سقمونیا نخود مقل و انیسون از هر یک دانگی بآب
حب سازند حب لقوه تربد یکدرم و نیم ایارج فیقرا و افتیمون
از هر یک چهار دانگ هلیله سیاه شیطرج عصاره افسنتین از
هر یک دو دانگ سقمونیا نخود مقل انیسون از هر یک دانگی
بآب حب سازند حب عشا تربد یکدرم و نیم ایارج فیقرا
افتیمون از هر یک چهار دانگ سورنجان نیم درم ماهی زهره و
ابهل از هر یک دو دانگ محموده و مقل از هر یک دانگ بآب حب سازند

حب القوة تربد سفید یکدرم بوزیدان بلیله کابلی غاریقون
از هر یک نیم درم صبر چهار درم و دانگی گل سرخ دو دانگ
مقل دو دانگی محموده نیم دانگ با آب حب سازند حب تشنج و رعشه
صبر جل سنبل شش درم تربد یکدرم و نیم سورنجان چهار دانگ
بوزیدان ماهی زهره قنطوریون دقیق از هر یک دو دانگ
با آب حب سازند حبی که درد نقرس در ساعت بنشاند صفت
آن ایبون فلفل سفید دارفلفل مغز حب الزلم از هر یک دو درم
سلیخه یکدرم زنجبیل فرفیون از هر یک چهار درم مصطکی شش
درم سورنجان بیست درم با آب رازیانه حب سازند شربتی
دو درم با آب بشیره حب ارجاع تربد یکدرم و نیم غاریقون
ایارج فیقرا افیثمون از هر یک چهار دانگ قنطوریون دقیق
ماهی زهره عصاره افسنتین از هر یک دو دانگ شحم حنظل
سقمونیا از هر یک سه حبه مقل ایبون از هر یک دانگی با آب
رازیانه حب سازند حب اختلاج تربد یکدرم و چهار دانگ
افیثمون نیم درم عصاره غافث و عصاره افسنتین از هر یک دانگی

و نیم شحم حنظل مقل و ایبون مصطکی از هر یک دانگی با آب حب سازند
حب مفاصل تربد یک مثقال سورنجان نیم درم شحم حنظل زنجبیل
نمک هندی زنجبیل محموده از هر یک دانگی و نیم ایارج فیقرا یک
درم گل سرخ ایبون مصطکی از هر یک دانگی مقل دو دانگ
کثیرا با آب خالص حب سازند حب ربو تربد سفید یکدرم
ایرسا نیم درم ایارج فیقرا غاریقون از هر یک یکدرم محموده
دانگی مقل دو دانگ بنفشه نیم درم با آب حب سازند حب
رعشه ایارج فیقرا عاقرقرحا از هر یک نیم درم جندبیدستر
شیطرج هندی بزر البنج از هر یک سه درم سکبینج شحم
حنظل از هر یک چهار درم کوفته و بیخته با آب حب سازند شربتی
دو درم و نیم حب یرقان صبر یکدرم محموده دانگی و نیم غاریقون
چهار دانگ عصاره غافث دو دانگ با آب کاسنی حب سازند
حبی که نافع است از جهت نقرس حار صفت آن سورنجان محموده
دانگی و نیم تخم کرفس دانگی صبر یکدرم با آب خالص حب سازند
حب دیگر که بلغم را از مفاصل و سر دور پاک کند صفت آن سورنجان

بوزیدان از هر یک نیم درم ماهی زهره دو دانگ تربد چهار دانگ
شحم حنظل دانگی و نیم فرفیون دانگی با آب حب سازند حب
دیگر که وجع ظهر را نافع است صفة آن شحم حنظل سکبینج از هر یک
دو درم صبر چهار درم جند بیدستر مقل از هر یک یکدرم کوفته
و بیخته با آب حب سازند شربتی دو درم و نیم حب برند ما الاوجاع
مفاصل را در روز بصلاح آورد صفة آن صبر سقوطری بوزیدان از هر یک
هشت درم پوست هلیله زرد و بوزیدان سورنجان از هر یک دو درم
افیمون و سقمونیا از هر یک یکدرم و نیم با آب کنند و حب سازند شربتی
سه درم با آب گرم حب لاجورد سودا را نافع است و امراض
سوداوی را صفة آن لاجورد مغسول سه درم قرنفل افیمون سقمونیا
از هر یک یکدرم غاریقون پنج درم افتیمون بسفایج از هر یک چهار درم
ایارج فیقرا شش درم با آب کرفس حب سازند شربتی سه درم
ورما ارهبین حب که بنواحی اعضا رسد و معده را از اخلاط
پاک کند و فالج و لقوه و داء الثعلب را نافع باشد و چون یکدرم
ازین حب و یکدرم ایارج فیقرا حب کرده بخورد چشم را روشن

کنند و مانع نزول آب گردد و اخلاط فاسده را از بدن بیرون
آورد صفة آن صبر سقوطری سقمونیا شحم حنظل عصارهٔ افسنتین مصطکی
از هر یک دانگی و نیم مقل دانگی کثیرا سه دانگ با آب حب سازند حب
العشرة لقوه و رعشه و فالج را نافع باشد صفة آن زنجبیل
فلفل دارفلفل شیر آمله مصطکی دارچینی سنبل بلیله اسارون از هر یک
دو درم صبر بیست درم با آب کرفس حب سازند شربتی دو درم
و نیم حب الصدر سرفه کهنه و ربو و ضیق النفس و امراض سینه را
نافع باشد صفة آن غاریقون تربد سفید از هر یک سه درم اصل
السوس شحم حنظل ایارج فیقرا انزروت از هر یک دو درم با آب حب
سازند شربتی یک مثقال بماء العسل حب الملوک نافع است کسی را که
از مسهلات بد طعم کراهت داشته باشد و مسهل قی کند صفة آن
تربد سفید یکدرم و چهار دانگ غاریقون چهار دانگ پوست هلیله
زرد مصطکی هلیله سیاه از هر یک دانگی و نیم افتیمون نیم درم گاوزبان
فلنجمشک بادرنجبویه محموده طباشیر زعفران گل سرخ از هر یک
دانگی کوفته و بیخته بگلاب حب سازند شربتی سه درم حب الملوک

دیگر قولنج را بگشاید و بادهای غلیظ را دفع کند صفت آن صبر
سقوطری پنج درم تربد ده درم پوست هلیله زرد و پوست هلیله کابلی
از هر یک شش درم نمک هندی دو درم مصطکی زعفران سلیخ
هندی سلیخه ریوند چینی سنبل زنجبیل انیسون تخم کرفس قرنفل و فلفل جوز
بوا دارچینی کشنیز از هر یک نیم درم سقمونیا دو مثقال مشک دانگی
کوفته و بیخته بگلاب حب سازند شربتی سه درم حب افتیمون
اعضای سر و معده را از سودا پاک کند صفت آن ایارج فیقرا تخم
حنظل غاریقون حجر ارمنی افتیمون مقل از هر یک دو درم تربد شش
درم محموده یکدرم حب سازند شربتی دو درم حب بسفایج
بلغم و سودا را از معده و دماغ پاک کند صفت آن ایارج فیقرا
ده درم بسفایج دو درم شحم حنظل شش درم اسطوخودوس
افتیمون از هر یک دو درم و نیم تربد هشت درم سقمونیا یک
درم و نیم بآب حب سازند شربتی دو درم و نیم حبی که جمیع
امراض سوداوی را نافع باشد صفت آن پوست هلیله زرد
شش درم پوست هلیله آمله مقشر گل سرخ نمک هندی از هر یک

دو درم ایارج فیقرا پنج درم شاهتره سقمونیا عصاره افسنتین
از هر یک سه درم تخم کرفس پنج درم غاریقون چهار درم
کوفته و بیخته بآب کاسنی حب سازند شربتی سه درم حب
مزاج حب سعال صمغ عربی نشاسته کثیرا از هر یک سه درم
مغز بهدانه تخم کدو تخم خیار از هر یک دو درم مغز بادام مقشر
خشخاش سفید از هر یک چهار درم شکر طبرزد و فانید از
هر یک هفت درم کوفته و بیخته بلعاب بزر قطونا حب سازند
د اگر سرفه بلغمی باشد رب السوس مویز منقی از هر یک چهار درم
زعفران یکدرم اضافه نمایند حب سعال دیگر نافع اطفال
را که از بسیاری سرفه قی کنند و سرفه خشک که مانع از خواب
باشد و نوازل ماده را دفع کند صفت آن نشاسته صمغ عربی
رب السوس خشخاش سفید افتیمون مساوی کوفته و بیخته
بلعاب بهدانه حب سازند هر حبی مقدار نخودی حب السعال
بارد مغز بادام مغز تخم خیارین صمغ عربی نشاسته خشخاش سفید
از هر یک یکدرم رب السوس دو درم باقلی سه درم بلعاب بزر

قطونا حب سازند حب السعال چار پوست بیخ را زیانه بر سیاوشان
تخم کرفس رب السوس مغز بادام مساوی کوفته و بیخته با آب حب
سازند حب السعال دیگر که سرفه خشک را نافع باشد صفه
آن نشاسته صمغ عربی رب السوس تخم خیارین تخم خطمی کثیرا کوفته
و بیخته بلعاب بهدانه حب سازند حب سعال دیگر که مدقوق
و مسلول را نافع باشد و سرفه گرم و خشک را ببرد صفه
آن صمغ عربی کثیرا مغز بهدانه تخم خطمی رب السوس خشخاش
تخم خرفه مغز تخم قند سفید از هر یک شش درم مغز بادام باقلا
مقشر مغز تخم کدو از هر یک پنج درم بلعاب بذر قطونا حب
سازند حبی که سینه را پاک کند و آواز را پاک گرداند و صاف
کند و حرارت و سرفه را هم ببرد صفه آن مغز بادام شیرین
مغز بادام تلخ بزرگ بریان کرده چلغوزه از هر یک دو درم
کثیرا انیسون صمغ عربی اصل السوس رب السوس از هر یک پنج درم
فانیذ قند از هر یک چهار درم با آب انار یا عقید عسل
حب سازند حب المسک بوی دهن خوش کند و نفس را قوت

دهد صفه آن فلفل قرنفل خولنجان عاقرقرحا از هر یک دو درم
طباشیر پنج درم مشک و کافور از هر یک دانگی کوفته و بیخته
بگلاب حب سازند حب النکهة همین خاصیت دارد صفه آن
قاقله جوزبوا قرنفل کافور دارچینی خولنجان فوفل از هر یک یک درم
مشک دو دانگ پوست ترنج کبابه بسباسه از هر یک یک مثقال
سعد دو درم بگلاب حب سازند حب دیگر همین منفعت
دارد صفه آن مشک قرنفل قرفه جوزبوا سعد سنبل پوست ترنج
عود خام مساوی با آب زرد آلو حب سازند هر یک مقدار
نخودی هر صباح و مسا یک حب از آن در دهن نگاه دارد و
حب دیگر که بوی سیر و پیاز و شراب از دهن ببرد و پاک کند
صفه آن پوست ترنج مرجان هیل زنجبیل کبابه بسباسه سعد از هر یک
پنج درم مشک و طباشیر از هر یک پنج درم عنبر نیم مثقال صندل
سوده بگلاب ده درم صمغ عربی دانگی بگلاب حب سازند
حبی که دیگر همین منفعت دارد صفه آن کبابه قرنفل قرفه
طباشیر از هر یک دو درم مشک دانگی عنبر پنج درم عود یک درم

کوفته و بیخته بکلابی که صمغ عربی در آن منقوع کرده باشند حب
سازند حب مقل با نفس چون زحیر از بواسیر باز دارد
صفة آن اهلیلج سیاه پوست هلیلج کابلی پوست بلیله آمله مقشر
از هر یک دو درم مرجان کهربا دوغ سوخته از هر یک یکدرم
مقل را در آب گندنا حل کنند و داروها صلایه کرده با آن
بسرشند حب سازند شربتی دو درم حب مقل دیگر که همین
منفعت دارد صفة آن هلیلج کابلی بریان کرده بروغن گاوی
درم کهربا مثقال برابر آب کنند تا حل شود ادویه دیگر کوفته و بیخته
با آن بسرشند حب سازند شربتی دو درم حب ممسک
طبیعت بود و خون رفتن باز دارد صفة آن سماق دو درم
مازو یکدرم پوست انار نیم درم حب الآس ده درم صمغ عربی
سه درم کوفته و بیخته با آب لعاب صمغ عربی حب سازند
شربتی دو درم با آب مورد بدهد و از عقب آن بار آب
سرد و بارد خورد حبی که اسهال [illegible] باز دارد صفة آن
مازو [illegible] مساوی با آب حب سازند شربتی دو درم

حب حبس اسهال خون باز دارد

حبی که اسهال بلغمی را باز دارد صفة آن مر [illegible] فلفل چند
بیدستر افیون مساوی کوفته و بیخته حب سازند هر یک
مقابل یک فلفل شربتی سه حب تا پنج حب حب زحیر اسهال
کهنه و زحیر را نافع باشد گاهی که حرارت [illegible] باشد
صفة آن چند بیدستر اسارون میوه سایه [illegible] سیاه
کنند مساوی با آب حب سازند شربتی دو درم حبی که در بستن
شکم به بود صفة آن افیون یکدرم اقاقیا دو درم گل [illegible]
و سماق حب الآس از هر یک چهار درم کوفته و بیخته با [illegible] که
در وی صمغ عربی منقوع باشد حب سازند شربتی نیم مثقال
حبی که نعوظ تمام آورد و در بطوء انزال اثری تمام دارد صفة
آن عود خام قرنفل کبابه فلفل از هر یک سه درم زعفران نیم درم
بالنگو دو درم تخم بابونه مروارید ناسفته از هر یک یکدرم
کوفته و بیخته با عسل بقوام آورده بسرشند حب سازند هر
یک مقدار نخودی حبی که مسکن اوجاع [illegible] صفة آن [illegible]
انغاره [illegible] مصطکی زعفران فلفل قرنفل چند بیدستر سنبل هندی عاقرقرحا

حب نعوظ تمام آورد

از هر یک یکمثقال مشک دانگی افیون یکمثقال و نیم بگلاب حب
سازند شربتی یکدرم حقنهٔ لینه حمیات و سرسام
و امراض حاده را نافع است و طبع را نرم کند صفت آن عناب
سپستان بنفشه شعیر نیم کوفته سبوس گندم گل خطمی خشک
اکلیل الملک از هر یک کفی انجیر پنج دانه در سه رطل آب
بجوشانند تا رطلی آید و بپالایند و شکر سرخ پنج درم روغن
بنفشه بادام ده درم و روغن کنجد ده درم آبکامه پنج
درم اضافه نمایند و نیم گرم حقنه نمایند حقنهٔ لینه دیگر انجیر
ده عدد اصل السوس دو درم سپستان سی عدد کشک جو
یک کف بنفشه نیلوفر از هر یک پنج درم بابونه یک کف جمله را
در سه من آب بجوشانند تا به یکمن آید و صاف کنند
و ده درم لعاب بزر قطونا بیست درم روغن بنفشه
بادام و ده درم آبکامه دو درم بوره ارمنی یکدرم نمک
هندی اضافه نمایند و بیست درم شکر در آن حل کنند
و سه نوبت بریزند حقنهٔ معتدله حلبه بزرک انجیر عناب

بنفشه سپستان خطمی بابونه اکلیل الملک خشک شبت سبوس
گندم از هر یک کفی بپزند چنانچه رسم است و بپالایند و ده درم
قانید و ده درم بوره ارمنی و یکدرم نمک هندی با پانزده درم
روغن شیره اضافه کنند و نیم گرم حمل نمایند حقنهٔ حاره
شحم حنظل افتیمون بسفایج از هر یک دو درم فودنج یک کف
بپزند و بپالایند و بیست درم شکر و ده درم روغن بابونه
اضافه نمایند و استعمال کنند حقنهٔ دیگر قولنج بلغمی و درد پشت
و بادهای غلیظ را نافع باشد صفت آن حلبه بزرک قنطوریون
بابونه خشک نیم کوفته خطمی از هر یک کفی انجیر سی عدد عناب
سپستان از هر یک سی دانه سبوس گندم برگ چغندر برگ
کرنب و چند آب از هر یک دسته سکبینج و مقل جاوشیر
از هر یک سه درم مغز تخم کافشه بیست درم به بپزند و بپالایند
چنانکه رسم است و یکدرم نمک هندی و دو دانگ شحم حنظل
ده درم آبکامه و بیست درم شکر سرخ اضافه کنند
و استعمال کنند حقنهٔ دیگر که استرخا و فالج و امراض بلغمی را نافع

صفه آن سنا مکی پنج درم شبت و بابونه و کاشه نیم
کوفته و بید انجیر کوفته از هر یک کفی پر سیاوشان بادر
نجبویه قنطوریون دقیق از هر یک دو درم شکر سرخ
پانزده درم انگنامه مثقال چغندر روغن زیت از هر
یک ده درم نمک هندی بوره ارمنی از هر یک نیم درم
بطریق معهود عمل نمایند حقنه دیگر قولنج بگشاید صفه آن
سنا مکی پنج مثقال گاوزبان خشک شبت از هر یک
سه درم رازیانه انیسون بسفایج از هر یک دو درم بابونه
سبوس گندم گل خطمی از هر یک کفی گل سرخ تازه دوازده عدد
روغن زیت روغن گل سرخ و شکر سرخ و ...
چغندر از هر یک ده مثقال انگنامه گلقند آفتابی از هر یک
ده درم بوره ارمنی نیم درم بپزند و صاف نموده چنانکه رسم است
عمل نمایند حقنه دیگر که ریش روده و اسهال صفراوی را
سود دارد صفه آن آب برگ خرفه و آب لسان الحمل و بیض
از هر یک چهل مثقال تخم مرغ ... روغن گل آمیخته یک ... اقاقیا

نیم درم دم الاخوین چهار دانگ کاغذ سوخته سفید آب
کهربا مرجان گل مختوم از هر یک یک درم ممزوج سازند و
استعمال نمایند حقنه دیگر که قروح امعا و حصبه و موی را نافع باشد
صفه آن کشک جو برنج شسته پخته کرده بر از هر یک سی
مثقال بریزند و بپالایند و سفید آب و نشاسته و اقاقیا
و گلنار از هر یک نیم درم زعفران شیاف ابیض از هر
یک یک درم زرده تخم مرغ عددی بده درم روغن گل حل
کنند و در یکدیگر بیامیزند و استعمال نمایند والسلام

باب الخا جندیقون پرورده معده و احشا
و جگر را نافع باشد و هاضمه را قوت دهد و از برای پیران
مفید بود صفه آن شراب کهنه ده رطل عسل صاف
سه رطل زنجبیل ده درم قاقله جوزبوا زعفران از هر یک
یک مثقال قرنفل مشک از هر یک نیم درم دارچینی فلفل
از هر یک یک درم ادویه را کوفته سوای مشک و زعفران
و در کیسه کنند و سر کیسه را محکم ببندند و شراب و عسل را بجوشانند

وکیسه را دران افکنند هر ساعت بدست میمالند تا سر آن
بجوآمد آید پس کیسه را بردارند و مشک و زعفران را در آن
حل کنند و نگاه دارند خضاب که موی را سیاه کند
عفص آن مازو یک رطل کتیرا و هوی سوخته بیست از هر یک
پنج درم نوشادر چهار درم نمک اندرانی دو درم مازو را
بروغن زیت بجوشانند تا خوش شود و با دویه دیگر کوفته
و بیخته با آب گرم سرشته کنند و بگذارند تا چهار ساعت بگذرد
و بعد از ان سر و ریش را بشویند و خشک کنند و خضاب
بمالند و بعد از شش ساعت با آب نیم گرم بشویند خضاب
دیگر وسمه چهل درم حنا پنج درم کوفته و بیخته و بروغن گل
چرب کنند بعد با آب گرم سرشته کنند و شب بمالند و صباح
با آب گرم بشویند خضاب دیگر گل شقایق ده درم آمله شیر
جوشت مازو [illegible] از هر یک پنج درم کوفته و بیخته لبسکه گرم
و بیست روز در آفتاب نهند و سرکه اضافه می کنند
بعد از ان استعمال نمایند خضاب دیگر جوز السرو در سرکه

حنا بینده بیست درم مازوی سبز در روغن زیت پخته
تا سوخته شود شش درم مس سوخته پوست گردکان تر
از هر یک ده درم پرسیاوشان شب یمانی اقاقیا
آمله از هر یک شش درم قرنفل دو درم کوفته و بیخته با آب
گرم سرشته کنند و خضاب کنند و بعد از سه ساعت بشویند
خضاب دیگر پوست گردکان تر شب یمانی پوست آمله
مس سوخته لادن مسک کوفته و بیخته با آب گرم سرشته کنند
و خضاب کنند خضاب دیگر حنا چهار درم وسمه شش
درم زر سوخته شبت یمانی نمک اندرانی مازوی سبز
بریان کرده در روغن زیت و خبث الحدید از هر یک
سه درم کوفته و بیخته با آب گرم سرشته کنند و استعمال کنند
خضاب دیگر شکوفه گردکان و مقل با روغن زیت
صلایه کرده استعمال نمایند بعد از شش ساعت با آب
گرم بشویند باب الدال داء الثعلب و آن را
داء الملوک گویند اوجاع مفاصل و بواسیر و ناصور و بیرص

نارد

وبهق سفید و سیاه و جذام را نافع باشد و حواس را
قوی کند و باه را زیاده کند و هر که این معجون استعمال کند
موی او جز آنکه سفید شده باشد سفید نشود صفة آن
هلیله سیاه و بلیله و آمله از هر یکی سی و هشت مثقال شونیز
بیست و چهار مثقال فلفل اشق دار فلفل زنجبیل بلغویه از
هر یک دو مثقال قاقله صغار نارمشک سعد از هر یک دو مثقال
کبابه عـ... از هر یک شش مثقال قانید شصت
مثقال قانید را کوفته در باسل کنند و در آب بگدازند
و داروها را کوفته و بیخته و عسل بلاد در با آن سرشند
و اقراص سازند هر یک دو مثقال و دانگی و نیم و هر بامداد
یک قرص از آن بخورند در وقتی که این معجون استعمال
نمایند از ترشها و لبنیات پرهیز کنند
دواء المشک حلو ضعف معده و دل و خفقان و صرع
و ضیق النفس و فالج و لقوه و تب ربع را سود دارد
و بادهای زنان آبستن را دفع کند و رنگ را نیکو گرداند

صفة آن زرنباد درونج از هر یک یکدرم مروارید ناسفته
کهربا بسد از هر یک یکدرم و نیم بهمنین سپید و سرخ هندی
سنبل الطیب قاقله قرنفل جند بیدستر دواله از هر یک
چهار دانگ ابریشم مقرض دو مثقال زنجبیل و دار فلفل
از هر یک دو دانگ مشک دانگی و نیم کوفته و بیخته بعسل
شهد که آتش بدیده باشد بسرشند و بعد از چهار ماه
استعمال کنند شربتی از یکدرم تا دو درم باشد دواء
المشک بارد نسخه میرزا محمد حکیم گل سرخ شش مثقال طباشیر
کشنیز خشک از هر یک شش مثقال مروارید ناسفته سه
مثقال کهربا شش مثقال مشک خطائی هفت مثقال ابریشم
خواکه قند سه وزن ادویه دواء المشک بارد کهربا پنج درم
طباشیر پنج درم ورق گل سرخ پنج درم کشنیز خشک
چهار درم گاوزبان هفت درم بسد سه درم مروارید
ناسفته سه درم تخم خرفه پنجدرم ابریشم مقرض سه درم
مشک یکدرم آمله هفت درم دارچینی و عود از هر ده درم زعفران

یکدرم عسل و قند سه وزن ادویه دوا آر المسک مر رطوبات
معده را ببرد و خفقان سوداوی و ورم حنجره را نافع باشد
صفت آن افسنتین رومی صبر سقوطری از هر یک سه درم
ریوند چینی شش درم نانخواه و زعفران تخم کرفس از هر یک
چهار درم مشک ناردین ساذج هندی مروارید ناسفته
از هر یک دو درم جند بیدستر یکدرم و نیم بعسل معجون کنند
دوا آر اللک کبیر صلابت کبد و طحال و معده و استسقا
برودت معده را نافع باشد و سده بکشاید و بول براند
و سنگ گرده و مثانه بریزاند و بدن لاغر کند صفت آن لک
مغسول دو قوه تخم کرفس جبلی بزرگ کرکانی (?) زنجبیل از هر یک سه
درم کافیطوس روناس خشک از هر یک چهار درم و چهار
دانگ جبلبیا (?) زراوند مدحرج از هر یک یکدرم صبر سقوطری
سنبل از هر یک دوازده درم فوه پانزده درم تبانج (?)
سلیخه مصطکی قصب الذریره اسارون مقل از هر یک
شش درم کندر چهار درهم دار فلفل زراوند طویل از هر یکه

سه درم رب السوس سه درم (?) هشت درم ریوند چینی حب
اذخر از هر یک دو درم فلفل و قسط از هر یک ده درم سیسالیوس
سه درم کوفته و بیخته معجون کنند شربتی یک مثقال دوا ار اللک
صغیر منافع آن قریب بمنافع کبیر است صفت آن لک مغسول
قسط تلخ فقاح اذخر ترمس حب الغار فلفل از هر یک ده درم
ریوند چینی یازده درم کوفته و بیخته بعسل سرشند شربتی
یکدرم بطبیخ افسنتین یا آب گرم دوا ار الکرکم کبیر امراض جگر
و سپرز را که از سردی بود نافع باشد و سده بکشاید
و بادها دفع کند و گرده و مثانه را قوت دهد و بول براند و
استسقا را که بسبب آن ورم جگر و سپرز باشد سود دهد
صفت آن زعفران دوازده مثقال اسارون سوفرامیون (?)
فطراسالیون ریوند چینی از هر یک چهار درم سنبل شش درم
قسط سلیخه فقاح اذخر حب بلسان از هر یک یکدرم فوه دو
درم رب السوس حب مصطکی غافث از هر یک سه درم روغن
بلسان یکدرم مرصاف (?) چهار درم کوفته و بیخته بعسل صاف سرشند شربتی

از یکدرم تا دو درم تا آماز العسل دوای الکرکم صغیر منافع آن
قریب بمنافع کبیر است صفة آن زعفران سلیخه سنبل از
هر یک دو درم قسط تفاح اذخر دارچینی از هر یک یکدرم
کوفته و بیخته یکشبانه روز بشراب انگوری ترکنند و در
روز دیگر بعسل معجون سازند شربتی یک مثقال دیگر ورد
سنبل الطیب اسارون قسط مصطکی زعفران لک مغسول مقل
سفید طباشیر و سلیخه دارچینی از هر یک یک مثقال مر رق
گل سرخ دو درم با ده مثقال عسل سه وزن ادویه دوای الکبریت
امراض بلغمی و سوداوی و بیماری کشش و تنگی نفس و سینه بلغمی وریم
که از سینه بیرون آید و استسقا و درد سپرز و اسر البول را
نافع باشد و سنگ گرده و مثانه را بریزاند و مفتت ادویه
سمیه چون افیون و شوکران را دفع کند و از جهت گزیدن رتیلا
و عقرب نافع باشد صفة آن گوگرد زرد و بذر البنج سفید
قردمانا میعه سایله مر از هر یک شش درم سداب قسط
تلخ از هر یک ده درم افیون زعفران از هر یک دو درم سلیخه

38

دوازده درم فلفل سفید بیست درم کوفته و بیخته بعسل معجون
سازند شربتی یک مثقال دهد شاد باد و بادها بشکند و قولنج
را دفع کند صفة آن تخم اسفند و حلبه از هر یک سه درم و تخم
غربی فلفل دارفلفل عاقرقرحا اسارون سلیخه قسط زعفران
زنجبیل از هر یک دو درم کوفته و بیخته بعسل بسرشند شربتی
دو درم دوای الحلتیت تب ربع و گزیدن عقرب و رتیلا
و مانند آن را نافع باشد و از جهت تب ورم سکنجبین دهند
بعد از آنکه چهل روز گذشته باشد و از جهت جانوران
زهردار در شراب صفة آن حلتیت سداب مر فلفل ساوی
کوفته و بیخته بعسل بسرشند شربتی مقدار یک جوز دوای الملدیون
استسقا و امراض سوداوی و بلغمی را نافع است صفة آن بادیون
در سرکه خیسانیده یکشبانه روز و در سایه خشک کرده یکدرم
زیره کرمانی نمک هندی پوست هلیله زرد از هر یک نیم درم افسنتین
ترید سفید از هر یک یکدرم کوفته و بیخته شربتی دو درم
دوای الاترید حمیات بلغمی را نافع باشد صفة آن زنجبیل مصطکی

از هر یک ده درم تربد سفید بیست درم شکر طبرزد چهل درم
شیر می هر شب یک مثقال خورد آثار الترنجبین ضعف باه را که بسبب
آن حرارت باشد نافعست صفة آن ترنجبین سفید سی
درم ودر دو رطل شیر تازه بجوشانند تا بقوام آید و هر شب
دو ملعقه بنوشند دواء الخشک در تقویت باه بی نظیرست
صفة آن خشک خشک را بکوبند و بپزند و در آب خشک تر
کنند شبانه روز و در آفتاب به برورند و هر روز تازه
می کنند چندانکه آب نیز رسته وزن خشک بکار شود پس خشک
کنند و هفت درم از آن با ده درم شیر تازه و ده درم نبات
بنوشند و سه قیراط عنبری زنجبیل کوفته و بیخته اضافه نمایند
دواء البصل تولید منی کند و نعوظ تمام آورد و نهایت مقوی
باه بود صفة آن آب پیاز جزو عسل دو جزو بجوشانند تا بقوام
آید و در وقت خواب دو ملعقه از آن بنوشند دواء الفرس
جهة معده که بسبب آن برودت و رطوبت باشد نافع بود
صفة آن اهلیله سیاه بروغن گاو بریان کرده ده درم حرف مقلو

پنج درم نانخواه شش درم خبث الحدید ده درم زنجبیل دو درم
با شراب کهنه دواء الخلط طیف خناق بلغمی و سوداوی را نافع
باشد چون بدان غرغره کنند یا برخارج طلا سازند صفة
آن تخم کرفس انیسون نانخواه هر از اسپند دارچینی هر زراوند
طویل زعفران از هر یک ده درم گل ارمنی بیست درم
قسط و ... الخلط طیف از هر یک سی درم نشاسته سنبل از
هر یک پنج درم مازوی سبز ده عدد کوفته و بیخته بعسل سرشند
و استعمال نمایند دواء الحرمل که همین خاصیت دارد صفة
آن هر از اسپند تخم ترب حلبه شش مربوره ارمنی نوشادر
مساوی کوفته و بیخته استعمال نمایند و یاقوت امنیع نزلات کند
و سرفه خشک را بغایت نافع باشد صفة آن خشخاش
سفید با پوست بیست عدد تخم خطمی کتیرا صمغ عربی تخم خبازی
بهدانه شیرین از هر یک پنج درم اصل السوس بیست درم برز قطونا
ده درم مجموع را در شش رطل آب باران جوشانند و شبانه
روز تا ... بر آتش نرم بپزند تا ... آید بعد از آن

رابکشند و اخراج کند صفة آن سنبل ... حب النیل
از هر یک نیم درم درمنه ترکی دو درم تربد هلیله کابلی مغز
از هر یک یکدرم نمک هندی دو دانگی کوفته و بیخته با شیر و شکر
بیاشامند و بیاشامند دارو که همین خاصیت دارد صفة
آن هلیله کابلی مغز سه درم تربد سفید دو درم سنبل
یکدرم حب النیل نمک هندی از هر یک نیم درم کوفته و بیخته
بمویز منقی سرشته شافها بندد دارو دیگر که چون بر آتش نهند
جانوران بگریزند صفة آن زرفت زرد و شاخ گوزن هر دو آورده
مساوی زرفت را بگدازند و داروها کوفته و بیخته بان سرشته کنند
و استعمال نمایند دارو [illegible] عرق کند صفة آن برگ
مورد و برگ گل [illegible] کنند
و بجوشانند دارو[illegible] که نافع است از جهت کرم که در گوش باشد
صفة آن شراب دو درم عسل سه درم روغن گل یکدرم
سفیده تخم مرغ دو بیضه مجموع را با هم مخلوط سازند و بپاره
[illegible] کنند و نیم گرم در گوش ریزند تا آنجا [illegible] کند یک [illegible]

صاف کنند و بگیرند قند سفید اضافه نمایند و بقوام آورند
و یاقوت و ابریشم بیخته دیگر ترتیب النفع نسخه اول [illegible] آن
تخم خشخاش سفید با پوست خشخاش سیاه از هر یک ده
مثقال بنفشه صمغ عربی از هر یک پنج مثقال اصل السوس [illegible]
درم آب انار شیرین [illegible] مثقال قند سفید صد درم [illegible]
سازند چنانکه [illegible] دیگ [illegible]
زاید [illegible] نافع است صفة آن [illegible] زنجبیل [illegible] از هر یک
[illegible] درم [illegible] دو درم آهک آب [illegible] ده درم
[illegible] یکدرم کوفته و بیخته [illegible]
دارو که موی را [illegible] سیاه کند صفة آن
[illegible]
و بیخته [illegible] استعمال نمایند
دارو [illegible] که [illegible] صفة آن [illegible]
و پای را [illegible] بشویند یا پای را آب برگ سوسن و یا برگ
مورد بشویند نافع باشد دوای کرم حب القرع و کرم دراز

رابگذ

بعد از آن بیکبار آن ابریشم پاره بیرون کشند که کرم بیرون آید
داروی دیگر که از جهت گزیدن عقرب و جمیع هوام خاصه نافع باشد
صفت آن آهک برگ توت کوفته بروغن زیت بسرشند و بر
محل زخم نهند با آهک و زرده تخم مرغ بهم آمیخته بر زخم نهند درد ساکن
کند و اگر باقلی کوفته بدوشاب بسرشند بر موضع گزندگی مالند
فی الحال درد ساکن گرداند اگر کژدم را بروغن بجوشانند همه روغن
پیاله شده که کژدم بگزد آن روغن بر موضع گزندگی مالند
درد ساکن شود اگر عسل آن روغن بیامیزند چنانچه کودک از مادر
بزاید بعد از آن سه درم بر کام کودک بمالند اگر در همه عمر کژدم او را
بگزد درد نکند و اگر برگ کوفته جوز بر موضع گزندگی مالند درد
ساکن شود و اگر سیر بسرکه تر کنند و بمالند همین عمل کند
داروی کژدم گزیدگی را اگر بنده باشد بگیرد و نمک سوده و روغن
چراغ گرم کنند و بر زخم کژدم نهند همین عمل کند اگر برگ بادنگ
بکوبند و بر موضع نهند فی الحال درد ساکن شود و اگر مغز جوز و انجیر
و سیر کوفته بر زخم مالند نافع باشد داروی آتشک سبق

مقتول هفت مثقال لادن مصطکی سورنجان از هر یک دو درم زبد
سفید تخم بنفشه از هر یک سه درم روغن گل ده درم روغن
زیت با هر ده مثقال آب لیمو بیست مثقال و اگر جراحت
و دانه باشند توتیای سفید مرداسنگ از هر یک دو درم
زنگار پنج درم اضافه نمایند و بطریق مرهم ترتیب نمایند بدستور
متعارف بمالند داروی که بیهوشی آورد صفت آن ابنج
پنج درم خشخاش سیاه ده درم تخم کاهو بیست درم در شش
رطل آب بجوشانند تا یک رطل آید و نیم رطل گندم با آب بجوشانند
تا آب تمام شود پس گندم خشک کنند و بکوبند و یک مثقال
از آن هر که را بدهند بیهوش شود داروی که همین عمل کند صفت آن
خشخاش سیاه تخم کاهو از هر یک پنج درم بزر البنج دو مثقال
بجوشانند و صاف کنند و باقی بقوام آورند و یک مثقال از آن
مسکر باشد و اگر اسفنه در شراب کنند هر که بخورد بیهوش
شود و اگر خواهند که مست زود هشیار شود سرکه کهنه با گلاب بدهند
تا بد و قی کاهو با برف با سبزی از غوره برف و یخ سرد کرده بنوشند

دوای که نافع است از جهة حکّه و جرب و حکّه و سعفه سفل آن را
قشقشی نیز گویند صفت آن پوست هلیله زرد شش درم شاهی
تره و شاهتره از هر یک ده درم افسنتین یکدرم و نیم مامیران
چینی ثلث جزو افتیمون ربع جزو کوفته و بیخته بکشمش
کوفته سرشته شربتی بقدر یکجوز دوای که شهوت رقیه زنان
حامله را نافع باشد صفت آن مصطکی عود خام از هر یک نیم درم
... دانگی و نیم کوفته و بیخته با ده درم گل قند سرشته
بخورند دوای که نافع است درد دندان که از سبب حرارت
باشد صفت آن افیون نیم دانگ در روغن گل حل کنند
و قدری پنبه بدان تر کنند و بدندان نهند دوای دیگر
نافع است از جهة درد دندان که سبب آن برودت باشد
و آن را طریق الانسان خوانند صفت آن جند بید ستر
حلتیت فلفل دراز زراوند دحرج زنجبیل میعه افیون
بزرالبنج مساوی کوفته و بیخته بعسل سرشته پنبه را بدان
تر کنند و بر دندان نهند دوای که این صفت دارد صفت آن

فلفل عاقرقرحا مویز زنجبیل از هر یک یکجزو بوزه ارمنی یک
جزو و نیم و بیخته بعسل سرشته و استعمال کنند
دوای که درد دندان سوراخ را نافع باشد صفت آن فلفل عاقرقرحا
با زرد مساوی فلفل و عاقرقرحا بکوبند و به بازرد سرشته
و در سوراخ دندان نهند دوای که لثه را محکم کند و گوشت
رفته را برویاند صفت آن کندر زراوند دحرج دم الاخوین
کرسنه بیخ سوسن مساوی کوفته و بیخته بسکنجبین عنصلی
سرشته و استعمال نمایند دوای مذکور که درد دندان را
ساکن گرداند صفت آن عاقرقرحا مویز از هر یک سه درم
تخم مرو یکدرم آب شیر تازه بیست مثقال شیر گاو تازه
دو مثقال جو بساییده حب سازند و بر دندان نهند و اگر
سداب تازه با مویز سیاه بکوبند و بر دندان نهند همین عمل
کند باب [illegible] ذرور لکا یا ورد بیخ و ابتدا از
ردمد را نافع باشد صفت آن انزروت پرورده بشیر خر
سرشته صمغ عربی نبات مساوی کوفته و بیخته استعمال نمایند

ذرور اصفر نافع است از جهت کمنة اللذه و درد چشم که بسبب آن
رطوبت باشد صفة آن انزروت مربی یکدرم شیاف
ماميثا دو درم صبر زعفران تخم گل از هر یک نیمدرم افیون
چهار درم کوفته و بیخته استعمال نمایند ذرور اصفر بنوع دیگر
انزروت مربی ده درم صبر زعفران حضض از هر یک دو درم
مرصاف یکدرم کوفته و بیخته استعمال نمایند ذرور دیگر
که قرحه و مور سبج را نافع باشد صفة آن سرمهٔ اصفهانی
شادنج مغسول عدس صلایه کرده ذرور سازند ذرور وردی
ابیض ابتدا رمد را نافع باشد صفة آن اقلیمیا نقره
سفیداب صبر سقوطری از هر یک دو درم کثیرا ابیت درم صمغ
عربی چهل درم گل سفیدان شصت درم نشاسته سی درم
افیون ده درم کوفته و بحجر بریخته آب باران پرورده ذرور
سازند ذرور رمادی چرک و سبل و دمعه را نافع باشد
صفة آن ماميران چینی یکدرم توتیای کرمانی پرورده صبح
سوخته و پرورده و توبال مغسول سرمهٔ اصفهانی پرورده

از هر یک ده درم کوفته و بیخته استعمال نمایند ذرور وردی
مور سبج و بثره و قرحه رطبه را نافع باشد صفة آن سفیداب
ارزیز شش درم اقلیمیای نقره دو درم و دو دانگ افیون
ده دانگ صمغ عربی یکدرم و دو دانگ انزروت نیمدرم مس سوخته
ده دانگ و دو حبه شادنج مغسول چهار دانگ کوفته و بیخته
استعمال نمایند ذرور انزروت قرحه را پاک کنند صفة آن
نشاسته شش درم انزروت مربی سفیداب رصاص از هر
یک دو درم کوفته و بیخته ذرور سازند ذرور مغل بیاض را
نافع باشد چنین در قرینه نیکو باشد صفة آن سر کلس جلاف
عاقرقرحا انزروت زنگار سنجرنیا اقلیمیا کوفته و بیخته
بجس منخل بریشند و استعمال نمایند ذرور دیگر که دمعه و جرب
و ضعف بصر را نافع باشد صفة آن توتیای مغسول ده درم توبست
هلیله زرد صبر سقوطری دارفلفل زرد چوبه از هر یک نیمدرم
فلفل دو درم کوفته و بیخته استعمال نمایند ذرور دیگر که نافع باشد
از جهت درد چشم کهنه و ورم و آب رفتن صفة آن توتیای مغسول

سفیداب ارزیز نشاسته کوفته و بیخته بحریر هندو سازند
ذرور طرفه شیاف مامیثا ساذج هندی حماما از هر یک دانگی
و نیم سرمه قلقل زنگار از هر یک یکدرم کوفته و بیخته ذرور
سازند ذروری که نافع است از جهت جرب و سبل و طرفه و اکله
جفن صفت آن اقلیمیای صمغ عربی از هر یک سه درم زعفران
قلقل سنکرف از هر یک دو درم افیون یکدرم و نیم صلایه
کرده استعمال نمایند ذروری دیگر جهت درد چشم اطفال نافع است
صفت آن انزروت مربی جسمک از هر یک ده درم مامیران دم
الاخوین از هر یک دو درم کوفته و بیخته استعمال نمایند ذرور
مکه دار قلقل دو دانگ هلیله زرد مرار از هر یک ده درم زبد
البحر یکدرم مامیران دو دانگ صبر دانگی و نیم کوفته و بیخته استعمال
نمایند ذرور سبل توتیای مغسول دو دانگ مامیران چینی دو
درم زبد البحر حضض مکی صبر سقوطری دار قلقل پوست هلیله
زرد از هر یک یکدرم انزروت مربی چهار مثقال صمغ عربی
یک مثقال کوفته و بیخته ذرور سازند ذرور ریباس ساذج

هندی شش درم مس سوخته از هر یک سه درم شادنج عدسی
مغسول مرصاف از هر یک یکدرم صدف سوخته مامیران چینی
از هر یک دو درم صلایه کرده استعمال نمایند ذرور کافور نافع
از جهت حرارت چشم و رمد صفت آن صدف سوخته مروارید
ناسفته از هر یک دو درم نشاسته یکدرم کافور دانگی صلایه
کرده ذرور سازند ذروری که گوشت برویاند خون رفتن
از جراحت باز دارد و رعاف را نافع باشد صفت آن انزروت
مر کندر دم الاخوین ساده کوفته استعمال نمایند ذروری دیگر
همین خاصیت دارد صفت آن انزروت دم الاخوین مر کندر
گلنار گل ارمنی از هر یک پنج درم عدس مقشر یکدرم کوفته و بیخته
ذرور سازند ذروری که گوشت مانده شده را بخورد
و جراحت را به بندد و سخت گرداند در وقت بستن در اول
سر جراحت بگشاید و تری برد ز گوشت برویاند صفت آن
انزروت چهار درم دم الاخوین دو درم گل مختوم مرداسنگ
کندر از هر یک یکدرم و نیم گل ارمنی شیاف مامیثا از هر یک یکدرم

و نیم بوره ارمنی رزاوند مدحرج از هر یک دو درم کوفته و بیخته
استعمال نمایند ذرور دیگر که نافع است از جهت خروج مقعد و سوزش
و مقعد صفت آن سفید آب ارزیز کلنار شب یمانی مازو مساوی
کوفته و بیخته مقعد را بروغن گل چرب کنند و بران افشانند
ذرور دیگر که استرخای مقعد را نافع باشد صفت آن حب
بلوط مازو نشار کندر شیح سوخته کلنار شاخ گوزن محرق
مرداسنگ صدف سوخته اقلیمیا مساوی صلایه کرده ذرور سازند
ذرور دیگر که همین خاصیت دارد صفت آن حب بلوط کلنار
جوز السرو کاغذ سوخته از هر یک سه درم کوفته و بیخته بر مقعد
افشانند ذرور دیگر که سوختگی آتش را نافع باشد صفت
آن مرداسنگ آهک حنا از هر یک قدری بکوبند و جای سوخته را
بروغن گل چرب کنند و این داروها درو پاشند در سه روز
خوب شود باب الرا روغن قسط فالج و لقوه
و معده و جگر را نافع باشد و سیاهی موی را نگه دارد و اعصاب را
قوت دهد صفت آن قسط ده درم فلفل فربیون از هر یک سه درم

عاقرقرحا

45

عاقرقرحا چهار درم جند بیدستر دو درم و نیم شراب کهنه صد درم
روغن زیت پنجاه درم قسط فلفل عاقرقرحا نیم کوب کوفته در شراب
خیسانیده یک شب و صباح شراب بجوشانند تا به نیمه آید
بعد از ان روغن زیت در ان ریزند و چندان بجوشانند که
شراب برود و روغن بماند بعد از ان جند بیدستر و فربیون
کوفته و بیخته در انجا ریزند در زمانی که از آتش فرو گرفته باشند
روغن قسط نسخه دیگر درد جگر و معده سرد و مفاصل و استرخا را
نافع باشد صفت آن عقعبا آلد زیره سنبل ساذج هندی میعه
سایله سوسن قرفه اشنه قسط از هر یک بیست درم راسن
خشک سلیخه عود بلسان از هر یک ده درم مر صافی قرنفل
از هر یک پنج درم مجموع نیم کوفته در سه من آب بجوشانند
تا بیک من آید و با نیم من روغن کنجد بجوشانند تا آب برود روغن
بماند روغن قسط بنوع دیگر سر و جگر و معده را نافع باشد
چون بیاشامند و چون بر جائی که موی رفته باشد بمالند موی
بر دیاند و اعصاب را محکم کند صفت آن قسط تلخ صد درم خرما جوز

ماثل چهار درم سلیخه شش درم مجموع بهم کوفته کنند و در شراب
خیسانند یک شبانه روز دیگر بجوشانند و بپالایند و سه
چهار یک روغن کنجد یا زیت بر روی آن ریزند و بجوشانند تا
روغن بماند روغن قسط نسخه دیگر امراض بارده را نافع باشد
و محلل ریاح و مواد غلیظه و مقوی اعصاب صفه آن قرنفل سلیخه
از هر یک ده درم قصب الذریره سنبل ساذج قرفه اشنه چند
بیدستر قسط از هر یک بیست درم پنج بنفشه سی درم مرزنباد
پنجدرم و نیم کوفته در آب بجوشانند تا متهرا شود بعد از آن
صاف کرده دو من روغن کنجد اضافه نمایند و چندان بجوشانند که
روغن بماند روغن شونیز فالج و لقوه و تشنج را سود دارد
صفه آن شونیز بیست درم مغز بادام تلخ سی درم بکوبند
و روغن از او بکشند روغن افسنتین معده و جگر و جمیع
اعضا را قوت دهد صفه آن روغن زیت یا روغن بادام
تلخ یا روغن جوز یا روغن زرد آلوی تلخ نیم من افسنتین رومی
تازه در شیشه کنند و چهل روز در آفتاب بیاویزند روغن

فرفیون همه دردها که از سردی باشد زایل کند و فالج و خدر را
سود دارد صفه آن قسط ده درم عاقرقرحا نعنع درم
میویزج سه درم جمله بهم کوفته کنند و در چهار صد درم شراب
کهنه بریزند تا سه بخش برود و یکی بماند و بعد از آن چندان
بپزند که شراب برود و روغن بماند پس در هر ده درم روغن
فرفیون تازه اندازند و یک جوش بدهند و بردارند روغن
روغن سوسن
سوسن پرورده احتناق رحم را سود دارد و گرده و مثانه
سرد را گرم گرداند صفه آن سلیخه حب بلسان قسط از هر یک
ده درم قرنفل قرفه مصطکی پنج درم گل سوسن سپید علفه زعفران
ده درم جروی از سوسن بردارند و یک رطل و نیم روغن
کنجد در شیشه کنند و داروها کوفته و بیخته بر روی آن کنند
و نزدیک آفتاب نهند و در سایه چهل روز بگذارند پس برو
آورند و نگاه دارند روغن بید الخیر ساده مسهل بلغم بود
و اعضا را از رطوبات پاک کند صفه آن بید الخیر بریان نرم
نرم بکوبند و بجوشانند و کف وی بگیرند و نگاه دارند تا تمام کف

47

بروا رند و آب ازو بماند آب آن بریزند و کفها بجوشانند
که تمام بروغن صاف شود روغن بید انجیر مرکب فالج و لقوه
و سده جگر و سپرز را نافع باشد و قولنج بگشاید صفت آن
نانخواه صعتر جوز دانه کوهی تخم کرفس انیسون مصطکی ابهل از
از هر یک بیست درم بیخ کرفس بادیان بیخ سوسن راسن خشک
از هر یک ده درم شیطرج مقل از هر یک پنج درم سکبینج
جاوشیر زرنباد درونج عقربی از هر یک سه درم زنجبیل دارچینی
قاقله جوزبوا کبابه دارفلفل جوزبوا بسباسه شونیز قسط کوبا
از هر یک چهار درم مجموع بهم کوفته بخیسانند در آب
یکشبانه روز بجوشانند تا نرم شود و بپالایند و صد و پنجاه
درم روغن انجیر بساده بر روی آن کنند و بجوشانند تا آب
برود و روغن بماند عنبر دو درم تا سه درم [illegible]
روغن ترب نامند روغن زیت بعده کرم تر از روغن
بید انجیر باشد درد گوش را نافع باشد و مار که در گوش
شود نافع باشد صفت آن آب ترب سه جزو بگیرند و روغن

کنی

کنجد یک جزو بجوشانند تا آب برود و روغن بماند و بگیرند
روغن خشک عسر البول را عظیم مفید باشد صفت آن خشک
ده مثقال زنجبیل چهار مثقال و نیم کوفته بجوشانند و بپالایند
و یکچهار یک روغن کنجد اضافه نمایند و بجوشانند تا روغن
بماند روغن کدو بوئیدن و مالیدن آن سرسام و مالیخولیا
را نافع باشد صفت آن بگیرند کدوی تازه بستانند و پوست
آن بخراشند و با تخم و شحم بکوبند و آب آن بگیرند چهار [illegible]
و یکمن روغن کنجد بر روی آن بریزند پس بجوشانند تا آب برود
و روغن بماند اما بهتر از آن آنست که از مغز دانه کدوی خشک
گرفته شود باشند روغن بادام روغن ریحان فالج و درد زانو
را نافع باشد صفت آن آب ریحان دو جزو روغن کنجد یکجزو
بجوشانند تا آب برود و روغن بماند روغن لاله معده را
سرد کند صفت آن برگ لاله از نبات آن جدا کنند و در شیشه
کنند و روغن زیت بر روی آن ریزند و بعد از یکماه در
آفتاب [illegible] روغنی که درد گوش که از گرمی باشد زایل کند

48

صفت آن روغن گل ده درم روغن بادام شیرین پنج درم
سرکهٔ کهنه سی درم بیکدیگر ممزوج سازند و بجوشانند
تا سرکه برود و روغن بماند و در گوش چکانند روغن
کندر در گوشی که از سردی بود زایل کند صفت آن کندر
پنج درم صبر سقوطری مر مصطکی جندبیدستر خرزهرهٔ گاو
از هر یک یک درم روغن بادام تلخ بیست درم شراب
کهنه چهل درم ادویه را کوفته با شراب در روغن بجوشانند
تا روغن بماند و بپالایند و در گوش چکانند روغن مصطکی
معده را قوت دهد صفت آن روغن زیت پنجاه درم
در شیشه کنند و ده درم مصطکی بر روی آن بریزند و دیگی
تا نیمه آب کنند و آن شیشه را میان آن دیگ آویزند و آتش
کنند تا آب بجوشد چنانکه مصطکی گداخته شود روغن
مورد موی را نگاه دارد و آنچه ریخته باشد برویاند صفت آن
بگیرند آب مورد سه جزو روغن زیت یک جزو با یکدیگر بجوشانند
تا نزدیک آنکه آب برود و روغن بماند قدری لادن دران اندازند

تا بگدازند و

تا بگدازند و برگیرند روغنی که [illegible] را اعانت کند صفت
صفت آن مازو و پوست هلیلهٔ کابلی برگ مورد از هر یک جزوی
در شراب ریحانی چسبانیده یک شبانه روز پس بپزند
و بپالایند و یک جزو روغن کنجد دران ریزند و در هر چند
درم روغن ده درم لادن در وقت فرود گرفتن بیندازند
تا بگدازد و فرو گیرند و شب موی را چرب کنند و صباح
در حمام بشویند روغنی که موی را سیاه کند و دراز سازد
و از افتادن نگاه دارد صفت آن ساذج هندی حماما [illegible]
هندی لادن آمله از هر یک پنج درم کوفته در سه رطل آب
بپزند تا بر رطلی آید و یک رطل روغن کنجد بران ریزند و
می جوشانند تا که آب برود و روغن بماند هر روز سر
را آب برگ چغندر بشویند و این روغن بمالند روغنی دیگر که
موی را سیاه کند و تا شصت ماه سیاهی آن بماند صفت آن
بستانند جوز هندی و سر آن بگیرند و مغز آن بیرون کنند
و پنج درم از مغز آن با ده درم آمله و دو درم برادهٔ آهن و

روغنی دیگر که موی سیاه کند

نیم درم بورهٔ ارمنی در هم آمیخته باید جوز دو در میان آن جوز کنند
و سر آن بچیزی بگیرند و تمام آن جوز را در گل حکمت گیرند و در میان
آتش نهند چنانکه یک ساعت نجومی بگذرد و از آتش بیرون
آورند روغنی که از ان رابیده شود در موی مالند که مقصود حاصل
شود روغن حنا موی را سیاه کند و عرق النسا و اوجاع
مفاصل را نافع باشد صفت آن برگ حنا یک چهاریکه در دو من
آب بجوشانند تا بنیمی آید و با نیم من روغن کنجد بجوشانند تا روغن
بماند روغن آمله موی را سیاه کند و قوی گرداند صفت آن آمله
مقشر برگ مورد و پوست بیخ صنوبر مساوی کوفته در آب
بپزند تا مهرا شود و صاف کنند و هم چندان روغن کنجد اضافه
نمایند و بجوشانند تا روغن بماند روغن بنفشه بند و سفید موی
برویاند بر موضع که نباشد صفت آن بگیرند یک خربزه تازه
و سوراخ کنند و اندرون او بیرون ریزند و سی عدد زرده تخم
مرغ در ان خربزه ریزند و بیخ سبز و روغن زیت و برگ
مورد و براده آهن صلایه کرده از هر یک ده درم و سوراخ

خربزه را محکم کنند بگل حکمت گیرند یک شب در تنور نهند و روز
دیگر بیرون آورند و گل را از ان جدا کنند و این خربزه را با روغن
زیت بمالند تا نرم شود و نگاه دارند روغنی که سر را با فراط آورد
و چون بر بینی مالند بر طرف شود صفت آن توتیا در نمک
لفظی تخم سفیدان تخم جرجیر فلفل سیاه زنجبیل گا گنج مساوی
بهم کوفته کنند و در آب بجوشانند تا مهرا شود پس صاف کنند
و با هم چندان آب و روغن سپید انجیر بجوشانند چنانکه آب
برود و روغن بماند روغن به معده را قوت دهد و حبس عرق کند
و اگر بر روی کنک آب کنند و بخورند اسهال بند کند صفت
آن آب به دو جزو آب برگ مورد یکجزو روغن گل یکجزو بجوشانند
تا مهرا شود و آب آن برود و روغن بماند روغن ملوذبون
استسقا را نافع باشد صفت آن برگها در بیون بیخ چهار یک
در سه من آب بجوشانند تا به نیمه آید و سه وقیه روغن بادام
در ان افکنند و بجوشانند تا روغن بماند شیرخشت بگذارد با شیر
شتر اعرابی روغن بنفشه با دام سرد و تر بود جرب را مالیدن

نافع بود و صلابت مفاصل را نرم کرداند و در ناخن مالیدن
صحت آن را نگاه دارد و دفع بخوالی کند صفت آن منوبا وادام شیرین
که در میان بنفشه کنند و بدو بیمه خشک کرداند و هر ده من بادام
یکمن بید مشک بر روی ریزند و در کیسه کرباس نو دو روز
میان بید رها کنند و بعد از آن بید را نو جدا کنند و بنفشه تازه
بعلف بر روی ریزند هر هفته دیگر باره بنفشه تازه بر روی
میریزند چند روز در زیر جامه خواب کنند تا نیک بوی بنفشه
بگیرد بعد از آن معلق در آویزند تا نیک خشک شود بنفشه آن را
جدا کنند و روغن از آن بکشند چنانکه رسم است روغن
گلها و ادام معتدل بود در حرارت و برودت و دماغ را نافع
باشند و فهم بیفزاید و اسهال مراری باز دارد و دردسر که
از گرمی باشد سود دارد و چون در آب سرکه بریزند و صاحب
جرب و حکه بمالند نیک شود صفت آن چون بنفشه بادام است که
بجای ورق گل سرخ کنند هر ده من بادام دو من ورق گل
کنند روغن گل سرخ و بنفشه و نیلوفری و زنبق و یاسمن و

بزجی

و نرجس و سداب و شبت و بابونه و هرچه تازه باشد
دستور است که بشیشه کنند و در آفتاب آویزند روغن
اترجه که دهن المبارک خوانند خواص بسیار دارد و گرم ترست
و از نفط سفید بهتر بود و لطیف تر و امراض بارده را سودمند
بود و جهت گزیدن عقرب و کیسه افیون و بذر البنج خورده باشند
نافع است صفت آن آجر سرخ آب ندیده یاد ام کنند و در
آتش اندازند تا سرخ شود و آن را بانبر برگیرند و در روغن
زیت اندازند و بعد از آن بیرون آورند و خورد کنند
و در شیشه که بگل حکمت گرفته باشند کنند و سر شیشه بموی
اسب بگیرند و بگلی نهند که سوراخ در ته آن باشد و در
محکم کنند و آتش در آن اندازند و چیزی در زیر شیشه
نهند روغنی که بچکد نگاه دارند روغن سورنجان مفاصل را
نافع باشد صفت آن سورنجان ابیض و آب کرفس تازه از هر
یک ده مثقال قصب الذریره پنج مثقال سورنجان و قصب
الذریره بکوفته بجوشانند شبانه روز دیگر آن را

بجوشانند تا ثلثی شود و بپالایند و آب کرفس اضافه نمایند و با
چهار یک روغن زیت بجوشانند تا آب برود و روغن
بماند روغنی که آب بواسیر را نافع باشد صفت آن آب
گندنا با روغن کنجد نیم من با ده درم مقل بجوشانند تا آب
برود و روغن بماند روغن نانخوره جهت سرعت انزال نظیر ندارد
چون کف را دان چرب کنند صفت آن نانخوره هندی
از پوست پاک کنند و نیم کوفته در میان شیشه کردن
دراز کنند و سر شیشه را بموم و سریشم محکم سازند و شیشه را
بگل حکمت بگیرند و در کاسه بزرگ که آتش توان کرد در بن
نمایند و بیخ کاسه را سوراخ کنند و سر شیشه را بپالا
بپالایه بنهند و آتش از بالای شیشه کنند و درانهٔ کاسه
و روغنی که از و بچکد نگاه دارند روغن عقرب سنگ
مثانه را پاک کند و بریزاند صفت آن عقربها جبلی سعد هندی
جنطیانا پوست بیخ کبر از هر یک یک وقیه روغن بادام تلخ یک
رطل داروها کوفته و بهم در شیشه کنند و روغن بر سر آن

جهت ریختن سنگ مثانه

ریزند

ریزند و یک هفته در آفتاب بنهند بعد از آن بپالایند و ده
عدد عقرب زنده در آن اندازند و سر شیشه ببندند و یک
هفته دیگر در آن آفتاب بگذارند پس بپالایند و قطره
از آن در احلیل چکانند روغن بابونه منقول از قانون اوجاع
بارده و حشا و قولنج و بعض ریحی را نافع باشد و بادهای
غلیظ را دفع کند و درد گوش را ساکن گرداند و چون در بینی
چکانند صداع و شقیقه بارده دفع کند و رنگ را خوب گرداند
و رحم را گرم گرداند و چون در احلیل چکانند امراض مثانه را نافع
باشد و این روغن اشرف روغنهاست و منافع آن
بسیار است صفت آن قصب الذریره سعد ورق الغار عود
بلسان الک ساذج هندی برگ مورد اذخر ابهل راسن
قردمانا مرزنجوش با روغن کنجد بجوشانند تا آب برود و روغن
بماند روغن بادروج اورام صلبه معده را نافع باشد
صفت آن روغن بان یک رطل سنبل نیم وقیه مصطکی قسط سعد
اذخر قصب الذریره از هر یک یک درم و نیم کوفته در شیشه کنند

وسرش محکم سازند و یک هفته در آفتاب بگذارند بعد از آن
صاف کنند و ادویه را دیگر باره در آن ریزند و همچنین
تا سه نوبت بعد از آن صاف کرده استعمال نمایند در مادة العقارب
سنگ کرده و مثانه را ببرد اند صفت آن بگیرند عقرب را
در شیشه کنند و در گل حکمت گیرند و در تنور گرم نهند تا شش
ساعت پس بیرون آورند کوفته و بحریر بیخته بگذارند که استعمال
نمایند باب [illegible] از زرعونی بشب و کرده را محکم کند
و معده را قوت دهد و بلغم را دفع کند و بوی دهان خوش
کند و آب از دهن رفتن باز دارد و باد را بشکند و ریگ
مثانه پاک کند و منی بیفزاید صفت آن تخم کرفس تخم گزر
تخم شلغم تخم شبت نانخواه رازیانه مغز تخم خربزه تخم
بادرنگ بیخ کرفس از هر یک پنج مثقال عاقرقرحا زعفران مصطکی
عود خام از هر یک پنج درم بسباسه قرنفل کبابه چینی فلفل مویه
از هر یک سه درم عنبر اشهب یک مثقال عسل سه وزن ادویه
عنبر را در عسل کف گرفته بگدازند و ادویه کوفته و بیخته با آن

بسرشند و بعد از دو ماه استعمال نمایند شربتی دو مثقال
زرعونی دیگر منی بیفزاید و باه را قوت دهد و بشب و کرده را
محکم کند و در امر مجامعت عظیم نافع است صفت آن تخم کرفس
تخم گزر تخم شلغم تخم شبت نانخواه رازیانه مغز تخم بادرنگ
بیخ کرفس مغز حب القلقل مغز حب الزلم مغز نارجیل مغز
جلغوزه از هر یک پنج مثقال بسباسه قرنفل فلفل مویه عاقرقرحا
کبابه زنجبیل تخم شبت تخم جرجیر تخم پیاز حب الرشاد
تخم الجزر تخم کندنا خولنجان جوز بوا اصل قرفه دارفلفل از هر یک
سه درم قرفه زعفران کندر مصطکی از هر یک چهار
درم تخم لیمون بوزیدان بهمن سرخ و سفید شقاقل لسان
العصافیر از هر یک پنج درم بصل الفار بریان کرده یک درم
خصیة الثعلب قضیب گاو سوده مغز کله گنجشک مربی
از هر یک ده مثقال عنبر اشهب دو مثقال مشک خالص سیم
مثقال ادویه کوفته عسل بوزن مجموع علی الرسم معجون سازند
گرم مزاج دو مثقال بنوشند و از عقب آن ده درم شیر تازه

و ده درم شکر و بآن حل کنند و بیاشامند و سرد مزاج
پنجدرم فرو برد و بعد از آن یک کاسه ماء العسل بیاشامند
با آب سیب سفرجلی مسهل معده را قوت دهد و اشتها
طعام آورد و قولنج بگشاید صفه آن به اصفهانی را از پوست
و دانه پاک کنند نیم من و در سرکه یا شراب بجوشانند تا مهرا
شود و از غربال بیرون آرند و یک من عسل صاف بر سر آن
ریزند و بجوشانند تا بقوام آید و این داروها کوفته و بیخته
بر آن پاشند زنجبیل دار فلفل فانیذ کبابه و صعتر و دارچینی زعفران
از هر یک شش درم مصطکی پنجدرم تربد سفید سی درم سقمونیا
ده درم شربتی از پنج مثقال تا هفت مثقال با آب گرم جهت
قولنج نافع باشد سفرجلی بستانی صاحب مزاج گرم را
نافع باشد و در فصل گرما توان داد محمد بن زکریا این را
سفرجلی بستانی نام نهاده صفه آن سقمونیا دو درم و نیم
تربد سفید ده درم مغز تخم خیار مغز تخم کدو پنجدرم ورق
گل سرخ طباشیر از هر یک دو درم و نیم ترنجبین عصاره

بر بار از هر یک پنجاه درم آب به ترنجبین بجوشانند چندانکه تخم
گداخته شود و بقوام آید پس داروها کوفته و بیخته بآن پاشند
این جمله ده شربت سفرجلی ممسک شکم ببندد و معده را
قوت دهد و دفع قی کند و خون را نیکو گرداند و اشتهای طعام
آورد صفه آن به اصفهانی از پوست و دانه پاک کرده نیم من
در سرکه بجوشانند تا مهرا شود و بعد از آن بکوبند و نیم من
عسل بر سر آن ریزند و بجوشانند تا بقوام آید و این داروها
کوفته و بیخته با آن پاشند زنجبیل دار فلفل و فلفل از هر یک
چهار درم تخم کرفس و نانخواه زعفران از هر یک دو درم شربتی
چهار درم سحر [illegible] با بادهای غلیظ را دفع کند و درد دندان
و قولنج و عسر البول البلغمی را سود دارد و سده جگر بگشاید
و صلابت آن را تحلیل دهد و معده را گرم گرداند و تخمه را نافع
بود و سرفه و سرد مزاج را نافع باشد صفه آن جند بیدستر
دارچینی افیون اسارون فو مو از هر یک یکدرم فلفل دار
فلفل بابزرد قسط از هر یک شش درم زعفران پنجدرم بابزرد را

عمر [illegible] خسته و [illegible]
از روز [illegible]
[illegible] الحرام سنه
هست تاریخ ان کل مطبوع
[illegible]
سنه ۱۱۷۹

بر عسل بگدازند و دارو ها کوفته با آن بسرشند و بعد از
ششماه استعمال کنند شربتی نیم مثقال تا دو درم با آب
گرم سکنجبین ساده صفرا دفع کند و محروری مزاج را
نافع باشد و بیمار حاده و جگر گرم را نافع باشد و
تشنگی بنشاند و سده بگشاید و بول براند صفت آن
قند سفید یکمن در دو یک کنند و چهار یک سرکه بر روی آن
بریزند و بجوشانند و کوفته گلاب بر سر آن بریزند و فرود
گیرند سکنجبین بزوری بارد سده جگر بگشاید و بول براند
و استسقا و بیمار حاره را نافع باشد و تشنگی بنشاند
صفت آن پوست بیخ کاسنی هفت درم سه تخم از هر یک
پنج درم و نیم کوفته در یکمن آب و یک چهار یک سرکه خیسانیده
یک شبانه روز دیگر بجوشانند و بپالایند و با یکمن قند بقوام
آورند و بر سر آن کنند دیگر باره بقوام آورند و فرود
گیرند و شربت بیزند سکنجبین بزوری حار سده جگر
و معده بگشاید و بول براند و فضول را پاک کند از معده و

مستق

و مستسقی را نافع باشد صفت آن تخم کاسنی نیم کوفته کشوث
تخم کرفس رازیانه انیسون از هر یک پنج درم پوست بیخ
رازیانه از هر یک هفت درم مجموع نیم کوفته در سه رطل
آب و بیست درم سرکه خیسانیده یک شبانه روز دیگر بجوشانند
و با یکمن قند بقوام آورند سکنجبین ریوندی خفقان و درد
جگر که از گرمی باشد سود دارد صفت آن تخم کاسنی
نیم کوفته بیست درم تخم شاهتره تخم کشوث از هر یک
ده درم ریوند چینی پنج درم ریوند را کوفته و در کیسه بندند
و با ادویه دیگر در دو من آب بجوشانند و هر زمان کیسه
ریوند را بدست بمالند تا شیره تمام باز دهد بعد از آن صاف
کنند و با یکمن قند و چهل مثقال بجوشانند تا بقوام
آید شربتی پانزده درم با پنج درم گلاب سکنجبین ریوند
نوع دیگر درد جگر را سود دارد و سده بگشاید و طبع را نرم
کند صفت آن ریوند چینی سی درم تربد سفید بسفایج فستق تخم
کاسنی نیم کوفته از هر یک بیست درم غاریقون مغز فلوس پنج درم

مجموع را در دو من آب بپزند و سه درم و دو دانگ زنجبیل
کوفته اضافه نمایند و صاف کنند و با یک چاریک سرکه
و یکمن و نیم قند چنانکه ذکر رفت بجوشانند و بقوام آورند
سکنجبین بزوری معتدل سده ببرد و جگر بگشاید
و بول براند و تبهای مرکب را نافع باشد صفت آن تخم کاسنی
تخم خیار تخم خربزه و رازیانه تخم کرفس از هر یک سه درم
سه تخم اذخر از هر یک پنج درم پوست بیخ کاسنی بیخ رازیانه از هر یک
هفت درم مجموع را نیم کوفته در سه رطل آب و بیست درم
سرکه خیسانیده یک شبانه روز و روز دیگر بجوشانند
و با یکمن قند بقوام آورند سکنجبین رمانی تبهای محرق و
جگر و معده گرم را سود دارد و تشنگی بنشاند صفت
آن آب انار شیرین و آب انار ترش از هر یک نیم من
بجوشانند تا بقوام آید و قدری زرشک و سرکه صاف
یکچهاریک قند سفید یکمن اضافه کنند و بجوشانند تا بقوام
آید و اگر بعوض سرکه تمر هندی کنند شاید سکنجبین

سفرجلی معده و جگر را قوت دهد و اشتها طعام باز آورد
و سده جگر بگشاید و ناقهان را مفید بود و طعام را
هضم کند صفت آن آب صاف کرده یکمن با یکچهاریک سرکه
و یکمن قند بجوشانند و بقوام آورند و اگر بجای سرکه آب
لیمو کنند صواب باشد سکنجبین لیموئی که همین خاصیت
دارد صفت آن آب به پنجاه مثقال سرکه صاف و گلاب و آب
لیمو از هر یک سی مثقال قند سفید یکمن بجوشانند و بقوام آورند
سکنجبین دیگر که صلابت سپرز را نافع باشد صفت آن
ریوند چینی غاریقون فوه پوست بیخ کبر پوست بیخ درخت
بید کرمازج افسنتین عافث تخم کشوث تخم کاسنی از هر یک
ده درم یک چهاریک سرکه و آب خیسانیده و بجوشانند و با
یکمن قند بقوام آرند سکنجبین دیگر حرارت خمار و صفرا
بنشاند و اسهال صفراوی را باز دارد و کسی را که آبله پدید آمده
باشد نافع باشد صفت آن سرکه کهنه و گلاب از هر یک
یکچهاریک برگ گل سرخ پنجاه درم گلنار بیست درم در سرکه و گلاب

خیسانیده سه شبانه روز پس بجوشانند و بپالایند و بیک
من قند سفید بقوام آورند سکنجبین افتیمونی مالیخولیا و
اصحاب توحش و صرع را نافع باشد صفت آن افتیمون
ده درم بسفایج فستقی تربد سفید از هر یک شش درم گاو
زبان بر سیاوشان تخم کاسنی ابرسا تخم کشوث پوست
بیخ کاسنی از هر یک پنج درم حاشا ورق گل سرخ کمافیطوس
از هر یک چهار درم تخم بادروج فرنجمشک بادرنجبویه زرنباد
درونج عقربی بهمن سفید ساذج هندی قاقله سنبل از هر یک
سه درم گل قند آفتابی بوزن ادویه در سرکه و آب خیسانیده
یک شبانه روز بجوشانند و با یک من قند بقوام آورند سکنجبین
افتیمونی نوع دیگر اسطوخودوس رازیانه تخم شاهتره از هر یک
پنج درم افتیمون بسفایج فستقی سنا مکی پوست هلیله کابلی
از هر یک ده درم نیم کوفته در پنجاه درم سرکه خیسانیده
و با نیم من قند بقوام آورند سکنجبین قوة استسقا و
صلابت جگر را نافع باشد و صلابت طحال را ببرد دو درم

جگر را نافع باشد و سده بگشاید صفت آن رازیانه پوست
بیخ رازیانه پوست بیخ کبر تخم کاسنی انیسون پوست بیخ کاسنی
خشک زوفا فوه غافث افسنتین از هر یک ده درم تخم
کشوث تخم کرفس پوست بیخ کرفس جعده سنبل اسارون از
هر یک هفت درم در صد درم سرکه خیسانیده با یک من قند
بقوام آورند سکنجبین عنصلی ضیق النفس و ربو و سرفه
بلغمی را نافع باشد سرکه عنصلی یک چهار یک عسل مصفی یک من بجو
شانند تا بقوام آید عنصلی نسخه دیگر استسقا و درد
پهلو که از سردی باشد و سرفه کهنه بلغمی و فالج و لقوه و سرسام
بلغمی و ضیق النفس را نافع باشد و سده سپرز و جگر را
بگشاید و بچه مرده بیندازد صفت آن سرکه عنصلی یک من زنجبیل
رازیانه انیسون حلتیت عاقرقرحا بوره دشتی از هر یک ده
درم تخم کرفس زیره کرمانی قردمانا از هر یک پنج درم ادویه
نیم کوفته کنند و در سرکه عنصلی یک چهار یک عسل صاف
خیسانیده و یک هفته در آفتاب نهند بعد از آن بپالایند و

ونگاه دارند و پیش از طعام سی درم استعمال نمایند سرکهٔ عنصلی
بیخ دندان را سخت کند و بوی دهن خوش کند صفت آن یکمن
پیاز عنصلی و بکارد چوبین پاک کنند و در ریسمان کشند
چنانکه در یکدیگر نخسبند و چهل روز در سایه نگاه دارند تا خشک
شود و بعد از آن در ظرفی کنند و هر یکمن پیاز را از من سرکه
کهنه داخل کنند و دو ماه در آفتاب نهند و نگاه دارند
سفوف طباشیر دل گرم را سود دارد صفت آن گل سرخ
و طباشیر از هر یک شش درم کشنیز خشک دو درم پوست
جوز هر وارید ناسفته کهربا از هر یک یکدرم کافور دانگی شربتی
دو درم با سکنجبین سفرجلی سفوف در وجع خفقان سرد را
سود دارد صفت آن درونج عقربی لسان الثور از هر یک شش
درم زرنباد دو درم کوفته و بیخته شربتی یکمثقال با یک چهار
یک شراب کهنه یا ماء العسل سفوف عود در معدهٔ سرد
و تر نافع باشد صفت آن قرنفل کبابه از هر یک یکدرم سنبل
مصطکی از هر یک سه درم عود خام بیست درم شکر طبرزد

بوزن همه شربتی یک مثقال با ده درم گلقند سفوف فاقله
معده سرد و تر را سود دارد صفت آن قرنفل کبابهٔ چینی از هر یک
یکدرم سنبل مصطکی از هر یک شش درم عود خام بیست درم شکر
طبرزد بوزن همه شربتی یکمثقال با ده درم گلقند سفوف حابس
شهوات طین و شهوات ردیه زنان حامله را دفع کند صفت آن
فاقله خیربوا کبابهٔ چینی مساوی شکر بوزن همه شربتی دو
درم با آب گرم سفوف کربب تخم کاسنی کربب زرشک منقی
عدس منقی سماق گل سرخ طباشیر مساوی کوفته و بیخته سه درم
با یک طسوج کافور در آب انار حل کرده بنوشند سفوف دیگر دفع
سرعت منی کند صفت آن تخم کربب مغز بادام شیرین مغز بادام
تلخ کوفته از هر یک شش درم نانخواه سداب و زیره از هر یک
یکدرم کوفته و بیخته در آب انار حل کرده بازخورد و شربتی سه درم
سفوف انیسون بادهای معده را دفع کند و معده را از اخلاط
غلیظ پاک کند صفت آن نانخواه تخم کرفس از هر یک یکدرم نعناع
اذخر قسط مصطکی از هر یک سه درم سعدان سی درم کوفته

دبیخته با آب بندند بخورند شربتی پنج درم سفوف جوز سهال
بلغمی را باز دارد صفت آن جوز بریان کرده شش درم نانخواه یک
درم کندر پنج درم کوفته و بیخته با آب گرم بنوشند سفوف
مقلیاثا ابو اسیر و مغص و سهال کهنه و زحیر و ضعف معده را
نافع باشد صفت آن تخم تره تیزک بیست درم زیره کرمانی
در سرکه خیسانیده و خشک کرده پنج مثقال بزرکتان تخم
کندنا هلیله سیاه بروغن زیت بریان کرده از هر یک دو
مثقال مصطکی یک مثقال مجموع کوفته سوای تخم تره تیزک شربتی
دو درم با آب سرد سفوف که سلس البول اطفال را نافع باشد صفت
آن بلوط پنج درم کندر سی درم کشنیز بریان کرده گل ارمنی صمغ
عربی از هر یک دو درم گلنار کزمازج از هر یک پنج درم شربتی
سه درم با آب خالص سفوف دیگر که همین خاصیت دارد
صفت آن کندر سعد خولنجان زیره کرمانی شاه بلوط حب الآس
مساوی کوفته و بیخته بنوشند سفوف نمک معده و جگر
و اوجاع مفاصل و هر مرضی که سبب آن امتلا باشد نافع بود

صفت آن نمک طعام سی درم فلفل سفید بیست درم زنجبیل یازده
درم انیسون هفت درم تخم کرفس نانخواه نوشادر فلفل سیاه
فودنج از هر یک ده درم کوفته و بیخته شربتی سه درم با آب
گرم بنوشند سفوف هلیله ورم جگر را نافع باشد صفت آن
هلیله سیاه پوست هلیله کابلی از هر یک چهل درم تخم کرفس
انیسون رازیانه از هر یک پنج درم کوفته و بیخته شربتی سه درم
با شیر شتر سفوف دیگر ورم جگر را سود دهد و بول براند صفت آن
تخم خربزه تخم خیارین از هر یک پنج درم تخم کاسنی تخم کشوث از
هر یک سه درم تخم کرفس انیسون رازیانه رب السوس از هر یک
ده درم عصاره زرشک چهار درم ریوند چینی یک مثقال لک مغسول
چهار دانک زعفران سنبل مصطکی افسنتین از هر یک یک درم کافور
دو دانک شربتی سه درم سفوف فربهی نخود سفید پنج درم
در سرکه که بخوبی آب خیسانیده یک شبانه روز و خشک کنند
و برنج شسته و خشک کرده و نان میده خشک کرده از هر یک
سی درم مغز بادام مقشر شصت درم کشک جو کشک گندم از

هر یک سی درم خشخاش سفید سی درم شکر طبرزد نیم من مجموع
کوفته و در یکدیگر ممزوج سازند و هر صباح سی درم با شیر تازه
بیاشامند سفوف یهودی از جهت زحیر مجرب است صفت آن تخم تره
تیزک بریان کرده بزرقطونا بریان کرده ابهل بریان کرده از هر یک
دو درم زیره کرمانی تخم کندنا تخم شبت خشخاش افیون تخم
کرفس بزر البنج از هر یک دو درم و نیم افیون سه درم و دانگی
کوفته و بیخته دو درم از آن سفوف سازند سفوفی که نفث الدم را
نافع باشد صفت آن طباشیر گل سرخ گل ارمنی گل مختوم
شادنج عدسی مقشر تخم خرفه از هر یک پنج درم بسد کهربا
مروارید ناسفته خشخاش سفید رب السوس اقاقیا عصاره لحیته
لحیة التیس از هر یک سه درم بزرقطونا بیست درم افیون دو درم
مجموع کوفته و بیخته سوای بزرقطونا سفوف سازند شربتی
دو درم با آب باران یا آب برگ خرفه و اگر حرارت قوی باشد
سه درم کنند و با اضافه آن داروها نمایند سفوف حب الرمان
ضعف معده و امعا و اسهال مراری را نافع باشد صفت آن

انار دانه بریان کرده درم بلوط سماق زیره کرمانی مدبر حب الآس
سنجد کشنیز خشک بریان کرده خرنوب نبطی آرد کنار از هر یک
پنج درم عود خام پنج درم آمله یک مثقال کوفته و بیخته با رب حب
استعمال کنند شربتی سه درم سفوف الطین اسهال مراری را
نافع باشد صفت آن بزرقطونا تخم ریحان تخم مرو نشاسته تخم
حماض بریان کرده صمغ عربی گل ارمنی طباشیر مسا کوفته
بغیر از سه تخم اول در یکدیگر بیامیزند شربتی سه درم با تخم
کل با دام چرب کنند و بگلاب تر کرده فرو برند سفوف ابن ماسویه
جهت زحیر و وجع الامعا و سحج را نافع است صفت آن تخم خطمی مقشر
و تخم خبازی مقشر از هر یک پنج درم نشاسته بریان کرده سه درم
صمغ عربی و گل ارمنی از هر یک دو درم کوفته و بیخته شربتی
سه درم صباح و سه درم شام با آب طباشیر و گل ارمنی و صمغ
عربی در آن منقوع بوده باشد نافع باشد سفوف زرنک
شکم ببندد و معده را نافع باشد صفت آن سماق نانخواه
زنجبیل انار دانه بریان کرده زرنک مغز آرد کنار از هر یک ده درم

سفوف الطین

سفوفی که خفقان گرم را نافع باشد صفت آن گل ارمنی گشنیز
خشک از هر یک یکدرم طباشیر و کهربا از هر یک نیمدرم کافور
نیمدانگ کوفته و بیخته با دوغ گاو بدهند سفوف ارسطالیس
که از برای اسکندر ساخته بود و تب ربع و تبهای معده و
رطوبی و سواس و نسیان را نافع باشد و طعام را هضم
کند و بوی دهن خوش کند و دل را قوت دهد صفت آن قرنفل
ساذج هندی اسارون مصطکی هلیله کابلی بلنجمشک نانخواه
زرنباد کرمانی دارچینی اشنه دارفلفل فلفل زنجبیل قرنفل دانه هیل
جوز بوا قاقله از هر یک دو درم مشک و عنبر از هر یک
یکدرم نبات شش وزن ادویه شربتی یکدرم تا سه درم
سفوف حماض معده سرد و تر را نافع باشد صفت آن گل سرخ
حب الآس بلوط مصطکی مازو عود بلسان دانه انار دانه از هر یک
چهار درم زنجبیل یکدرم نبات پنجاه درم شربتی سه مثقال
یکهفته استعمال کنند سفوف کبدی ورق گل سرخ
زرشک منقی از هر یک یکدرم ریوند چینی نیم مثقال تخم حماض یک

نبات سفید بیست درم کوفته و بیخته شربتی یکمثقال سفوف
سماق تشنگی نشاند و اسهال معدی را نافع باشد صفت
آن سماق ده درم حب الآس انار دانه بریان کرده از هر یک
پنجدرم خرنوب یازده درم صمغ عربی گلنار از هر یک دو درم
کوفته و بیخته شربتی یکمثقال سفوف سورنجان نقرس و مفاصل
و عرق النسا را نافع باشد صفت آن سورنجان مصری ده درم
سنای مکی هفت درم هلیله زرد مقشر بادام مقشر از هر یک
سه درم زعفران نیمدرم سقمونیا یکدرم قند سفید سی درم و
اگر ماده بلغمی باشد تربد سفید یکمثقال اضافه نمایند سقمونیا نیمدرم
زیاده کنند سفوف سرطان منحول را بجایست نافع است
صفت آن سرطان نهری محرق دو درم طین قبرسی صمغ عربی کثیرا
سفید خشخاش سیاه مغز خربزه از هر یک پنجدرم کوفته و بیخته
شربتی یک مثقال با شراب انار شیرین یا شیراب خشخاش سفوف
که سنگ از گرده و مثانه اطفال پاک کند صفت آن تخم خربزه
صمغ عربی صمغ آلو قلت مساوی کوفته و بیخته شربتی یکدرم تا نیمدرم

مثقال زعفران دو دانگ کوفته و بیخته سفوف سازند سفوف
که فواق بلغمی را نافع باشد صفت آن تخم کرفس فطراسالیون
سعد از هر یک یکدرم و نیم دوقو بزور بسته امیون فودنج
اسارون قسط زیره کرمانی از هر یک سه درم وج نیم درم تخم
دو درم سفوف دیگر که درد جگر و تبیح را ببرد صفت آن
گل سرخ هشت درم زرشک پنج درم سنبل مصطکی عصاره
غافث افسنتین ریوند چینی از هر یک دو درم تفاح اذخر
اسارون رب السوس از هر یک دو درم و نیم زعفران یکدرم
شربتی دو درم با سکنجبین خورند سفوفی که حرارت جگر
بنشاند و خمار دفع کند و اسهال صفراوی باز دارد و غلبه
خون را ساکن کند و کسی را که آبله بود سود دارد صفت آن ورق
گل سرخ ده درم طباشیر شش درم سماق تخم حماض عدس مقشر
زرشک تخم خرفه تخم کاهو خشخاش سفید از هر یک پنج درم صندل
سفید دو درم و نیم کافور یکدرم شربتی سه درم با شراب
حماض یا شراب غوره یا شراب انار سفوف کهربا خون

بسیار که از رحم رود باز دارد صفت آن کهربا گل ارمنی گلنار دم
الاخوین مازو کندر مخمل سماق کوفته و بیخته شربتی سه درم
با یکدانگ افیون و یکوقیه نقیع سماق حل کرده دهند سفوفی
که بول الدم را نافع باشد صفت آن شادنج مغسول دم الاخوین
بسد کهربا نشاسته گلنار تخم خرفه گل ارمنی گل قبرسی
[illegible] کوفته و بیخته شربتی دو درم با آب سماق سفوف
سورنجان نسخه دیگر اوجاع مفاصل را نافع باشد صفت آن
سورنجان هفت درم زیره کرمانی بریان کرده نخودینه از هر یک
دو درم قرنفل یکدرم قند سفید دوازده درم کوفته و بیخته
شربتی سه درم سفوف حجر الیهود سنگ گرده و مثانه را
پاره کند و بیرون آورد صفت آن مغز تخم خیارین مغز تخم
کدو مغز تخم خربزه از هر یک پنج درم خسک هر یک چهار
درم حجر الیهود فلفل از هر یک سه درم تخم کرفس سیالیوس
فطراسالیون از هر یک یکدرم صمغ عربی کثیرا از هر یک یک مثقال
کوفته و بیخته شربتی دو درم با شراب خشخاش سفوف حجر الیهود نسخه دیگر

سفوف مجرب اندر ادرار بول [illegible]
[illegible] زراحلس
[illegible] ۴۲
۴۲
عاقرقرحا نبات برابر
اجزا ۱
۱

تخم فلفل پانزده درم مغز تخم خیارین مغز تخم خربزه مغز تخم کدو از
هر یک چهار درم و نیم سیاه گوش دو درم صمغ عربی بریشته
کتیرا از هر یک سه درم حجر الیهود شش درم قند سفید هشتاد
و هشت مثقال کوفته و بیخته شربتی دو درم با آب تخم سیاه
سفوفی که در ساعت شکم ببندد صفت آن نشاسته بلوط
سه درم مازو پوست انار هر یک چهار درم گرد سماق شش
درم حب الآس هفت درم کوفته و بیخته شربتی دو درم
با آب سرد سفوف منوم کندر زعفران خام از هر یک یکدرم
خشخاش ده درم تخم کاهو پنج درم زعفران دانگی نبات بیست
درم کوفته و بیخته شربتی یکدرم سفوفی که شهوات ردیه زنان
حامله را دفع کند و معده را قوت دهد و اشتهای طعام آورد صفت
آن ورد نبات و تخم کرفس بادنجان زیره کرمانی از هر یک دو درم
کندر سه درم کشنیز ده درم نبات نیم مثقال کوفته بیخته سفوف شاه زند
سفوف که دفع سرعت انزال کند صفت آن طباشیر خشخاش
ابیض کندر از هر یک یکدرم جوز السرو سه درم کوفته و بیخته

شربتی دو درم با شراب خشخاش سفوفی که مدقوق و مسلول
و قروح سینه و نفث الدم را نافع باشد صفت آن صمغ عربی
نشاسته کتیرا مغز بهدانه خشخاش سیاه تخم کاهو تخم خطمی از هر
یک شش درم صندل سفید دو درم سکر العشر طباشیر از
هر یک سه درم ورق گل سرخ تخم خبازی تخم خرفه از هر یک
پنج درم مغز تخم خیارین مغز تخم کدو عصاره لسان الحمل گل
مختوم گل ارمنی گل قبرسی از هر یک چهار درم زعفران یکدرم کوفته
و بیخته شربتی دو مثقال با نیم دانگ کافور دو دانگ رماد السرطان
با شراب خشخاش یا زیره تخم خرفه نافع باشد سفوفی که بادها را
دفع کند و استسقاء طبلی را نافع باشد صفت آن تخم کرفس رازیانه
انیسون اسارون قسط ریوند چینی از هر یک دو درم زیره
کرمانی سه درم سنبل سعد از هر یک یکدرم و نیم کوفته و بیخته
شربتی یک مثقال سفوفی که اسهال معدی را نافع باشد صفت آن
انار دانه بریان کرده آرد کنار آرد سنجد از هر یک ده درم کشنیز
خشک بریان کرده پنج درم خرنوب شامی و حب توت نبطی و بلوط

در سرکه خیسانیده یکشبانه روز و در سایه خشک کرده
و بریان کرده از هر یک پنج درم سماق سه درم کوفته و بیخته
شربتی دو درم سفوفی که قرحه مثانه را نافع باشد صفت
آن دم الاخوین نشا ونج مغسول نشاسته تخم کرفس از هر یکی
پنج درم صمغ عربی یکدرم مومیایی دو دانگ کاکنج ده درم کوفته
و بیخته شربتی یکدرم و نیم با شراب خشخاش بنوشند سفوف
لولوئی و نشطا بای کبدی را نافع باشد و معده و دل و
جگر را نافع باشد و حرارت تشنگی نشاند صفت آن مروارید
ناسفته چهار درم لب سوخته گلنار طباشیر خرنوب گل
ارمنی تخم گل صندل سفید بار تنگ بریان کرده تخم حماض بلوط
بریان کرده تخم مورد بست کنار آرد سنبد کشنیز خشک بریان
کرده صمغ عربی بریان کرده سماق زرشک بست جوز بریان
کرده قرانیب خرفه بریان کرده بزرقطونا بریان کرده از هر
یک سه درم گل مختوم مصطکی از هر یک یکدرم انار دانه پنج درم
کهربا طباشیر مغسول از هر یک دو درم کوفته و بیخته بعیز از بار

تنگ و بزرقطونا سفوف سازند سفوف دیگر تخم حماض زرشک
بیدانه تخم ریباس کشنیز خشک بریان کرده گل سرخ خرنوب
شامی بلوط طباشیر از هر یک یکدرم کوفته و بیخته سفوف
سازند سماق و حب الآس از هر یک دو درم اضافه نمایند
سفوف خرنوب اسهال معدی و استرخاء معده را نافع باشد
صفت آن خرنوب نبطی بیدانه زیره کرمانی مدبر سماق بست
کنار حب الآس مصطکی بلوط کشنیز خشک بریان کرده کوفته
و بیخته شربتی مثقالی با آب مورد نافع باشد سفوف
البروز باد بادی بکند و معده را قوت دهد صفت آن کرویا انیسون
زیره کرمانی قاقله قرنفل نانخواه کرفس از هر یک دو درم زنجبیل
دار فلفل از هر یک دو دانگ قند سفید بیست مثقال کوفته
و بیخته شربتی دو درم نافع باشد سفوف حب العنب
شکم را ببندد و معده را قوت دهد صفت آن دانه انگور صمغ
عربی از هر یک چهار درم حب الآس سماق از هر یک دو درم مصطکی
گلنار از هر یک یکدرم کوفته و بیخته سفوف سازند سفوفی که

نافع است از جهت اسهال که با خون باشد صفت آن حب
الآس شاه بلوط خشخاش خرنوب از هر یک دو درم
صمغ عربی یکدرم کوفته و بیخته شربتی سه درم سفوفی که همین
خاصیت دارد صفت آن صمغ عربی طباشیر گل ارمنی حب
الآس از هر یک چهار درم بریان کنند را از هر یک یکدرم
خرنوب شامی مغل از هر یک سه درم کوفته و بیخته شربتی
سه درم بشراب خشخاش سفوفی که حرقت بول و درد کلیه را
نافع باشد صفت آن مغز تخم خربزه سی ده درم مغز تخم خیارین
مغز تخم کدو تخم خرفه از هر یک ده درم نشاسته کثیرا از هر یک
سه درم قند برابر همه شربتی سه درم شبانگاه بشراب خشخاش
سفوف ذوناطیس صمغ عربی گل ارمنی گلنار سماق بلوط از هر
یک چند درم نشاسته کثیرا تخم کاهو تخم خرفه از هر یک سه درم
صندل سفید یکدرم کوفته و بیخته شربتی سه درم با آب انار
شیرین سفوفی که بواسیر و اسهال و زحیر و حصی را نافع بود
صفت آن تخم تره تیزک بریان کرده تخم شفتالو تخم کتان بریان کرده

بذر قطونا از هر یک دو درم تخم کرفس بریان کرده بزرک بریان کرده
از هر یک دو درم گل ارمنی تخم مورد از هر یک دو درم و نیم صمغ
عربی یکدرم کوفته و بیخته سوای تیزک بزرقطونا و تخم مورد
سفوف سازند سفوفی که نافع است از جهت حرارت جگر و یرقان
و نفث الدم و سده جگر صفت آن بهدانه مقشر تخم مغز خیارین
از هر یک چهار درم گل ارمنی مغسول گل سرخ سنبل اصل السوس از
هر یک یکدرم طباشیر یکدرم مصطکی دو دانگ شربتی یکدرم با آب
سرد سفوفی که نافع است از جهت یرقان و درد جگر و قی صفراوی
صفت آن الک مغسول طباشیر از هر یک دو درم زعفران ریوند چینی
از هر یک دانگ و نیم کافور دانگی شربتی دو درم با شراب تمر
هندی یا شراب آلو سفوف بلوط معده را قوت دهد
و اسهال باز دارد صفت آن بلوط شاه بلوط دانه مویز آرد کنار
از هر یک ده درم خرنوب نبطی حب الآس بیست درم کوفته و
بیخته شربتی سه مثقال سفوفی که همین خاصیت دارد صفت آن
دانه مویز تخم حماض انار دانه صمغ عربی از هر یک سه درم حب الآس

بلوط از هر یک چهار درم خشخاش سفید یکدرم کوفته و بیخته
شربتی سه مثقال سفوف عنبی از جهت سرعت انزال که سبب
آن حرارت باشد نظیر ندارد و مجربست صفت آن بزر قطونا
و تخم خرفه از هر یک سه درم کشنیز خشک یکدرم و نیم شربتی
یکمثقال ناشتا سفوف سازند سفوفی که از جهت فواق امساک منی
نافعست صفت آن تخم کرفس سعد زیره کرمانی مساوی کوفته
و بیخته شربتی یکمثقال سفوفی که نافعست از جهت معده که سبب
آن حرارت باشد صفت آن کهربا گل سرخ از هر یک چهار درم
عود دو درم زرشک ده درم آمله طباشیر از هر یک سه درم
سنبل یکدرم زعفران کافور از هر یک دو دانگ کوفته و بیخته
شربتی یک مثقال با شراب انار سفوفی که رنگ را سرخ گرداند
صفت آن زوفای خشک ده درم زعفران سه درم قند سفید
سیر ده درم کوفته و بیخته هر روز دو درم سفوف سازند
سفوفی که سده جگر زرد ابکشاید و طحال را نافع باشد
صفت آن تخم کاسنی کزمازج از هر یک پنج درم حب الفقد یکدرم و نیم

سفوف عنبی از جهت سرعت انزال

کوفته

کوفته و بیخته شربتی سه درم با سکنجبین ساده سفوفی که
نافعست از جهت وجع کلیه که سبب آن برودت باشد قسط
سنبل قردمانا بهار تخم کرفس مساوی کوفته و بیخته شربتی یکدرم
سفوفی که بدن را لاغر کند صفت آن لک مغسول دو درم نانخواه
تخم سداب زیره کرمانی از هر یک چهار درم مرزنگوش بوزره ارمنی
از هر یک یکدرم کوفته و بیخته شربتی هر روز یکمثقال با گلقند بنوشند
سفوفی که همین خاصیت دارد صفت آن لک مغسول سندروس
از هر یک چهار دانگ مرزنگوش پنجدرم زراج زراوند مدحرج
جنطیانا از هر یک دانگی و نیم کوفته و بیخته شربتی دو دانگ
سفوفی که قطع سیلان منی کند و سرعت انزال را مانع باشد
صفت آن تخم سداب بنجنکشت تخم سوسن از هر یک دو درم
گلنار ورق گل سرخ از هر یک یکدرم و نیم کوفته و بیخته دو درم
از آن در دوغ یا در آب غوره حل کرده بنوشند سفوفی که
نافعست از جهت قروح کلیه و مثانه صفت آن گل مختوم دو درم الاخوین
سیاوشان کندر مغز تخم خربزه تخم کرفس تخم خیار مغز تخم کدو رب السوس

لک مغسول ریوند چینی مغز حب الصنوبر خشخاش بزرالبنج مساوی
کوفته و بیخته شربتی دو درم بمثنی فحتیج سفوفی که وجع کلیه و
مثانه را تسکین دهد صفت آن بزرالبنج دانکی افیون مر ارطی
مغز تخم خیارین سه درم تخم گل کاهو تخم خرفه از هر یک
یکدرم کوفته و بیخته بشراب خشخاش بنوشند سفوفیکه از جهته
استرخاء زهار نافع است صفت آن دارچینی حماما سنبل از هر یک
سه درم ساذج هندی نانخواه زراوند کرفس شبت
مصطکی سیساليوس دو فوانیسون از هر یک یکدرم مروارید
ناسفته کهربا از هر یک دو درم کوفته و بیخته شربتی یکدرم
آب گرم یا شراب کهنه سفوفیکه در آبستنی معین باشد
صفت آن نشاره عاج نبات از هر یک یک مثقال زن هر شب
سفوف سازند و شب چهار درم مرو باد و می بخت کنند آبستن
شود بشرط آنکه بعد از طهر باشد و بعضی گفته اند که نشاره
عاج را زن هفت روز متوالی هر روز دو درم بماء العسل
بیاشامند و بعد از آن جماع دهد آبستن شود سفوفیکه بول

بر براند و حرقت بول را نافع باشد صفت آن مغز تخم خیارین
مغز تخم کدو تخم خرفه خشخاش نشاسته کثیرا رب السوس
از هر یک سه درم بزرالبنج دو درم قند سفید برابر ادویه
شربتی سه درم با شراب خشخاش سفوفیکه قی
بلغمی را قطع کند صفت آن کندر مصطکی از هر یک چند درم
عود خام هفت درم انار دانه پانزده درم قرنفل قاقله
جوز بوا سعد کوفی بسباسه نعناع از هر یک چهار درم پوست
ترنج فرنجمشک از هر یک ده درم گل سرخ شش درم
سنبل آمله از هر یک چند درم کوفته و بیخته سفوف سازند
شربتی سه درم سفوفی که قی الدم را نافع باشد صفت آن
گل ارمنی صمغ عربی گلنار دم الاخوین کندر از هر یک چند درم
کوفته و بیخته با ده درم آب ده درم بنوشند سفوفیکه
قی بلغمی را دفع کند صفت آن کندر مصطکی چند درم عود خام
هفت درم انار دانه پانزده درم قرنفل کبابه قاقله جوز
بوا بسباسه سعد نعناع از هر یک چهار درم پوست ترنج فرنجمشک

از هر یک ده درم گل سرخ شش درم سنبل آمله از هر یک یکدرم
کوفته و بیخته سفوف سازند شربتی سه درم سفوفی که شهوات
طین و شهوات ردیه را نافع باشد صفت آن انیسون تخم کرفس
زیره کرمانی نانخواه از هر یک ده درم فلفل سفید دو درم و نیم
قرنفل یکدرم کوفته و بیخته هر صباح و شام یک مثقال بنوشند
سفوفی که همان خاصیت دارد صفت آن مصطکی زیره کرمانی
نانخواه فاجلیتن مساوی نبات برابر همه کوفته و بیخته سفوف
سازند سعوطی که صداع گرم و خشک را نافع باشد صفت
آن آب کاهو روغن بنفشه از هر یک جزو شیر دختران دو
جزو بیکدیگر ... سازند و در بینی چکانند سعوطی که درد چشم
المفاصل را نافع باشد صفت آن کندش حنفی کندر
از هر یک یکدرم صعتر زعفران ... از هر یک ... درم کوفته
و بیخته گلولها سازند بوقت حاجت ... شیر دختران با روغن
بنفشه بادام بسایند و در بینی چکانند سعوطی که صداع
بلغمی و ریحی دوار را نافع باشد صفت آن صبر مر کندر جند

جند

جندبیدستر زعفران دارفلفل فلفل سفید از هر یک یکدرم
کندش دو درم مشک نیم درم کوفته و بیخته با آب مرزنجوش
بسایند و در بینی چکانند سعوطی که سکته و لقوه را سود دارد
صفت آن زهره کلنگ آب مرزنجوش با آب چغندر بسایند
بچکانند یا جندبیدستر با ماء العسل در بینی چکانند سعوطی که صداع
حار را نافع باشد صفت آن روغن بنفشه بادام روغن کدو
آب کاهو آب کشنیز شیر دختران مساوی بهم بیامیزند و در بینی
چکانند سعوطی که فالج و لقوه را سود دارد صفت آن صبر شونیز
بوره ارمنی ساذج ... در آب چغندر حل کرده در بینی چکانند
سعوطی که شقیقه سر را نافع باشد صفت آن روغن بادام
با آب مرزنجوش در بینی چکانند سعوطی که سرسام و صداع حار را
نافع باشد صفت آن آب مورد عرق بید صندل کافور بیکدیگر
مخلوط ساخته در بینی چکانند سعوطی که صداع بارد را و نسیان
را سود دارد صفت آن جوزبوا دارچینی ترکی قرنفل مرزنگوش
از هر یک یک مثقال البسه چهار مثقال کوفته و بیخته با آب مرزنجوش

در بینی چکانند سعوطی که خنازیر را نافع باشد صفت آن بسباسه
گاوزبان از هر یک دو درم زهره خارپشت کافور از هر یک
یکدانگ و نیم زعفران نیم درم کندش دو درم با سرکه در روغن
گل در بینی چکانند سعوطی که همین خاصیت دارد صفت آن دارفلفل
ماهیزهره شیطرج از هر یک یکدرم مشکطرامشیع تخم فنجنکشت
از هر یک سه درم با سرکه و روغن گل در بینی چکانند سعوطی که
فالج و لقوه و شقیقه و جمیع امراض بارده را نافع باشد که در
سر و چشم باشد صفت آن حضض مر از هر یک ده درم
عدس صعتر از هر یک پنج درم صمغ و سداب زهره کلنگ
جاوشیر جندبیدستر شونیز از هر یک سه درم نبات و زعفران از
هر یک دو درم فربیون از هر یک نیم درم کوفته و بیخته با آب
خالص قرص سازند هر یک مقدار عدسی و در وقت حاجت یکی
از آن با آب برنگوش و روغن بادام ساییده در بینی چکانند
سعوطی که رعاف را نافع باشد صفت آن کاغذ سوخته پوست
تخم مرغ سوخته اقاقیا مازو در سرکه انداخته سوخته پوست انار

می لیسد ادویه
نی تاب جواد الب
نسخه مثل ...
حساب ...

ترش

ترش کندر مر صاف سوخته ساذج مغسول کافور از هر یک
مقداری با آب بادروج در بینی چکانند سنون سورنجان ضعیف
اسنان را نافع باشد صفت آن سورنجان قرنفل سعد کزمازج
پوست هلیله زرد صندل سفید گل سرخ مساوی کوفته
و بیخته سنون سازند که همین خاصیت دارد سنون دیگر
پوست هلیله زرد و نمک هندی از هر یک پنج درم فرفیر پانزده
درم دارچینی سعد از هر یک سه درم شب یمانی سماق از هر یک
دو درم عاقرقرحا هفت درم نوشادر دارفلفل آمله زعفران
از هر یک یکدرم گل گزنشه مثقال قاقله کلنار از هر یک چهار
درم زرنباد شانزده درم کوفته و بیخته سنون سازند سنون
که حافظ صحت دندان است صفت آن شاخ گوزن محرق کزمازج
سعد سنبل از هر یک چهار درم نمک اندرانی یکدرم کوفته و بیخته
سنون سازند سنونی که دندان از چرک پاک کند صفت
آن نمک اندرانی جو سوخته زبدالبحر سقمونیا مساوی کوفته و بیخته
سنون سازند سنونی که دندان متحرک را محکم کند صفت آن کلنار

شب یمانی آمله اقاقیا مساوی کوفته وبیخته سنون سازند
سنونی که همین خاصیت دارد صفة آن شب یمانی کلنار
گزمازج مساوی کوفته وبیخته بسرکه بسرشند ودر سایه خشک
کنند ودیگر باره بکوبند وسنون سازند سنونیکه نافع است
از جهته درد دندان که سبب آن ورم لثه باشد صفة آن
تخم خرفه کشنیز خشک سماق عدس مقشر سعید [illegible] کافور
مساوی کوفته وبیخته سنون سازند وبر لثه ودندان افشانند
بعد از آنکه گلاب وسرکه در یک ساعت در دهن نگاه داشته
باشند سنونیکه بیخ دندان را سخت کند وخون را باز دارد
صفة آن شاخ گوزن سوخته نمک اندرانی سوخته بوست بلیله
زرد گل سرخ از هر یک ده درم کلنار یکدرم کوفته وبیخته
بر لثه ودندان افشانند سنونی که دندان را محکم کند
وخون رفتن باز دارد وبوی دهن خوش کند صفة آن بلیله
بلیله آمله قشر گل سرخ کلنار اقاقیا شب یمانی فرطاشیر
عاقرقرحا مساوی کوفته وبیخته سنون سازند سنونی که خون

69

رفتن از بیخ دندان باز دارد صفة آن شب یمانی سوخته یکدرم
نمک بریان دو درم سماق سه درم کوفته وبیخته سنون سازند
سنون الملک درد دندان را نافع باشد وبوی دهن خوش
کند صفة آن مرا بهل حوز السرو عاقرقرحا مساوی کوفته وبیخته
استعمال کنند سنونیکه ناصور بن دندان را نافع باشد
صفة آن بخسوس عاقرقرحا از هر یک یکدرم شب یمانی کلنار
مازو سماق از هر یک ده درم کوفته وبیخته سنون سازند
سنونی که زردی وسیاهی اسنان ببرد وبوی دهن خوش کند
صفة آن گزمازج زنجبیل زبد البحر دار فلفل فاقله از هر یک
ده درم نمک بریان کرده ده درم جو سوخته هشت درم کوفته
وبیخته سنون سازند سنونی که خون رفتن از لثه باز دارد
وبوی دهن را نافع است واز جهته درد دندان که سبب آن رطوبت
باشد صفة آن فلفل دار فلفل از هر یک دو درم بوره ارمنی
یکدرم ونیم عاقرقرحا زنجبیل مویزج از هر یک یکدرم کوفته وبیخته
استعمال نمایند سنونیکه لثه را محکم کند وبوی دهان خوش کند

صفت آن سعد کل سنج از هر یک پنجدرم کلنار گزمازج فوفل از هر یک
سه درم دم الاخوین کندر نمک اندرانی مصطکی بوره
سوخته از هر یک دو درم عود خام یکدرم کوفته و بیخته استعمال
نمایند سنونیکه بیخ دندان را سخت کند و خون رفتن را
باز دارد صفت آن پوست انار ترش ده درم شب یمانی
هشت درم عاقرقرحا گل سنج گزمازج سماق از هر یک چهار
درم نمک هندی پوست هلیله زرد از هر یک ده درم کوفته
و بیخته سنون سازند سنونیکه خون رفتن از بن دندان باز
دارد صفت آن کات هندی فوفل گلنار گلسنج سماق دم
الاخوین مساوی کوفته و بیخته شب بپاشند و صباح بگلاب
مضمضه سنونی که دندان سیاه شده سفید کند صفت آن
پوست هلیله زرد ده درم فلفل چهار درم حماما سه درم
ساذج هندی ده درم مازوی سوخته هشت درم کوفته و بیخته
بر دندان بمالند سنونی که لثه را محکم کند و نشف رطوبات کند
صفت آن گلنار ده درم نوشادر دو درم بورق سه درم مازو

یکدرم

یکدرم بوره سوخته ده درم نمک سنبل بسایند و سوخته کنند
کوفته و بیخته استعمال کنند سنونیکه دندان متحرک را محکم
سازد صفت آن مرتوتیا شب یمانی نشاسته گل سنج سماق پوست
انار ترش استخوان هلیله زرد شک کلنار مازو گزمازج مساوی
کوفته و بیخته بر بیخ دندان افشانند سنونیکه اکله دهن و لثه
را نافع باشد صفت آن پوست انار ترش و شیرین از هر یک
سی درم مازو گلنار شب یمانی کاغذ سوخته عاقرقرحا از هر یک
ده درم سماق یازده درم نمک هندی و نوشادر از هر یک نیم درم
کوفته و بیخته بسرکه تر سرشته کلولها سازند و در سایه خشک
کنند و در وقت احتیاج بکوبند و استعمال کنند سنونیکه
استرخاء ورم لثه را نافع باشد و دندان را از چرک
پاک کند صفت آن پوست انار دو درم گلنار زرد جوز سماق
شب یمانی مازو از هر یک یکدرم کوفته و بیخته استعمال نمایند
باب الشین شراب افسنتین معده را از اخلاط فاسده
پاک کند صفت آن افسنتین رومی پنجدرم ورق گل سرخ پنج درم

ترنجبین سفید ده درم در دو من آب بجوشانند و بپالایند و یکمن قند
اضافه کنند و بقوام آورند شراب افسنتین بنوع دیگر معده ضعیف
و جگر سرد و سپرز و سوداوی و طحال را نرم کند و باد ها و روده را
دفع کند صفت آن افسنتین پنجاه درم سلیخه بیست درم تخم کرفس سی
درم در دو من آب بجوشانند تا به نیم من آید و با یکمن قند بقوام
برند شراب افسنتین بنسخه دیگر افسنتین پنجاه درم انیسون ورق
گل سرخ سلیخه اسارون از هر یک ده درم مصطکی سنبل از هر یک
هفت درم در دو من آب بجوشانند بغیر از مصطکی و صاف کنند
تا یک من و نیم قند بقوام آورند بعد از آن مصطکی را ملایه کرده با آن
ممزوج سازند نافع باشد شراب افسنتین که معده را از صفرا
پاک سازد و سوء المزاج گرم را زایل کند صفت آن ورق گل سرخ
هفت درم شاهتره افسنتین از هر یک پنج درم آلوی سیاه بیست عدد
تمرهندی بیست درم مویز منقی سی دانه در دو من آب بپزند تا
بنصف آید صاف سازند و نیم من شکر سفید در آن حل کنند و بقوام
آورند شربتی ده درم با یکدرم صبر سقوطری شراب سعال سرفه

کهنه را بغایت مفید بود و سینه را از اخلاط پاک کند و ربو و ضیق
النفس را نافع باشد صفت آن انجیر سفید شش وقیه بیار سفید
عنصل یک وقیه مویز منقی ده وقیه انیسون نیم وقیه در قدری خل خمر
و آب حیا بیندازند سه روز بجوشانند و صاف کنند و دو رطل
عسل اضافه نمایند و بقوام آورند شراب عود که معده را
قوت دهد و فرح تازه دارد و دل را قوت دهد صفت آن آب
آب سیب آب انار شیرین آب انار ترش آب امرود از هر یک
یکجزو آب بادرنگ آب سماق آب غوره آب رغو از هر یک
نیم جزو بجوشانند تا ثلثی آید و آن مقدار قند که کفاف باشد
اضافه نمایند تا بقوام آید شراب انار شیرین قی باز دارد و
صفرا دفع کند معده را قوت دهد صفت آن آب انار شیرین
ده من نعناع تازه دو شاخچه عود خام آمله مصطکی از هر یک دو درم
پوست بیرون پسته یکدرم کوفته در آب بجوشانند بوی مصطکی
تا نیمه آید صاف کنند و با یکمن قند بقوام آرند بعد از آن
مصطکی اضافه نمایند شراب انار منعنع فواق را بنشاند

71

[illegible]

وقی باز دارد و معده را قوت دهد صفت آن انار ترش و شیرین
با شحم بکوبند و آب آن بگیرند و دو من بکیل قند و یک وقیه آب
نعناع اضافه کنند و بقوام آورند شراب آلو صفرا و بلغم دفع کند
سبب صفت آن آلوی سیاه صد عدد تمر هندی یکپاو برگ بید
سفید و بنفشه از هر یک بیست درم در گیرند و در پنج من آب
بجوشانند تا بنیمه آید و پاک صاف بکنند و بیالایند و یکمن ترنجبین
صاف کرده اضافه نمایند و شربت بپزند و فرو گیرند و یکمثقال
سقمونیا در آن حل کنند شراب خشخاش منع نزلات کند و درشتی
سینه و نفس را نافع باشد صفت آن خشخاش بزرگ با پوست صد
عدد نیم کوفته کنند و با شش من آب باران بپزند و بیالایند
و با یکمن و نیم قند شربت بپزند و اگر از خشخاش بی پوست بپزند
بیست مثقال تخم خشخاش بکوبند و بپزند و با یکمن قند بقوام آرند
شراب سیب معده و دل را قوت دهد و مفرح بود و قی را باز
کند و سهال صفراوی باز دارد صفت آن سیب اصفهانی امرود
پاک کرده در هاون سنگین با چوب بکوبند و آب آن بگیرند و بجوشانند

تا به یکمن آید و یکمن قند اضافه کنند و بجوشانند تا بقوام آید
شراب به دل را قوت دهد و معده را قوی گرداند و اشتهای
طعام آورد و طبع را ملایم بسازد و قی و غثیان را باز دارد صفت
آن آب به ترش و شیرین اندرون پاک کنند و آب آن بگیرند
و همچنین آب یکمن قند اضافه کنند و بقوام آورند شراب
ریباس اسهال صفراوی را نافع باشد و قی باز دارد و تشنگی
بنشاند و معده را قوت دهد صفت آن ریباس تر و تازه
بگیرند و چوب بیخ بیرون کنند و در هاون سنگین با چوب بکوبند
و آب آن بگیرند و صاف کنند و بجوشانند تا بثلثی آید
پس بیالایند و همین یکمن آب یکمن قند اضافه کنند و بقوام
آرند شراب حماض صفرا بشکند و قی باز دارد و معده و دل را
قوت دهد و خفقان گرم را نافع باشد صفت آن آب حماض
پنجاه مثقال قند سفید یکمن شربت پزند چنانکه رسم است
شراب لیمو معده را قوت دهد و دفع خمار کند صفت آن مانند
حماض است شراب نارنج تشنگی بنشاند و دماغ را قوت دهد

ودرد سرکه از گرمی باشد ساکن گرداند صفت آن آب
نارنج یکمن بجوشانند تا بنصف آید وکف زرد آن بگیرند وبا دو من
قند شربت برند چنانکه رسم است شراب غوره تشنگی بنشاند
وتب گرم را سود دارد و خمار را دفع کند صفت آن آب غوره یکمن بگیرند
وبجوشانند تا بنصف آید وکف آن برگیرند و زمانی بگذارند و
یکراس نو بپالایند و بر یکمن آب یکمن قند سفید اضافه کنند و شربت
برند شراب عود معده با قوت دهد و بوی دهن خوش کند
وهاضمه را قوی گرداند صفت آن عود هندی آمله مقشر از هر یک ده درم
سنبل قرنفل مصطکی جوز بوا از هر یک دو درم مجموع کوفته وبیخته
در کیسه کتان بر بندند و در سه چهار یک گلاب بجوشانند که نیمه
بیک بمالند یاقوت بگلاب برده و با یک من قند بقوام آورند
و گلاب هر سه آن را بریزند و دیگر بار بجوشانند تا بقوام آید
و فرو گیرند و نیم درم مشک خالص در آن حل کنند شراب حب
الآس معده را قوت دهد و اسهال باز دارد صفت آن حب الآس
امرود خشک از هر یک پنجاه مثقال قرظ طراثیث از هر یک ده درم

آب به آب سیب آب انار از هر یک یکمن وارد ماکوفته در آن
آمیخته بجوشانند تا بثلثی آید و بپالایند و دیگر باره بجوشانند تا بقوام
آید شراب حب الآس نسخه دیگر اسهال صفرا را نافع باشد
صفت آن حب الآس بکوبند و بجوشانند تا نیک مهرا شود و صاف
نموده بر دو جزو آن دو جزو قند سفید اضافه کنند و اگر قدری
طباشیر سوده در آن حل کنند بهتر باشد شراب نیمار
طبع را نرم کند و جگر و دل را قوت دهد و درد سینه بگشاید و
سوء القنیه و استسقا و ذات الجنب را نافع باشد و تشنگی را
بنشاند صفت آن تخم کاسنی نیم کوفته ورق گل سرخ از هر یک
بیست درم بیخ کاسنی چهل درم نیلوفر گاوزبان از هر یک ده درم
تخم کشوث سه درم افتیمون در کتان بسته سه درم بجوشانند
تا مهرا شود و صافی کنند و با یک قند بقوام آورند و فرو گیرند
و ده مثقال ریوند چینی سائیده در آن حل کنند شراب زوفا
سرفه بلغمی را نافع باشد و سینه و شش را از اخلاط پاک کند و ربو
و ضیق النفس را سود دارد صفت آن عناب سپستان از هر یک سی دانه

انجیر سفید ده دانه بنفشه چهار درم پرسیاوشان افسنتین درم
تخم خیارین از هر یک پنج درم اصل السوس زوفا از هر یک هفت
درم بجوشانند و بپالایند و با یکمن قند اضافه کنند و بعضی نیم درم
ابریشم اضافه کنند شراب تمر هندی طبیعت را نرم کند و صفرا
بشکند و معده را قوت دهد و قی باز دارد صفت آن تمر هندی
نیم من بجوشانند و شیرهٔ آن بگیرند و بپالایند و یکمن قند اضافه
کنند و بقوام آورند شراب صندل دل را قوت دهد و
خفقان گرم و جگر را نافع باشد و تشنگی بنشاند صفت آن صندل
سفید سائیده بیست مثقال در گلاب چهار من یک شبانه روز
و روز دیگر اندک جوشش بدهند و شیرهٔ آن بگیرند در یکمن قند
شربت بربندند شراب انجبار گرده و مثانه را قوت
دهد و سنگ بریزاند و باه را قوت دهد و درد پشت را زایل
کند صفت آن انجبار خوب ده من در پنج من آب بجوشانند
تا یکمن و نیم بماند و باز یکمن شکر سفید در پنج من آب بپزند
تا به یکمن و نیم آید و هر دو را در یک جا بمالند و یکمن و نیم عسل صاف

بران کنند و دارچینی و خولنجان و قرنفل و سنبل الطیب از هر
یک یک درم زعفران نیم درم در کیسه بسته در آن اندازند
و بجوشانند تا بقوام آید شربتی پنج مثقال شراب بنفشه
ذات الجنب و ذات الریه و تب و سرفه و صداع و درد
چشم و درد گرده را نافع باشد و بول براند و سینه را نرم
کند صفت آن آب بنفشهٔ تازه یکچهاریک بجوشانند و بپالایند
و با یکمن قند بپزند و اگر بنفشهٔ تازه نباشد خشک کوفته
بنفشه باید که بجوشانند شراب نیلوفر صداع حار و تبهای
صفراوی و سرفه و ذات الجنب و ذات الریه را نافع باشد
صفت آن گل نیلوفر کوفته و اگر تازه باشد یکچهاریک بجوشانند
و با یکمن قند شربت بپزند شراب عناب ماشرا و آبله
و حصبه و درد سینه و خشونت و غلبهٔ خون را نافع باشد صفت
آن عناب جرجانی یکچهاریک در ده من آب بپزند و در دست بمالند
و بپالایند لیکن بمالند و با یکمن قند شربت بپزند شراب
گاوزبان دل را قوت دهد و سوداوی مزاج را بغایت نافع باشد

75

زیره کرمانی افسنتین فودنج کنند را از هر یک ده درم در دو من آب
بجوشانند تا بنصف آید و بپالایند و جرعه بنوشند شراب
اصل السوس ریگ از گرده و مثانه پاک کند صفت آن اصل السوس سی
مثقال در دو من آب بجوشانند و بپالایند و با یک من قند
شربت بزنند شراب بزوری معده و جگر را نافع باشد
و بادها دفع کند و درد مفاصل را سود دهد صفت آن پوست بیخ
کاسنی سی درم تخم کاسنی پوست بیخ رازیانه از هر یک بیست
درم تخم کرفس پوست بیخ کرفس از هر یک ده درم تخم کشوث
در کتان بسته پنج درم بجوشانند و بپالایند و با یک من قند بزنند
شراب ورد دیگر مسهل صفرا بود و بهار ترکیبه را نافع باشد
صفت آن ورق گل تازه نیم من در نه من آب بجوشانند و
دیگر بپالایند چند نوبت همچنین کنند تا بیکی آید صاف کنند
و با یک من قند شربت بزنند شربتی سه درم با ده درم سکنجبین
و آب یخ یا برف شراب توت درد گلو و خناق را سود دهد
صفت آن آب توت سیاه بگیرند یکی صاف کنند و بجوشانند

و خفقان را زایل کند صفت آن آب گاوزبان تازه یک من با یک
من قند بجوشانند و کف بردارند و بقوام آرند و بیست مثقال
گلاب در آن ریزند و فرو گیرند و اگر گاوزبان تازه نباشد
یک چهار یک خشک کنند شراب بادرنجبویه دل را قوت
دهد و خفقان سرد را نافع باشد و توحش سوداوی را
زایل کند صفت آن بادرنجبویه تازه بگیرند و آب آن بگیرند
نیم من قند شربت بزنند و اگر تازه نباشد پنجاه درم مثقال
خشک کنند شراب اهلیله اوجاع مفاصل و بهار گرم را نافع
باشد و طبع را نرم کند صفت آن اهلیله زرد صد عدد نیم کوفته
کنند و در ظرفی کنند و آب بر سر آن ریزند نگاه دارند
و دیگر آب بر سر آن ریزند و سه روز دیگر در آفتاب نهند
و آب اول و دوم با هم جمع کنند و صد و پنجاه درم ترنجبین
در آن حل کنند و صاف سازند و بر سر آتش نهند و بقوام
آورند و فرو گیرند و یک مثقال سقمونیا سوده در آن حل کنند
شراب که موافق بنشانند حاجت لحه از پس طعام آید صفت آن

تا به نیم من آید و بعد پنج رطل از آن آب سه رطل قند اضافه
کنند و بقوام آورند شراب انار عذب جگر را قوت
دهد و تشنگی بنشاند صفت آن انار شیرین یکمن بگیرند و بکوبند
و بجوشانند تا به نیم من آید و بعد یکمن از آن آب یکمن قند اضافه
نمایند و بقوام آورند شراب عنبر درد معده و اعصاب را
و سوداء و خفقان را زایل کند صفت آن عسل دو من
و ده من آب بجوشانند و کف بردارند و بقوام آورند
و عنبر و زعفران سوده از هر یک یک مثقال اضافه کنند شربتی
پنج درم شراب مشک معده را قوت دهد و امراض
بلغمی را نافع باشد و پیران را موافق باشد صفت آن
عسل یکمن و قند سفید یکمن در ده من آب بجوشانند
تا بقوام آورند و یک مثقال مشک و یکدرم زعفران
سوده اضافه کنند شربتی سه درم شرابی که نافع است
از جهت اسهال صفراوی و ضعف معده صفت آن رب به شیرین
سه مثقال گلنار عذب آمله صندل سفید حب الآس از هر یک

76

یک مثقال گلاب و قند سفید از هر یک بیست مثقال بطریق
معهود شربت بسازند شراب ابریشم جگر گرم را
قوت دهد و سده بگشاید و استسقا و جمیع امراض بارده را
نافع باشد و باه زیاده کند و نشاط آورد صفت آن
ابریشم چهار درم در آب آهنگران خیسانده شبانه
روز و در سنگین بجوشانند تا به نیمه آید و صاف کنند
و خولنجان و وج مصطکی از هر یک سه درم زعفران یکدرم
صلایه کرده اضافه نمایند و با یکمن قند شربت بپزند
شربتی چهار درم تا پنج درم توان خوردن شراب اسطوخودوس
صرع و مالیخولیا و صداع بارد و جمیع امراض دماغ را که سبب آن
برودت باشد سود دارد صفت آن اسطوخودوس سنا و شاهتره
عناب از هر یک پنج درم اصل السوس گاوزبان بادیانه
پوست بیخ کرفس تخم خطمی تخم خبازی گل سرخ از هر یک سه درم
مویز منقی سپستان از هر یک بیست و ده درم بجوشانند و صاف
نمایند و با یکمن قند شربت بپزند شراب صندل پنج

کبر پوست بیخ رازیانه از هریک بیست مثقال تخم کرفس رازیانه
نانخواه ماهی زهره سورنجان از هریک ده درم پوست بیخ کرفس
هشت درم قند سفید بکمین الطریق المعهود شربت بزند شراب
اصول مواد غلیظه را نضج دهد و سده بگشاید و بادها
بشکند و سوء القنیه و استسقا و جمیع امراض بارده جگر را
نافع باشد صفته آن پوست بیخ رازیانه بیخ کرفس بیخ کاسنی
از هریک سی درم پوست بیخ کبر پانزده درم تخم کرفس تخم کاسنی
از هریک ده درم انجیر زرد بیست دانه مویز منقی چهل دانه
دقاح اذخر سنبل اسارون سلیخه از هریک ده درم قند
سفید بکمین شربت بزند چنانکه رسم است شراب کرز
درد پشت را نافع باشد و باه را قوت دهد صفته آن
کرز را سر و دم بیندازند و دو درم گندم در دیگ سنگین
اندازند و آب بر بالای آن ریزند و سر دیگ را بگل یا خمیر
بگیرند چنانکه بخار از وی بیرون نرود و با تش آهسته
بپزند و بگذارند تا سرد شود پس سر دیگ بگشایند و دیگ

بما الله

بما الله و آب آن بگیرند و صاف کنند و هم سنگ آن
عسل در دیگ ریزند و سنبل و خولنجان و قرنفل و دارچینی
از هریک یکدرم زعفران نیم درم مجموع نیم کوفته در کیسه
کنند و در آن دیگ اندازند و هر لحظه بدست بما الله و می
جوشانند تا بقوام آید شراب الجلنار اسهال دموی
و نفث دم و سیلان طمث را نافع باشد و معده
و جگر را نافع باشد صفته آن صندل سرخ و سفید و شاهتره
از هریک پنج مثقال الجلنار هفت مثقال شقاقل اقاقیا از هریک
دو مثقال قند سفید نیم من الطریق المعهود شربت بزند
شراب حب الآس نسخه دیگر آمله مقشر یک مثقال
حب الآس دو مثقال پوست بیخ الجنار گل سرخ تخم حماض
بری از هریک دو درم رب به شیرین گلاب از هریک بیست
مثقال شراب صندل سی مثقال بدستور معهود شربت بزند
شرابی که از جهت مالیخولیا و امراض سوداوی را نافع است
صفته آن تخم کاسنی تخم فرنجمشک تخم بادرنجبویه از هریک ده درم

78

گاوزبان سه درم بادرنجبویه هفت درم و نیم ابریسا
دو درم و نیم اصل السوس پنجدرم رازیانه بسفایج فستقی از
هر یک سه درم و نیم و زرشک مقابل ادویه گلاب و دو مقابل
[illegible] سیب شیرین بجوشانند تا ثلثی آید و با یکمن قند
[illegible] بزند شراب قند بلغم را دفع کند و سرد مزاجان
را نافع باشد صفت آن زنجبیل و دارچینی از هر یک پنجدرم
سنبل قاقله کبار دو درم قرنفل یکدرم مجموع کوفته در هفت
رطل آب بجوشانند تا به پنج رطل آید و بپالایند و با پنجمن قند
سفید بقوام آرند و پنجدرم زعفران ساییده اضافه کنند
شراب عسل معده و جگر گرم کند صفت آن سنبل و مصطکی و دارچینی
قاقله و عود هندی جوز بوا از هر یک یکدرم قرنفل پنجدرم
مجموع نیم کوفته در سه رطل آب بجوشانند تا بدو رطل آید
و بپالایند و با پنج رطل عسل بجوشانند و بقوام آرند شراب
خمار و دفع خمار [illegible] صفت آن انگور سیاه تمر هندی
بیدانه از هر یک یک رطل عناب پنجاه دانه در شش رطل آب بجوشانند

تا بدو رطل

تا بدو رطل آید بپالایند و آب انار ترش و شیرین آب سیب
آب بهی از هر یک نیم رطل اضافه نمایند و با یک رطل قند بقوام
آورند شراب فنجنوش سرعت انزال را دفع کند صفت آن
آب انگور خام شش رطل سماق تازه و گلنار گل سرخ گشنیز
خشک کندر صمغ از هر یک ده درم زعفران شب یمانی
از هر یک یکدرم خبث الحدید سی مثقال بجوشانند تا ثلثی
آید صاف کنند و استعمال نمایند شراب وار و کجث
مقوی اعضاء رئیسه است و نسیان و امراض بلغمی را سود دارد
و ماده را عفونت ندهد و پیران را موافق باشد صفت آن
آب انگور صد من به شیرین سه من سیب اصفهانی دو من
گلاب نیم من آب خالص دو من دارچینی قرنفل مصطکی سنبل
الطیب کبابه چینی خیربوا خولنجان از هر یک پنج درم
عود خام بسباسه دو دانه از هر یک سه درم زعفران ده
مثقال مشک نیم مثقال عنبر یک مثقال سیب و به را در آب
انگور بجوشانند تا مهرا شود و بعد از آن برکشند و صاف کنند

و بمشک و زعفران و عنبر را در گلاب حل کرده اضافه نمایند
و ادویه کوفته و بیخته در کیسه کنند و در تحت جوشانیدن کیسه را
در دیگ اندازند و زمان زمان بدست بمالند تا شیره بار دهد
و چون شیره انگور را در خم ریزند بعد از شش ماه استعمال نمایند
شراب خبث الحدید معده را و هاضمه را قوت دهد و لون را نیکو
گرداند و باد و بواسیر را نافع باشد صفت آن خبث الحدید ...
زیره کرمانی ایبون نانخواه صعتر الجبلی کاشم کرویا کشنیز
خشک قرنفل دارفلفل دارچینی سنبل قرفه جوزبوا فلفل چینی تخم
بیانه سعد زنجبیل از هر یک یکمثقال خبث الحدید دو مثقال
در شش من معابله ادویه شراب بجوشانند تا به نیمه آید و صاف
کنند شربتی هر روز سی درم شراب ریحان بستان
و امراض بلغمی را نافع باشد و معده را قوت دهد و بیمار را
موافق باشد صفت آن شیره انگور صد من در خم ریزند
و شش من قند اضافه کنند و دارچینی و قرنفل و سنبل و بسباسه
جوزبوا از هر یک ده درم مجموع نیم کوفته در کیسه کنند و در خم

اندازند و سر خم را بگیرند و بعد از شش ماه استعمال نمایند و باید که
خم را اول پاک بشویند و اندرون آن بموم کداخته بکردانند
و بمشک و عنبر خوشبو کرده باشند شرابی که معده و دل را قوت
دهد و امراض بلغمی و سوداوی را نافع باشد صفت آن آب سیب
سه رطل آب به شیرین دو رطل و در دیگ سنگین کنند
و قرنفل یک درم و نیم عود هندی دو درم گاوزبان بادرنجبویه
گل سرخ از هر یک سه درم کوفته و در کیسه بسته در دیگ
اندازند و با آب سیب و به بجوشانند تا به نیمه آید و در خم
ریزند و شراب یکساله ده من در بالای آن ریزند و قند
یکمن و رطلی نیم اضافه نمایند و سر خم بگیرند و بیست روز
در آفتاب بگذارند و بعد از آن صافی نموده استعمال نمایند
شیاف احمر لین سلاق و غلظ اجفان و آخره را نافع
باشد صفت آن شادنج عدسی مغسول ده درم مس سوخته
هشت درم صمغ عربی کثیرا اقاقیا از هر یک دو درم بسد
مروارید ناسفته شادنج هندی از هر یک چهار درم ...

زعفران از هر یک یک درم صلایه کرده شیاف سازند شیاف احمر حاد
سبل و ظفره و سلاق و بیاض را نافع باشد صفت آن شادنج
مغسول شش درم صمغ عربی پنج درم مس سوخته راسخت سوخته
از هر یک دو درم افیون صبر سقوطری از هر یک نیم درم زنگار دو
درم و نیم زعفران مر از هر یک دانگی و نیم کوفته و بیخته
شیاف سازند شیاف اخضر جرب و سبل و بیاض را نافع باشد
صفت آن زنگار اقلیمیا نقره اشق صمغ عربی سفید آب ارزیز
از هر یک دو درم صمغ و اشق را در آب سداب حل کنند و داروها
ی دیگر کوفته و بیخته بدان سرشته شیاف سازند شیاف
ربیخ کهنه و جرب و سبل و سلاق و شتر را بد را نافع باشد صفت
آن زنگار شش درم بارزد صمغ عربی اشق از هر یک چهار درم
اقلیمیای طلا افیون از هر یک دو درم کوفته و بیخته با آب سداب
سرشته شیاف سازند شیاف طرخاطیقون کهنه و
جرب و سلاق و سرخی چشم و ریح سبل را نافع باشد صفت
آن شادنج مغسول دوازده درم صمغ عربی ده درم زنگار ملطار

سوخته

سوخته از هر یک پنج درم مس سوخته چهار درم افیون زعفران
از هر یک یک درم با آب باران سرشته شیاف سازند
شیاف ابیض افیونی رمد گرم را نافع باشد در وجع ساکن کند
و تحلیل کند صفت آن سفید آب ارزیز هشت درم صمغ عربی
پنج درم افیون کثیرا از هر یک یک درم سفیده تخم مرغ
سرشته شیاف سازند شیاف ابیض انزروتی ابتدای
رمد را نافع است صفت آن سفید آب ارزیز هشت درم انزروت
مربی بشیر خران از هر یک چهار درم سفیده تخم مرغ سرشته شیاف
سازند شیاف [illegible] نسخه محمد زکریا رمد را نافع باشد
و حدت آن کمتر از حدت ابیض [illegible] و سکبینج شیاف
وردی صفت آن [illegible] چهار مثقال زعفران سفید آب
ارزیز از هر یک دو مثقال افیون صمغ عربی از هر یک [illegible]
[illegible] شیاف سازند شیاف [illegible] را [illegible] اصلاح
آورده صفت آن انزروت مربی [illegible] درم زعفران افیون از هر
یک نیم درم کثیرا یک درم کوفته و بیخته با آب باران سرشته شیاف

سازند شیاف بربوبا بنسخهٔ دیگر رمد را نافع باشد و سرخی
سر و آماس بنشاند و درد را تسکین کند صفت آن اقلیمیای
سوخته روی سوخته از هر یک سه مثقال کثیرا اقاقیا صمغ عربی انزروت
هر یک دو مثقال افیون زعفران از هر یک یک مثقال کوفته و بحریر
بیخته بسفیدهٔ تخم مرغ سرشته شیاف سازند شیاف قیصر
ظفره را ببرد و نافع باشد صفت آن شادنج مغسول دوازده
درم صمغ عربی مس سوخته از هر یک شش درم قلقطار سوخته
زنگار از هر یک دو درم با آب رازیانه بسرشند و شیاف سازند
شیاف خلوقی بادها را پراکنده کند و آماس ملتحمه را بنشاند
صفت آن مس سوخته سه درم اقاقیا دو درم کثیرا صمغ عربی
سنبل زعفران از هر یک یکدرم با آب باران شیاف سازند شیاف
اسود نافع است بادها را که در چشم و جفن باشد کشیدن آن
و طلا کردن آن صفت آن مس سوخته افیون از هر یک یکدرم و نیم
زعفران شیاف مامیثا از هر یک پنجدرم مروارید ناسفته بسد
از هر یک یکدرم اقاقیا پنجدرم کوفته و بیخته با آب باران شیاف

سازند شیاف ابیض کندری قرحه و رمد غلیظ را نافع باشد
صفت آن سفیداب ارزیز هشت درم افیون انزروت مربّی
کثیرا از هر یک یکدرم صمغ عربی چهار درم کندر نیم درم با آب
باران شیاف سازند شیاف ابار قرحه و ورم و سرخی را نافع
باشد و حرارت را بنشاند و جفن را نرم سازد صفت آن
اقلیمیای طلا ارزیز مس سوخته سرمهٔ اصفهانی صمغ عربی کثیرا
سرب سوخته از هر یک هشت درم افیون یکدرم با آب باران
شیاف سازند شیاف ابار بنوع دیگر منفعت آن قریب
بمنفعت اول است صفت آن ابار سوخته سرمهٔ اصفهانی توتیا
مس سوخته کثیرا صمغ عربی از هر یک شش درم افیون نیم درم کوفته
و بیخته شیاف سازند و بعضی اقلیمیای طلا و سفیداب ارزیز
از هر یک شش درم کندر چهار درم اضافه می کنند شیاف
کندر بثره و قرحه را نافع باشد و گوشت بر رویاند صفت آن
اشق انزروت از هر یک پنجدرم کندر ده درم زعفران
ده درم اشق را بلعاب حلبه حل کنند و باقی ادویه را کوفته

بدان تا بسر شسند و شیاف سازند شیاف که اشید آب را
دفع کند صفت آن حربق سفید یکجزء فلفل سه جزء توتیه نیم یکدرم
با آب تر بسر شیاف سازند شیاف روشنائی جرب و ظفره
و انتشار و اشید انبرزول آب را نافع است صفت آن اقلیمیای نقره
اقلیمیای طلا مروارید ناسفته از هر یک دو درم کافور مشک از
هر یک دانگی صلایه کرده با آب باران شیاف سازند شیاف
اصفر از جهت ابتدای نزول و تاریکی چشم نافع است صفت آن
انزروت مربی شیاف مامیثا از هر یک هشت درم مروارید
ارمنی فلفل از هر یک چهار درم زرنیخ زرد ده درم زعفران
یکدرم و نیم کوفته و بیخته شیاف سازند شیاف اصفر نوع دیگر
صفت آن هلیله زرد توتیای هندی از هر یک پنج درم فلفل
سفید صمغ عربی از هر یک یکدرم زعفران یکدرم با آب بادیانه
شیاف سازند شیاف سماق جرب و خارش و جحوظ را نافع
باشد صفت آن سماق سی درم با آب رازیانه بریزند و بالای آن
باز بجوشانند تا غلیظ شود بگذارند تا سرد شود و ده درم

اسفیداج ارزیز با آن آب بسرشند و شیاف سازند و بعضی آب
سماق را می جوشانند تا غلیظ شود و گرد سماق با آب بسرشند
شیاف سازند شیاف دینار چون سبل رقیق باشد بر
دارد صفت آن زرد چوبه شادنج مغسول صبر سقوطری شیاف
مامیثا مساوی کوفته و بیخته با آب باران شیاف سازند
شیاف وردی که صعوبت درد چشم را در حال بنشاند صفت آن
ورق گل سرخ یازده درم زعفران هشت درم افیون
ده درم سنبل الطیب دو درم صمغ عربی یکدرم با آب باران شیاف
سازند شیاف اسود نسخه دیگر بر مدرا و حرقت عین و دمعه
و سبل را که با او حرارت باشد نافع باشد صفت آن طلاء
سفید آب ارزیز صمغ عربی افیون از هر یک چهار درم مس
سوخته سنبل الطیب شسته از هر یک یکدرم و نیم اقاقیا
شسته چهار درم کوفته و بیخته با آب عنب الثعلب شیاف
سازند شیاف اصطفیقا استرفارجیقن دماریکی و اشید ا
آب را نافع باشد صفت آن اقلیمیای طلا فلفل شیاف افیون

از هر یک چهار درم صمغ عربی شیاف ابابشا از هر یک هشت درم
انزروت نمک هندی زرنیخ زرد از هر یک یکدرم بوره ارمنی
دوازده درم با آب رازیانه شیاف سازند چنانکه رسم است
شیاف که جرب و غلظت جفن و سبل کهنه و تاریکی چشم را
زایل کند صفت آن امیون اقلیمیا نقره از هر یک یکدرم سفید آب
ارزیز صمغ عربی زنگار اشق از هر یک دو درم با آبی که اشق
دران حل کرده باشند شیاف سازند شیافی که نافع است
ابتدا ارمد را و درد ساکن کند صفت آن شیاف ابابشا
هفت درم زعفران امیون حضض صمغ عربی از هر یک دو درم
کثیرا انزروت از هر یک چهار درم جند بیدستر یکدرم کوفته
و بیخته شیاف سازند شیاف دیگر که نافع باشد قروح حاره
را و چشم را خنک سازد و گوشت برویاند صفت آن سفید
آب ارزیز ده درم کندر انزروت از هر یک یکدرم [illegible]
نیم درم کافور دو دانگ کوفته و بیخته شیاف سازند شیاف
زنگاری جرب و سبل را نافع باشد صفت آن صمغ عربی سفید آب

ارزیز

ارزیز زنگار سفاری با آب سداب شیاف سازند شیاف
غوره جرب و حکه و کمنه را نافع باشد صفت آن زنجبیل یکدرم
هلیله زرد صمغ عربی توتیای مغسول از هر یک ده درم حضض
مکی چهار درم زرد چوبه زعفران از هر یک دو درم با آب
غوره شیاف سازند شیاف جرب صبر کندر گلنار انزروت
سرمه شب یمانی از هر یک یکدرم زنگار دانگی و نیم بگلاب
شیاف سازند شیاف ورد و قرحه و بثره و مورسرج را
نافع باشد صفت آن برگ گل تازه هفتاد و دو مثقال اقلیمیا
نقره محرق مغسول صمغ عربی از هر یک سه مثقال زنگار و توبال
مس و سنبل هندی از هر یک دو مثقال مر صاف چار مثقال
کوفته و بیخته با آب باران شیاف سازند و در چشم کشند
شیاف دینارجون نسخه دیگر رمد سوداوی را نافع باشد
صفت آن سفید آب ارزیز اقلیمیا از هر یک ده درم امیون
لبابه از هر یک یکدرم کثیرا یکدرم و نیم بطریق معهود شیاف
سازند شیاف ابار نسخه دیگر صفت آن اقلیمیا رطلا

توتیا سرمه سفید آب ارزیز مروی سوخته کندر از هر یک دو
درم دم الاخوین افیون از هر یک یکدرم انزروت یکدرم
و نیم کوفته و بیخته شیاف سازند شیاف کندر قرحه و
بثور را نافع است صفت آن اشق انزروت از هر یک نیم درم
کندر ده درم زعفران دو درم بلعاب حلبه شیاف سازند
شیاف قلقند از برای ظفره نافع است صفت آن کندر
مر زعفران از هر یک یکدرم زرنیخ نیم درم شیاف سازند و با آب
گشنیز تازه در چشم کشند شیاف مرارات اشهار و ابتدا
نزول آب را نافع باشد صفت آن زهره کلنگ زهره
بز کوهی زهره باز زهره عقاب زهره کبک مجموع خشک ده
درم تخم حنظل سکبینج افیون از هر یک یکدرم با آب رازیانه
شیاف سازند شیاف مرارات بنسخه دیگر ابتدا آب را
نافع است صفت آن زهره باشق زهره عقاب زهره خرس
زهره روباه مسکو با آب رازیانه شیاف سازند شیاف
مرارات بنوع دیگر صفت آن زهره کلنگ زهره کبک زهره

گرگ زهره بز کوهی زهره باشق زهره خرگوش زهره آهو زهره
ماهی از هر یک یکدرم خشک کرده سکبینج فرفیون شحم
حنظل از هر یک یکدرم سکبینج را با آب برگ رازیانه حل کنند
و داروها کوفته و بیخته با آن سرشته شیاف سازند
شیاف دیگر که قایم مقام مرارات است صفت آن زهره بز
کوهی در ظرف مس بین خشک کنند ده درم شحم حنظل
نیم درم سکبینج دو درم فرفیون نوشادر از هر یک یکدرم
با آب سداب یا آب رازیانه شیاف سازند شیاف
علاج حکه و جرب و سلاق و ظلمه و دمعه و سبل و ظفره و چرب شدن
اجفان را نافع است صفت آن توتیای مغسول شش درم مامیران
چینی شیاف مامیثا از هر یک پنج درم دارفلفل زنجبیل
زبد البحر فلفل هندی پوست هلیله زرد ساذج هندی از هر
یک سه درم زعفران دو درم کثیرا صمغ عربی از هر یک
دو مثقال با آب غوره پرورده شیاف سازند شیاف حلتیت
حیالاشو ابتدای آب را نافع است صفت آن حلتیت جربق

85

سفید از هر یک ده درم سکبینج سه درم بحل آب بسرشند و
سازند شیاف دینار چون بنوعی دیگر سبل را نافع آید
و چشم را جلا دهد صفت آن اقلیمیای طلا سفیداب ارزیز
از هر یک ده درم کثیرا از هر یک پنج درم مروارید ناسفته
پنج درم الاخوین از هر یک چهار درم زرنیخ سرخ نبات
اقاقیا از هر یک پنج درم افیون نیم درم زعفران نشاسته
روی سوخته از هر یک یکدرم کوفته و بیخته شیاف سازند
شیافی که جرب و سبل و شحم زاید را نافع است صفت آن
ساذج هندی شش درم صمغ عربی پنج درم زنگار سه درم
مس سوخته قلقطار سوخته از هر یک دو درم افیون و از
هر یک یکدرم زعفران پنج درم با آب سداب شیاف سازند
شیاف دیگر که همین خاصیت دارد صفت آن زنگار سفیداب
ارزیز اقلیمیا نقره صمغ عربی اشق از هر یک دو درم اشق
با آب حل کنند داروهای دیگر کوفته و بیخته با آن بسرشند
و شیاف سازند شیافی که بثره و قرحه را سود دارد و دوال

قرحه را نفع کند صفت آن شاخ گوزن سوخته چهار درم
توبال مس شسته دو درم صمغ عربی سه درم افیون
یکدرم شیاف سازند چنانکه رسم است و در چشم کشند
شیاف سبل قولنج بگشاید و بلغم و صفرا دفع کند و درد
پشت را نافع باشد صفت آن سکبینج مقل جاوشیر نمک
هندی شحم حنظل بوره ارمنی سقمونیا تربد حب النیل صمغها را
با آب سداب حل کنند و داروهای دیگر کوفته و بیخته با آن
بسرشند و شیاف سازند هر یکی دو درم شیافی که درد

شیاف درد پشت

پشت و جمیع انواع مفاصل که سبب آن سردی و بلغم باشد
نافع بود صفت آن سکبینج جاوشیر مقل بوره ارمنی اشق
زنجبیل سورنجان شقاقل تخم حنظل تخم کرفس زراوند افیون
نمک هندی انزروت جندبیدستر زرنباد قسط ماهی زهره
سعد سداب خشک مساوی کوفته و بیخته با آب سداب
تازه بسرشند و شیاف سازند شیاف دیگر که درد پشت
و اوجاع مفاصل و بواسیر را نافع باشد صفت آن سکبینج

جاوشیر مقل ازرق و شحم حنظل سبند الحجر ماهی زهره بوره بدان
از هر یک یکدرم و نیم سورنجان و تربد از هر یک سه درم
جند بیدستر نیم درم با آب کنند تا شیاف سازند شیاف
زعفران حضض مر افیون کندر مساوی کوفته و بیخته
شیاف سازند شیاف خیارشنبر قولنج بگشاید و طبع
نرم کند صفت آن بنفشه دو درم خطمی سه درم شیار
مکی سه درم نمک هندی یکدرم عسل خیارشنبر شکر
سرخ از هر یک ده درم شیاف سازند شیاف بنفشه
که همین خاصیت دارد صفت آن بنفشه پنج درم سقمونیا نمک
هندی از هر یک دو درم بوره ارمنی تربد از هر یک سه درم
قراوت فانید از هر یک پنج مثقال شیاف سازند
شیاف قولنج بوره ارمنی ده درم شحم حنظل مقل سکبینج
از هر یک پنج درم سقمونیا دو درم و نیم شکر سرخ ده
درم شیاف سازند و عمل کنند شیاف فرفیون ضعف
مثانه و سلس البول و قطر البول را نافع است و باه را قوت دهد

صفت آن نارجیل حب الغار حب المحلب مغز تخم بادام
تلخ کرم دانه حب الزلم از هر یک دو درم فرفیون جند
بیدستر سداب از هر یک سه درم مقل ده درم با آب کنند تا
شیاف سازند شیافی که مقوی باه است صفت آن حلتیت
فرفیون از هر یک یکدرم مشک نیم درم کوفته و بیخته شیاف
سازند شیاف دیگر که همین خاصیت دارد صفت
آن پیه سوسمار زهره کرگ حب القطن عاقرقرحا مساوی
کوفته به روغن سنبل شیاف سازند شیاف که استسقا
طبلی را نافع باشد صفت آن سداب حرمل رازیانه تخم کرفس
تربد سفید بوره ارمنی از هر یک یکدرم شکر سرخ پنج درم
با آب سداب شیاف سازند شیاف ثقل سمع و دوی و
طنین که سبب آن ریح غلیظ باشد و وجع بلغمی گوش و
طرش که سبب آن اخلاط غلیظ بود زایل کند صفت آن
شحم حنظل یکدرم بوره سه درم جند بیدستر زراوند
مدحرج عصاره افسنتین از هر یک نیم درم قسط دانگی و نیم فرفیون

دانگی کوفته و بیخته بر زهره کاو بسرشند و شیاف سازند
و در وقت حاجت یکی از آن در روغن بادام تلخ حل کرده
در گوش چکانند شیافی که خون رفتن از بول بسیار باز دارد
صفت آن کندر انزروت دم الاخوین گلنار سرشته زاج سپید
از هر یک یک درم زنگار دانگی کوفته و بیخته بعسل سرشته
شیاف سازند شیافی که همین خاصیت دارد صفت آن
اقاقیا عصاره لحیة التیس گلنار گل ارمنی از هر یک یک درم و نیم
سوخته سفید آب از هر یک نیم درم باب لسان الحمل یا باب
خرفه سرشته شیاف سازند شیافی که همین خاصیت دارد
صفت آن قنطوریون دقیق بیخ سوسن انزروت از هر یک
یک مثقال مازو نیم مثقال زنگار دانگی بعسل سرشته شیاف
سازند شیافی که همین عمل کند صفت آن عصاره لحیة
التیس اقاقیا جفت بلوط دم الاخوین از هر یک یک درم
سفید آب صدف سوخته از هر یک نیم درم باب لسان الحمل سرشته
شیاف سازند شیافی که در عقب مسهل استعمال کنند

واگر در

87

و اگر در اسهال تقطیری باشد کرم مرارجان [illegible]
صفت آن زنجبیل نیم درم صابون رقی خطمی نمک طعام
از هر یک دو درم شکر سرخ نیم درم شیاف سازند
شیافی که اسهال را نافع باشد صفت آن مر اقاقیا بزر
البنج صمغ عربی برنج بریان کرده مساوی کوفته و بیخته باب
مورد سرشته شیاف سازند شیافی که شکم ببندد
صفت آن اقاقیا صمغ عربی گلنار کزمازج بلوط برنج بریان کرده
درب بریان کرده مساوی کوفته و بیخته باب مورد سرشته
شیاف سازند شیافی که نافع است از جهة زحیر و اسهال
و اغراس صفت آن صمغ عربی اقاقیا افیون مازو بزر
البنج کندر گل ارمنی برنج بریان کرده مساوی کوفته و بیخته
باب مورد یا باب گشنیز تازه شیاف سازند شیاف
عذبوط اقاقیا آمله گلنار صمغ عربی کوفته و بیخته باب مورد
بسرشند و شیاف سازند و پیش از مجامعت استعمال نمایند
شیافی که از جهة کرم کوچک که در امعای سفلی باشد نافع بود

صفت آن شحم حنظل قنطوریون رنگ هندی مغز استخوان زرد
آلوی تلخ مساوی کوفته و بیخته شیافه سازند باب
الضماد صبغی که بهق ابیض را برنگ بدن آورد صفت آن تخم
ترب شیطرج فوه کندش خردل کوفته و بیخته بسرکه کهنه
تر کنند و در آفتاب بمالند صبغی که برص را از آن رنگین
کند صفت آن شوره هر شب بمالی جوزه کوفته بعده بشراب
تر کنند و چند نوبت بمالند صبغی که همین خاصیت دارد
صفت آن شیطرج عاقرقرحا حضض خردل شونیز گل شقایق نعمان
زرنیخ زرد فوه مساوی کوفته و بیخته بخون سرشته بمالند صبغی
که همین عمل کند صفت آن شیطرج فوه شب بمالی اکل سرخ
کوفته یکشبانه روز در سرکه حنیا منده روز دیگر بمالند
صبغی که بهق اسود را ببرد صفت آن تخم ترب ده درم کندش
قسط از هر یک ده درم بسرکه کهنه بمالند صبغی که رنگ را
سرخ گرداند صفت آن زعفران فوه کندش مصطکی مساوی
کوفته با آب تر ساخته شب بمالند و صباح با آب گرم بشویند

صبغی که نشان آبله و جراحات در بشرها ببرد صفت آن مرداسنگ
سفیداج نی کهنه آرد نخود آرد برنج استخوان پوسیده
مغز تخم خربزه حب البان قسط کوفته و بیخته بلعاب حلبه و
بزر الکتان شب بمالند و صباح بسبوس و با آب گرم بشویند
صبغی که همین خاصیت دارد صفت آن ابرسا مرداسنگ
مغسول شاخ گوزن سوخته بوره ارمنی اشق کوفته بمالند بآب
الشعیر استعمال کنند باب الضماد ضماد لین صلابت
طحال را نافع است صفت آن مقل ده درم اشق یکدرم آرد باقلا
کرسنه نخود اکلیل الملک بزرک حلبه بابونه ترمس سنبل از هر یک
یکدرم الخیر زرد بیت و چهار درم کوفته و بیخته بروغن سداب
یا روغن بابونه ضماد کنند ضمادی که نافع است از جهت اورام
صلابه معده و جگر صفت آن زعفران صبر از هر یک یکدرم
افسنتین سنبل یکدرم و نیم کوفته و بیخته با آب گرم ضماد کنند
ضماد حی العالم نافع است از جهت حرارت و ورم جگر صفت
آن بنفشه چهار مثقال حی العالم گل سرخ صندل سفید از هر یک

چهار درم قصب الذریره دو مثقال کافور یکدرم کوفته با آب
کشنیز تازه ضماد کنند ضماد دیگر ورم جگر را نافع است صفت
آن جو در سرکه خیسانیده تا مهرا شود بیست درم طباشیر سفید
فوفل از هر یک سه درم افسنتین ورق گل سرخ قصب الذریره
صندل سفید شیاف مامیثا از هر یک یکدرم کوفته و بیخته
در لعاب کتان مالند و بر موضع جگر اندازند ضماد سوخته بنفشه
سبوس آرد جو خطمی آرد باقلا اکلیل الملک مساوی کوفته
بروغن بنفشه بادام ضماد کنند ضماد دیگر مابل بزرگ حلبه از
هر یک ده درم میعه سائله چهار درم موم سفید بیست درم بروغن
یاسمین ضماد کنند ضماد دیگر شکم را ببندد صفت آن اقاقیا
مر آمله کندر سعد اذخر سنبل مصطکی از هر یک پنج درم کعک
ده درم کوفته و بیخته با آب به ضماد کنند ضماد دیگر معده
بارده را گرم کند و قوت دهد صفت آن سعد مصطکی سنبل
قسط افسنتین از هر یک پنج درم اذخر آمله قرنفل و ارمنی قصب
الذریره از هر یک ده درم کوفته و بیخته با آب ضماد کنند

89

ضماد دیگر ورم کهنه معده را تحلیل دهد صفت آن مقل حب البان
تخم کرفس از هر یک ده درم سنبل الطیب اشق مصطکی از هر یک
پنج درم موم شش درم روغن ناردین پانزده درم صمغها را
در شراب حل کنند و باقی ادویه را کوفته اضافه نمایند و با
موم روغن ضماد کنند ضماد دیگر همین خاصیت دارد صفت آن
حلبه شبت بمابی خطمی برگ بابونه از هر یک پنج درم سعد قصب
الذریره اذخر از هر یک دو درم موم شش درم روغن بابونه
پانزده درم بطریق معهود ضماد کنند ضماد صندلین از جهت معده
جگر گرم نافع است صفت آن صندل سرخ و سفید شیاف مامیثا
کافور کوفته و بیخته با آب عنب الثعلب و قدری سرکه ضماد کنند
ضماد دیگر استسقاء زقی را و استسقا که با آن حرارت باشد
نافع بود صفت آن آرد جو سعد پشک گوسفند کهنه بوره ارمنی
گل ارمنی مساوی هم کوفته و بیخته ضماد کنند ضماد دیگر نفخ
طحال را سود دارد و صلابت را نرم کند صفت آن سداب
ده درم بوره ارمنی عود و نه از هر یک شش درم اشق هفت درم

کوفته و بیخته لبسر که کهنه ضماد کنند ضماد الاشق صلابت
طحال را سود دارد صفت آن اشق مقل بوره ارمنی نمک هندی
از هر یک چهار درم اشنه کزمازج از هر یک شش درم سداب
هشت درم کوکرد دو درم الخیر ده عدد در سرکه تر بند و اشق
و مقل و بوره بکدازند و باقی ادویه را کوفته و بیخته اضافه نمایند
و ضماد کنند ضماد دیگر وجع رحم و بواسیر سکین و هد منفعت آن
زعفران افیون بزرالبنج بیض مرغ از هر یک دو درم خطمی بزرک از
هر یک یکدرم زرده تخم مرغ نیم بخته یکبیضه با روغن اسطوخودس
زرد آلو ضماد کنند ضماد دیگر از جهته فتق نافع است صفت آن
جوز السرو دو درم سعد مرصاف صمغ عربی مر زکوش بازدافیا
کندر از هر یک یکدرم کوفته و بیخته بشراب کهنه ضماد کنند ضماد دیگر
همین خاصیت دارد صفت آن جوز السرو صبر ورق سداب
بازرد بابونه مساوی کوفته و بیخته بروغن قسط ضماد کنند نافع است
ضماد دیگر همین منفعت دارد صفت آن مصطکی کندر انزروت
جوز السرو برک سرو مرزنجوش بلوط مساوی کوفته و بیخته

ضماد رحم

و اگر ضماد کنند

لبسر که ضماد کنند ضماد دیگر نقرس بارد را سود دارد دو درم
زنجبیل ده صفت آن مقل کندر حلبه بزرک اشق کوفته بشراب
ضماد کنند ضماد دیگر سکان را از بدن بیرون آورد صفت آن
اشق بیاز نرکس بیخ نی کوفته بعسل ضماد کنند ضماد دیگر
اصطمخیقون برودت معده و کبد طحال را نافع باشد صفت
آن افسنتین سنبل الطیب سلیخه صبر سقوطری از هر یک سه درم
عود بلسان زعفران از هر یک دو درم موم سفید هفت درم
موم را در روغن ناردین یا روغن قسط یا روغن زنبق بکدازند
و باقی ادویه را کوفته و بیخته با آن سرشته و ضماد کنند
ضماد دیگر ضعف معده را که سبب آن حرارت باشد نافع بود
صفت آن حب الآس آمله عود کلنار برک مورد پوست
به پوست سیب کل سرخ قصب الذریره صندل سرخ و سفید
کوفته و بیخته بکلاب و آب سیب ضماد کنند ضماد دیگر نقرس
و اورام حاره را نافع باشد صفت آن صندل سرخ عدس مقشر
فوفل شیاف ماميثا کل ارمنی کوفته و بیخته بکلاب و آب

کاسنی ضماد کنند ضماد قسطاریون لقوه و فالج و صداع
و درد چشم و سعفه و درد دندان را نافع باشد و نزول آب
را از چشم منع کند چون بر صدغین ضماد کنند و چون بر
مثانه ضماد کنند بول را براند و چون بر گزندگی عقرب مالند
درد ساکن کند و چون بر شکم ضماد کنند اورام اعضای
باطنه را نافع باشد صفت آن رعی الحمام دو درم موم سفید
ده درم راتینج سه درم روغن زیت چهل درم موم و راتینج
را در روغن زیت بگدازند و رعی الحمام را کوفته اضافه نمایند
و ضماد کنند ضماد دیگر که اگر بر معده نهند قی آورد و اگر بر ناف
ضماد کنند شکم براند و اگر بر عانه نهند حیض براند صفت
آن هرنیک کابلی عصاره قثاء الحمار از هر یک سه مثقال خربق
سفید مر و سهنگ از هر یک چهار درم روغن زیت ده درم
موم سفید به بزر از هر یک پنج درم موم و به را در روغن زیت
بگدازند و باقی ادویه کوفته و بیخته با آن منضم کنند و بر روی
کاغذ پاره گسترده ضماد کنند ضماد دیگر که جراحها بر لثه کنند

و برغم اندازند اسهال سوداوی را دفع کنند و چون بر زیر بغل
ضماد کنند اسهال صفراوی را دفع کنند و چون بر ما بین الورکین
ضماد کنند بلغم براند و این ضماد از اسرار الطبابت الاطفال
و پیران و کسانی را که طاقت بدوا دادن نداشته باشند بدینها
معالجه کنند صفت آن برنج مقشر یک کف بکوبند و در دیگ
کنند و آن مقدار شیر تازه که آن را بجوشانند بر سر آن
ریزند و روغن گاو اضافه نمایند و بجوشانند تا برنج شیر را
در خود کشد بعد از آن مساوی آن روغن گاو اضافه نمایند
و بجوشانند تا بقوام آید و استعمال کنند و اگر خواهند که قطع
اسهال شود لته را بر دارند و آن موضع را بگلاب بشویند ضماد دیگر که
جبر و کسر و وثی را نافع باشد صفت آن مغاث ماشی
گل ارمنی از هر یک چهار درم خطمی مر از هر یک دو درم اقاقیا
صبر از هر یک یکدرم کوفته و بیخته با آب مورد و زرده تخم
مرغ ضماد کنند ضماد دیگر که عرق النسا و وجع ورک را نافع است
صفت آن پوست بیخ کبر پودنه کوهی عاقرقرحا از هر یک دو درم

قسط تخم تره تیزک از هر یک یکدرم زفت سه درم زفت را
در روغن زیت بگدازند و باقی ادویه کوفته و بیخته اضافه نمایند
و ضماد سازند ضماد دیگر پوست بر گرد ناخن برخیزد باصلاح آورد
صفت آن مصطکی شش درم در پانزده درم روغن گل
بگدازند و دو درم نمک با آن بیامیزند و بران ضماد کنند
ضماد دیگر از جهت برص الظفار نافع باشد صفت آن زرنیخ
سرخ شب یمانی گوگرد از هر یک یکدرم زفت رومی
ده درم زفت را در عسل و سرکه بگدازند و داروهای دیگر
کوفته و بیخته با آن بسرشند و ضماد کنند ضماد دیگر استسقا را
طحال را سود دارد صفت آن بابونه اکلیل الملک مرزنگوش شبت
فودنه از هر یک ده درم زیره کرمانی شش درم کوفته و بیخته
با آب سداب ضماد کنند ضماد دیگر ورم بلغمی معده را
نافع باشد صفت آن جعده اکلیل الملک تماما بابونه
شبت مصطکی از هر یک ده درم افسنتین سنبل صبر از
هر یک هفت درم کندر شش درم تخم خطمی پانزده درم ببط

بسم الله الرحمن الرحیم

دوازده درم پیه مرغ بط سه درم موم سفید شش درم ضماد سازند
چنانکه رسم است ضماد بواسیر تخم کندنا بزرگ مقل ازرق
از هر یک چند درم بروغن گاو سرشته ضماد کنند ضماد دیگر
قروح معده را نافع باشد صفت آن افیون زعفران از هر یک
نیم دانگ مرداسنگ یکمثقال سفیدآب ارزیز چند درم روغن
گل چند درم ضماد سازند چنانکه رسم است ضمادی که اضلاع مثانه
و جبین سست کند صفت آن شحم حنظل قسط سداب از هر یک
سه درم مر یکدرم کوفته و بیخته بزهره گاو بسرشند و بر عانه
و ناف ضماد کنند ضماد دیگر صداع بارد را نافع است
صفت آن بابونه اکلیل الملک درمنه شبت ورق الغار
مرزنگوش مساوی بروغن خیری ضماد کنند ضماد دیگر اسهال
صفراوی را نافع است صفت آن برگ مورد گل سرخ گلنار
صندل انار زو آمله لادن سماق اقاقیا حصف مساوی کوفته و بیخته
با آب مورد سرشته بشکم ضماد کنند ضماد دیگر زلق الامعا
بلغمی را نافع باشد صفت آن لادن سعد مصطکی قصب الذریره

اذخر و زنگوشش بنام از هر یک پنج درم عود و جوز بوا و قرنفل از هر یک
یکدرم و نیم کوفته و بیخته با آب مورد ضماد کنند ضمادی که
بول الدم را حبس کند صفت آن گل ارمنی گل مختوم صمغ عربی
تخم خرفه کثیرا ورق گل سرخ گلنار شاخ گوزن سوخته
عصاره لحیة التیس از هر یک دو درم مازو یکدرم کوفته و بیخته
با آب مورد ضماد کنند ضماد دیگر اورام هندی را سود دارد
صفت آن نان گندم آرد جو آرد باقلا خطمی حلبه از هر یک ده درم
زعفران نیم درم کوفته و بیخته بزرده تخم مرغ ضماد کنند ضماد دیگر
نگذارد پستان بزرگ شود صفت آن دو نوع سوخته آرد جو مساوی
بسرکه بسرشند و در هر ماهی سه روز متوالی ضماد کنند ضماد دیگر
اماس چشم را بنشاند و درد ساکن کند صفت آن آرد جو
ده درم باقلا پنج درم اقاقیا یکدرم سفیده تخم مرغ یک بیضه
با آب گشنیز تازه و آب کاسنی ممزوج ساخته ضماد کنند ضماد
دیگر از جهت اختلاط عقل و امراض حاره نافع باشد صفت
آن آرد جو ده درم سبوس گندم کفته ضماد کنند ضماد دیگر اماس پستان

گوشش را بنشاند صفت آن پیه بط و مرغ از هر یک پنج درم بکوازند
و پنج درم پشک گوسفند تازه کوفته بسرشند و ضماد کنند ضماد دیگر
اسهال بسبب آن قوت ماسکه و سردی جگر باشد نافع بود
صفت آن سنبل قصب الذریره افسنتین قشور کندر مصطکی لادن
برگ مورد ورق گل سرخ صندل از هر یک ده درم پوست
انار ترش آمله از هر یک پانزده درم کوفته و بیخته بشراب کهنه
ضماد کنند ضماد دیگر درد بواسیر را بنشاند صفت آن مقل کرمان
شیر مغز ساق گاو مغز استخوان زرد آلو زرده تخم مرغ مساوی
کوفته در روغن گاو که پیاز در آن جوشیده باشد حل کنند
و ضماد کنند ضماد دیگر قیله الماء را سود صفت آن آرد جو پشک گوسفند
کهنه گل ارمنی سرگین گاو خشک از هر یک دو درم سعد بوره
ارمنی زیره کرمانی مس سوخته تخم حنظل صبر سقوطری غبار الحمار
از هر یک یکدرم کوفته و بیخته بسرکه ضماد کنند ضماد دیگر اورام
طحال را نافع باشد صفت آن عدس مقشر پوست انار ترش
مازو برگ مورد مساوی کوفته و بیخته بسرکه کهنه بسرشند و بر عانه

ضماد کنند ضماد دیگر که شیر زنان را نافع باشد صفت آن آرد باقلا
ده درم تخم بادروج پنج درم کوفته و بیخته با آب بادروج ضماد
کنند ضماد دیگر که نگذارد ناف بیرون آید صفت آن شب یمانی
سه درم مازو سه علک کوفته و بیخته و با شش سرکه ضماد کنند
ضماد دیگر که نقرس را سود دارد صفت آن آرد جو بیست درم مغاث
سه درم با آب عنب ضماد کنند ضماد دیگر که نقرس مرکب را
سود دارد صفت آن مغاث خطمی تخم فرد آرد جو سورنجان مساوی
بروغن گل بزند ده تخم مرغ ضماد کنند ضماد دیگر جمیع انواع مفاصل را
نافع باشد صفت آن بابونه خطمی اکلیل الملک از هر یک بیست درم
اشق جاوشیر مقل از هر یک ده درم موم و سرکه از هر یک
پنج درم روغن شبث بیست درم ضماد کنند چنانکه رسم است
ضماد دیگر جمیع امراض و اورام حاره را در ابتدا نافع باشد و ماده را
دفع کند صفت آن مامیثا اقاقیا فوفل صندل اسفیخ با آب
عنب الثعلب ضماد کنند ضماد دیگر که بواسیر و درد معده و مقعد
و زحیر را نافع باشد صفت آن مغز ساق گاو موم سفید سه درم

اقاقیا دم الاخوین کندر مر از هر یک سه درم مرداسنگ سفید آب
ارزیز از هر یک یکدرم و نیم مقل یکدرم افیون دانگی روغن گل
بیست درم بطریق معهود ضماد کنند ضماد دیگر که مخصوص بواسیر است
صفت آن مغز استخوان زردآلو تلخ مثقال پیه بط پنجدرم میعه
سائله سه درم مقل دو درم زفت یک مثقال و نیم ضماد
کنند ضماد دیگر که همین خاصیت دارد صفت آن پیاز بکنند تا
بپخته و در روغن گاو بریان کرده از هر یک پنجدرم مقل یکدرم
زعفران سه درم افیون دانگی و نیم ضماد سازند ضماد دیگر که همین
عمل کند صفت آن روغن مغز استخوان زردآلو ده درم کوهان
شتر سه مثقال برگ شفتالو خشک موم سفید از هر یک سه درم
مقل یک مثقال مرداسنگ دو درم ضماد کنند چنانکه رسم است
ضماد دیگر که ورم بارد و صلبه را نافع باشد صفت آن آرد باقلا
حلبه بابونه زیره مویز منقی بروغن کنجد ضماد کنند ضماد دیگر که
خنازیر را تحلیل کند صفت آن کثیرا پنجدرم نانخواه دو درم
صبر یکدرم با کشنیز تازه ضماد کنند باب ... الطلاء

94

طلای که از جهت صداع حار نافع است صفت آن صندل سرخ و سفید
تخم کاهو زبان از هر یک سه درم گل بنفشه گل سرخ از هر یک
چهار درم زعفران یکدرم افیون شیاف مامیثا از هر یک دو درم
بیخ لفاح یکمثقال برگ کاهو تر ساخته بر پیشانی و صدغین طلا
کنند طلای که ورم پس گوش را نافع باشد صفت آن صندل
سرخ فوفل شیاف مامیثا صبر زعفران مساوی کوفته
بگلاب سرشته طلا کنند طلای رعاف آرد جو گلنار اقاقیا
عصارهٔ لحیة التیس افیون صندل سفید از هر یک سه درم کافور
دانگی بگلاب تر ساخته بر پیشانی طلا کنند طلای که همین خاصیت
دارد صفت آن اقاقیا نشاسته گل ارمنی گلنار مساوی کوفته و بیخته
بآب مورد یا بآب برگ تاک یا بآب لسان الحمل سرشته بر پیشانی
طلا کنند طلای که موی را از ریختن نگاه دارد صفت آن برسیاو
شان لادن فستق حب الغار مساوی کوفته در روغن مورد
بسرشند طلا کنند طلای که شکستن و شکافتن موی را نگاه
دارد صفت آن برگ چغندر لعاب بزرقطونا در حمام بر سر و ریش

طلا کنند طلای که سبوسهٔ سر را ببرد صفت آن آب برگ
چغندر چهل درم بورهٔ ارمنی دو درم زهرهٔ گاو یکدرم عسل
بسرشند و بر سر طلا کنند طلای که منع انبات موی کند
صفت آن مرغ را در سایه خشک کنند و بسایند و خون لاک
پشت بحری خشک کرده و آهک بورهٔ ارمنی مرداسنگ صدف
سوخته از هر یک قدری بآب بسرشند چون موی بغل و عانه کنده
باشند بران طلا کنند و یک ماه بمالند دیگر از آنجا موی نروید
طلای که درین باب مجرب است صفت آن شیر الخبر خانهٔ مورچه
زبد البحر مرتشی زرنیخ از هر یک قدری بیکدیگر ممزوج سازند و موی
را بر کنند و سه بار بران موضع طلا کنند منع انبات کند و
اگر پیش از بلوغ در انبات عانه این استعمال کنند موی از آنجا نروید
طلای که موی سر برویاند و داء الثعلب را نافع باشد صفت آن لادن
سوخته حب کتان گل شقایق با روغن مورد طلا کنند
یا برگ مورد کوفته با لادن و مر در روغن مصطکی بمالند مقل
ادخر و قرنفل سعد و مازو کوفته و بیخته با شراب طلا کنند بلیغ

نشتر سوخته با روغن دنبه بمالند بعد ازانکه بسیار غسل حنا ان مالیده
باشد که آبله کرده باشد نافع بود و اگر زنجبیل و برگ ناسف سوخته
بروغن زیت طلا کنند همین عمل کند طلای که حکه و جرب بارد را
نافع باشد صفت آن مغز استخوان زرد آلو تخم ریواس از هر یک
بیست درم نمک طعام زیبق مقتول از هر یک دو درم مجموع را در
بیست درم ماست ممزوج ساخته در حمام طلا کنند و یک ساعت
بگذارند و بشویند طلای که همین خاصیت دارد صفت آن زیبق
مقتول حنا شحم حنظل اقلیمیا نقره عدس مقشر مساوی کوفته با سرکه
و روغن گل طلا کنند طلای که همین منفعت دارد صفت آن مغز
بادام تلخ سنای مکی مرداسنگ از هر یک سه درم کنجد ده درم
با سرکه و روغن گل طلا کنند طلای که از جهت جرب رطب نافع است
صفت آن کندش و فلفل مرداسنگ از هر یک ده درم نمک هندی
با سرکه و روغن گل تر ساخته در حمام طلا کنند طلای که جرب رطب را
نافع باشد صفت آن زرد چوبه مر قسط کندش از هر یک یکدرم
میعه سائله پنجدرم بروغن گل تر ساخته در حمام طلا کنند و ساعتی

بگذارند

بگذارند پس بسبوس و آب گرم بشویند طلای دیگر که همین منفعت
دارد صفت آن گوگرد زرد یک مثقال پیه بز دو مثقال روغن
گل دو مثقال پیه را در روغن بگدازند و گوگرد در اصلابه کرده با هم
ممزوج سازند و شب بمالند و صباح در حمام بشویند طلای که همین
خاصیت دارد صفت آن زیبق مقتول پنج درم کندش دو درم
زراوند طویل هفت درم بروغن گل تر کرده طلا کنند
طلای که از جهت جرب نظیر ندارد صفت آن گوگرد حنا از هر یک
یک مثقال شیطرج هندی فلفل دو دانگی روغن دنبه بیست مثقال بطریق
معهود بیکدیگر ممزوج سازند و شب بمالند و صباح در حمام بسبوس
و سرکه و آب گرم بشویند طلای که از جهت حکه نافع است صفت
تخم خشخاش اسفناج کوفته در سرکه خیسانیده در حمام بمالند
طلای که حکه حصبه را نافع باشد صفت آن شیاف مامیثا
اقاقیا از هر یک چهار درم شنان ده درم نوشادر دو دانگی
زعفران یک طسوج کوفته و بیخته بروغن گل و سرکه تر کرده طلا
کنند طلای که همین خاصیت دارد صفت آن شیاف مامیثا

طلای که از جهت جرب نظیر ندارد

اقاقیا از هر یک سه درم صبر بوشادر از هر یک چهار درم
نشاسته یکدرم بگلاب سبز که طلا کنند طلای که قوباء را
نافع باشد صفت آن کوگرد دو درم سفیدآب شش درم
مویزج یکدرم چنانکه رسم است طلا کنند طلای که همین خاصیت
دارد صفت آن زرنیخ سفید چهار درم ترمس صدف سوخته نطرون
از هر یک سه درم کوفته و بیخته بسرکه تر ساخته طلا کنند طلای
که همین منفعت دارد صفت آن اشق ترمس از هر یک یکدرم
بوره ارمنی دو درم بسرکه کهنه سرشته طلا کنند و بعد از
ساعتی بآب گرم بشویند طلای که قلع ثالیل کند صفت
آن مازو شب یمانی تخم جرجیر کوفته و بیخته بزهره گاو سرشته
و چند نوبت طلا کنند طلای که سوختگی آتش را نافع
صفت آن عدس مقشر گل سرخ بیزند تا مثل آرد شود پس
سفیدآب و آرد جو و روغن گلبادام با روغن گلبان
بیامیزند و طلا کنند طلای که بریان آتش نرم کند که بعد از
چار پیاره درو زرد ریا و پشت در روی چشم پیدا شود زایل کند

صفت آن صبر اقاقیا مرسد شیاف مامیثا زعفران حضض
گل ارمنی کوفته و بیخته بسرکه گلاب یا با آب عنب الثعلب
طلا کنند طلای که صداع را نافع بود صفت آن مر زعفران
افیون بذر البنج کندر مساوی بگلاب تر کرده بر صدغین
طلا کنند طلای که منوم بود صفت آن نیلوفر بنفشه تخم کاهو
از هر یک سه درم پوست خشخاش شیاف مامیثا از هر یک دو
درم صندل سرخ و سفید از هر یک دو مثقال کوفته و بیخته
بآب برگ کاهو تر ساخته بر پیشانی و صدغین طلا کنند
طلای که اسهال حمی را باز دارد صفت آن گل سرخ یکدرم
اقاقیا گلنار و مازو شب یمانی جوز السرو صندل سرخ و سفید
عدس برگ مورد از هر یک سه درم طباشیر دو درم بآب
بر شکم و معده و پشت طلا کنند طلای که ورم حار جگر را
نافع باشد صفت آن بنفشه خطمی آرد جو از هر یک هشت
درم گل سرخ چهار درم صندل سرخ و سفید بابونه اکلیل الملک
تخم کاسنی کشوث نیلوفر از هر یک دو درم شیاف مامیثا سه درم

طلای خواب آورد

ریوند چینی یکدرم سنبل یکدرم کوفته بگلاب و آب کاسنی طلا کنند
طلای که افراط حیض باز دارد صفت آن گل سرخ عدس
مقشر از هر یک یکدرم اقاقیا گلنار صندلین از هر یک
سه درم گل ارمنی چهار درم بلوط با آب بهرعانه و ثبت
طلا کنند طلای که از جهت بنات اللیل نافع باشد صفت آن
خطمی بابونه اکلیل الملک از هر یک چهار درم ترمس بونش
دربندی از هر یک یکدرم شیاف مامیثا یکدرم و نیم آرد
دخنی سه درم کوفته و بیخته با آب کرفس طلا کنند طلای که
از جهت سعفه تر که بر روی طفلان باشد نافع بود صفت
آن سفیداب ارزیز سه درم گل سرخ دو درم گلنار
زرد چوبه از هر یک یکدرم کافور طبوخی موم سفید دو درم
و نیم روغن گل ده درم موم را در روغن بگدازند و باقی ادویه
کوفته با آن ممزوج سازند و طلا کنند طلای که همین
خاصیت دارد صفت آن اشنان سبز مرداسنگ از هر یک
یکدرم گل ارمنی عفص پوست انار از هر یک سه درم حنا قرنفل

98

از هر یک چهار درم اقاقیا شیاف مامیثا صندل از هر یک
ده درم بگلاب تر ساخته طلا کنند طلای که از جهت
سعفه در غایت خوبیست صفت آن برگ مهک چهار
درم حنا مازو از هر یک دو درم بروغن دنبه طلا کنند
طلای که همین خاصیت دارد صفت آن آب برگ چغندر
روغن دنبه از هر یک صد درم بجوشانند چندانکه آب برود
در روغن بماند بعد از آن برگ ملک و حنا از هر یک یکدرم
کوفته و بیخته با آن ممزوج سازند و طلا کنند طلای که
از جهت سعفه که در بدن اطفال پیدا شود باید که زرد چوبه
و حنا و زراوند مرداسنگ و پوست انار بروغن گل
و سرکه طلا کنند طلای که از جهت سعفه کهنه نافع باشد صفت
آن نمک سوخته زاج سوخته کوکرد خاک زیبق مازو زرد
چوبه زراوند مرداسنگ کوفته و بیخته بروغن گل و سرکه طلا
کنند طلای که سعفه تر را نافع باشد صفت آن نمک سوخته
اشنان سبز که تر کرده چند نوبت بمالند و اگر صابون رقی طلا

بزنند تا کف برآورد و بعد از آن مخ بنفشه و موم سفید
و روغن بنفشه بادام از هر یک قدری اضافه نمایند و طلا کنند
و یک ساعت بگذارند پس با آب گرم بشویند سعفه را استیصال نماید
طلای که شپش را دفع کند صفت آن مویزج شوره از هر یک
دو درم زرنیخ سرخ یکدرم و نیم زیبق مقتول یکدرم بسرکه و روغن
گل طلا کنند و اگر بدل روغن گل با کافیشه جرب کنند
و با آبی که در آن گل سرخ و برگ مورد جوشانیده باشد
بشویند بغایت نافع است طلای دیگر همین خاصیت دارد
صفت آن مویزج زرنیخ سرخ زراوند طویل مساوی بروغن زیت
بزنند و طلا کنند در حمام بعد از آنکه عرق کرده باشد طلای که
کلف را ببرد صفت آن پوست تخم مرغ اشنان با آب خربزه
پرورده آرد جو بیخ نی عدس آرد باقلا کف دریا ماش بریان
جبنی مساوی با آب ترب طلا کنند طلای که برص را ببرد
صفت آن سفیدان سفید زرنیخ سرخ مساوی با شیر تازه طلا
کنند طلای که اثرهای زردی از روی ببرد صفت آن مرزاوند

مدحرج شیطرج هندی از هر یک دو درم آرد باقلا آرد نخود
عدس سرخ از هر یک پنج درم بسفیده تخم مرغ سرشته سازند و شب طلا
کنند و صباح با آبی که تخم خرفه نیم کوفته را در آن جوشانیده
باشند بشویند طلای که حصف را نافع باشد صفت آن حنا
و نمک کوفته و بیخته بسرکه سرشته سازند و در حمام بمالند و یکساعت
بگذارند پس با آب سرد و سبوس بشویند طلای که جذام را
نافع باشد صفت آن نطرون اشق فرفیون کوکرد زرد برگ
انجیر مساوی بسرکه طلا کنند طلای که از جهت کلف نافع باشد
صفت آن ترمس تخم ترب جرجیر قسط مغز بادام تلخ بوره ارمنی
نقل بقل مساوی با آب برگ ترب طلا سازند طلای که بهق
و برص را زایل کند صفت آن فوه کندش شیطرج خردل تخم ترب
مازریون شحم حنظل جربق سیاه و سفید مویزج سقمونیا از هر یک
یکجزو شقایق دو جزو کوفته در سرکه خیسانیده یکشبانه روز
طلا کنند طلای که بهق را سود دارد صفت آن گل شقایق سقمونیا
شیطرج تخم ترب خردل صمغ آلو از هر یک یک مثقال کوفته و بیخته

در سر که حب نباینده یکشبانه روز بعد از آنکه در حمام کبیره مالیده
باشند طلا کنند و مروارید صلایه کرده با سرکه مالیدن
همین عمل کنند طلای که حب القرع و کرم دراز اطفال را اخراج
کند و بکشد صفت آن افسنتین سه درم شفتالو ده درم
زهره گاو یکعدد بر حوالی ناف طلا کنند طلای که چون بر سر اقرع
مالند موی رویاند صفت آن فلفل کوفته و بیخته به زهره خوک و عسل
سرشته طلا کنند طلای که شعیره و بورده را نافع است صفت آن
کندر مر از هر یک یکدرم لادن شب یمانی بوره ارمنی از هر یک
دانگی و نیم موم سفید نیم درم بروغن زیت طلا کنند طلای که حب
سر بثانی و بثور مالند ابتدای رمد را سود دارد و ماده
ردع کند صفت آن شیاف مامیثا صبر حضض گل سرخ فوفل
زعفران مساوی با آب گشنیز تازه یا آب کاسنی طلا کنند طلای
که شقاق را نافع است صفت آن صبر یکدرم شیاف مامیثا
اقاقیا [illegible] از هر یک دو درم زعفران نیم درم کوفته و
بیخته با آب مورد یا آب کاسنی طلا کنند طلای که ورم چشم را

بنشاند

100

بنشاند و درد را ساکن کند صفت آن عدس مقشر صندل
گل سرخ از هر یک دو درم کافور دانگی و نیم با آب کاسنی بر پیشانی
و جبین طلا کنند طلای دیگر که همین خاصیت دارد صفت
آن شیاف مامیثا حضض مکی زعفران امیون اقاقیا گل
ارمنی صندل سرخ مساوی بآب عنب الثعلب یا گلاب طلا کنند
طلای که صداع بارد را نافع باشد صفت آن مشک صبر فربیون
جند بیدستر صمغ عربی عود زعفران از هر یک دو دانگ افیون
دانگی و نیم با آب کرفس یا آب مرزنگوش سرشته کنند و بر کاغذ
پاره کشند و بر پیشانی و صدغین اندازند طلای که جوز را نافع
باشد صفت آن صبر زعفران اقاقیا حضض گل ارمنی صندل
سرخ شیاف مامیثا با آب کاسنی یا آب عنب الثعلب طلا
کنند طلای که سکته را نافع است صفت آن خردل جند بیدستر
ببرگ کهنه طلا کنند بعد از آنکه سر را تراشیده باشند طلای که
لقوه را سود دارد صفت آن صبر حضض مکی مر از هر یک یکدرم
زعفران دو دانگ بگلاب طلا کنند طلای که جحوظ عین را سود دارد

صفت آن صبر حضض اقاقیا عصاره لحیة التیس آب عنب الثعلب
طلا کنند طلای که آلت زدا و رام جاره را نافع باشد صفت آن صندل
سرخ شیاف مامیثا از هر یک سه درم گل ارمنی ده درم فوفل
اقاقیا حضض یکی از هر یک دو درم سفیداب ارزیز مرداسنگ
از هر یک یکدرم افیمون لیا پنجدرم کوفته و بیخته با آب کاسنی سرشته
و کلولها سازند بر مثال کمینین و در وقت حاجت یکی را
با آب کشنیز تازه بسایند و طلا کنند طلای که شکم را ببندد و
اسهال باز دارد صفت آن اقاقیا سعد مرکی کندر کعک جوز السرو
[illegible] گل سرخ آمله کاورس برنج عدس بلوط کلنار بزر البنج صندل
با آب مورد یا آب به بر شکم طلا کنند طلای که حبن بر حفیه
الطفال باشد نگذارد که بزرگ شود صفت آن قیمولیا سفیداب
ارزیز از هر یک دو درم شب یمانی مازو از هر یک یکدرم و نیم کوفته
و بیخته بعسل و روغن مورد چند نوبت طلا کنند طلای که
استسقای لحمی را نافع باشد صفت آن درمنه ترکی صدف
سوخته و بوره ارمنی سرگین گاو کهنه مساوی بسرکه طلا کنند

طلای که منع آبستنی کند و اگر آبستن باشد بچه بیندازد صفت آن
سداب خشک نطرون مساوی کوفته و بیخته با آب سداب
تر بسرشند و بر قضیب مالند و مباشرت نمایند طلای که بر
آبستنی معین باشد صفت آن حب بلسان جاوشیر مقل باد
آورد مساوی کوفته و بیخته بزهره گاو بر قضیب کنند و
بگذارند تا خشک شود و بعد از آن مجامعت کنند زن آبستن گردد
طلای که همین خاصیت دارد صفت آن برگ سعد خشک بکوبند
و با زهره گاو بر قضیب طلا کنند و مباشرت نمایند طلای که کراهت
عرق را زایل کند صفت آن سک گل سرخ سنبل سعد شب یمانی
هر از هر یک قدری کوفته و بیخته بگلاب تر ساخته بر بدن طلا کنند
طلائی که صنان را زایل کند صفت آن راسن زراوند طویل برگ
خیار کاغذ آبگینه مجموع کوفته و سوخته زعفران کوفته مساوی با آب
مورد بسرشند و کلولها سازند و خشک کنند بعد از آن بغل را
بخراشند تا خون آلوده شود و یک کلوله از آن بگلاب سوده و بران
مالند و یکشبانه روز بگذارند دیگر نتن نباشد طلای که حبس عرق

کند صفة آن برگ مورد گلنار مازو مساوی کوفته و بیخته با آب
غوره یا آب برگ مورد تر سازند و بر بدن طلا کنند طلای که
ضنان را نافع باشد صفة آن شب یمانی گل سرخ برگ مورد
مرد سنگ بعض با آب اشنان بشویند و دارو ها کوفته و بیخته بگلاب
تر ساخته ضماد کنند طلای که منع نزلات کند صفة آن اقاقیا
صبر سنباده ماميثا حضض گل ارمنی صمغ عربی کوفته و بیخته
بسفیده تخم مرغ بسرشند و بر پیشانی و شقیقه طلا کنند طبیخی که حیض
براند صفة آن اسارون یکدرم سداب پنجدرم رازیانه دو
درم لوبیای سرخ پنجدرم عسل ده درم بجوشانند و صاف کنند
و سه وزن متوالی باز خورند طبیخی که همین خاصیت دارد صفة آن
افسنتین درمنه ترکی سداب رازیانه تخم کرفس از هر یک دو درم
الجبر منجله گلقند ده مثقال چنانکه رسم است صاف کنند
و سه روز متوالی بخورند روز دیگر استراحت کنند باز سه
روز دیگر بنوشند همچنین عمل کنند تا دوازده تمام واقع شود طبیخی
که حیض را باز دارد و منع را قوت دهد صفت آن اناردانه

طبیخ جهت صداع بارد

ده درم مصطکی و نعناع خشک از هر یک یکدرم در یک رطل
آب بجوشانند تا بنیمه آید صاف کنند و عود و مشک از هر یک
یکدرم کوفته و بیخته اضافه کنند و بنوشند طبیخی که حیض براند
صفة آن لوبیای سرخ حلبه انیسون فوه از هر یک چهار درم
سداب سه درم در سه رطل آب بجوشانند تا به رطلی آید صاف
کنند و قدری شکر اضافه نمایند و هر صباح چهار درم بنوشند
طبیخ دیگر که همین منفعت دارد صفة آن لوبیا سرخ سه درم
فراسیون فوه از هر یک چهار درم فودنه ده درم در پنج رطل آب
بجوشانند تا به نیمه آید صاف کنند و قدری سکنجبین اضافه کنند
هر صباح سه درم بنوشند باب العین عطوسی که فالج
و سکته و لقوه و امراض بارده را نافع باشد و درد شقیقه
و دماغ را دفع کند و عسر البول را سود دارد و اخراج مشیمه کند
صفت آن کندش شونیز فرفیون فلفل جند بیدستر زراوند
مدحرج حب بلسان مشک عاقرقرحا بوره ارمنی مساوی کوفته
و بیخته در بینی دمند عطوسی که همین صفت دارد صفة آن تخم

103

جلجل فلفل اسطوخودوس جند بیدستر از هر یک سه درم کندش
هشت درم کوفته و بیخته قدری در بینی بچکانند عقد لسان
که از جمله سرعت انزال نیز بود صفت آن زیبق آب یک مثقال
با قدری سرکه در شیشه آبگینه یا آهن یک صلابه کنند تا کشته
شود و سه مثقال نمک هندی سوده داخل نمایند و بعد از آن آهن
را بیرون سکه سازند و این را در آن ظرف ریزند و بر سر
آتش نهند و شش مثقال مردی سوخته صلابه کرده اندک اندک
بجز آن امیخته هند و در شیشه آبگینه و یا آهن بهم میزنند تا بلغم شود
و بعد از آن آن را بوصلکه یا پارچه سفالی پاک کنند بپالایند
آنچه در مکیس بماند بستانند چندان با آب بشویند که پاک شود
و چرک از آن بیرون بس آن را گلوله سازند و میان آن را
سوراخ کنند بمیانی از آن بگذرانند و در آب بیمو اندازند
و یک شب بگذارند تا محکم شود مانند حجری و بعد از آن آن را در
روغن تازه بجوشانند و در محل حاجت در دهن نگاه دارند
هر چند خواهند که انزال شود از دهن بیرون آورند باب العین

غرغره از جمله ثقل لسان که سبب آن بلغم باشد صفت آن
نوشادر سه درم زنجبیل نمک هندی شونیز عاقرقرحا صعتر
ایارج فیقرا ابرسا از هر یک هفت درم بوره ارمنی مرج
از هر یک پنج درم نوشادر فلفل از هر یک ده درم کوفته
و بیخته بعسل سرشند و با سکنجبین غرغره کنند غرغره که قروح
حلق را نافع باشد صفت آن زاج سفید و سیاه کاغذ سوخته
مازو کندر حنا و زعفران از هر یک یک مثقال نمک سوخته
نوشادر از هر یک نیم مثقال کوفته و بیخته بسرکه غرغره کنند
غرغره که همین خاصیت دارد صفت آن مازوی سبز کاغذ سوخته
زنگار زاج سفید کوفته و بیخته بسرکه غرغره کنند غرغره که
همین خاصیت دارد صفت آن کندر یک درم مازوی سوخته یک درم
زنگار نیم درم کاغذ سوخته یک سوق زعفران دانگی کوفته و بیخته
در سرکه و عسل کرده نیم گرم غرغره کنند غرغره که فالج و لقوه
و صرع را نافع باشد و سر و دماغ را از اخلاط پاک کند
صفت آن ایارج فیقرا اوج خردل شونیز عاقرقرحا زنجبیل فودنج

صفت اصل السوس پوست بیخ کبر کوفته و بیخته بعسل غرغره کنند
غرغره که ثقل لسان و سکته و فالج را سود دارد صفت آن میویزج
خردل زنجبیل عاقرقرحا فلفل دارفلفل بوره ارمنی ایرسا مرزنجوش
مساوی کوفته و بیخته بسکنجبین غرغره کنند غرغره که خناق و ذبحه
صفراوی و دموی را نافع باشد و حرارت لهات را بنشاند
صفت آن گل سرخ طباشیر نشاسته تخم گل زعفران از هر یک
دو درم تخم کرفس سه درم بارزد سماق از هر یک یک درم قند چهار
ده درم کوفته و بیخته بسکنجبین غرغره کنند غرغره که دماغ
را از فضول پاک کند صفت آن میویزج دانگی و نیم عاقرقرحا خردل
از هر یک یک درم کوفته و بیخته بسکنجبین عسلی غرغره کنند غرغره
که قلاع و استرخاء لثه و ذبحه را نافع باشد صفت آن سماق
برگ مورد گل سرخ زیتون جوشانیده صاف کرده رب
توت ده درم اضافه نمایند و غرغره کنند غرغره که سقوط
لهات را که سبب آن رطوبت باشد نافع بود صفت آن
گلنار شش درم [illegible] دو مثقال نمک اندرانی دو مثقال

استرخاء از زبان تخم گل از هر یک یک درم و نیم کوفته و بیخته برب
توت غرغره کنند غرغره که نافع [illegible] از جهت [illegible] که بسبب
آن نزله باشد صفت آن گل سرخ گلنار خرنوب بجوشانند
و صاف کنند و پیش از خواب غرغره کنند غرغره که قلاع
سوداوی را نافع باشد صفت آن سماق گل سرخ کشنیز
گلنار برگ مورد خرنوب جوشانیده غرغره کنند غرغره
که روی را سفید و صاف و براق کند صفت آن آرد جو و نخود
آرد باقلا نشاسته کتیرا تخم ترب کوفته و بیخته بشیر بسازند
و شب بر روی مالند و صباح به آب گرم و سبوس بشویند غرغره
که همین خاصیت دارد صفت آن آرد جو آرد باقلا آرد نخود
از هر یک یک جزو عدس مقشر کتیرا نشاسته بمالند و صباح به آب
که در آن پوست خربزه و بنفشه جوشانیده باشند بشویند
غسولی که همین منفعت دارد صفت آن باقلای مقشر کرسنه
ترمس تخم ترب تخم خربزه نخود نشاسته کوفته و بیخته روی را
بدان بشویند با آب [illegible] فی‌الجمله معده را قوت دهد [illegible]

نافع باشد و باه را زیاده کند و رنگ را نیکو گرداند و دفع
سرعت انزال کند صفة آن پوست هلیله زرد و هلیله کابلی و هلیله
سیاه پوست بلیله آمله مغز شطرج هندی سنبل الطیب فلفل و دار فلفل
زنجبیل سعد از هر یک ده درم تخم شبت تخم گندنا از هر یک چهار
درم خبث الحدید صد درم عسل سه وزن ادویه خبث الحدید را
چهار شبانه روز در سرکه خیسانند و بعد از آن خشک کنند
و صلایه نمایند چنانکه بر روی آب بماند و بته آب فرو نرود و با باقی
ادویه کوفته و بیخته اضافه نمایند بعسل معجون سازند و بعد از
ششماه استعمال نمایند شربتی دو درم و بعضی دو درم مشک اضافه
می نمایند فیروز نوش نسیان و قولنج و مغص ریحی و اوراض زنان
حامله را که سبب آن برودت باشد سود دهد و بادهای
غلیظ را دفع کند صفة آن فرفیون عاقرقرحا سنبل زعفران
از هر یک هفت درم انیسون بزرالنج از هر یک پنج درم
کوفته و بیخته بعسل سرشند و بعد از ششماه استعمال کنند فیروز
نوش ممسک معده را قوت دهد و باه را زیاده کند و سرعت

105

انزال را دفع کند صفت آن پوست هلیله زرد پوست هلیله کابلی
شطرج هندی تخم کرفس حب بوا قسط تلخ سلیخه قرنفل سیاه
خولنجان نار مشک از هر یک شش درم پوست بلیله آمله مقشر
نانخواه دار فلفل از هر یک چهار درم تودری قرفه سنبل جوز بوا
زنجبیل فلفمونیه از هر یک هشت درم سعد ده درم مشک دو مثقال
عنبر یکمثقال خبث الحدید مدبر بوزن ادویه روغن گاو چهل مثقال
عسل مصفی دو وزن و نیم ادویه بطریق معهوده معجون سازند و بعد از
ششماه استعمال نمایند شربتی دو درم به نبیذ زبیب یا شیر گوسفند
فنداد یقون درد معده و ابخار اسود دارد و معده را گرم کند
و بادها بشکند صفة آن زعفران الجدان تخم سداب تخم کرفس کبابه
حاشا مغز جلغوزه از هر یک شش درم کندر دو درم لب اللوز
دو درم فلفل هشت درم عسل سه وزن ادویه شربتی یکمثقال تا دو
مثقال فندادیقون نسخه دیگر منافع هر دو قریب بیکدیگر است جهة
درد پشت و درد معده از سردی و مولد بادهای غلیظ صفة آن
زنجبیل فلفل سنبل از هر یک شش درم مصطکی انیسون نانخواه از هر یک چهار درم

تخم کرفس فودنه از هر یک دو درم ساذج هندی یکدرم کوفته
و بیخته بمعجون سازند فلونیای رومی این معجون مبارک است
نزلهٔ بارد را و دردها ساکن کند و نفث الدم و اسهال مزمن را و قولنج
و سرفه و سیلان طمث را نافع باشد صفت آن فلفل سفید
دار فلفل بذر البنج از هر یک بیست درم افیون ده مثقال زعفران
پنج مثقال تخم کرفس کوهی سنبل الطیب از هر یک چهار مثقال تخم کرفس
سه مثقال ساذج هندی سلیخه حب بلسان عاقرقرحا فرفیون
از هر یک یکمثقال در بعضی نسخه بعوض تخم کرفس نطرون دو قوامی کرده اند
مجموع کوفته و بیخته بعسل معجون کنند و بعد از شش ماه استعمال نمایند
شربتی دانگی تا نیم مثقال از جهت قولنج در طبیخ شبت و از جهت درد
گرده در طبیخ جعده و از جهت درد معده در طبیخ افسنتین و از جهت
سپرز با سکنجبین و از جهت گرده و مثانه در طبیخ رازیانه و از
جهت باد و نفث خون در طبیخ سماق فلونیای فارسی استفراغ
خون از هر موضع که هست باز دارد و رحم را قوت دهد و بادهای
رحم را دفع کند و محافظت جنین نماید و منع اسقاط ولد کند و اسهال

دقی باز دارد و دردها بنشاند و دماغ را قوت دهد و حافظه
زیاده کند صفت آن فلفل سفید بذر البنج از هر یک بیست درم
افیون مصری گل مختوم از هر یک دو درم زعفران پنج درم فرفیون
سنبل عاقرقرحا قرصاف از هر یک دو درم جند بیدستر یکدرم
زرنباد درونج مروارید ناسفته مشک از هر یک نیم درم کافور دانگ
و نیم کوفته و بیخته بعسل سرشند و بعد از شش ماه استعمال نمایند شربتی
یکدرم فودنجی که درد معده و جگر را که سبب آن برودت
باشد و حمیات بلغمی و تب ربع و سعالهای کهنه را سود دارد صفت
آن فودنه نهری فودنه کوهی فطراسالیون سیسالیوس از هر یک
دوازده درم تخم کرفس بابونه حاشا از هر یک چهار درم فلفل
سیاه چهل و چهار درم کاشم پانزده درم کوفته
و بیخته با سه وزن عسل مصطفی سرشند شربتی یکدرم با آب
گرم فلافلی درد معده و شهوت کلبی را نافع باشد و بادهای
غلیظ را دفع کند و طعام را هضم کند صفت آن فلفل دار فلفل
از هر یک سه درم حب بلسان ده درم حماما سنبل از هر یک دو درم

زنجبیل تخم کرفس سیسالیوس سلیخه اسارون راسن از هر یک یک
درم کوفته و بیخته باشد وزن عسل بسرشند شب بر بینی یکدرم با آب
گرم بیاشامند فلدفیون اکله و عفونت انف را نافع باشد و
گوشت مرده را ببرد صفت آن اقاقیا دوازده درم زرنیخ سرخ
ورد دار از هر یک یکدرم مر چهار درم آهک آب نرسیده هشتاد درم
شبت یمانی شش درم کوفته و بیخته بسرکه کهنه بسرشند و قرص
سازند و در سایه خشک کنند و در وقت حاجت استعمال نمایند
فتیله که رعاف را باز دارد صفت آن گلنار کندر آسیا ماما زو
از هر یک یکدرم افیون ربع دانگی و نیم کوفته و بجریر بیخته و بعصاره
برگ خرفه بسرشند و بخانه عنکبوت بگردانند و در بینی نهند بعد از آنکه
بینی را بگلاب و سرکه شسته باشند فتیله که همین خاصیت
دارد صفت آن مار موی سوخته در سرکه انداخته دو درم زاج
سیاه شبت یمانی شش درم کافور دانگی کوفته و بیخته فتیله سازند
از کتان و بدان بگردانند و در بینی نهند فتیله که همین منفعت
دارد صفت آن کاغذ سوخته پوست تخم مرغ سوخته اقاقیا توت

انار

انار از هر یک دو درم کوفته و بیخته با آب بادروج یا آب
لسان الحمل سرشته فتیله بدان تر سازند و در بینی نهند فتیله
دیگر که گند بینی ببرد صفت آن مر پوست انار ترش از هر یک دو درم
قصب الذریره بذر البنج از هر یک یکدرم و نیم زاج قرنفل از هر
یک یکدرم فتیله را بشراب تر کنند و داروها کوفته و بیخته
بدان آلوده کرده در بینی نهند فتیله دیگر که ریش بینی را نافع بود
صفت آن زاج سیاه شب یمانی مرماهو توبال مس سوخته از هر
یک یکدرم زراوند طویل شش درم کندر دوازده درم مجموع کوفته
در ده من آب بریزند و بپالایند باز بجوشانند تا بقوام عسل
آید و فتیله بدان آلوده میکنند و در بینی می نهند فتیله
که چشم را نافع باشد صفت آن سعد صبر سنبل گل سرخ قرنفل
کوفته و بیخته با آب فودنه بسرشند و در بینی نهند بعد از آنکه
بینی را بگلاب و سرکه چند نوبت شسته باشند و اگر شونیز
را بریان کنند و یکشبانه روز در سرکه خیسانند با قدری
روغن زیت در بینی بچکانند همین عمل کند فتیله که نافع است

از جهته وجع گوش و ریم که از گوش آید صفت آن انزروت
تخم مرو بعسل بسرشند و فتیله را بدان تر کنند و در گوش نهند
فرزجه که کرانی گوش را ببرد صفت آن انجیر سفید فربه بشکافند
و تخم و غلاف او جدا کنند و بوره ارمنی و قنه و ماماو خردل
کوفته بدان بسرشند و در گوش نهند و خردل و انجیر کوفته
در گوش نهادن همین عمل کند فرزجه که دیگر که اخراج مشیمه
و جنین میت کند صفت آن زراوند مدحرج ابهل ترمس حرف
از هر یک جزوی کوفته و بیخته بزهره گاو بسرشند و فرزجه سازند
فرزجه دیگر که همین عمل کند صفت آن جندبازی جزوی اسپند مقل ازرق
از هر یک جزوی کوفته و بیخته با نطرون بسرشند و فرزجه سازند
فرزجه دیگر که مانع آبستنی گردد صفت آن تخم حنظل فوتنج کبر
فیل خردل حب فلفل استخوان زعرور ساک کوفته و بیخته بمیعه
سائله بسرشند و به پشم پاره بر دارند هرگز آبستن نشود و اگر
باشد بچه بیندازد و گفته اند که هر زنی که حبه از حب خردل بر
دارد یکسال آبستن نشود و اگر دو حبه دو سال و قس علی هذا

108

فرزجه که بچه مرده و زنده بیندازد صفت آن اشنان
فارسی عاقرقرحا شونیز سداب فراسیون از هر یک قدری
کوفته بروغن زیت بسرشند و استعمال نمایند فرزجه که
بر آبستنی معین باشد صفت آن سرگین بز کوهی و مایه خر
گوش از هر یک قدری کوفته و بیخته بعسل گرم کرده بسرشند
و به پشم پاره فرزجه سازند فرزجه که همین خاصیت
دارد صفت آن مشک زعفران سوده بزهره گاو بسرشند
و به پشم پاره استعمال نمایند فرزجه که همین خاصیت دارد
صفت آن مایه خرگوش دارچینی عنبر زاج نبات مساوی کوفته
و بیخته بگلاب سرشته استعمال نمایند فرزجه که همین خاصیت
دارد صفت آن مامیران چینی سورنجان صبر زرد زیانه زبد
البحر از هر یک دانگی با شکر سرشته فرزجه سازند فرزجه
که بهیچ نفع دارد صفت آن میعه سائله جندبیدستر مرقط
بارزد جاوشیر مقل مشک کوفته فرزجه سازند بعد از طهر چند
نوبت و بعد از چهار ساعت مباشرت نمایند فرزجه

همین عمل کند صفت آن مایه خرگوش و سرگین او بعسل سرشند
و به پشم پاره بردارند شب بعد از آن مجامعت کنند
فرزجه که بچه مرده را فرود آورد صفت آن مرد جاوشیر جوبینی سفید
مساوی کوفته و بیخته بزهره گاو بسرشند و استعمال
نمایند فرزجه که حیض براند صفت آن اشنان عاقرقرحا جاوشیر
سداب از هر یک یکدرم فربیون نیم درم کوفته و بیخته
بنطرون سرشته فرزجه سازند فرزجه که منع حبل کند صفت
آن عاقرقرحا حب الآس مساوی کوفته و بیخته با آب گرم سرشته
فرزجه سازند و پیش از جماع استعمال نمایند فرزجه که وجع
رحم و وجع بواسیر را نافع باشد و ورم صلب رحم را نرم کند
صفت آن بابونه بنفشه بطراسیون موم مساوی به پشم پاره بر
دارند فرزجه که ادرار را نافع باشد صفت آن کندر انزروت
دم الاخوین حب الآس گل ارمنی اقاقیا کوفته و بیخته با آب
لسان الحمل سرشته بر پشم پاره استعمال نمایند فرزجه
که رحم را قوت دهد و فرج را تنگ و خشک گرداند صفت آن

بجای آب سنبل و مرزنگوش فشار کنند صعتر اذخر جیری گل سرخ
پوست بیخ کبر [illegible] مساوی کوفته و بیخته بروغن بان
بسرشند و به پشم پاره بردارند فرزجه که همین عمل کند صفت
آن تفاح اذخر سعد عود سنبل از هر یک یکدرم عنبر نیم درم مشک
دانگی آمله نیم دانگ کوفته و بیخته بگلاب بسرشند و به پشم
استعمال نمایند فرزجه که ابنه انثا را نافع باشد
صفت آن سداب نعناع پوست انار عدس مقشر در گلاب
قدری بسرکه بپزند و به پشم پاره کبوده گیرند فرزجه که همین منفعت
دارد صفت آن زعفران کافور از هر یک دانگی [illegible] دو
دانگ حب الغار نیم درم کوفته و بیخته بسفیده تخم مرغ و روغن
گل بسرشند و فرزجه سازند فرزجه که حیض بر بندد صفت آن
گلنار کندر مازو [illegible] اقاقیا شب یمانی مساوی کوفته و
بیخته با آب لسان الحمل بسرشند و فرزجه سازند و بر پشت
و عانه طلا کنند فرزجه که [illegible] صفت آن [illegible]
سوخته اقاقیا عصاره لحیة التیس گل سرخ مازو [illegible] کوفته و بیخته

بپز کرده باشند و استعمال نمایند فرزجه که حیض براند صفت آن
جوزبوا از هر یک چهار درم ابهل هشت درم سداب دو درم
مویز منقی بیست درم کوفته بزهره گاو سرشته باشند و فرزجه
سازند فرزجه که ورم صلب رحم را نافع باشد صفت
آن کندر مقل بارزد از هر یک دو درم زعفران جاوشیر اشق
از هر یک یکدرم مصطکی حب بلسان میعه سائله روغن سوسن
بهر یط بابونه از هر یک سه درم صمغ ها را اسفیدج حل سازند
و بیه را در روغن بگدازند و باقی ادویه را کوفته و بیخته با آن سرشته
و استعمال نمایند باب القاف قرص عنصل پیاز عنصل
کوچک بستانند و در خمیر گیرند و در تنور نهند تا پخته شود بعد از آن
مغز آن را که نرم شده باشد بگیرند و در هاون بکوبند
و بوزن آن آرد کرسنه اضافه نمایند و باقدری شراب سرشته
و دست را بروغن چرب کنند و قرص سازند و بعد از دو ماه
استعمال کنند قرص افعی بدانکه انواع افعی بسیارست و آنکه
در تریاق فاروق مستعملست ماده اشقر باید زیرا که سستی زهر

110

ناک باشد و زهر آن بد بود و سفید ضعیف باشد و اشقر
معتدل بود و جوان و تن درست باید و نشان آن آنست که
حرکتهای او قوی باشد و سریع حرکت بود و سر برافراشته
دارد و چشمهای او سرخ بود و دلیر باشد و ماده زیرا که
زهر ماده ضعیف تر باشد از زهر نر و نشان مادگی آن آنست
که در دهان او چهار دندان زهر باشد که آن را انیش گویند
از زهر جانبی او را یکی باشد و فرج او بدنبال نزدیک باشد
و دنبال او دراز باشد و این را مار کیران کلته دم خوانند
دیگر باید که پوست شکم او صلب باشد زیرا که صلابت
علامت آن بود که در تن او رطوبت فضلیه کمتر است و سر
پهن باشد از جهة آنکه سر پهن علامت قوت دماغ است
و در میان فصل بهار باید گرفت که آفتاب در ثور باشد
و اگر بهار باشد طبع زمستان داشته باشد در آخر بهار باید در
اول تابستان باید گرفت تا قوی باشد و ماوای او در میان
درخت نباشد خاصه درخت بلوط و تا آب نزدیک نباشد و در

زمین شوره نیابند بلکه در صحرای پاکیزه بوده باید بود و بهتر آن
باشد که در محلّی که او را بگیرند بکشند تا اضطراب بسیار نکند
و خشم آلوده نگردد و تشنه و بیمار نشود و کشتن آنچنان بود که بمقدار
چهار انگشت از سر و دنبال او بیک ضرب بیندازند به تیشه
تیز چنانکه هیچ پوست بروی نماند و بیکبار جدا شود زیراکه
زهر در دهان و جانب سر او باشد و فضلهای بد در جانب
دنبال و چون کشته باشند نظر کنند اگر از وی خون بسیار آید تا
دیرگاه حرکت کند نیک باشد و اگر زود از حرکت فرو ماند
ضعیف بود و بدین کار نشاید و آنکه شایسته این کار باشد شکم او
بشکافند و پاک کنند و پوست او باز کنند و آن را با آب
صافی چند نوبت بشویند پس در آب صاف و اندکی نمک با چند
شاخچه چوب شبت بجوشانند تا مهرا شود و گوشت از
استخوان جدا کرده بگذارند تا سرد شود و آب از وی بپالایند و آن
گوشتها را با چهار یک وزن آن نان سفید پاکیزه بریان کرده
بکوبند و با آن آب که از آن پالوده باشد بسرشند و دست

و بینی را به روغن بلسان چرب کرده اقراص سازند هر یکی
یک مثقال و در سایه خشک کنند چنانکه مطلقا اثر نم در آن
نباشد و در ظرفی آبگینه نگاه دارند و باید که در معجون بیخبن افعی
در کوفتن و قرص ساختن بینی بگیرند تا بوی آن به دماغ نرسد
قرص اندروخون مستعمل در تریاق فاروق و این نسخه اختیار
حسین بن اسحق است صفت آن دارشیشعان قصب الذریره اسارون
عود بلسان فوه سلیخه مصطکی از هر یک شش درم فقاح اذخر [illegible]
از هر یک دوازده مثقال دارچینی حماما از هر یک [illegible] و چهار مثقال
ادفخوان هشت مثقال کوفته و بیخته بشراب کابلی بسرشند
و دست را به روغن بلسان چرب کرده اقراص سازند و در سایه
خشک کنند قرص فرفیون مستعمل در مثرودیطوس صفت
آن مویز منقی چهار درم علک البطم سنبل رومی سلیخه اکلیل
الملک سعد حب الغار از هر یک سه درم قصب الذریره نه
درم زعفران یکدرم قفر الیهود دو درم و نیم کوفته و بیخته
بشراب بسرشند و اقراص سازند قرص اندرمتما که در مخلص کبیر

مستعمل آ صفت آن صاماداریشغان قسط قصب الذریره
قرنفل فلفل ابیض مان خواه از هر یک سه مثقال فوه یک مثقال
سنبل الطیب ساذج هندی از هر یک هفت مثقال دارچینی
مصطکی زعفران از هر یک شش مثقال کوفته و بیخته بشراب
صاف بکنند بسرشند و اقراص سازند قرصی یک مثقال و در سایه
خشک کنند قرص کوکب معده ضعیف را قوت دهد
[illegible] که نفضول با آن سرشته شود و جهت بر بوش طلا کنند صداع
را نافع باشد و رفع نزلات کند و جهت بازرو باو بیا میزند و بر دوال
کرم مجوز دهند و رساکن کند و جهت آب بر انگوش در گوش چکانند
درد بنشاند و نفث الدم و سیلان حیض از هر موضع باز دارد
و سرفه کهنه را سود دارد و بهار دابیره را نافع باشد جهت
آب بر انگوش دهند و جهت آب سداب بیاشامند جمیع زهرها
و گزیدن جانوران را نافع باشد و اگر بشراب بنوشند اسهال
دموی و قروح امعا و مثانه را نافع باشد صفت آن جند
بیدستر سنبل سلیخه گل مختوم بوست بیخ لفاح از هر یکی چهار درم

ایمون زعفران قسط کواکب الارض و آن را الطلق نیز گویند
از هر یک چند درم ابیمون دو قوت یمانی سبا لیمون
بزر البنج مبیعه سایله بتلخم کرفس از هر یک هشت درم صمغ عربی
در شراب ریحانی حل کنند و داروهای دیگر را کوفته و بیخته
با آن بسرشند و اقراص سازند قرصی یکدرم و در سایه خشک کنند
قرص طباشیر ملیّن سرفه و خشونت سینه و بنهای محرور را
نافع باشد و طبع را نرم کند و تشنگی بنشاند صفت آن طباشیر
سفید چهار درم ترنجبین سه درم مغز تخم خیارین مغز تخم کدو
نشسته صمغ عربی خشخاش کثیرا از هر یک یکدرم بلعاب بذر قطونا
بسرشته اقراص سازند قرص طباشیر ممسک بهار صفراوی را
نافع باشد و شکم را ببندد و خون باز دارد و تشنگی بنشاند
صفت آن گل سرخ تازه پانزده درم صمغ عربی نشسته تخم حماض
گل ارمنی از هر یک ده درم طباشیر سفید سماق زرشک منقی از
هر یک هفت درم کوفته بگلاب سرشته اقراص سازند قرص
طباشیر لولوی مروارید ناسفته طباشیر از هر یک سه درم [illegible]

تخم حماض بری طراثیث صمغ عربی از هر یک دو درم خشخاش
بریان کرده پنجدرم کوفته و بیخته بگلاب اقراص سازند قرص
طباشیر کافوری که از جهة دق محرق و سرفه گرم نافع باشد
صفة آن طباشیر گل سرخ صندل سفید مغز تخم خیارین و تخم کاسنی
تخم کاهو تخم خرفه از هر یک یکمثقال کافور دانگی کوفته و بیخته بلعاب
بذر قطونا سرشته اقراص سازند قرص کهربا خون رفتن از شکم
باز دارد صفة آن کهربا بسد مروارید ناسفته تخم خرفه از هر یک
پنجدرم شاخ بز کوهی سوخته توبال سوخته صمغ عربی از
هر یک سه درم کشنیز خشک بریان کرده خشخاش سفید و سیاه
از هر یک شش درم دوغ سوخته بذر البنج از هر یک دو درم کوفته
بلعاب بذر قطونا قرص سازند قرص گلنار خون رفتن باز دارد
صفة آن سلیخه گل ارمنی صمغ عربی از هر یک چهار درم سرخ
گلنار اقاقیا از هر یک سه درم کثیرا دو درم کوفته و بیخته
بآب گلنار اقراص سازند قرص زرشک کبیر ورم معده
و جگر و تبهای بلغمی و استسقا را نافع باشد صفة آن عصاره زرشک

مغز تخم خیارین از هر یک سه درم گل سرخ زرنجبین از هر یک
شش درم تخم کشوث رب السوس طباشیر تخم کاسنی عصاره غافث
تخم لک ریوند چینی از هر یک یکدرم زعفران یکدرم کوفته و
بیخته بآب زرنجبین سرشته اقراص سازند قرص زرشک صغیر
زرشک منقی بآب بزده درم تخم خرفه تخم خیارین از هر یک سه
درم گل سرخ پنجدرم ریوند چینی سنبل از هر یک یکدرم بلعاب
بذر قطونا اقراص سازند قرص زرشک حار زرشک منقی
پنجدرم لک مغسول ریوند چینی عصاره غافث سنبل انیسون
مصطکی از هر یک یکدرم کوفته و بیخته اقراص سازند قرص
زرشک بارد زرشک منقی پنجدرم رب السوس یکدرم و نیم
مغز تخم خیارین تخم خرفه تخم کاسنی از هر یک ده درم بگلاب
اقراص سازند شربت دو مثقال بسکنجبین و آب کاسنی و آب
عنب الثعلب قرص ریوند ورم جگر و سپرز و تبهای کهنه را
نافع باشد صفة آن ریوند چینی شش درم قوه لک مغسول
منقی از هر یک سه درم تخم کرفس انیسون عصاره غافث

از هر یک یکدرم کوفته و بیخته بآب خالص اقراص سازند قرص
خشخاش از پس سینه و شش را نافع باشد صفت آن گل سرخ
صمغ عربی از هر یک چهار درم نشاسته کثیرا رب السوس از هر یک
دو درم خشخاش سفید و سیاه از هر یک عشر درم زعفران نیم درم
طباشیر یکدرم بآب خالص اقراص سازند شربتی یک مثقال تا ده
مثقال شراب خشخاش قرص گل درد معده و تبهای بلغمی را
نافع است صفت آن ورق گل شش درم رب السوس چهار درم سنبل
الطیب یکدرم طباشیر دو درم عصاره غافث چهار درم کوفته
و بیخته بمطبوخ [illegible] سرشته قرص سازند قرص گل ایضا نسخه دیگر
از اول افزون صفت آن گل سرخ ده درم اصل السوس عصاره غافث
افسنتین از هر یک چهار درم مصطکی سنبل [illegible] عود خام
اذخر از هر یک یکدرم کوفته و بیخته بگلاب اقراص سازند
قرص غافث یرقان و درد جگر و سپرز و تب ربع و تبهای
کهنه را نافع باشد و سده بگشاید صفت آن عصاره غافث
بیست درم سنبل ده درم طباشیر سفید چهار درم کوفته و بیخته

بآب صافی سرشته

بآب صافی بسرشند و اقراص سازند قرص کاکنج قروح کلیه و مثانه
و بول الدم را نافع باشد صفت آن مغز تخم خیارین کاکنج
مغز بادام مقشر رب السوس نشاسته صمغ عربی دم
الاخوین کثیرا کندر از هر یک ده درم تخم کرفس ده درم
افیون یکدرم بآب صافی اقراص سازند شربتی یکدرم تا
یکمثقال قرص مقل ورم صلب معده را نافع بود صفت آن
گل سرخ ده درم سنبل الطیب دو درم زعفران مر از هر یک
یکدرم قسط مغز بادام تلخ از هر یک یکدرم و نیم مصطکی
دو درم و نیم مقل را در شراب حل کنند و داروهای دیگر
کوفته و بیخته بآن بسرشند و اقراص سازند قرص کافور
یرقان و تب گرم را سود دارد صفت آن زرشک منقی طباشیر
گل سرخ از هر یک هشت درم تخم کاهو تخم خرفه تخم کاسنی
کثیرا از هر یک سه درم مغز تخم خربزه مغز تخم کدو از هر یک
یکدرم صندل سفید رب السوس از هر یک دو درم کافور یک
درم بلعاب بذرقطونا سرشته اقراص سازند شربتی دو درم

باب گنجبین قرص کافور نسخه دیگر تب دق و غب و محرق
را نافع باشد و تشنگی بنشاند صفت آن طباشیر تخم خرفه
تخم کاهو از هر یک پنج درم تخم کاسنی رب السوس صندل سفید
از هر یک سه درم مغز تخم خربزه مغز تخم کدو از هر یک شش
درم ترنجبین ده درم کافور نیم مثقال بلعاب بذر قطونا
اقراص سازند قرص شبرم استسقاء زقی را نافع باشد
صفت آن شبرم هلیله مساوی کوفته و بیخته قرص سازند شربتی
دانگی با سکنجبین و بتدریج می افزایند قرص لک استسقاء لحمی
سود دارد و سده بگشاید صفت آن لک مغسول ریوند
چینی از هر یک سه درم اسارون زراوند طویل مصطکی
تخم کرفس انیسون نانخواه اذخر ابهل قسط مغز بادام تلخ جوزه
افسنتین عصاره غافث از هر یک دو درم فلفل زنجبیل
از هر یک یکدرم شربتی یک مثقال قرص افسنتین درد معده
را که پس از طعام باشد سود دارد صفت آن افسنتین تخم
کرفس انیسون از هر یک پنج درم سلیخه بیست درم فلفل چند

بلیدستر انیسون از هر یک دو درم کوفته و بیخته بآب نعنا
قرص سازند قرص افسنتین نسخه دیگر حمیات بلغمی و عسر البول
و ورم و درد جگر را نافع باشد و سده طحال و کبد بگشاید
صفت آن افسنتین تخم کرفس اسارون مغز بادام مساوی
کوفته و بیخته بآب خالص سرشته قرص سازند شربتی یک
مثقال قرص کبر اوجاع طحال را نافع باشد و سده بگشاید
صفت آن بیخ کبر اشق از هر یک چهار درم زراوند طویل چهار
درم فنجنگشت فلفل از هر یک شش درم اشق را در سرکه کهنه
حل سازند و باقی ادویه کوفته و بیخته با آن سرشته و اقراص
سازند قرص انیسون افسنتین مغز بادام تلخ سنبل صبر از هر یک
چهار درم عصاره غافث ساذج هندی اسارون از هر یک
سه درم مصطکی تخم کرفس از هر یک یکدرم کوفته و بیخته
بگلاب قرص سازند شربتی یکدرم با طبیخ افسنتین قرص
ابهل سپرز صلب را نرم سازد صفت آن ابهل چهار درم
فلفل سفید اشق از هر یک دو درم اشق را در سرکه حل کرده

و باقی ادویه را کوفته و بیخته بآب انار بسرشند و اقراص سازند
شربتی دو درم با سکنجبین قرص فنجنکشت سدهٔ سپرز
و جگر را بگشاید صفت آن تخم فنجنکشت تخم کاسنی تخم خرفه مغز
تخم کدو مساوی کوفته و بیخته بسکنجبین بسرشند و قرص
سازند قرص فوه طحال را نافع باشد صفت آن فوه
دوازده درم پوست بیخ کبر اسارون زراوند طویل از هر یک
دو درم کوفته و بیخته بسکنجبین بسرشند و اقراص سازند
و در طبیخ افیون استعمال نمایند قرص عود قی و هیضه را
باز دارد صفت آن عود خام چهار درم کبابه مصطکی قرنفل سنبل
از هر یک دو درم قند سفید دوازده درم کوفته و بیخته اقراص
سازند شربتی دو درم قرص عود بنوع دیگر معده را قوت دهد
و طعام را هضم کند و اشتها آورد صفت آن قرنفل مصطکی از
هر یک سه درم قاقله سنبل اسارون از هر یک دو درم عود خام
قرفه پوست ترنج از هر یک نیم درم زعفران جوزبوا زنجبیل
دارفلفل از هر یک یکدرم قند سفید بوزن همه ادویه کوفته و بیخته

اقراص سازند قرص کندر قی و هیضه را باز دارد صفت آن کندر
سه درم قرفه نیم درم کبابه چینی قاقله سک از هر یک دو
درم مشک کافور از هر یک دانگی قرنفل یکدرم کوفته و بیخته
قرص سازند شربتی یک مثقال با ده درم شراب انار منعنع
قرص راسن قی و هیضه باز دارد و خواب آورد صفت آن
قرنفل ده درم سک قرفه راسن از هر یک دو درم مصطکی
افیون پوست بیخ تفاح از هر یک یکدرم کوفته و بیخته اقراص
سازند قرص حب الآس اسهال و قی باز دارد صفت آن
سماق حب الآس کزمازج گل ارمنی نشاسته بریان کرده بلوط
از هر یک ده درم مقل یکدرم پوست انار و مازو از هر یک نیم درم
کوفته و بیخته اقراص سازند شربتی دو درم با آب به یا آب
سیب قرصی که قی بلغمی و سوداوی را قطع کند و معده را قوت
دهد صفت آن پوست بیرون پسته گل سرخ از هر یک چهار درم عود
خام مصطکی از هر یک سه درم سک نیم درم کوفته و بیخته با آب به
قرص سازند شربتی یک مثقال قرص لسد قی الدم را نافع باشد صفت

آن ابسد مغسول ده درم کندر اقاقیا گلنار صمغ عربی از هر یک
چهار درم کثیرا گل مختوم از هر یک سه درم دارچینی یکدرم
کوفته و بیخته اقراص سازند شربتی یکمثقال با شراب الجبار
قرص سرمه قریب المنفعت بعوض ابسد صفه آن سرمه
اصفهانی شادنج مغسول دم الاخوین از هر یک سه درم گلنار
مازو از هر یک دو درم شاخ بز کوهی سوخته اقاقیا از هر
یک یکدرم لادن زعفران از هر یک نیم درم پرسیاوشان یکدرم
و نیم کوفته و بیخته با آب لسان الحمل قرص سازند شربتی دو
درم قرص الطین قرحه مثانه و بول الدم را نافع است صفه
آن گل مختوم طباشیر کثیرا صمغ عربی فارسی تخم خرفه مغز تخم
خربزه مغز تخم خیار بادرنگ کوفته و بیخته بلعاب بذر
قطونا سرشته اقراص سازند قرص سنبل ورم صلب جگر
و معده را نافع باشد صفه آن سنبل فقاح اذخر سلیخه
ریوند چینی از هر یک یکدرم مقل مصطکی از هر یک دو درم
اشق یکدرم مصطب اندزیره سه درم زعفران ایمونی

مر صبر تلخ فلفل از هر یک یکدرم اشق و مقل را در ثلث حل کنند
و داروها دیگر را کوفته و بیخته با آن بسرشند و قرص سازند
شربتی ده درم جهت ورم معده با ثلث و از جهت ورم جگر با
سکنجبین دهند قرص کرمازج ترکیب جالینوس است سپرز
صلب را بگدازد صفه آن کرمازج چهار مثقال فلفل سفید
سنبل اسارون اشق از هر یک دو مثقال اشق را در سرکه
عنصل حل کنند و داروهای دیگر کوفته و بیخته با آن بسرشند
و اقراص سازند شربتی یک مثقال با سکنجبین قرص کهربا نسخه دیگر
بول الدم نافع باشد صفه آن کهربا صمغ عربی نشاسته کثیرا
مغز تخم کدو از هر یک سه درم گلنار اقاقیا از هر یک یکدرم و
نیم کوفته بلعاب بزرقطونا سرشته قرص سازند شربتی دو
درم با شیره تخم خرفه قرص شب همان خاصیت دارد صفه آن
شب یمانی شاخ گوزن محرق کثیرا گل ارمنی گلنار تخم خرفه
مساوی کوفته و بیخته با آب خرفه اقراص سازند قرص شب
نوع دیگر شب یمانی دم الاخوین گلنار از هر یک سه درم کثیرا آشی درم

صمغ عربی دو درم کوفته با آب خرفه سرشته قرص سازند با
شراب حب الآس دهند قرص بزور جرب مثانه را نافع
باشد صفت آن مغز تخم خربزه ده درم مغز تخم خیارین پنجدرم
مغز تخم کدو و تخم خطمی صمغ بادام شیرین کثیرا انیسون شسته رب
السوس خشخاش سفید گل ارمنی تخم کرفس از هر یک دو درم بذر
البنج یکدرم کوفته قرص سازند و با شراب بنفشه بدهند قرص
بنفشه نسخه دیگر حرارت با تب و سرفه قبض طبیعت باشد نافع بود
صفت آن بنفشه ده درم زرنباد سفید پنجدرم رب السوس سه درم
گل سرخ پنجدرم و نیم [illegible] سه درم مصطکی یکدرم و نیم کثیرا
پنجدرم کوفته و بیخته اقراص سازند شربتی دو درم بجلاب
دهند قرص غاریقون سپرز غلیظ را بگدازد صفت آن غاریقون
گل سرخ از هر یک پنجدرم طباشیر زرد [illegible] از هر یک دو درم
عصاره غافث سنبل الک [illegible] ریوند چینی اوست بیخ کبر در
آب خیسانیده و خشک کرده از هر یک یکدرم و دانگ کوفته و
بیخته قرص سازند دو درم شربتی و نیم با سکنجبین قرص که صفت

معده و ضیق النفس و سلس البول را نافع باشد صفت آن گل
سرخ سنبل از هر یک سه درم صمغ عربی مازو سک از هر یک
دو درم مصطکی گلنار طباشیر از هر یک یکمثقال کوفته و بیخته
قرص سازند شربتی سه درم با گلقند قرص [illegible] دشواری
وضع حمل زنان آسان گرداند و بچه مرده و زنده را از رحم
بیرون آورد صفت آن مرجان و شب از هر یک یکدرم حلتیت
پنجدرم مجموع یکشربت با آب سداب یا بطبیخ حلبه دهند
و تخم [illegible] همین عمل کند قرصی که قی الدم را نافع باشد صفت
آن اقاقیا تخم گل افیون بزر البنج گل ارمنی صمغ عربی مساوی
کوفته و بیخته با آب خرفه قرص سازند شربتی نیم مثقال با آب به
یا آب سیب نافع باشد قرص جالس معده را قوت دهد
و اسهال را باز دارد صفت آن گل سرخ طباشیر انار دانه کشنیز
خشک بریان کرده از هر یک دو مثقال [illegible] بریان [illegible] مصطکی
از هر یک نیم مثقال سماق سه مثقال زیره کرمانی [illegible] از هر یک مثقال
کوفته و بیخته بگلاب اقراص سازند شربتی یکمثقال قرص لک

نسخه دیگر لک مغسول فوه تخم کرفس عنب الثعلب از هر یک یکدرم
راوند بانه و فوه از هر یک یکمثقال تخم کاسنی تخم کشوث از هر یک دو
درم کوفته و بیخته اقراص سازند قرص مبارک است دق
و تبهای حاره و یرقان را نافع باشد و تشنگی نشاند صفت آن
گل و ترنجبین از هر یک چند درم طباشیر مغز تخم خیارین از
هر یک دو درم و نیم مغز تخم کدو رب السوس از هر یک یک مثقال
کافور دانگی و نیم کوفته و بیخته اقراص سازند قرص انجبار
استعمال موی و افراط طمث و نفث الدم را نافع باشد صفت
آن بیخ انجبار چهار درم گل سرخ صمغ عربی کهربا تخم خرفه
از هر یک سه درم گلنار نشاسته گل ارمنی اسرب طباشیر رب
السوس از هر یک دو درم اقاقیا یکدرم و نیم کوفته باحل سرد
قرص سازند قرصی که استسقا را نافع است صفت آن گل
سرخ سه درم عود سنبل مصطکی سلیخه فقاح اذخر دارچینی
از هر یک یکدرم اقراص سازند قرصی که همین حاجت دارد
صفت آن مغز بادام تلخ افسنتین اسارون غاریقون مساوی

کوفته

کوفته قرص سازند قرص ایلاوس تخم کرفس انیسون دارچینی
از هر یک شش درم افسنتین مصطکی از هر یک چهار درم فلفل
مر انیسون جندبیدستر از هر یک دو درم بآب خالص قرص
سازند شربتی یک مثقال قرص دیگر که فواق امتلائی را
نافع باشد صفت آن قسط تلخ صبر سقوطری اذخر تمام فودنج کوهی
نعناع خشک سداب تخم کرفس کندر اسارون از هر یک
یکدرم افیون دانگی و نیم گل سرخ نیم درم کوفته و بیخته
بمثلث سرشته قرص سازند قرص زحیر خون اشکم و قی خون و
نفث الدم را نافع باشد صفت آن گل مختوم گل ارمنی طباشیر
طراثیث بلوط کنار حب الاس از هر یک دو درم تخم حماض
بری صمغ عربی گلنار از هر یک چهار درم نشاسته گل سرخ از هر
یک سه درم تخم کرفس سماق مصطکی از هر یک یکدرم ماز و زیره
کرمانی در سرکه خیسانیده و بریان کرده از هر یک نیم مثقال
کوفته و بیخته بلعاب بزرقطونا اقراص سازند قرص
سرطان سل و دق و نفث الدم را نافع باشد صفت آن گل مختوم

گل ارمنی نشاسته گل مختوم از هر یک شش درم سرطان سوخته ده
درم کثیرا طباشیر ساذج مغسول از هر یک پنج درم رب السوس شش
درم کوفته و بیخته با آب لسان الحمل قرص سازند قرص سل تخم
خیارین ده درم تخم خرفه اصل السوس از هر یک چهار درم طباشیر
سرطان محرق از هر یک دو درم نشاسته کثیرا از هر یک یکدرم کوفته
بلعاب بزرقطونا سرشته قرص سازند شربتی یک مثقال قرص
دیگر که اسهال و سعال و نفث الدم را نافع باشد صفت آن
تخم حماض بریان کرده زرشک منقی نشاسته طباشیر حب الآس
شاه بلوط از هر یک پنج درم زعفران یکدرم گل مختوم صمغ عربی از
هر یک ده درم کهربا بسد از هر یک سه درم کوفته و بیخته با آب
خالص حب سازند شربتی دو درم قرص دیگر که نفث قدیم را نافع
باشد صفت آن رب السوس صمغ عربی نشاسته مغز تخم کدو
از هر یک دو مثقال انزروت مربی ریوند چینی از هر یک یکمثقال
مغز بادام شش مثقال لعاب بذر قطونا بالعاب مرد سرشته
قرص سازند شربتی دو مثقال قرص مشک معده و دل و جگر بارد را

نافع

120

نافع باشد صفت آن مصطکی قرنفل عود دارچینی سنبل شکر جوز
بوا کبابه هیل پوست ترنج قاقله از هر یک یک مثقال و دانگی کوفته
و بیخته بشراب ریحانی سرشته اقراص سازند شربتی یکمثقال
قرص دیابیطس نسخه ثابت بن قره صفت آن حب الآس
حماض مقشر از هر یک یکدرم صمغ عربی نشاسته از هر یک یکدرم
کوفته و بیخته بالعاب بزرقطونا اقراص سازند شربتی دو درم
قرص دیابیطس نسخه دیگر طباشیر رب السوس از هر یک ده درم
تخم کاهو هفت درم تخم خرفه پانزده درم گل سرخ کثیرا از هر یک
پنج درم اقاقیا صندل سفید گل ارمنی گلنار دو درم کافور یکدرم
کوفته و بیخته بگلاب قرص سازند شربتی سه درم با آب انار ترش
قرص نفث الدم کندر دم الاخوین گلنار از هر یک سه درم
و دو دانگ کهربا پنج درم شادنج گل مختوم از هر یک ده درم شب
یمانی ده درم و نیم افیون دارچینی از هر یک دو درم مجموع را ده
قرص سازند شربتی یکعدد با آب خرفه قرص مروارید دل و
دماغ را سوداوی و خفقان را نافع باشد صفت آن گل سرخ

ده درم طباشیر مروارید ناسفته صندل سفید از هر یک
یکدرم مغز تخم خیارین تخم کدو از هر یک پنجدرم تخم خرفه سه
درم زعفران نیمدرم بالعاب بذر قطونا اقراص سازند شربتی
یکمثقال با سکنجبین قرصی که تب صداع و سرسام را نافع
باشد و تشنگی بنشاند و خواب آورد و هذیان دفع کند صفت
آن مغز تخم خیارین تخم کدو مغز تخم کاهو از هر یک ده درم
رب السوس نشاسته کثیرا افیون از هر یک سه درم کوفته و
بیخته با آب کاهو یا لعاب بذر قطونا بسرشت قرص سازند
شربتی یکعدد یا دو عدد و نیم قرص که ذات الجنب را نافع باشد
رب السوس ده درم بنفشه ده درم نشاسته کثیرا تخم خطمی
رازیانه از هر یک سه درم کوفته و بیخته بلعاب بزر کتان
و بذر قطونا و بهدانه سرشته قرص سازند شربتی سه درم
بشراب بنفشه قرص فواق فواق امتلائی را نافع باشد
صفت آن کندر پنجدرم راسن فوذنج آب نمام از هر یک
سه درم صعتر نانخواه سعد از هر یک یکدرم و نیم کوفته

قرص سازند شربتی یک مثقال بطبیخ زیره قرص مازریون
استسقاء زقی را نافع باشد صفت آن تخم کاسنی ده درم
مازریون غاریقون عصاره غافث از هر یک یکدرم و چهار
دانگ گل سرخ مغز تخم خیار از هر یک دو درم و نیم کوفته
و بیخته مجموع را ده قرص سازند و هر روز یکقرص بدهند
قرصی که استسقاء حار دفع کند و جگر را که با اسهال باشد نافع
صفت آن طباشیر گلنار زرشک تخم کرفس تخم حماض تخم
کاسنی زرشک تخم خرفه از هر یک یکدرم سعد قیصوم اذخر
افیون ریوند لک پوست بیخ کبر افیون از هر یک یکدرم کافور
دانگی کوفته قرص سازند شربتی سه درم قرص افتیمون
قولنج را مستاصل کند صفت آن تربد افتیمون از هر یک ده
درم سکبینج پنجدرم کوفته و بیخته قرص سازند و هر روز
یکقرص بآب اصول بدهند قرصی که نافع است زحیر را که با آن
زباخ و قراقر باشد و حرارت بنشاند صفت آن بذر البنج
شبت رازیانه از هر یک پنجدرم نانخواه ده درم افیون سه درم

تخم کرفس ده درم کوفته و بیخته اقراص سازند شربتی یک مثقال
قرص خرنوب اسهال دموی و غیر دموی را نافع باشد
صفت آن ثمار خرنوب کزمازج گلنار از هر یک پنج درم افیون
صمغ عربی از هر یک نیم جزو کوفته و بیخته اقراص سازند شربتی
دو درم به رب به قرص طباشیر افیونی اسهال با فراط و
حرارت را نافع باشد صفت آن طباشیر گل سرخ تخم کاهو
تخم خرفه کافی سماق از هر یک یکدرم گلنار صندل افیون
از هر یک نیم درم تخم حماض یکدرم و نیم کافور دانگی با آب خلاص
قرص سازند شربتی یکدرم قرص آس اسهال با صفرا را
نافع باشد صفت آن حب الآس ده درم بر سیاوشان
مغز تخم خربزه از هر یک پنج درم رب السوس صمغ عربی
از هر یک یکدرم و نیم کوفته و بیخته اقراص سازند شربتی
ده درم قرص دیگر که بول الدم را نافع باشد مغز
تخم خربزه مغز تخم خیار مغز تخم کدو از هر یک شش درم افیون
شش درم تخم کرفس ده درم اقراص سازند شربتی دو درم

بشراب خشخاش قرص مر حیض برانند و تسهیل ولادت کند صفت آن
مر دو درم ترمس پنجدرم سداب فودنه قردمانا اشق
قوه حلتیت جاوشیر سکبینج از هر یک دو درم کوفته و بیخته
قرص سازند شربتی دو درم بطبیخ ابهل قرص عسر الادرار و
ربع و وجع کبد و سپرز را نافع باشد صفت آن افیون عصاره
غافث از هر یک چهار درم اسارون سازج هندی افسنتین
تخم کرفس سنبل مغز بادام تلخ مصطکی از هر یک یکدرم صبر دو
درم کوفته و بیخته بطبیخ افسنتین قرص سازند شربتی یکدرم
با آب گرم قرص منوم حار تخم شبت دو درم زعفران بزر
البنج از هر یک یکدرم افیون یک طسوج کوفته و بیخته با لعاب
حلبه قرص سازند شربتی یک مثقال قرص منوم بارد تخم کاهو خشخاش
باقلای مقشر تخم خرفه گل کاکنج از هر یک یکدرم افیون یک
طسوج کوفته و بیخته بلعاب بزر قطونا قرص سازند قرصی که
نافع است از جهت افراط خون بواسیر صفت آن مرجان کهربا
دوغ سوخته گل ارمنی از هر یک دو درم هلیله سیاه اقاقیا از هر یک

بچند درم تخم کنند تا سه درم مقل ده درم در آب کنند تا حل کرده و دوا
روها کوفته و بیخته با آن بسرشند و قرص سازند شربتی سه درم
باده درم آب آهنگران قرصی که قی و هیضه را نافع باشد
و طبع را ببندد صفت آن سماق قرنفل از هر یک ده درم کز
مازج پوست انار از هر یک بچند درم افیون دانگی کوفته و بیخته
برب به سرشته قرص سازند شربتی یکدرم و نیم قرص سعفه زرد
جو به مغز بادام تلخ از هر یک یکجزو مقل را در سرکه کهنه خیسانیده
سه روز متوالی ورزد جو به و مغز بادام داخل نمایند و با یکدیگر
بسنگ صلایه کنند و اقراص سازند در وقت حاجت با آب
[illegible] سایند و طلا کنند قرص مثلث صداع و شقیقه و سهر را
نافع باشد و چون بر پیشانی و صدغین طلا کنند درد ساکن
شود صفت آن افیون مصری مرمکی لادن کاهو زعفران
بزرالبنج پوست بیخ تفاح از هر یک بچند درم کندر انزروت
آهکی گل ارمنی از هر یک ده درم کوفته و بیخته بگلاب و آب
کاهو سرشته قرص سازند سه مثقال تا دو درم تازه باشد و در

وقت حاجت استعمال کنند قرص زرنیخ اکله و دهن و لثه را
نافع باشد و عفونت را دفع کند صفت آن زرنیخ زرد زرنیخ
سرخ آهک زنده مازو از هر یک ده درم زنگار نفطار
از هر یک بچند درم شب یمانی اقاقیا گلنار از هر یک سه درم
کوفته و بیخته در سرکه خیسانیده و یک هفته در آفتاب
بگذارند و بعد از آن اقراص سازند و در سایه خشک کنند
و در وقت حاجت دانگی از آن بلثه و دهن مالند و یک ساعت
بگذارند و بعد از آن روغن گل قدری در دهن نگاه دارند و هم
قرار دارد و بعد از آنکه سبل رسیده باشند استعمال نمایند صفت
آن توتیا درس سوخته از هر یک دو درم توتیا دوازده
درم کوفته و بیخته بزرده تخم مرغ بسرشند و در پوست تخم
مرغ کنند و در گل حکمت گیرند و در کوزه نو نهند و در کوزه
فخاری بگذارند تا بجوشد بعد از آن صلایه کرده استعمال نمایند
دیگر که مانع است از خبثه قرصه گوش و چرک گوش را پاک کند
صفت آن انزروت صبر زبدالبحر بوره ارمنی دم الاخوین

هو المجرب ... [illegible]
جهت عمو صفرا ... [illegible]
... [illegible] صفرا ...
... [illegible]
شغار ... [illegible]
شفو مجرب است

کندر مرزنگوش حنت الحدید کوفته و بیخته بسته که در گوش
چکانند بعد از آنکه چند نوبت ماء العسل چکانیده باشند و
فتیله را بدان تر سازند و بالادویه مذکوره بکردانند و در
گوش نهند قطوری که درد گوش که از گرمی باشد ساکن کند
صفت آن روغن گل شش درم روغن بادام شیرین پنج درم
سرکه ده درم با آتش نرم بپزند چندانکه سرکه برود و روغن
بماند نیم گرم در گوش چکانند قطوری که طنین و گرانی گوش را
ببرد صفت آن کندر زعفران فرفیون جندبیدستر حربق
سفید از هر یک سه درم نطرون بوره ارمنی از هر یک دو درم
کوفته و بیخته در شراب حل کرده بچکانند قطوری که کرم گوش را
بکشد صفت آن برگ شفتالو آب برگ پودنه آب برگ
ترب از هر یک پنج درم حربق سفید بوره ارمنی سقمونیا
افسنتین زراوند مدحرج از هر یک یکدرم کوفته و بیخته با آب
بیامیزند و در آفتاب نهند تا خشک شود بعد از آن بسایند
و در گوش چکانند قطوری که درد گوش که از سردی باشد

سفید بود

سفید بود صفت آن افیون جندبیدستر از هر یک دو درم کوفته
در آب مرزنجوش بجوشانند تا بقوام آید و روغن سوسن حل کنند
و نیم گرم در گوش چکانند قطوری که اطروش را نافع باشد
صفت آن حربق سفید یک مثقال جندبیدستر نیم مثقال نطرون
دانگی و نیم کوفته و بیخته با سرکه کهنه در گوش چکانند یا با آب
ترب یا عسل بجوشانند و در گوش چکانند قطوری که درد
گوش را نافع باشد صفت آن یکدرم شیاف ابیض سه درم
روغن گل چهار درم سرکه کهنه سه درم با یکدیگر مخلوط سازند
و نیم گرم در گوش چکانند قطوری که نافع است از جهت آبی که
در گوش رفته باشد صفت آن آب ترب آب پیاز بجوشانند
و در گوش چکانند قطوری که گرانی گوش را ببرد صفت آن تخم
حنظل بوره ارمنی از هر یک یکدرم جندبیدستر زراوند قسط
فرفیون افسنتین از هر یک یک مثقال کوفته و بیخته با زهره
گاو سرشند و گلوله ها سازند و در وقت حاجت یکی را
از آن با روغن بادام تلخ بسایند و نیم گرم در گوش چکانند قطوری که

شب کوری را ببرد صفت آن آب سداب که بشنیز مساوی بکوبانند
تا به نیم آید و شب بوقت در چشم بچکانند قطوریکه چون در
احلیل بچکانند قرحه و سوزش را ببرد صفت آن سعفد آب کندر
انزروت صمغ عربی نشاسته دم الاخوین بساوی کوفته و بیخته گلولها
سازند و در وقت احتیاج یکی از آن بشیر دختران سائیده
بچکانند قطوریکه دوی و طنین و گرانی گوش را نافع است صفت
آن شحم حنظل یکدرم بوره ارمنی نیم درم جند بیدستر زراوند مدحرج
از هر یک یکدرم و نیم عصاره افسنتین قسط فرفیون از هر یکه دانگی و
نیم کوفته و بیخته بزهره گاو سرشته گلولها سازند و در وقت
حاجت بروغن بادام دو قطره در گوش بچکانند باب الکاف
کلکلانج استسقا و برودت معده و بیمار کهنه و سرفه بلغمی و
ضیق النفس و صرع و طحال و سلعه و بهق و خناق را سود دارد
دبول کشاید صفت آن هلیله اسیاه پوست هلیله آمله مقشر
از هر یک هشت درم فلفل دار فلفل زنجبیل فلانمویه نمک هندی
سنج نمک هندی سیاه نمک اندرانی نمک طبرزد جمیز لسان العصافیر

شیطرج هندی حبز بوا قرفه قرنفل صعتر بزنگ کابلی مقشر شونیز
حب النیل زیره کرمانی ساذج هندی تخم کرفس کشنیز خشک از
هر یک نیم درم ترید سفید بکاهد درم فلوس خیار شنبر ده درم مویز منقی
نیم من شیر آمله یکمن مویز آمله در شش من آب بزند تا بدو من
آید و بپالاید و خیار شنبر در آن حل کنند و سه من فانید هم در آن
آب بگدازند و نیم من روغن کنجد با آن بیامیزند و بجوشانند تا
بقوام آید و داروهای دیگر را کوفته و بیخته با آن سرشته شربتی
نیم درم تا سه درم با آب عنب الثعلب کلکلانج بارد استسقا
حار را نافع است صفت آن ورق مازریون مدبر غاریقون
پوست هلیله زرد سکبینج از هر یک پنج درم ایرسا عصاره افسنتین
هر یک سه درم سنبل اسپون هرکدام دو درم بیخ سوسن گلسرخ تخم کاهی
مغز تخم خربزه رب السوس از هر یک دو درم زنجبیل فلوس خیار
شنبر مانند شنجر از هر یک پانزده درم صاف کرده بقوام آورند
و داروهای دیگر کوفته و بیخته با آن سرشته شربتی دو درم تا چهار
درم کلکلانج حار نافع است استسقای که با او حرارت باشد صفت

آن مازریون مدبّر غاریقون پوست هلیله زرد سکبینج از هر یک
پنج درم ابرسا سه درم ریوند چینی عصاره غافث سنبل الطیب
افتیمون از هر یک دو درم کوفته و بیخته بعسل معجون سازند شربتی
سه درم تا چهار درم کمونی زرد و دت معده و شهوات کلبی
و حمیات بلغمی و سوداوی و فواق بلغمی و استسقای را نافع باشد
قولنج ریحی را نافع بعده و بادها بشکند صفة آن زیره کرمانی مدبّر
پنجاه درم فلفل سیاه پانزده درم زنجبیل سداب از هر یک بیست
درم بوره ارمنی پنج درم عسل سه وزن ادویه البول [illegible] کنند
شربتی مثقال کحل زعفران که حکّه جفن و تاریکی
چشم و دمعه و سیلان را نافع باشد صفة آن زعفران سنبل از
هر یک دو درم دار فلفل یک درم فلفل سفید کافور از هر یک دانگی
و نیم نوشادر نیم درم کوفته و بیخته در چشم کشند کحل دمعه توتیای
مغسول هلیله زرد و صبر از هر یک چهار درم فلفل نیم درم دار
فلفل یک درم کوفته و بیخته استعمال نمایند کحل الجواهر باصره را
قوت دهد و تیز گرداند صفة آن سرمه اصفهانی هفت درم

126

٢٥١

مرقشیثا پنج درم اقلیمیای طلا دوازده درم مروارید ناسفته
سه درم زعفران نیم درم سادج هندی دو درم صلایه کرده
در چشم کشند کحل الجواهر نوع دیگر صفة آن سرمه اصفهانی توتیای هندی
از هر یک ده درم مرقشیثا مرجان سحق دهنج [illegible] عقیق سحق
طلا نقره مامیران چینی فلفل سفید دار فلفل اقلیمیای نقره روی
سوخته از هر یک چهار درم یاقوت سحق لاجورد زعفران
توبال نحاس از هر یک ده درم صلایه کرده استعمال نمایند کحل روشنایی
نافع است از جهت ضعف بصر و شبکوری صفة آن مس سوخته شادنج
مغسول از هر یک پنج درم فلفل دار فلفل [illegible] حنظل زعفران از
هر یک نیم درم زنجار بوره ارمنی صبر سقوطری از هر یک یک درم اقلیمیا
ده درم صلایه کرده استعمال نمایند کحل عزیزی بصر را تیز گرداند
و تاریکی چشم را ببرد و دمعه و سبل را نافع باشد صفة آن سرمه
اصفهانی سوخته پنج درم اقلیمیا نقره شادنج عدسی مغسول توتیای
هندی مس سوخته از هر یک دو درم پوست هلیله زرد سادج هندی
فلفل دار فلفل نوشادر صبر سقوطری حضض مکی زعفران سرطان

٨٣ ٨٤ ٨٦

١٨١

سنهری محرق از هر یک یکدرم زنجبیل نیم درم کافور نیم درم سنگ جشته
قرنفل دو دانگ صلایه کرده در چشم کشند کحل از و بعر اقوت
و هر دو دمعه را باز دارد و حکه و ضعف را سود دارد صفه آن شادنج
عدسی شادنج هندی از هر یک دو درم دار فلفل قرم الاجوین
از هر یک نیم درم روی سوخته ماروی سوخته از هر یک یکدرم فاقله
مشک از هر یک دانگی کافور یکطسوج کوفته و بیخته اکتحال نمایند
کحلی که بیاض و آثار قروح از چشم ببرد صفه آن زبد البحر
اقلیمیا نقره سفید آب ارزیز مس سوخته از هر یک چهار درم
سنبل مروارید ناسفته از هر یک دو درم صمغ عربی کثیرا انزروت
بعر الضب نشاسته سقمونیا از هر یک یکدرم کوفته و بیخته
استعمال نمایند کحلی که نزول آب را نافع است صفه آن زهره بز
کوهی ده درم شحم حنظل یکمثقال فرفیون نوشادر از هر یک نیم
مثقال سکبینج نیمدرم کوفته و بیخته با آب رازیانه یا آب چغندر
بسرشند کحلی که غره زه باز صفه آن استخوان خرمای سوخته
نیم درم دخان کندر چهار درم سنبل حب بلسان از هر یک سه درم

لاجورد شسته ده درم کوفته و بیخته بر جفن کشند کحل نفسجی
تاریکی چشم و دمعه و جرب و حکه را نافع باشد صفه آن
شادنج مغسول دو درم قرم الاجوین دانگی روی سوخته دار فلفل
سنبل الطیب از هر یک نیم درم شادنج هندی دو دانگ فاقله مشک
از هر یک دانگی کوفته و بیخته بحجر بر استعمال نمایند کحلی که صحت چشم
را نگاه دارد صفه آن توتیا ده درم شیاف مامیثا سه درم
صبر سقوطری حضض مکی از هر یک یکدرم کافور دانگی کوفته و بیخته
با آب عنزروت با آب سماق بسرشند و در سایه خشک کنند و صبح و شام
در چشم کشند کحل حکمت کل زرد با آب چهار پرن بکوبند و بسرشند (پرورده)
و بکشن کاغذ و بنه میس نمک در آب کنند و بدست بمالند تا حل شود
بعد از آن کل را درست زنند و بر سر آن کنند و بکچهار ریگ موی
سر آدمی بهم آمیز چیده و ریگ چهار ریگ سرکین اسب بخته داخل کنند
و ریگ بمالند و بعد سه روز با آب تر بکنند و می سرشند انگاه
وصله وصله کنند و خشک کنند و در وقت حاجت آن مقدار که
خواهند بکوبند و با آب بسرشند و استعمال کنند باب الالام العروق

سپستان سرفه کهنه و خشونت حلق را نافع باشد و سینه را
نرم کند و نفث را آسان کرداند و طبع را نرم کند صفت آن سپستان
دویست عدد مویز منقی چهل درم فلوس خیارشنبر پانزده درم
در شش رطل آب بجوشانند تا دو رطل آید و دست بمالند و صاف
کنند و یک رطل قند سفید اضافه کنند و بقوام آورند لعوق
زوفا جهة سرفه کهنه را نافع باشد و شش را از اخلاط غلیظ
پاک کند صفت آن زوفای خشک بیخ سوسن از هر یک بیست درم
در سه رطل آب بجوشانند تا یک رطل آید و صاف کنند با یکمن
قند بقوام آورند لعوق حب الرشاد سرفه بلغمی را نافع
باشد و سینه را از اخلاط غلیظ پاک کند صفت آن تخم تره
تیزک ده درم اصل السوس چهار درم انیسون رازیانه از هر یک
شش درم مجموع کوفته در دو رطل آب بجوشانند تا یک رطل آید
و صاف کنند با یکمن عسل بقوام آورند لعوق بذر الکتان
ربو و سعال مزمن را نافع باشد و سینه را از اخلاط پاک کند
و بر نفث اعانت دهد صفت آن بزرک بریان کرده ده درم

قردمانا ده درم کوفته بعسل بسرشند و لعوق سازند لعوق طباشیر
سل و قرحه ریه و سرفه حار را نافع باشد صفت آن نشاسته کثیرا
از هر یک ده درم طباشیر چهار درم مغز تخم خیار مغز تخم خربوزه
صمغ عربی قاقله از هر یک هفت درم قند سفید شصت مثقال
کوفته بروغن بادام و عسل سفید بسرشند و استعمال نمایند لعوق
حلبه بحوجه و غلظ صوت را نافع باشد و سینه را نرم کند و نفث را
آسان کرداند صفت آن بزرک ده درم حلبه و مغز بادام مقشر از هر یک
چهار درم کثیرا اصل السوس مغز خربوزه نشاسته صمغ عربی از هر یک دو
درم کوفته بعسل بسرشند و لعوق سازند لعوق بادام سرفه و
خشونت حلق و حنجره را سود دهد صفت آن صمغ عربی نشاسته
کثیرا رب السوس از هر یک ده درم مغز تخم کدو مغز بادام از هر یک
پنج درم قند سفید بیست درم کوفته و بیخته بگلاب بسرشند و بروغن
بادام چرب سازند و لعوق نمایند لعوق رب السوس سعال مزمن
را نافع است و فضول لزجه را از سینه دفع کند و بر نفث یاری دهد
صفت آن رب السوس کثیرا بازرد مغز بادام رازیانه مصطکی فقاح

وروغن بادام بسرشند وبلیسند لعوق اسپغول ربو و سعال
مزمن را که با رطوبت باشد نافع بود صفت آن پیاز عنصل مشوی
سه درم ابرسا و دو درم فراسیون زوفا از هر یک یک درم کوفته
بعسل مصفی سرشته لعوق سازند لعوقی که سرفه خشک را نافع باشد
وسینه را نرم کند صفت آن رب السوس بهدانه مقشر از هر یک
دو درم نشاسته صمغ عربی تخم خطمی مغز بادام مغز تخم کدو مغز تخم خربزه
از هر یک پنج درم خشخاش دو درم مویز منقی بیست درم مویز را
بروغن بادام بسرشند و باقی دیگر کوفته با آن بیامیزند و با مطبخ
بیامیزند و لعوق سازند لعوق خشخاش سل و قرحه امعا و نفث
الدم و سرفه بلغمی را نافع باشد صفت آن پوست خشخاش سفید
پنجاه درم در ده رطل آب بجوشانند تا بنصف آید و یک رطل قند
اضافه نمایند و بجوشانند تا بقوام آید بعد از آن رب السوس مغز
بادام مغز تخم کدو از هر یک پنج درم کوفته با آن ممزوج سازند شربتی
ده درم بلیسند لعوق خشخاش نسخه دیگر نزله گرم رقیق را
ساکن کند صفت آن تخم خشخاش سفید ده درم نشاسته کثیرا صمغ

عربی از هر یک چهار درم مغز تخم کدو مغز تخم بهدانه شیرین از هر یک
سه درم کوفته بگلاب سرشته لعوق سازند لعوق حب القطن
سینه را از اخلاط پاک کند صفت آن مغز بادام شیرین ده درم مغز
پنبه دانه دو درم آرد باقلا پنج درم کرسنه فراسیون از هر یک سه
درم خایند شصت درم در آب بگدازند و بقوام آورند و داروهای
دیگر را کوفته و بیخته با آن بسرشند و لعوق سازند لعوق کرنب سینه را
از اخلاط غلیظ پاک کند صفت آن کرنب پخته یک من و نیم و نیم من
عسل بسرشند و بقوام آورند و بعد از آن مغز چلغوزه و مغز پنبه دانه
و آرد باقلا از هر یک ده درم بزرک بریان کرده حلبه از هر یک
پنج درم مغز پسته پانزده درم کوفته با آن بسرشند شربتی پنج درم
بلیسند لعوق سیر سرفه بلغمی را نافع باشد و ماده را نضج دهد
و سینه را از اخلاط پاک کند صفت آن سیر پاک کرده نیم من و نیم
من روغن گاو بپزند تا مهرا شود پس بکوبند و نیک بمالند و با یک
من عسل صاف بقوام آورند لعوق چلغوزه ربو و سعال مزمن و
ضیق النفس را نافع باشد و سینه را از اخلاط غلیظ پاک کند صفت آن مغز

باب ۳

جلغوزه بیخ سوسن صمغ عربی کثیرا بزرگ بریان کرده خرمای هندی دانه
از هر یک سی و پنج درم کوفته با ده رطل عسل و دو رطل روغن کاو
بسرشند شربتی دو ملعقه لعوق صبیان چون شیر با در در گلوی
اطفال ریزند سرفه و خشونت سینه را نافع باشد صفت آن صمغ عربی
کثیرا رب السوس مغز بادام از هر یک چهار درم مغز هندوانه یکدرم کوفته
بعسل بسرشند لعوق که ربو و ضیق النفس را نافع باشد صفت آن
بزرگ بریان کرده کوفته ده درم روغن بنفشه با دام یکمثقال عسل
پنجدرم بسرشند و لعوق سازند لعوقی که همین خاصیت دارد صفت
آن بزرگ سنه مغز بادام از هر یک ده درم مغز جلغوزه پنجدرم بیخ
سوسن هفت درم صمغ عربی کثیرا از هر یک سه درم بعسل مصفا بسرشند
لعوق سازند لعوق دیگر که همین خاصیت دارد صفت آن مغز جلغوزه
چهار درم مغز بادام جبل پنجدرم رب السوس هشت پنجدرم بعسل
بسرشند و بلیسند لعوق خیارشنبر نسخه کیلی بن ماسویه ورم حلق
و شب و تشنگی و خشونت زبان را نافع بود صفت آن عناب سپستان
علف شبان صندل علف تخم خطمی ده درم مویز منقی هشت و پنجدرم

بنفشه اصل السوس نیم کوفته از هر یک پانزده درم بذر قطونا
بیست درم مجموع را در هفت رطل آب بجوشانند تا ثلثی آید و صاف
کنند و پنجدرم خیارشنبر در آن بمالانند دیگر باره صاف کنند و یک
رطل شکر طبرزد داخل کنند و بجوشانند تا غلیظ شود و بار روغن
بنفشه بادام داخل کنند و بلیسند لطوخی که شقیقه را نافع باشد
صفت آن مغز تخم کاهو درمی بذر البنج کثیرا از هر یک دو دانگ افیون
نیم دانگ کوفته بسرکه بسرشند و بر کاغذ پاره کشند و بر شقیقه چسبانند
درد را ساکن کند لطوخی که همین خاصیت دارد صفت آن زعفران
افیون دم الاخوین صمغ عربی بالسویه تخم مرغ سرشته بر صدغین چسبانند
لطوخی که همین خاصیت دارد صفت آن تخم کاسنی تخم کاهو از هر یک دو
درم یکدرم خشخاش سه درم افیون نیمدرم کوفته و بیخته بلعاب
بذر قطونا سرشته بر آن وصله کاغذ کشند و بر صدغین طلا کنند لخلخه
که خواب آورد صفت آن تخم گل بیخ لفاح از هر یک یکدرم افیون
دانگی کافور دو دانگ کوفته و بیخته در ظرفی کنند و ببویند لخلخه
که منع عفونت کند و صداع را نافع باشد صفت آن صندل سفید
و سیاه کشنیز خشک گلاب سرکه در ظرف کنند و ببویند لبوب کبیر

اعاده صداع شد

کرده را گرم گرداند و قوی کند و منی بیفزاید و نشاط آورد و باه را
زیاده کند و دماغ را قوت دهد و بدن را فربه کند و رنگ را نیکو
گرداند و اعصاب را محکم کند و در امراض مجربست اطریفل بدالله صفت آن
مغز پسته مغز فندق مغز بادام مغز حب الخضرا مغز کدو مغز چلغوزه
مغز حب الزلم ماهی روبیان خولنجان شقاقل بهمن سرخ شقاقل
مصری تودری سرخ زنجبیل کنجد دارچینی سنبل الطیب سعد کوفی
قرنفل کبابه چینی حب القلقل تخم گزر تخم شلغم تخم ترب تخم پیاز
تخم شبت تخم هلیون لسان العصافیر درونج عقربی زرنباد از هر یکی
سه درم جوز بوا بسباسه دار فلفل از هر یکی دو درم خصیه
الثعلب فلفل زنجبیل تازه مغز کنجد خشخاش از هر یکی ده درم
قضیب گاو سوده سورنجان بوزیدان نعناع خشک از هر یکی چهار
درم بادیه شتر اعرابی زعفران مصطکی از هر یکی سه مثقال عود خام
دو مثقال ورق طلا سی عدد ورق نقره پنجاه عدد عنبر اشهب یک
مثقال مشک تبتی نیم مثقال عسل سه وزن ادویه اطریفل معجون
سازند لبوب صبح عصر منی زیاده کند و کلیه و مثانه را قوت دهد
و نسیان را نافع باشد و رنگ روی را نیکو گرداند و دماغ را قوت دهد

صفت آن مغز بادام گردکان مغز کدو مغز حب الخضرا مغز چلغوزه
مغز حب الزلم مغز فندق مغز پسته زنجبیل تازه مغز حب القلقل
خشخاش سفید تودری کنجد بهمن سرخ تخم خرفه تخم پیاز تخم شلغم
تخم اسپست تخم بوزیدان بهمن زنجبیل دار فلفل کبابه قرنفل دارچینی
شقاقل خولنجان تخم هلیون مساوی عسل سه وزن ادویه معجون
سازند چنانکه رسم است شربتی دو درم نافع باشد باب
الیم [illegible] و دیطوس قریب المنفعت است تریاق فاروق
لیکن تریاق فاروق در دفع سموم ازین انفع است و مفید است در
این در امراض مذکوره زیاده از آن است صفت آن مر زعفران غا
ریقون زنجبیل دارچینی کتیرا از هر یکی ده درم سنبل کندر خردل
سفید عود بلسان اسطوخودوس سیسالیوس قسط کمافیطوس
قشر علک البطم دار فلفل راتینج عصاره لحیة التیس جند
بیدستر ساذج هندی میعه سائله جاوشیر از هر یکی هشت درم
سلیخه فلفل سفید فلفل سیاه سورنجان اسقوردیون جعده
دو قوه اکلیل الملک حلتیت ناردین قرص مرقیون مقل از هر یکی

هفت درم سداب دو درم اذخر هشت درم انیسون سنبل رومی
مصطکی صمغ عربی فطر اسالیون مر وجاوشیر زراوند افیون کاکنج
سکبینج اشق از هر یک چند درم افیون ده درم جند بیدستر اسارون
از هر یک سه درم قنا ناخ زعفران ... از هر یک
چهار درم و نیم شراب ریحانی کهنه چند انکه صمغها در ان حل شود
عسل مصفی دو وزن ادویه بطریق معجون سازند و بعد از شش ماه
استعمال نمایند مخلص اکبر صرع و دوار و صداع کهنه و رعشه و فالج
و تشنج بلغمی و اوجاع مفاصل و درد دندان و درد ... و ورم
بلغمی و قروح امعا و نفخ ریحی نو کرده و مثانه را نافع باشد
و نفث الدم را باز دارد و چون با آب لسان الحمل دهند و درد
معده و سپرز را نافع باشد و چون با آب ... را باز
بنوشند بنهار کننده را زایل گرداند و تحلیل اورام باشد
و دفع سموم کند و جهت ... طلا کنند نفوذ آورد و صفت
آن سلیخه اذخر از هر یک یک وقیه و نیم جند بیدستر فطر
اسالیون از هر یک پانزده مثقال لحم ... دو وقیه ...

یک مثقال قسط دارچینی اقراص اندروخوما ... سایله اسارون
از هر یک شش مثقال بلیله سفید دوازده مثقال سنبل ... مثقال
حماما زعفران دارفلفل از هر یک چهار مثقال افیون انیسون از
هر یک ده مثقال عسل سه وزن ادویه معجون سازند چنانکه
رسم است و بعد از شش ماه استعمال نمایند از یک درم تا یک مثقال
معجون بدل افیون بزر ... سفید دو مثقال کندر یک مثقال انیسون
دو مثقال ... جند بیدستر دو مثقال فاتوره پنج مثقال صعتر کاهی ...
بیخ لفاح یک مثقال کحل ... سه مثقال شبث دو مثقال بادرنجبویه
یک مثقال و نیم کندر یک مثقال و نیم جوز بوا هفت مثقال ...
یک مثقال عسل سه وزن ادویه معجون فلاسفه و آن را ماده
الحیوة نیز گویند هاضمه را قوت دهد و اشتها آورد و بلغم ...
و نسیان و سلس البول و درد پشت و درد گرده و اوجاع مفاصل
را نافع بود و منی زیاده کند و باه را برانگیزد و دندانها سخت
گرداند و دل را قوت دهد و نشاط آورد و رنگ را نیکو گرداند
و بوی دهن خوش کند و بر انزال اعانت کند صفت آن زنجبیل فلفل

[illegible]

دار فلفل دار چینی آمله مقشر بلیله شیطرج هندی برداوند
مدحرج حبة الثعلب مغز جلغوزه عود فاوانیا بابونه نانخواه تازه
از هر یک ده درم بابونه پنجدرم مویزمنقی سی درم عسل مصطفی
دو مثقال ادویه بطریق متعارف معجون سازند شربتی دو درم تا
یک مثقال معجون جالینوس کرده ومثانه را سرد از گرم کند وسده
بگشاید صفت آن فلفل سیاه فلفل سفید حماما قسط سنبل الطیب قصب
الذریره ساذج هندی زعفران تخم کرفس انیسون عاقرقرحا تخم الجزر
تخم سداب اجزا متساوی کوفته وبیخته بعسل معجون سازند شربتی
یک مثقال در ماء الاصول یا در آب بادیان وآب کرفس نافع باشد
معجون ابو مسلم این معجون را فربا درس کو پیند در دها سکین
کند صفت آن افیون بذرالبنج از هر یک دو مثقال قشر فیون
زعفران سنبل عاقرقرحا سورنجان فاقله دار فلفل از هر یک پنج
مثقال کوفته وبیخته بعسل سرشند شربتی از دانگی تا نیم مثقال
معجون بلادنجیه قولنج صعب را در زمان بگشاید صفت آن
جربوا فرفیه ساذج هندی فلفل دار فلفل زنجبیل مر بنک کابلی مقشر

[illegible]

آمله مقشر قرنفل از هر یک یک مثقال تخم کرفس سنبل زعفران مصطکی
از هر یک نیم مثقال ترید سفید سقمونیا از هر یک ده مثقال کوفته و
بیخته با سه چندان عسل بسرشند شربتی دو درم معجون تربدی فرنج
بگشاید وبلغم را نافع بود ودرد پشت را ساکن گرداند صفت آن
سقمونیا ده درم فاقله کبار دار چینی قرنفل سنبل دار چینی قرنفه نار مشک
قرنفل فلفل از هر یک پنجدرم شکر طبرزد سفید از هر یک صد
مثقال عسل مصفی بود از احتیاج معجون سازند شربتی ده درم
معجون لوزی صفرا و بلغم را دفع کند صفت آن مغز کابینه مغز بادام
سقمونیا از هر یک ده درم زعفران یکدرم نبات سی درم
در گلاب بگدازند ودارو ها کوفته بدان بسرشند شربتی یک مثقال
معجون اسود رحبز و سهال کهن را سود دارد صفت آن افیون
جند بیدستر میعه بزرالبنج زعفران اسارون مرتخم کرفس سلیخه
انیسون سنبل کل ارمنی متساوی کوفته وبیخته با سه چندان عسل
معجون سازند معجون حجر الیهود سنگ کرده ومثانه را برهاند
صفت آن مغز تخم خیار بی مغز تخم کدو حب الکاکنج از هر یک پنجدرم

حجر الیهود پنجاه درم صلایه کرده بعسل سرشته شربتی دو
درم تا سه درم معجون عقرب سنگ گرده و مثانه را
بریزاند و کژدمکی عقرب را بغایت نافع باشد صفت آن
عقرب محرق سه درم و نیم خیلبان یکدرم و نیم زنجبیل یکدرم
و نیم فلفل دار فلفل از هر یک ده درم کاکنج یکدرم و نیم جند
بیدستر چهار درم کوفته و بیخته بعسل معجون سازند شربتی
یکدرم و دو دانگی با آب کرفس معجون کاکنج قرحه گرده و مثانه
و بول الدم را نافع باشد صفت آن بذر البنج تخم کرفس و رازیانه
از هر یک هشت درم مغز تخم خربزه حماحم انیسون مغز چلغوزه
مغز فندق مغز بادام تلخ بریان کرده از هر یک سه درم بریان کرده
زعفران دو درم و نیم کاکنج پست و پنج علک کبیر چهار درم
کوفته بمثلث پخته سرشته شربتی یکدرم با آب تمر العسل یا شراب
خشخاش بنوشند معجون مبدل المزاج لقوه و رعشه و برص
و صدر را نافع باشد صفت آن زنجبیل عاقرقرحا شونیز قسط وج
عسل بلادر از هر یک ده درم سداب حلتیت زراوند خیطبانا

شیطرج حب الغار جند بیدستر خردل از هر یک پنج درم با عسل صاف
معجون سازند شربتی یک مثقال معجون حب الغار نسخه محمد زکریا قولنج
بگشاید و استسقای طبلی و جمیع امراض ریحی را که با آن حرارت نباشد
نافع بود صفت آن سداب نانخواه زیره کرمانی کاشم شونیز صعتر
کرویا فطراسالیون مغز بادام تلخ فلفل خولنجان دار فلفل وج زرنباد
جند بیدستر از هر یک دو درم جاوشیر سه درم سکبینج چهار درم
صمغها در شراب حل کنند و داروها کوفته داخل نمایند بعسل
سرشته کنند شربتی دو مثقال معجون زراوند آن را معجون ریوند
گویند از ترکیب محمد زکریا ست ضیق النفس و سرفه را نافع بود صفت
آن زراوند مدحرج فرودمانا فلفل کرسنه لک سعد مغز بادام
تلخ الجزه از هر یک یکدرم رب السوس بر سیاوشان زوفا
از هر یک ده درم کوفته بعسل سرشته کنند شربتی سه درم طبیخ
زوفا معجون اسهل مواد بارده را دفع کند و بادها بشکند صفت
آن اسهل نانخواه کندر وج دارچینی مساوی کوفته بعسل معجون
سازند شربتی دو درم معجون السعال نافع است سرفه را که

سبب آن رطوبت باشد صفت آن مغز جلغوزه سه درم
مغز پسته پنج درم مغز بادام مقشر بزرگ از هر یک ده درم عسل
سی درم بطریق معهود معجون سازند شربتی مقابل یک گردکان
معجون گل و درم جگر را نافع باشد صفت آن گل سرخ چهار درم
بیخ سوسن هفت درم ریوند چینی لک مغسول از هر یک یک مثقال درم
سلیخه زعفران از هر یک سه درم و نیم زعفران را در سرکه حل کنند
و داروها کوفته و بیخته بدان مخلوط سازند و بعسل سرشند معجون
راحت قولنج را در ساعت بگشاید صفت آن فلفل دار فلفل
زنجبیل زیره کرمانی سداب خولنجان قرنفل از هر یک ده درم
سقمونیا شش درم عسل صد درم شربتی یک مثقال معجون وج
ابتدای فالج را نافع باشد صفت آن وج حلتیت زنجبیل
رازیانه مساوی کوفته بعسل معجون سازند معجون لولو ما
[illegible]
و افواه عروق منی بگشاید و شهوت زیاده کند و اعصاب را قوت
دهد و در وجع تغیری عظیم پیدا کند و نعوظ بسیار آورد و دوستی مرد

در دل

در دل زنان پیدا کند صفت آن مروارید ناسفته [illegible] از هر یک
یک درم قطاح اذخر سعد کوفی کرمازج سلیخه دارچینی از هر یک نیم
مثقال صمغ عربی کثیرا از هر یک پنج درم کوفته با چندان عسل سرشند
و هر روز وقت خواب و نزدیک صبح یک مثقال با آب گرم بخورند
معجون دیگر که اعصاب را قوت دهد و باه را زیاده کند و نشاط
آورد و معده را قوی گرداند و اشتها آورد و رنگ را نیکو گرداند
و طعام را هضم کند صفت آن دارچینی پوست بیرون پسته جوزبوا
مغاث خولنجان بهمن سرخ و سفید شقاقل قرنفل پوست بلیله
بادرنجبویه گاوزبان از هر یک سه درم عاقرقرحا بسباسه زنجبیل قرنفل
اسارون ساذج هندی کبابه چینی پوست بیخ [illegible] زرنباد صندل
سفید حب الفلفل لیمون نعناع بسباسه هلیله سیاه بوزیدان
زعفران ماه فرفین کندر یا مروارید صلایه کرده مرجان از هر یک
دو درم سعد کوفی ورق گل سرخ از هر یک چهار درم ماهی روبیان
خصیة الثعلب تودری زرد و سرخ از هر یک پنج درم مشک تبتی
نیم مثقال عنبر اشهب یک مثقال ورق طلا و ورق نقره پنجاه عدد قند سفید

معجون سازند معجون عطائی بقطیر بول و سرعت انزال نافع باشد
صفت آن علک بروهی کندر جفت بلوط بذر القنب مساوی
کوفته و بیخته با دو چندان آن عسل سرشته شربتی دو مثقال
معجون کندری که همان خاصیت دارد صفت آن کلنار بلوط شونیز
کندر کشنیز خشک از هر یک ده درم زیره کرمانی اگر نیابد نانخواه
از هر یک [illegible] درم پوست بلیله کابلی سیاه پوست هلیله زرد
آمله قشر از هر یک سه درم کوفته و بیخته با سه مقدار آن عسل صاف
سرشته شربتی دو مثقال معجون زرشکی منفعت دارد صفت
آن گلنار حبشی قرنفل حشیشة الثعلب مصطکی نانخواه از هر یک ده
درم با نیم من عسل معجون سازند شربتی دو درم معجون بزور دیگر
بقوت باه بی نظیر است صفت آن تخم گزر تخم شلغم تخم ترب تخم
هلیون تخم انجره تخم جرجیر تخم خلنجان حب الفلفل حب الزلم بوزیدان
قسط شقاقل زنجبیل تودری لسان العصافیر شقاقل [illegible] سورنجان
سفید دار فلفل عاقرقرحا مساوی کوفته با عسل معجون
سازند شربتی [illegible] درم در شیر تازه معجون لولوئی حافظ را

قوت

قوت ده و نسیان را نافع باشد صفت آن بلادر افیون از
هر یک ده درم صبر شعث مثقال عاقرقرحا بیست و چهار مثقال
سلیخه موج زراوند زعفران دارچینی مصطکی از هر یک شش
مثقال قسط تخم سداب فلفل سفید از هر یک بیست مثقال [illegible]
چهار یک رطل [illegible] معجون سازند معجون اسطمیقون تباهی
مزاج و درد معده را سود دارد صفت آن قسط هماما سنبل سلیخه
مصطکی از هر یک دوازده درم زراوند طویل فلفل سیاه تخم کرفس
تخم شبت انیسون نانخواه زیره کرمانی دوقوا فطراسالیون کاشم
اسارون فنجنکشت [illegible] فودنج نعناع از هر یک چهار درم کوفته
و بیخته معجون سازند معجون تمری قولنج بگشاید صفت آن زنجبیل
فلفل سفید از هر یک بیست درم سقمونیا ده درم خرمای دانه برون
کرده مغز بادام برگ سداب از هر یک شصت درم خرما در سرکه
خیسانیده یک شبانه روز و بکوبند و داروها کوفته و بیخته با نیم
من عسل صاف معجون سازند شربتی شش درم تا چهار درم بخورند
معجون خبطیا با صلابت سپرز و جگر و درد معده و گرده و مثانه را

نافع باشد و سده بگشاید صفت آن جنطیانا ماهی رومی فلفل
سیاه از هر یک ده درم قسط سادج هندی سنبل ریوند چینی
از هر یک هفت مثقال کوفته و بیخته باشد وزن آن عسل سرشته
شربتی دو درم تا آب سداب معجون افسنتین درد معده و جگر را که
از سردی بود زایل کند و آبستنی را نافع باشد صفت آن انیسون
تخم کرفس افسنتین مغز بادام ساده کوفته تا آب چندان عسل سرشته
شربتی دو درم معجون سنبل معده و جگر را نافع باشد صفت آن
سنبل الطیب فقاح اذخر قصب الذریره از هر یک چهار درم
مویز منقی سلیخه از هر یک پنجدرم زعفران مر انیسون از هر یک
یکدرم فلفل سیاه مقل از هر یک ده درم مقل را در شراب حل
کنند و داروها بیخته بران بیامیزند و با عسل معجون کنند
معجون قفی سرفه و درد جگر و درد معده و سپرز را سود دارد
و آکله از را اصلاح کنند و بول براند صفت آن مویز منقی بیست
درم زعفران سلیخه دارچینی دارشیشعان از هر یک یکدرم قصب
الذریره فقاح اذخر علک البطم مقل از هر یک ده درم و نیم چهار درم

137

آنچه حل کردنی است در شراب حل کنند و آنچه کوفتنی است بکوبند
و بهم بیزند و معجون را با عسل مصفی سرشته کنند شربتی یکدرم با شراب زوفا
تا آب گرم بنوشند معجون قباد الملک مفاصل و نقرس و درد
پشتهای کهنه و ضیق النفس و سرفه کهنه و ریش روده و تاریکی چشم
را نافع باشد و بادهای غلیظ را دفع کند صفت آن جنطیانا رومی
اسطوخودوس فو ناخواه جاوشیر کمافیطوس تخم سداب فراسیون اسقوردیون
دیون میعه سائله از هر یک پنج مثقال مر زعفران فلفل سفید اذخر سنبل رومی
حیون پوست بیخ لفاح انیسون دونه زراوند دو قو ورق کلنج بارزد دهن
حب بلسان از هر یک سه مثقال فرفیون هشت مثقال سلیخه شاهتره
مثقال عصاره غافت تخم خندقوقی صمغ عربی بادام از هر یک چهار درم
افیون بزر البنج سفید از هر یک شش مثقال قند سفید چهار درم آنچه
حل کردنی است در شراب حل کنند و آنچه کوفتنی است بکوبند با آن
ممزوج سازند و بعسل معجون سازند و بعد از شش ماه استعمال نمایند
معجون قیصر خفقان بارد و درد و صداع و درد معده که از سردی باشد
و فواق استسقائی را نافع باشد و سده بگشاید صفت آن جندبیدستر

ربّ السّوس سلیخه قسط تلخ فلفل سیاه افیون میعه زعفران سنبل
از هر یک سه درم جاوشیر یکدرم درونج عقربی زرنباد مروارید
ناسفته از هر یک نیم درم مشک دو دانگ کوفته و بیخته بعسل سرشته
شربتی مثقالی یک نخوه معجونی که از جهت ضعف معده نافع است صفت
آن طباشیر پوست سنگدان خروس از هر یک دو مثقال گل سرخ
سه درم نعناع خشک پوست بیرون پسته پوست ترنج پوست
هلیله زرد از هر یک یک مثقال بهمن سرخ و سفید صندل سفید
صعتر کشنیز خشک بریان کرده حب الآس از هر یک دو درم کوفته
و بیخته با شراب فواکه معجون سازند معجون نجاح مسهل سودا و
بلغم باشد و امراض سوداوی و بلغمی را نافع باشد صفت آن هلیله
سیاه پوست بلیله هلیله کابلی آمله عاقرقرحا افتیمون از هر یک
ده درم بسفایج اسطوخودوس تربد سفید از هر یک پنج درم غاریقون
شش درم حجر لاژورد حجر ارمنی مغسول از هر یک دو درم و نیم سقمونیا
شش درم کوفته و بیخته و با صد و پنجاه درم عسل سرشته شربتی پنج
مثقال تا هفت مثقال معجون خیارشنبر مسهل صفرا و بلغم باشد

صفت آن تربد سفید چهل درم بنفشه سی درم سنا مکی هندی ربّ السّوس
از هر یک هفت درم رازیانه افیثمون مصطکی از هر یک پنج درم
سقمونیا ده درم مغز خیارشنبر صد درم روغن بادام چهار
درم قند و عسل از هر یک صد درم مغز خیارشنبر را در عسل و قند
صاف کنند و بگذارند تا صاف شود و داروها کوفته بروغن بادام
چرب کنند و برسرشند شربتی از پنج مثقال تا هفت مثقال معجون سورنجان
مسهل بلغم و صفرا باشد و مخصوص مفاصل و نقرس و عرق النسا است
صفت آن سورنجان شش مثقال ماهی زهره زیره کرمانی پوست بیخ کبر
شیطرج هندی بوزیدان از هر یک دو درم پوست هلیله زرد
هفت درم تخم کرفس نمک هندی برگ حنا زبد البحر فلفل فلفل سفید
بادیانه صعتر از هر یک یکمثقال گل سرخ زنجبیل سقمونیا کشنیز خشک
از هر یک سه درم تربد سفید پانزده درم روغن بادام چهار درم
و نیم عسل صاف صد و پنجاه درم شربتی پنج مثقال تا هفت مثقال معجون
مشک در دیگر و ضعف معده را نافع باشد و سده بگشاید و ادرار
صلابت اکلیل و صفت آن مشک سلیخه سنبل الطیب سادج هندی لک

منقی ریوند چینی خولنجان رومی از هر یک دو درم زعفران نانخواه
تخم کرفس مصطکی از هر یک سه درم عود هندی قرنفل از هر یک نیم درم
کوفته و بیخته باشد چندان عسل معجون سازند معجون نانخواه معده
را پاک کند و اشتهای طعام آورد و باه را قوت دهد صفت آن
صعتر زوفا نانخواه و نعناع شونیز زیره کرمانی از هر یک پنج مثقال
وج السباسه دارزیانه زنجبیل جوز بوا تخم کرفس از هر یک سه مثقال
حاشا دو مثقال کوفته و بیخته باشد چندان عسل سرشته شود معجون
مسیحی درد پشت را نافع باشد و باه را قوت دهد و معده را
پاک کند و موی را دیر سفید گرداند و سودا را دفع کند و سرعت
انزال را سود دارد صفت آن گل سرخ سعد عاقرقرحا قرنفل
سنبل مصطکی زرنباد زعفران جوز بوا اسارون قند عسل مضاعف(?) صفت
قند را در گلاب بگدازند و عسل بقوام آورند و داروها
کوفته و بیخته بآن سرشند معجون عبائی(?) اشتها آورد و بوی
دهن خوش کند و حفظ بیفزاید و منی زیاده کند صفت آن
زعفران عاقرقرحا بزر البنج فرفیون خولنجان قاقله کبابه دار

فلفل چند بید [illegible] بسباسه کوفته و بیخته باشد چندان عسل سرشند
معجون سیر بقوه و صحیح فوالج و رعشه و بواسیر را نافع باشد
و معده را قوت دهد و اشتها آورد و بلغم را دفع کند و قوت بیفزاید
و رنگ را نیکو گرداند و حرارت غریزی را برافروزد و [illegible] را بغایت
مفید بود صفت آن سیر پاک کرده نیم من و یک من شیر گاو بجوشانند
تا مهرا شود و سه چهار یک عسل و سی درم روغن [illegible] بریزند
و با یکدیگر ممزوج سازند و از آتش فرو گیرند و این داروها کوفته و
بیخته بآن برسرشند قرنفل جوز بوا بسباسه فلفل مصطکی قاقله کبار
قاقله صغار هلیله کابلی دارچینی زنجبیل از هر یک ده درم عود
خام زعفران از هر یک پنج درم شربتی مقابل یک گردکان معجون
نمک هندی معده را پاک کند و قی بلغمی و سوداوی را باز دارد و درد
دماغ بلغمی و سوداوی را باز دارد صفت آن نمک هندی هلیله سیاه
بلیله آمله هلیله کابلی اسطوخودوس از هر یک سه درم افیون چهار
درم کوفته و بیخته بسکنجبین سرشند شربتی تا سه درم با آب گرم
معجون قسط اوجاع کبد و معده را نافع باشد صفت آن دارچینی

سلیخه قسط از هر یک سه درم افیون انیسون ریوند چینی تخم کرفس
از هر یک ده درم اسارون بیست درم زعفران بیست درم
فقاح اذخر از هر یک بیست درم افیون را در شراب حل کنند
و ادویه دیگر کوفته و بیخته با آن ممزوج سازند و بعسل معجون نمایند
معجون جناح فالج و لقوه و استرخاء و امراض بلغمی را نافع باشد
معجون بر عضو مفلوج و استرخی طلا کنند نافع باشد صفت
آن افیون فربیون جندبیدستر دارچینی دار فلفل بزرالبنج
سنبل زنجبیل زعفران مساوی کوفته و بیخته بعسل بسرشند
معجونی که نقرس بلغمی را نافع باشد صفت آن پوست هلیله زرد
سورنجان عاقرقرحا از هر یک پنج درم فلفل سفید یک درم و نیم
زهره کرمانی هفت درم زراوند چهار درم زنجبیل دو درم
افیون نیم مثقال کوفته و بیخته بعسل بسرشند شربتی دو مثقال
معجون سکبینج قولنج را نافع باشد صفت آن سکبینج تخم کرفس
جندبیدستر از هر یک یک جزو سقمونیا نیم جزو در روغن بادام
بسایند و سکبینج را در عسل حل کنند و با یکدیگر بیامیزند و داروها

کوفته و بیخته با آن بسرشند شربتی سه مثقال معجون جلنوش نافع
عسر البول را نافع باشد صفت آن دوقو ریوند چینی اذخر
حب بلسان افیون سلیخه زعفران دارچینی فطراسالیون کاشم
فیلوس از هر یک سه درم مغز چلغوزه سی درم نعناع خشک
پنج درم کوفته و بیخته بعسل بسرشند معجون ریوند درد جگر و معده
و اورام رحم را نافع باشد صفت آن ریوند چینی شهدانج
بنج الخدران وج کرفس رازیانه افیون نانخواه مساوی بعسل
بسرشند و بعضی زاسن می کنند شربتی یک مثقال با ماء العسل
معجون فیقرا شهوت ردیه را دفع کند و صداع را نافع باشد
صفت آن ایارج فیقرا دوازده درم پوست هلیله کابلی هلیله
و آمله از هر یک دو درم ملح نفطی دو درم و نیم کوفته و بیخته
بعسل معجون سازند شربتی سه درم تا چهار درم و طبیخ
فودنه معجون فودنه درد معده و بنهار کلی و دست سرد را
سود دارد صفت آن فودنه کوهی و پودنه دشتی فطراسالیون
سیسالیوس از هر یک بیست درم تخم کرفس بابونه خشخاش از هر یک

چهار درم کاشم پانزده درم فلفل سیاه چهار درم و در بعضی
نسخها تربت و چهار درم با انگبین مصفی بسرشند معجون
مقل بادبواسیر و بادیکه اندر روده باشد بشکند و آماس
معده را که از ان خون آید نافع باشد صفت آن هلیله کابلی
بلیله آمله تخم سفندان تخم شاه سفرم از هر یک پنجدرم مقل
پنجاه درم مقل را با آب کنند تا حل سازند و داروها بدان
بسرشند و شربتی دو درم معجون ماسک البول که ادرار بول را
نافع باشد و سیلان منی را باز دارد و خاصه مرد پیر را صفت
آن اقاقیا گلنار از هر یک شش درم صندل سرخ و سفید
عدس سرخ قصب الذریره تخم حماض صمغ عربی کثیرا از هر یک
ده درم تخم مورد دو مثقال کندر یکدرم سوده بگلاب بسرشند
شربتی از وی پنجدرم غذا قلیه و خشکه تناول کنند معجون
افیونی اسهال بلغمی و زحیر را نافع باشد صفت آن افیون
جند بیدستر میعه سائله بزر البنج زعفران مر اسارون تخم کرفس
سلیخه افیون سنبل الطیب گل ارمنی گلنار مساوی کوفته و بیخته

باشد چندان عسل بسرشند شربتی پنجدرم برب به یا آب سفرجل
یا آب سماق معجون بنفشه امراض سوداوی را نافع باشد
و سرفه را دفع کند صفت آن بنفشه مغز بادام شیرین از هر یک
ده درم تخم کاسنی سه درم مغز تخم خیارین مغز تخم کدو سلیخه
از هر یک پنجدرم کثیرا یکدرم اصل السوس یکدرم کوفته و بیخته
بقند و گلاب معجون سازند شربتی یکدرم بگلاب بیاشامند
معجون سقراط نسیان و مالیخولیا و صرع و بهق و برص و اوجاع
مفاصل و درد معده و داء الحیة و داء الثعلب را نافع باشد و
داء الفیل و تقطیر بول و سرفه کهنه و تب ربع و تب آر بلغمی را و عسر
البول بواسیر و یرقان و سدد و طحال را نافع باشد و غائله
سموم و دل را قوت دهد و باه را زیاده کند و حب القرع را
دفع کند و سنگ گرده و مثانه را بریزاند و حیض بگشاید و بوی
دهن را خوش کند و گرانی گوش و صداع را زائل کند و جمیع امراض
بلغمی و سوداوی و طحال را بغایت مفید بود صفت آن جنطیانا
فوه نانخواه مر مکی سلیخه حب الغار زراوند طویل از هر یک مثقال

اثیمون چند بیدستر حب البلسان عود بلسان سلیخه اسارون
مصطکی از هر یک یکدرم درونج عقربی زرنباد تخم کرفس تخم
جرجیر تخم پیاز تخم کندنا از هر یک دو درم صبر سقوطری ده درم
تربد سفید بیست درم عود خام دوازده درم جوزبوا ابریون [illegible]
قرنفل قاقله بسباسه [illegible] سنبل الطیب زعفران [illegible]
بهمان کرده زرنب شیطرج دارچینی از هر یک سه درم ورق
گل سرخ بادرنجبویه [illegible] از هر یک پنج درم سعد حب المحلب
از هر یک چهار درم هلیله سیاه پوست بلیله آمله از هر یک
شش درم کوفته و بیخته بروغن بادام تلخ چرب کنند و با سه
چندان عسل بسرشند و در ظرف آبگینه کنند و شش روز
در میان جو نهند شربتی از دو درم تا پنج درم معجون [illegible] نافع
از جهت کسیکه بواسطه درد معده طعام را قی کند صفت آن
اصول اذخر سعد از هر یک یکدرم [illegible] هلیله فلفل کبابه [illegible]
از هر یک نیم درم دانه مویز [illegible] زنجبیل دارچینی سلیخه [illegible] از هر
یک دانگی و نیم قرنفل [illegible] از هر یک دانگی دانه مویز را بکوبند [illegible]

و قدری آب اضافه نمایند و شیره آن بگیرند و بجوشانند تا غلیظ شود
داروها را دیگر کوفته و بیخته بدان بسرشند و هر روز مقابل یک
بادام تناول نمایند معجون [illegible] کهنه و خنزیر را نافع باشد
صفت آن چند بیدستر اسارون افیون میعه سایله بذر البنج
کنند [illegible] مساوی با عسل معجون سازند شربتی دو درم تا سه درم
معجون [illegible] معجون هندیان [illegible] و ترکیب عجیبست در خواص بسیار
دارد قولنج و لقوه و صرع و رعشه و نسیان [illegible] را نافع باشد
و معده را قوت دهد و باه را برانگیزد [illegible] سلس البول
را دفع کند [illegible] صفت آن زعفران فلفل سفید دار
فلفل شنجرف مغسول با آب لیمو صلایه کرده کبابه چینی مصطکی افیون
ماهی سقنقور سنبل بسباسه قرنفل دارچینی صندل زیره کرمانی سیاه
دانه تخم خربزه شاهتره از هر یک [illegible] تخم کاسنی تخم خشخاش
عاقرقرحا بهمن سرخ و سفید هلیله سیاه کهربا مرجان مرداسنگ
[illegible] لسان العصافیر تخم [illegible] دانه تخم [illegible]
کرده [illegible]

142
معجون [illegible] غنا
[illegible] را
زکام و نزله [illegible] ساکن کند و قطع
و درد [illegible] را ساکن کند و قطع
رفاس کند [illegible]
بقدر [illegible]
خورد صفت بذر البنج
[illegible] ۱۲
[illegible] خشک کرده فلفل ۱۲
تریاک [illegible] زعفران ۱۵
۱۵
سنبل الطیب عاقرقرحا ۱۴
فرفیون تمام اجزا را ۱۴
کوفته و بیخته با قدری روغن ۱۲
[illegible]
عسل را بقوام آورده
و اجزا را در [illegible]
برهم زنند تا معجون شود

کندر رومی بابونه جوز بوا آمله فاغله کبابه بلیله شیطرج نانخواه
جوز هندی بلیون سلیخه از هر یک ده مثقال اشترغار مغز چلغوزه
بهار کودکان حب الیسن خصیة الثعلب زرنباد درونج رازیانه کجله
افتیمون زراوند طویل پیاز عنصل زراوند مدحرج شاه تره
از هر یک پنج مثقال افیون مصری چهار مثقال عنبر خالص مشک تبتی
از هر یک یک مثقال ورق طلا ورق نقره از هر یک پنجاه عدد قند
سفید ربع اجزا عسل صاف مقابل اجزا فولاد مکلس دوازده مثقال
بدستور متعارف معجون سازند و بعد از شش ماه استعمال نمایند
معجون خبث الحدید بسیاری بول که از سردی معده باشد دفع کند صفت
آن خبث الحدید مدبر بیست درم قشور کندر که در سرکه خیسانیده
باشند یک شبانه روز پس خشک کرده و کوفته و بیخته بجذرم کبابه
چهار درم کشنیز خشک سه درم سوکران بقدار برشند شیر بهی
بامداد سه درم شبانگاه سه درم بشراب مبیه معجون را این
ورم صلب کند و معده را نافع باشد صفت آن ریوند چینی زنجبیل
[illegible] اشترغار از هر یک یکجزو تخم خرفه رازیانه افیون نانخواه

از هر یک نیم جزو کوفته و بیخته عسل سه وزن او دو به آن سرشند
شربتی مثل یک فندق معجونی که منع مستی کند صفت آن شاخ
بز محرق مقشر مغز بادام تلخ تخم کزبره بودنه کوهی ملح نفط
سداب نانخواه مساوی کوفته و بیخته بعسل معجون سازند
معجون بزوری درد معده و جگر و سپرز را سود دارد و بادها
بشکند صفت آن سلیخه حماما سنبل نانخواه رازیانه تخم کرفس
انیسون سیالیوس جند بیدستر شبت زراوند طویل مصطکی
اسارون کرده با اجزا مساوی با انگبین بسرشند معجون جوالی
ترکیب مولانا عماد الدین محمود جهت تقویت باه و معده و دل
و جگر و مثانه و گرده و سرخی رنگ روی و [illegible] نیکو باشد
و بوی دهن [illegible] صفت آن بیخ چینی اعلی پنجاه مثقال مروارید
سفید صلایه کرده دو مثقال سنبل دو مثقال ریوند چینی [illegible]
رومی از هر یک سه مثقال سنبل الطیب از هر یک سه درم مصطکی
عود قمار مایه شتر اعرابی زعفران مشک عنبر از هر یک دو
درم بسباسه صبیار دنیان از هر یک سه مثقال دارچینی قرنفل

زنجبیل از هر یک ده مثقال جوز بوا بسباسه از هر یک ده مثقال
ورد زرنج عقربی زرنباد از هر یک سه مثقال خصیة الثعلب نیم ماه
مثقال تخم کوز تخم شلغم تخم ترب تخم بجنه بلای سنخ
و سفید مشک عربی از هر یک سه مثقال بوزیدان سورنجان
از هر یک ده درم شقاقل ده درم کبابه خولنجان قسط
شیرین از هر یکی دو درم تودری سرخ و زرد از هر یک شش
مثقال سعد کوفی دو درم ورق سنبل الطیب سه بس ادویه مجموع را
کوفته و بیخته گاوزبان بادرنجبویه گل سرخ ودالکه از هر یک
ده مثقال جوشانیده صاف نموده آب آن را نگاه
دارند تخم خربزه تخم خیار تخم کاسنی تخم خرفه از هر یک
ده مثقال بکوبند نرم شیره آن بگیرند و آن شیره را
ملاب کنند آب به شیرین و آب سیب شیرین و آب
انار شیرین و گلاب از هر یک صد مثقال باقیند و عسل
مصاف مساوی سه وزن ادویه بقوام آورند مغز
فندق مغز بادام مغز چلغوزه از هر یک یک مثقال نرم بکوبند

ودر عسل بیاندازند

ودر عسل اندازند و زعفران را بگلاب حل کنند و بعد از ان که سرد
شده باشد اضافه کنند و بعضی دیگر این اجزا داخل کنند اسارون
آمله مقشر از هر یک سه مثقال گل مختوم صندل سفید و سرخ از هر یک
یک مثقال خشخاش سفید ترکیب ساخته در ظرف آبگینه یا ظرف
پاکیزه کنند معجون که نافع است از برای کسیکه عاجز باشد
از ازاله بکارت صفه آن زنجبیل دارچینی خصیة الثعلب شقاقل
جوزبوا لسان العصافیر مصطکی زعفران ودار فلفل بوزیدان
ورد احمر بهمن ابیض و احمر هیل تخم جرجیر از هر یک دو مثقال مشک
و عنبر از هر یک یکمثقال حب الفلفل سه درم زرد الکبریت یکدرم
عسل سه وزن ترکیب کنند مفرح مسیحی قرنفل پنجمثقال خولنجان کبابه
قرنفل جوزبوا از هر یک سه مثقال قاقله کبار و صغار از هر یک
سه درم تخم فرنجمشک ورق قرنفل از هر یک سه مثقال گاوزبان
بادرنجبویه از هر یک پنجمثقال سنبل الطیب اشنه از هر یک چهار مثقال زعفران
مصطکی از هر یک سه مثقال بهمن سرخ و سفید از هر یک چهار مثقال
ساذج هندی زنجبیل دارچینی فلفل از هر یک دو مثقال پوست ترنج

145

سه مثقال گل سرخ چهار مثقال سعد یک مثقال خصیة الثعلب سه مثقال لسان
العصافیر از هر یک سه مثقال عنبر اشهب دو مثقال لعل یک مثقال
مشک نیم درم مروارید کهربا از هر یک یکمثقال ورق طلا ورق
نقره از هر یک نیم مثقال جدوار اعظم بست مثقال دو وزن ادویه
عسل معجون سازند معجون المباه از ترکیب مولانا فخرالدین
شیرازی صفت آن بهمن سرخ و سفید خولنجان هر کدام پنج درم
زنجبیل سه مثقال بادیه شتر اعرابی شقاقل بوزیدان زرد و سفید از
هر یک یک مثقال حسک مقلی ده درم جوز بوا ده درم مغز بادام
مغز فندق از هر یک ده مثقال زعفران سه درم گاوزبان
یکمثقال بسباسه سه درم عنبر اشهب یکدرم ورق الخیال صد
مثقال بشکر کوبند جوشانیده صاف کرده با عسل بقوام
آورند و دیگر اجزا با آن سرشند معجون سنجری از ترکیب
شیخ ابو علی سینا مشهور است و فواید بسیار دارد و مقوی
باه است جگر و دل را قوت دهد هاضم طعام بود و مزید حافظه بود
و قوت باصره افزاید و قوت جماع را نگاه دارد و صفت آن

سنبل ده درم بسباسه جوز بوا قاقله صغار و زرنباد دارچینی قرنفل
زعفران بهمن سرخ عود صلیب سعد کوفی ساذج هندی از هر یک
شش مثقال تخم معصفر سه مثقال ماهی زهره تخم بست ماخواه
زهره گاو ماهی انیسون تخم جزر از هر یک سه مثقال مغز بادام شیرین مغز
پسته مغز تخم کدو از هر یک شش مثقال بهمن سرخ قند سفید از
هر یک سی مثقال عسل مقشر سه وزن ادویه بمقدار شربت دو مثقال
معجون مسکن منفعت کند پیران را که با حجی باشند صفت آن کزبره
سه درم ورد احمر یکدرم و نیم طباشیر سفید یکدرم کوفته و بخته بشربت
سیب و شربت ترش یکمثقال با ده درم از شراب سیب مفرح
که مقوی قلب و باه و معده است صفت آن مروارید ناسفته سه مثقال
لعل بدخشان فیروزه نیشابوری کهربا یشب حجر الیهود مشک
خالص از هر یک دو مثقال عود چهار مثقال پوست اترج سه مثقال قرنفل
دو مثقال قاقله قشر دارچینی از هر یک یکمثقال بهمن سرخ و سفید
از هر یک دو مثقال درونج عقربی سه مثقال زنجبیل خولنجان فلفل
دار فلفل از هر یک ده مثقال ساذج صندل سرخ و سفید ابریشم از هر یک

سه مثقال خصیة الثعلب دو مثقال شقاقل کل سنج از هر یک سه مثقال
طباشیر دو مثقال مصطکی یکمثقال قسط شیرین دو مثقال تخم کاهو سه
مثقال قرفه عاقرقرحا از هر یک دو مثقال فرفیون نیم مثقال بذر البنج
یکمثقال فنجنکشت دو مثقال افیون زعفران از هر یک دو مثقال
عسل سه وزن ادویه معجون برشعثا که بزبان هندی کاوریس
گویند صفت آن بیش یکمثقال و نیم فلفل دو مثقال و نیم عاقرقرحا
یک مثقال میوبنج یکمثقال عسل سه وزن ادویه و هر تواند بود که
کل واحد از ادویه یکمثقال و نیم باشد معجون که یقوی الباه
و یطیب النفس و یسخن البدن و ینفع ریح المعدة من برد الکلی و یزید
فی الحفظ صفت آن دارچینی چهار مثقال قسط شیرین سنبل از هر یک
چهار درم زعفران سه مثقال رازیانه زنجبیل نعناع خشک
صعتر فودنج الیابس سلیخه من کل واحد اربعة مثاقیل سادج هندی
دار فلفل فلفل ابیض فلفل اسود بهار دن بزر الانجره کردمانه قرنفل
خولنجان شقاقل من کل واحد اربعة مثاقیل و نصف عاقرقرحا بذر
اللفت بذر الشلجم من کل واحد مثقالان سمسم المقشر لب الفستق لب اللوز

لب الجلوزه من کل واحد عشرة مثاقیل عود هندی ثلث مثاقیل سکر
ابیض مثل الجمیع عسل مصفی ضعف الادویه معجون بهمنین فواید بسیار
دارد نسخه مولانا عماد الدین محمود صفت آن بهمن سرخ و سفید از هر
ده مثقال بوزیدان سرخ و سفید شقاقل از هر یک پنج مثقال خولنجان
سعد بخاری از هر یک دو مثقال رازیانه زراوند مدحرج دورونج عقربی
از هر یک سه مثقال خصیة الثعلب لسان العصافیر سه مثقال عاقرقرحا
سورنج از هر یک دو مثقال تخم پیاز تخم جرجیر تخم ترب از هر یک یکمثقال
تخم انجره سه مثقال خشخاش ده مثقال بذر البنج پنج مثقال کنجد مقشر
مغز تخم خربزه مغز تخم خیارین از هر یک ده مثقال دارچینی سنبل از هر یک
پنج مثقال مصطکی سه مثقال صندل سفید دو مثقال حب الزلم حب السمنه
حب الفلفل کبابه چینی عود هندی از هر یک سه مثقال زنجبیل فلفل قرنفل
از هر یک سه مثقال هیل یکمثقال جوز بوا دو مثقال اشنه سه مثقال مغز گردکان
مغز پسته مغز فندق نارجیل تازه از هر یک ده مثقال مغز پنبه دانه
تخم خرفه تخم کاهو ورق گل سرخ کشنیز خشک زرشک منقی از هر یک
یکمثقال آمله مقشر پوست بلیله پوست هلیله کابلی از هر یک ده مثقال

147

بادرنجبویه پنج مثقال گاوزبان ده مثقال طباشیر سفید سه مثقال تخم ریحان
تخم کشنیز از هر یک پنج مثقال حب الآس یک مثقال بادیان شیره اعرابی
پنج مثقال بسبایه صندل پنج مثقال درونج ده مثقال جایفه و ریحان پنج مثقال
تخم کشنیز پنج مثقال حلتیت یک مثقال بوزیدان سه مثقال زعفران
پنج مثقال آب انار شیرین آب امرود از هر یک صد مثقال آب سیب
صفاهانی دویست مثقال آب به شیرین صد مثقال گلاب پنج مثقال
عرق بید مشک عنبر اشهب هر یک دو مثقال مشک دو مثقال قند
سفید و نبات و عسل سه وزن ادویه معجون زبیب معدوع را
بغایت مفید باشد صفت آن پوست هلیله کابلی پوست هلیله
زرد آمله مقشر اسطوخودوس از هر یک ده درم عود صلیب پنج درم
عاقرقرحا سه درم مویز منقی یک رطل ادویه را کوفته و بیخته با مویز
کوفته معجون سازند شربتی پنج درم معجون اسیاپیوس همین خاصیت
دارد صفت آن اسیالیوس عاقرقرحا اسطوخودوس از هر یک ده درم
غاریقون پنج درم قرطم حلتیت زراوند مدحرج از هر یک دو درم
کوفته و بیخته سکنجبین عنصلی سرشته شربتی پنج مثقال معجون لسان را

نافع باشد صفت آن کندر روح سفید از هر یک ده درم فلفل زنجبیل
از هر یک پنج درم کوفته و بیخته بعسل سرشته شربتی یک مثقال معجون
که منع مستی کند صفت آن شاخ برسوخته مغز بادام تلخ کرنب فودنه
کوهی تلخ نفطی سداب نانخواه ساوی کوفته و بیخته معجون سازند
معجونی که سلس البول را باز دارد صفت آن کلنار ده درم کندر بلوط
از هر یک بیست درم سعد کرویا از هر یک پنج درم کوفته و بیخته بعسل معجون
سازند معجون دیگر که همین خاصیت دارد صفت آن شاه بلوط
هفت درم کلنار دو درم دار فلفل خصیة الثعلب از هر یک یک درم
کوفته و بیخته بعسل سرشته شربتی یک درم معجونی که باد ماهی تابان
آبستن را دفع کند و محافظت جنین نماید صفت آن زرنباد درونج
از هر یک ده درم مروارید ناسفته کهربا از هر یک یک درم جند بیدستر
یک مثقال دواء المسک از هر یک یک درم کوفته و بیخته بعسل معجون سازند
شربتی یک مثقال مفرح که همین خاصیت دارد صفت آن زرنباد درونج
جند بیدستر حلتیت بادزهر طباشیر از هر یک یک درم زنجبیل ده درم قند
سفید دوازده درم مشک نیم مثقال کوفته و بیخته بعسل سرشته

شبرمنی دو درم معجون مفاصل سورنجان ده درم سنا مکی یکدرم
اسارون زنجبیل زیره کرمانی دار فلفل از هر یک دو درم کوفته و
بیخته بعسل بسرشند شربتی دو مثقال با آب گرم مفرح معمول دل را
قوت دهد خفقان را نافع باشد و نشاط آورد و رنگ را نیکو
گرداند و تشنگی بنشاند صفت آن مروارید ناسفته بسد کاوزبان
عود خام از هر یک دو درم کهربا تخم کاهو کشنیز خشک از هر یک یکدرم
صندل سرخ و سفید طباشیر از هر یک بیست درم ابریشم گل سرخ
از هر یک شش درم سادج هندی زرنباد تخم فرنجمشک بادرنجبویه خشخاش
سفید بنفشه گل ارمنی از هر یک چهار درم زعفران درونج رومی عنبر
از هر یک دو درم کافور یکدرم مشک نیم درم کوفته بشراب سیب معجون
سازند مفرح معتدل که خفقان و ضعف دل را که از سردی باشد
نافع بود صفت آن گاوزبان بادرنجبویه بهمن سرخ و سفید تخم فرنجمشک
از هر یک هشت درم آمله مقشر بریان کرده هشت درم عود
قماری ده درم گل مختوم مروارید ناسفته از هر یک یک مثقال زعفران یکدرم
بسد سوخته قرنفل زرنب کشنیز دارچینی از هر یک یکدرم عسل هلیله یکچهاریک

یاقوت زرد محلول از هر یک نیم درم درونج عقربی یکدرم نیم مویز
منقی نیم من عسل هلیله و قند و منقی را با یکدیگر بقوام آورند و داروها
کوفته و بیخته با آن بسرشند شربتی یک مثقال مفرح حار خفقان حار را
نافع باشد و دل را قوت دهد صفت آن طباشیر گل سرخ بهمن سفید
گاوزبان کشنیز خشک نانخواه بوداده صندل سفید از هر یک یکدرم
مغز تخم خیارین مغز تخم کدو از هر یک چهار درم تخم خرفه [illegible] درم
زرشک منقی شش درم مروارید کهربا زعفران کافور از هر یک نیم درم
نبات مصری صد درم نبات را در عرق بیدمشک بگدازند و پنجاه
مثقال آب سیب بقوام آورند مفرح بارد خفقان و ضعف دل را
نافع باشد و نشاط آورد صفت آن بهمن سرخ و سفید یکدرم پوست
هلیله کابلی پوست بیرون پسته پوست ترنج ابریشم خام مقرض هلیله
ناسفته از هر یک دو درم گاوزبان شاهتره بادرنجبویه از هر یک
ده درم کشنیز خشک طباشیر از هر یک سه درم بسد کهربا زرنباد
درونج رومی از هر یک یکدرم عود خام یک مثقال آب انار آب حماض
آب زرشک از هر یک ده درم قند سفید شراب بنفشه از هر یک صد مثقال

آبها را با قند و شربت بقوام آورند و معجون سازند مفرّح معتدل خفقان
و ضعف دل را که از سردی بود سود دارد صفت آن پوست ترنج گل
سرخ و سفید از هر یک دو درم و نیم هلیله سیاه مغز بادام خشخاش سفید
کنجد مقشر از هر یک سه درم زعفران دو درم دارچینی سه درم
تخم کرفس یک درم مشک یک مثقال روغن بادام پنج مثقال نبات مصری
ترنجبین سفید از هر یک نیم من علی الرسم معجون سازند مفرّح دل را
چار طباشیر بهمن سفید بسد کهربا گل سرخ مروارید ناسفته از هر یک
یک مثقال صندل سفید کشنیز خشک دو درم تخم خرفه هشت درم زرشک
بیدانه ورق طلا محلول ورق نقره محلول از هر یک چند درم پوست بیرون
پسته یک درم قند سفید یکمن آب ترنج چهل مثقال بطریق معهود معجون
سازند مفرح دلگشا زرباد لعل لبابه از هر یک چند درم زعفران شش
درم جدوار الختم دو مثقال قند سفید پنجاه مثقال قند را در گلاب بگدازند
و بقوام آورند و معجون سازند مفرحی که خفقان سوداوی را نافع
باشد صفت آن سادج هندی سعد نانخواه انیسون تخم کرفس تخم
فرنجمشک از هر یک سه درم مروارید ناسفته بسد از هر یک یکدرم عصاره

افسنتین شش درم زعفران مشک از هر یک یکدرم بادرنجبویه ده درم
پوست ترنج دو درم گاوزبان بیست درم کوفته و بیخته با افسنتین
جوشانیده معجون سازند شربتی سه درم مربی هلیله معده را
قوت دهد و هاضمه را قوی گرداند و طبع را نرم کند و بواسیر را نافع آید
باصره را تیز کند و نسیان را زایل کند و آدمی را جوان نگاه دارد صفت
آن هلیله کابلی بزرگ صد عدد در ظرفی کنند و چندان آب بر سر
آن ریزند که آن را بپوشاند و خاکستر پاک پنجاه درم بر سر آن کنند
و چهار بوشت آن آب و خاکستر تغیر کنند هر سه روز یکبار بس بشویند
چنانکه پوست از وجدا نشود و در دیگی کنند و آب صافی بر روش
ریزند و یک کف جو مقشر نیم کوفته اضافه نمایند و بجوشانند
تا پخته شود پس بیرون آورد و دیگر باره بدان دستور بشویند
و هر هلیله را ده سوزن بزنند و در ظرفی کنند و چندان عسل بر سر آن
ریزند که آن را بپوشاند و بیست روز بگذارند و دیگر عسل تازه بر
سر آن ریزند و ده روز بگذارند بعد از آن اول و دوم را بجوشانند
تا بقوام آید و اگر ابزار دارو ها کنند بهتر باشد قرنفه قرنفل زنجبیل قاقله

جوز بوا مصطکی عود از هر یک پنج مثقال مشک بندریم زعفران یک
مثقال در ظرف چینی کنند و بعد از چهل روز استعمال نمایند
مربای شقاقل باه را قوت دهد و نعوظ آورد و مثانه را سود دارد
صفت آن شقاقل تازه در آب جوشانند و یکشبانه روز در آن آب را
بریزند و یکشبانه روز دیگر در آب تازه جوشانند و بعد از آن
مغز کنند و بجوشانند تا نیم پخته شود آنگاه عسل اضعاف بر سر آن
کنند و با آتش نرم بجوشانند تا بقوام آید و در ظرفی کنند
و بعد از چهل روز تناول کنند مربای بالنگ معده را قوت دهد
و فرح آورد و صفت آن گوشت ترنج را در دیگ کنند و آب بگذارند
تا نیم پخته شود و بیرون آورند و عسل اضعاف بر سر آن کنند و با آتش
نرم بجوشانند تا بقوام آید و اگر بقند خواهند پختن اما مربای بلیله
و بالنگ و شقاقل و جز زردک و کدو این جمله بعسل بهتر باشد و مربای ترنج و
به و امثال اینها بقند مربای جزر باه را قوت دهد و سپرز را
نرم کند و نفخ را محکم کند صفت آن زردک را پوست بکنند و پاره پاره
کنند و میان آن را بیندازند و بعد آب و عسل بجوشانند تا پخته شود

و بعد از آن بیرون آورند و در عسل اندازند و اندکی خوشبوی بدو دهند
و در ظرفی کنند و بعد از آن چهل روز تناول نمایند مربای زنجبیل
گرده و مثانه و معده بارده را نافع باشد و بول براند و بخار
بلغمی را سود دارد و باه را زیاده کند صفت آن زنجبیل آزاد و خوب را
در زیر ریگ کنند و بیست روز هر روز آب بر سر آن ریزند
بعد از آن بیرون آورند و بشویند و ریشه ریشه کنند و با آب
و عسل بجوشانند تا بقوام آید مربای کدوکان معده را قوت دهد
و باه را زیاده کند صفت آن بستانند کدوکان تازه که هنوز سخت نشده
باشد پوست از و جدا کنند و با آب و عسل بجوشانند تا بقوام آید
نافع باشد مربای وج قولنج ریحی و فالج و لقوه و صرع را نافع باشد
صفت آن وج ترکی فربه یکشبانه روز در آب جوشانیده بعد از آن
بیرون آورند و در آب و عسل بجوشانند تا بقوام آید مربای هندوانه
حرارت دفع کند و تشنگی بنشاند صفت آن بستانند پوست هندوانه
و سبزی از و بتراشند و سه روز در آب و آهک خیسانند
روز چهارم در نمک آب خیسانند روز چهارم در نمک خیسانند و یکشبانه روز

دیگر بگذارند پس بیرون آورند و شبانه روز در آب شیرین اندازند
و بعد از ان در آب قندی عسل بجوشانند تا بقوام آید مربی کدو
سینه و شش و مثانه را نافع باشد صفت آن کدو تازه بجوشانند
و مغز آن بیندازند و پاره پاره کنند و با آب عسل بجوشانند و بقوام
آورند مربی تمر هندی صفرا دفع کند و آب زایل کند و محروری
مزاج را موافق باشد صفت آن تمر هندی را از چوب و دانه پاک کنند
و در گلاب خیسانند یکساعت بعد از ان قند را بقوام آورند و تمر
بر رویش ریزند و چون یکجوش بزنند فرود گیرند مربی سیب معده و دل
را قوت دهد صفت آن سیب را پوست باز کنند و دانه بیرون
آورند و در آب بجوشانند تا نیم پخته شود پس با قند بقوام آورند
مربی به صفت آن مثل مربی سیب اما سیب را درست کنند
و به را پاره کنند سیب معده را قوت دهد و قی دفع کند و خفقان
و درد جگر را نافع باشد صفت آن آب به ترش چهار من شراب
هشت من عسل مصفی دو من مجموع را در دیگ ریزند و زنجبیل و مصطکی
و قاقله کبار و صغار و دارچینی کبابه قرنفل از هر یک هفت درم زعفران

سه درم همه را نیم کوفته کنند سوای زعفران و کوبه ریزند
و در آن اندازند و بجوشانند و زمان زمان کفچه می‌مالند تا شیره
تمام باز دهد و زعفران سائیده را اضافه نمایند و بقوام آورند
ماء العسل الاصول معده را قوت دهد و اشتها آورد و بول براند و
مفاصل و امراض بلغمی را نافع باشد صفت آن عسل یکجزو آب دو جزو
بجوشانند تا ثلثی برود و ثلث بماند و اگر مقویه خواهند دارچینی
خولنجان زنجبیل مصطکی سنبل بوا بسباسه کوفته و بیخته بقدر احتیاج
اضافه نمایند ماء الجبن مالیخولیا و جرب و حکه و یرقان و کلف
و امراض سوداوی را نافع باشد و صفرا براند و با افتیمون مسهل دوا
باشد صفت آن بز سرخ جوان صحیح البدن که چهل روز از زائیدن
او گذشته باشد چند روز کشنیز تازه یا کاهو یا کاسنی یا بادرنجبویه یا
آرد جو یا علف جو یا شاهتره خورده باشد و چون یکساعت خوش
بزنند یک رطل سکنجبین صادق که کوفته بر سر آن ریزند و بچوب انجیر پوست
کرده می‌جنبانند پس از آتش فرو گیرند و در کرباس اندازند و
بیاویزند تا آب از او بچکد و آن آب را بگیرند و دیگر باره بجوشانند

دکف بر دارند و با سکنجبین بنوشند هر روز یک رطل شربت و دفعه چنانکه
میان هر دو دفعه دو ساعت باشد و بعد از هر نوشیدنی چند گام
بروند ماء الاصول حار نوشش مر اوجاع مفاصل بلغمی و سوداوی را
نافع باشد صفة آن پوست بیخ رازیانه پوست بیخ کبر بیخ کرفس
بیخ کاسنی اصل السوس خطمی از هر یک ده درم تخم کاسنی رازیانه تخم کرفس
سورنجان زیره کرمانی نانخواه از هر یک پنج درم انجیر زرد مویز
منقی از هر یک بیست درم در شش رطل آب بجوشانند تا به نیم آید
و صاف کرده هر روز سی درم با ده درم گلقند بنوشند ماء الاصول
بارد اوجاع مفاصل حار را نافع باشد صفة آن عناب سپستان از
هر یک سی عدد پوست بیخ رازیانه پوست بیخ کاسنی از هر یک ده درم
تخم کاسنی و رازیانه از هر یک پنج درم سورنجان سه درم در سه رطل
آب بجوشانند تا به نیمه آید و صاف کنند و هر روز سی درم با ده
درم بنوشند ماء الاصول دیگر که لقوه و فالج و صرع و جمیع امراض
سوداوی و بلغمی را نافع باشد و استسقا و اوجاع مفاصل را سود دارد
صفة آن پوست بیخ کرفس پوست بیخ رازیانه از هر یک ده درم

پوست بیخ کبر پنج درم تخم کرفس انیسون رازیانه بیخ اذخر از هر یک چهار
درم حب بلسان اسارون از هر یک ده درم سلیخه خطمی بابونه
از هر یک دو درم و نیم عود بلسان بوزیدان هزار اسفند از هر یک
سه درم مویز منقی بیست درم در ده من آب بپزند تا یک من آید
و بپالایند شربتی سی مثقال با ده مثقال روغن انجیر و پنج درم روغن
بادام تلخ ماء الاصول دیگر گشاده جگر و سپرز بگشاید و برود
معده و جگر و سپرز و استسقاء بلغمی را نافع باشد صفة آن پوست بیخ
کرفس رازیانه از هر یک هفت درم بیخ اذخر تفاح اذخر از هر
یک پنج درم سنبل مصطکی از هر یک یکدرم و نیم فوفل منقی عود بلسان از هر
یک دو درم غافث افسنتین گل سرخ شکاعی بادآورد پوست بیخ
کبر از هر یک سه درم انجیر ده عدد مویز منقی بیست درم در شش
رطل آب بجوشانند تا به نیمه آید و صاف کنند هر روز چهل درم با
یکدرم روغن بادام تلخ و یکدرم روغن بادام شیرین بنوشند ماء
البزور بادها را پراکنده کند و اخلاط غلیظ را دفع کند و قوت نضج دهد استسقا
طحال را نافع باشد صفة آن تخم کاشم زیره کرمانی کرویا تخم ...

از هر یک کفی در سه رطل آب بجوشانند تا بیکرطل آید و صاف کنند و هر
صبح و شام بیست درم از این بسته درم روغن بید انجیر مطبوخ هلیله
اسهال صفرا کند صفت آن پوست هلیله زرد شش مثقال آلوی سیاه بیست
دانه سپستان سی دانه شاهتره سنای مکی از هر یک پنج درم گل سرخ
چهار درم عناب ده دانه رازیانه تخم کاسنی تخم کرفس تخم کشوث از هر
یک دو درم عنب الثعلب اصل السوس بنفشه نیلوفر از هر یک سه درم
در سه رطل آب بجوشانند تا بنیمه آید و صاف کنند و شیرخشت
و تمر هندی از هر یک پانزده مثقال دران حل کرده بنوشند مطبوخ فواکه
حمیات حاره را نافع باشد و صفرا دفع کند صفت آن سنای مکی هفت
درم بنفشه عنب الثعلب نیلوفر از هر یک سه درم عناب سپستان از هر یک بیست
عدد گل سرخ چهار درم در سه رطل آب بجوشانند تا بنیمه آید تمر هندی
و شیرخشت از هر یک ده درم ترنجبین بیست درم دران حل سازند
و بیاشامند مطبوخ افسنتین معده گرم و ضعف را نافع باشد صفت
آن افسنتین پنج درم گل سرخ شش درم تمر هندی بیست درم ترنجبین سی درم
گل و افسنتین را بجوشانند و صاف کنند و تمر هندی را دران حل کنند و

یکدرم

یکدرهم ایارهٔ فیقرا حب ساخته فرو برد و از عقب آن این مطبوخ بنوشند
مطبوخ افیثمون صفرای سوخته و بلغم سوداوی را نافع باشد و امراض
سوداوی را نفع کند صفت آن سنای مکی هفت درم گل سرخ چهار
درم افیثمون در کتان بسته پوست هلیله زرد و سیاه از هر یک پنج درم
بسفایج فستقی اصل السوس رازیانه از هر یک دو درم اسطوخودوس پر
سیاوشان شاهتره گاوزبان بادرنجبویه بنفشه نیلوفر از هر یک
سه درم مویز منقی سپستان از هر یک سی دانه در سه رطل آب
بجوشانند تا بنیمه آید صاف کرده گلقند آفتابی مغز خیار شنبر روغن
بادام چرب کرده و ترنجبین از هر یک پانزده درم حل کرده بنوشند
مطبوخ سورنجان اوجاع مفاصل را نافع بود صفت آن سنای مکی
هفت درم گل سرخ پوست هلیله زرد از هر یک چهار درم سورنجان
رازیانه تخم کرفس پوست بیخ رازیانه افسنتین افیثمون قنطوریون دقیقی
از هر یک دو درم پرسیاوشان گاوزبان بادرنجبویه از هر یک
سه درم بجوشانند و صاف کنند گلقند ده مثقال ترنجبین بیست
مثقال دران حل کرده باز جوشانند نافع باشد مرهم شادنج بواسیر و شقاق

مقعد را نافع باشد صفت آن نشا و نخ مغسول گل ارمنی عصاره
لحیة التیس از هر یک سه درم افیون سه مثقال و چهار حبه سفیداب
زبان گاو سبز با گل ارمنی مانند
ده درم زعفران یک درم روغن بنفشه بادام و روغن گل بادام
از هر یک ده درم موم سفید را در روغن بگدازند و دارو ها کوفته و
بیخته بدان ممزوج سازند و با ده درم شیر دختران در هاون بیک
بمالند تا مرهم شود مرهم کافوری بر کندن لب و مقعد و سوزش ناصور
و سوختن آتش را نافع باشد صفت آن مرداسنگ و سفیداب ارزیز
موم سفید از هر یک پنج درم روغن بیست درم موم را در روغن بگدازند
و ادویه کوفته و بیخته اضافه نمایند و در هاون بسایند تا هموار شود
و بگدازند تا خشک شود و یک سفیده تخم مرغ و قدری کافور داخل سازند
و در هم سایند مرهم [illegible] اورام صلبه مثل خنازیر و سرطان و سلعه را
نافع باشد و جراحتها را از گوشت مرده و ریم پاک کند و ناصور را
بصلاح آورد صفت آن جاوشیر و زنجار و بارزد و مر از هر یک دو
درم اشق هفت درم کندر زراوند طویل از هر یک سه درم مقل
و مرداسنگ از هر یک چهار درم و راتینج از هر یک ده درم روغن زیت

یک رطل

یک رطل سفیداج را در سرکه حل کنند و موم را در روغن بگدازند
و بسر زند و با آن ضم کنند و بیکدیگر بمالند تا مرهم شود مرهم باسلیقون
اورام صلبه را نرم کند و بپزاند و از ریم پاک کند و گوشت بر رویاند
صفت آن زفت رازیانه موم سفید از هر یک هفت مثقال بارزد
چهار درم روغن زیت سی مثقال موم را در روغن بگدازند و باقی
ادویه را در آن حل کنند و مرهم سازند مرهم خل گوشت نو بر رویاند
و جراحتها خشک گرداند صفت آن مرداسنگ ده درم صلایه کرده
با ده درم موم بیست درم روغن گل سنج حل کرده با قدری سرکه بهم
سازند مرهم زنگار لحم زاید را بخورد و ریشهای کهنه را خشک کند
صفت آن زنگار ده درم صلایه کرده با موم و علک البطم و راتینج
از هر یک پنج درم و سی درم روغن زیت بگدازند و در یکدیگر کنند
و با یک درم انزروت کوفته و بیخته با یکدیگر بمالند تا مرهم شود مرهم
دیاخیلون اورام صلبه را نرم کند و پخته گرداند صفت آن
مرداسنگ ده درم صلایه کرده و یک چهار یک از روغن زیت در [illegible]
کنند و بجوشانند تا رنگ بگرداند پس فرو گیرند و بگدازند [illegible]

بمسن بگیرند و لعاب حلبه و لعاب تخم بزرگ و لعاب بزر قطونا و لعاب خطمی از
هر یک پنجاه درم بهم نرم کنند و بر سر آن بیز بیزند تا آتش می جوشانند
و کفچه می‌زنند تا غلیظ شود و مهرا کرده و در زیر کنند مرهم سرنج
سرطان و خنازیر را نافع باشد و زخمها را باصلاح آورد و بخته
گرداند صفت آن مرداسنگ بیخته درم کنند زر باز زرد و شمع موم از هر یک ده درم
علک البطم سرنج از هر یک بیست درم آنچه بگداختنی است بر آتش نهند
بگدازند و آنچه کوفتنی است بکوبند تا با آن ممزوج سازند و در هاون بمالند
تا مرهم شود مرهم سیاه گوشت مرده بخورد و ریشها را باصلاح آورد
صفت آن مرداسنگ [illegible] بیست درم علک البطم بیخته در روغن
زیتون بهم شمع موم یک مثقال بگداخته در روغن زیت بگدازند
و مرداسنگ را صلایه کرده در آن افشانند و مرهم سازند مرهم
توتیا جراحت خبیث را سود دارد صفت آن توتیا بیست درم
صلایه کرده موم پنجاه درم روغن گل گداخته مرهم سازند مرهم
جراحت گوشی را نافع است صفت آن [illegible] هفت درم عسل هشت
درم در یکدیگر بجوشانند تا بقوام آورند و ده درم زنگار ده

افشانند و مرهم سازند و فتیله را بدان تر سازند و در گوش نهند
مرهم تا بگنانی گوشت برویاند صفت آن سفیدآب ارزیز سه درم [illegible]
انزروت صبر مرکند از هر یک دو درم موم [illegible] درم شمع را در روغن بگدازند
و داروها کوفته و بیخته با آن ممزوج سازند و در هاون بمالند تا مرهم شود
مرهم آنکه سوختن آتش را نافع باشد صفت آن مرداسنگ خبث الحدید
خبث الفضه سفیده تخم مرغ را با یکدیگر مرهم بسازند چنانکه رسم است
مرهم سفیدآب گوشت برویاند و جراحت خشک گرداند و حرارت
بنشاند صفت آن سفیدآب ارزیز موم سفید از هر یک ده درم [illegible]
مجموع مرهم سازند مرهم سنگرف سرطان و خنازیر و ناسور و اصلیه را
نافع باشد صفت آن مرداسنگ بیخته درم کنند و بازرد و اشق و موم سفید
از هر یک ده درم علک البطم شش درم شنگرف هشت درم
روغن زیتون یا روغن گل سرخ پنجاه درم بدستور مرهم سازند
مرهم گلنار نمله متاکله را نافع باشد صفت آن مازو سبز
مرداسنگ زرد و جوبه از هر یک یک جزو گلنار بزرگ عصاره لسان الحمل
از هر یکی دو جزو موم سفید و روغن گل مرهم سازند چنانکه رسم است مرهم

سرطان در روی بنشاند و جراحت را بصلاح آورد صفت آن توتیای سبز اقاقیا
از هر یک ده درم صندل سفید یکدرم شیاف مامیثا چهار درم سرطان
سوخته یکدرم موم سفید چهار درم روغن گل ده مثقال بطریق متعارف مرهم
سازند مرهم عسل جرب از جراحات و دمامیل پاک کند صفت آن عسل را
بجوشانند تا غلیظ شود و برابر آن انزروت کوفته ممزوج سازند و مرهم
نمایند مرهم دیگر که جراحت آتشک را نافع باشد صفت آن سفیداب توتیا
دم الاخوین از هر یک سه درم مرداسنگ دو درم زنگار دو درم موم نه درم
روغن بیست درم مرهم سازند مرهم خشک ریشان مرداسنگ توتیا
عناب ... کشنیز تازه موم سفید مرهم سازند مرهم دیگر که بواسیر
را نافع بود صفت آن مقل میعه سائله از هر یک دو درم روغن مغز زرد
آلو ده درم مقل و میعه را در روغن گداز زنند و مرهم سازند مرهم دیگر
که همین خاصیت دارد بلکه از آن اقوی و انفع است صفت آن مقل
کوبان پیه مغز ساق گاو مغز استخوان زرد آلو سوخته میعه تر
شهدانه تخم مرغ روغن گل سنجد بیکدیگر ممزوج ساخته مرهم سازند
مرهم دیگر که بواسیر را نافع بود و درد را ساکن کند صفت آن مغز ساق
گاو پیه مرغ کوبان شتر روغن گل سایده بیکدیگر بجوشانند و قدری
افیون اضافه کنند و در هاون سخت بمالند و مرهم ساخته استعمال نمایند
مرهم دیگر که از جهت بواسیر عظیم النفع است صفت آن پیه بط و ماکیان

پیه بز

پیه مغز ساق گاو چهار درم روغن مغز زرد آلوی تلخ روغن مغز ...
و روغن گل از هر یک ده درم میعه سائله دو مثقال مقل ازرق بیست
درم آب کنند تا ... موم سفید مقل را در آب کنند تا حل سازند
و روغنها را با موم و میعه یکجا گداز زنند و با مقل محلول در هاون ممزوج زنند
و استعمال کنند باب النون نقوع هلیله صفرا براند و صداع حار را
نافع باشد صفت آن پوست هلیله زرد ده درم آلو سیاه سبستان
عناب از هر یک سی عدد تمر هندی بیست درم بنفشه تخم کاسنی از هر یک
سه درم مغز خیار شنبر ده درم ترنجبین پانزده درم در شب در
پنجاه درم آب بخیسانند و صباح صاف کرده بیاشامند نقوع فواکه
صفرا دفع کند و تشنگی بنشاند صفت آن آلوی سیاه آلوی کشمشی
عناب سبستان از هر یک سی عدد تمر هندی ده درم زرد آلوی خشک ده عدد
قند سفید ده درم ترنجبین ده درم شب بخیسانند و صاف نموده بیاشامند
نقوع صبر صداع حار را نافع است صفت آن آب کاسنی هفتاد مثقال
صبر سقوطری چهار دانگ در آن حل کنند و سه روز در آفتاب بنهند و شب
در جای گرم نهند و در شب بپالایند و بنوشند نقوع صبر نوعی دیگر
صداع بلغمی را نافع باشد صفت آن سنبل افسنتین فقاح اذخر
تخم کرفس رازیانه نانخواه زیره کرمانی از هر یک کفی در یک من و نیم آب
بپزند تا به نیم من آید بپالایند و بیست درم صبر در آن حل کنند و سه روز
در آفتاب بگذارند و از چهار ... صاف کنند شربتی نیم درم ...

نوع صبر نسخه دیگر صداع سوداوی را نافع باشد صفت آن افتیمون
ده درم اسارون پنج درم قنطوریون مصطکی از هر یک سه درم صبر
سقوطری شش درم او وتر بهم کوفته در شش رطل آب گرم خیسانند
و سه روز در آفتاب نهند روز چهارم صاف کنند شربتی چهل درم
با یکدرم روغن بادام حلو نطولی که خواب آورد و سرسام را نافع
باشد صفت آن بنفشه تخم کاهو پنج درم پوست خشخاش گل سرخ نیلوفر
پوست کدو تازه بابونه از هر یک ده درم کشنیز خشک چهار درم در پنج من
آب بپزند تا به نیمه آید و سر به بخار آن بدارند نطولی که صداع
بارد را نافع باشد صفت آن بابونه اکلیل الملک برگ کرفس رازیانه
تخم کرفس زیره کرمانی مرزنجوش صعتر شبت جوشانیده سر به بخار
آن بدارند نطولی که صداع ریحی را نافع است صفت آن بابونه اکلیل
الملک برگ کرفس رازیانه تخم کرفس زیره کرمانی مرزنجوش صعتر شبت
جوشانیده سر به بخار آن بدارند نطولی که صداع سوداوی را نافع
باشد صفت آن بنفشه نیلوفر اکلیل الملک بابونه سبوس خشک
سادج هندی قرنفل جوشانیده سر به بخار آن بدارند نطولی که
گرانی گوش را که از عقب بیماری پیدا شده باشد و سبب آن
بخارات باشد نافع است صفت آن بابونه اکلیل الملک قیصوم
از هر یک ده درم مرزنجوش اذخر پوست بیخ رازیانه پوست
بیخ کرفس گل سرخ از هر یک پنج درم در دو من آب بجوشانند تا به نیم

[illegible]

157

من آید و سر و گوش بر بخار آن بدارند نطولی که نشان آمدن را از
اعضا ببرد صفت آن گل سرخ هفت درم بنفشه یکدرم نیلوفر
صندل سرخ و سفید نیم کوفته تخم کاهو تخم کاسنی از هر یک هفت من آب بجوشانند
تا به سه من آید و بپالایند و چون از حمام خواهد آمد بر اعضا بریزند
نطولی که صداع حار را نافع باشد صفت آن بنفشه نیلوفر نیم کوفته
تخم کدو کوفته برگ بید بزر قطونا تخم خرفه پوست خشخاش بیخ لفاح تخم خطمی
تخم کاهو برگ بید گل سرخ جوشانیده سر به بخار آن بدارند نطولی
دیگر که سنگ گرده و مثانه را پاک کند و بیرون آورد و بول براند صفت
آن بابونه گل سرخ اکلیل الملک خطمی خشک از هر یک ده درم پوست
خربزه خشک پرسیاوشان تخم ملفوف نیم کوفته از هر یک هفت درم
بهمنان اصل السوس پوست بیخ رازیانه از هر یک پنج درم کاکنج حلبه از
هر یک چهار درم برنجاسف بنفشه از هر یک سه درم و وقو برگ نیلوفر
از هر یک دو مثقال در ده من آب بجوشانند تا به نیمه آید و در آن
نشینند و چون بیرون آید دو سه قطره روغن عقرب در احلیل
چکانند نطولی که همین خاصیت دارد صفت آن بابونه درمنه ترکی
تمام مرزنجوش برگ سیر کوهی بجوشانند و در آب آن نشینند
و ثفل آن بر عانه و حوالی آن ضماد کنند نطولی که همین خاصیت
دارد صفت آن درمنه ترکی برگ سداب سداب خود تره برگ [illegible]
سنبل مرزنجوش تمام خطمی شلغم بابونه شبت [illegible] بجوشانند تا [illegible]

ونفل آن را بر عانه ضماد کنند و در آب آن بنشینند نطولیکه همین منفعت
دارد صفت آن بنفشه نیلوفر گل سرخ خطمی از هر یک پنجدرم خشک
بابونه پوست خشخاش بزره اکلیل الملک برگ کرنب از هر یک سه درم بجوشانند
و در آن آب بنشینند و ثفل آن را بر عانه و موضع گرده ضماد کنند
نطولی که از فرط طمث را نافع باشد صفت آن گل سرخ برگ مورد از
هر یک ده درم شب یمانی و مازو نیم کوفته گلنار از هر یک پنجدرم پوست
انار نیم کوفته جوز السرو کزمازج از هر یک سه درم اقاقیا دو درم
مجموع را بجوشانند و در آن بنشینند و قرص کهربا و رب السوس بخورند
نطولیکه مقعد [illegible] جنین [illegible] کنند و نگذارد که پیش از وقت بیرون آید
صفت آن گل سرخ هشت درم گلنار کزمازج از هر یک پنجدرم برگ
مورد خشک چهار درم شب یمانی پوست انار از هر یک سه درم و نیم
کوفته بجوشانند بر آن بنشینند نطولیکه از جهت خروج مقعد [illegible]
صفت آن گلنار پوست انار حب بلوط مورد تر گل سرخ مازو
از هر یک قدری نیم کوفته بجوشانند و در آن بنشینند نطولی که سده
بینی بگشاید صفت آن لادن چوب گز بجوشانند و به بخار آن سر بدارند
و یا سبوس گندم در سرکه بجوشانند و سر به بخار آن بدارند نفوخی
که گند بینی ببرد صفت آن زاج سنگ قرنفل سعد کوفته و بیخته در بینی دمند
نفوخی که مسکوت را بهوش آورد صفت آن کندش جوزبوا [illegible] کوفته
و بیخته اندک اندک در بینی دمند نفوخی که صداع مزمن را نافع باشد

صفت آن عصاره [illegible] قثاء الحمار بخور مریم نطرون کوفته و بیخته در بینی دمند
شونیز عصاره قثاء الحمار هم همین عمل کند شونیز فلفل با [illegible] همین
عمل کند نفوخی که صرع را نافع باشد صفت آن شحم حنظل قثاء الحمار نوشادر
کندش فلفل [illegible] کوفته و بیخته بقدر احتیاج در بینی دمند که مفید است
باب الواو وجوریکه چون در دهن مصروع ریزند بهوش آید صفت آن
حلتیت جندبیدستر کوفته و در سکنجبین عسلی حل کرده وجور سازند وجوریکه
همین خاصیت دارد صفت آن رازیانه انیسون زیره کرمانی جوشانیده
و صاف نموده گل قند آفتابی در آن حل کرده وجور سازند وجوریکه
نافع است از جهت غشی که بعد از اسهال است صفت آن مشک و سنگ کوفته
در آب سیب حل کرده در حلق کنند وجوریکه از جهت صداع اطفال نافع
بود صفت آن صعتر جندبیدستر زیره کرمانی سداب کوفته و بیخته بسه
چندان به شیر زنان در شیر حل کنند و در گلوی طفل بریزند وجوریکه
نافع است از جهت سرفه اطفال صفت آن رب السوس کثیرا صمغ عربی نشاسته
فانیذ از هر یک سه درم مغز بادام دو درم عسل یک درم روغن بادام تلخ
یکدرم پنجدرم فانید را با عسل بجوشانند و صاف کنند و ادویه را کوفته
روغن بادام با آن ممزوج سازند و قدری از آن در دهن طفل بریزند
که مفید است باب الیاء یاقوتی که خفقان و غشی را نافع باشد و دل را
قوت دهد و فرح آورد صفت آن مروارید ناسفته شش درم بسد چهار درم
یاقوت رمانی گل مختوم بادرنجبویه بهمن سرخ و سفید صندل سرخ و سفید
از هر یک دو درم ورق طلا ابریشم مقرض [illegible] هندی زرنباد درونج

از هر یک یک مثقال لاجورد مغسول یکمثقال و نیم لعل و کهربا بسیله فرزنگ مغز گشنیز
خشک تخم گل پوست ترنج گاوزبان ریوند چینی تخم کاسنی عود هندی ابریشم
مقرض از هر یک سه درم طباشیر انغب درم صندل سفید و سرخ گل
سرخ از هر یک یکدرم کافور ریاحی عنبر اشهب از هر یک دو مثقال مشک
تبتی نیم مثقال شیر آمله پوست هلیله کابلی گلاب اشربه سیب آب انار
شیرین اشربه از هر یک بیست درم کوفتنی را بکوبند و به بیزند و با
شراب ها و آب انار بقوام آورند و معجون سازند و بعد از چهل
روز که در میان جو نهاده باشند استعمال نمایند شربتی یکمثقال یاقوتی
که خفقان و وسواس و ضعف دل را نافع باشد و اعضای رئیسه را قوت
دهد و لون را صافی کند و نشاط تمام آورد و سودا را دفع کند صفت آن
یاقوت سرخ لسد که بادجر لاجورد گل ارمنی سنبل الطیب سادج
هندی بهمن سرخ بادرنجبویه از هر یک دو مثقال یاقوت زرد یاقوت
کبود یاقوت سفید عقیق مروارید ناسفته پوست بیرون پسته بادر
نجبویه گل مختوم عنبر اشهب طلای محلول نقره محلول دارچینی درونج
عقربی سفید از هر یک چهار مثقال لعل فیروزه لسب ابریشم قرنفل
نیلوفر صندل سرخ و سفید دارچینی کبابه چینی قاقله کبار و صغار از
هر یک سه مثقال زعفران یکمثقال و نیم تخم فرنجمشک گاوزبان طباشیر
از هر یک پنج مثقال آمله مقشر پوست پسته از هر یک ده مثقال
عصاره زرشک بازده درم مشک طالقانی یکمثقال و نیم کافور نیم
مثقال آب سیب آب به از هر یک یکمن آب حماض نیم من گلاب عرق

بید مشک نبات مصری یکمن و نیم نبات را در گلاب و عرق بیدمشک و آب
سیب و به بقوام آورند و چون فرو گیرند آب حماض بران ریزند
و ادویه را کوفته و بیخته و جواهر صلایه کرده با آن بسرشند شربتی یکنیم
مثقال یاقوتی قوتی التفریح و آن را از خاصیة تفریح زوفاک گویند و دل و
جگر را قوت دهد و مالیخولیا و امراض سوداوی را بغایت نافع باشد صفت
آن مروارید ناسفته مرجان کهربا و فرنجمشک از هر یک یکدرم صندل سرخ و
سفید طباشیر زرنباد درونج سادج هندی عود قماری ابریشم مقرض پوست
ترنج از هر یک دو درم گاوزبان درونج عقربی لعل یاقوت عقیق یمنی ورق
طلا ورق نقره عنبر اشهب زعفران کافور از هر یک یکدرم مشک نیم درم
قند سفید پنجاه درم عسل صاف کرده بجا هر درم معجون سازند چنانکه رسم است
یاقوتی که ضعف دل و وسواس سوداوی و خفقان را زایل کند و دل را قوت
دهد و نشاط آورد و هرچه تمامتر صفت آن مروارید ناسفته تخم بادرنجبویه
پوست بیرون پسته پوست ترنج صندل سفید ورق گل سرخ از هر یک سه درم
بهمن سرخ و سفید کبابه چینی از هر یک یکدرم و نیم کهربا لسب قرنفل
سادج هندی دارچینی از هر یک یکدرم لعل عود خام از هر یک یکمثقال یاقوت
زرد عنبر اشهب ورق نقره محلول از هر یک نیم مثقال بهمن سرخ و سفید
گشنیز خشک طباشیر از هر یک دو درم زرنباد کافور قیصوری از
هر یک یکدرم گاوزبان آمله از هر یک یکدرم عصاره زرشک ده درم
زعفران دانگی و نیم شراب به بیست مثقال شراب حماض نیم من شراب سیب
چهل مثقال داروها کوفته و بیخته و جواهر صلایه کرده در شربتها بقوام آورند
شربتی یکمثقال یاقوتی دیگر یاقوت حجر لاجورد لسب سنبل قاقله صغار

گل ارمنی عنبر اشهب فادزهر ماه قرنفلین ورق طلا ورق نقره از هر
یک یک مثقال مروارید ناسفته کهربا بهمن سفید کشنیز خشک پوست
هلیله زرد آمله مقشر تخم کاهو مشک خالص از هر یک دو مثقال بادرنجبویه
پوست ترنج گاوزبان طباشیر سفید عود خام ابریشم مقرض از هر
یک چهار مثقال زرنباد سادج هندی شقاقل زرشک منقی گل نیلوفر
مصطکی زعفران از هر یک سه مثقال جانب یکمن و نیم آب به آب
سیب آب امرود آب انار شیرین گلاب عرق بید مشک عرق گاو
زبان از هر یک چهار رطل نبات را در عرقها بگدازند و آب میوها
بقوام آورند و ادویه کوفته و بیخته و جواهر صلایه کرده در آن
بپرشند و بعد از چهل روز استعمال نمایند یاقوتی دیگر یاقوت
زرد یاقوت سرخ لعل بحجر لاجورد عقیق یمنی ماه قرنفلین خطائی [illegible]
گل مختوم گل ارمنی از هر یک یک مثقال کهربا مروارید ناسفته بهمن سرخ
و سفید قرفه نارمشک قاقله شقاقل صندل سرخ و سفید زرنباد منقی
گل نیلوفر پوست هلیله کابلی مصطکی ابریشم خام مقرض از هر یک سه مثقال
فادزهر حیوانی عنبر اشهب از هر یک یک مثقال و نیم زرنباد سعد هندی کبابه
چینی ورق گل سرخ کشنیز خشک آمله مقشر تخم کاهو ورق طلا
ورق نقره از هر یک دو مثقال فرنجمشک طباشیر سفید از هر یک چهار مثقال
قاقله کبار چهار مثقال زعفران مشک تبتی از هر یک نیم مثقال نبات
مصری ادویه آب به و آب سیب آب امرود از هر یک نیم من گلاب
و عرق بید مشک هر یک از عرق گاوزبان ده درم آب انار [illegible]

یکمن عسل سفید مصفی یکمن نبات را در عرقها بگدازند و با عسل
و آب میوها بقوام آورند و ادویه کوفته و بیخته و جواهر صلایه کرده با آن
بپرشند شربتی یک مثقال بنوشند یاقوتی دیگر نسخه شیخ ابوعلی بالنحو نیا
ولمراثمن بود و اورا ابنخت ملتخ سوداوی و خاص جهت نماینده آورده که قصاری
رئیسه را قوت دهد صفت آن یاقوت رمانی گاوزبان تخم کاهو مشک
خالص کافور از هر یک یک درم مروارید ناسفته کهربا از هر یک دو درم و نیم
ابریشم مقرض سرطان نهری محرق از هر یک یک مثقال دو دانگ نخاله طلا
سکلس دو دانگ تخم فرنجمشک تخم بادروج بالنگو خود دو درم از هر یک سه
درم بهمن سفید عود خام حجر ارمنی مغسول لاجورد مغسول سلیخه دار
چینی زعفران قاقله کبار و صغار قرنفه ماه قرنفلین خطائی از هر یک
یک مثقال افتیمون ده درم و نیم بسفایج سادج هندی از هر یک دو
درم دو روغن عنبر اشهب از هر یک دو مثقال تخم خیار زرورق گل سرخ
از هر یک چهار درم گلاب صد مثقال شراب [illegible] شراب سیب
شراب انار عذب از هر یک سه مثقال عسل صاف بقدر احتیاج
بطریق معهود معجون سازند شربتی یک مثقال بعد از چهل روز استعمال
نمایند والله اعلم بالصواب والیه المرجع والمآب تمت الکتاب [illegible]
الملک الوهاب [illegible] الظفر
سنه ست عشرین و مائة و الف [illegible]
[illegible]

BLANK PAGE

foliated 3/23/70 JA

Loose material follows

... سرعتي كه لازم است در حدود
اشتغال بكارهای ديگر يا مسائل
... اين وظيفه شده اطمة بحقوق
... های قانونی دائره انحصار
... قانوني بايد ...

[illegible]

[illegible]

۵ قرانه

۱۹ شماره مسلسل ۱۰۳۵

اعلانات

...سطری ۴ دوم وسوم ۳ چهارم ۱ قران

...صوصی در حکم اعلا...

بعموم

دیانت واسلا...

مسلمانان راح...

اوّلیه متحصنین...

بوده است ا...

...چند نفری ا...

داخله یکساله ۹۰ قران

خارجه « ۱۲۰

ساسیه صنوعربه ملک گوسا

نفشای سیف افتیمو

بلقاب [illegible]

ماره

حب سازند

هرجنی کردی

فروخته ثابت رنك عنوان به موارد

قالی اوقات بعضی - چهارم

قالی عنوان به نیست ایرانی اصلا

میرسانند فروش معرض

باشدت فوق‌الذکر مواضع و معایب

قالی ایران وا ...ای

در ایران

END OF REEL

PLEASE REWIND

UCLA Reprographic Service